

ترکیہ

جغرافیا - اقتصاد - تاریخ - تمدن - فرهنگ

تألیف

ژان - پلرو

ترجمہ

دکتر خانبا با بیانی



کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

در این اثر مفید و جامع و ارزنده ، مؤلف اطلاعات بسیار جالبی در بارهٔ اوضاع سیاسی و جغرافیای طبیعی و پیشرفتهای فرهنگی و اقتصادی و صنعتی کشور دوست و همسایهٔ ما ، در اختیار خوانندگان میگذارد . نگارنده نه تنها ما را با سرگذشتها و سوابق درخشان ترکیه ، و ترقی و انحطاط آن در دوران تاریخ و نقش مهم ملت ترك و مسلمان در تمدن بشریت ، آشنا میسازد ، بلکه از نهضت بزرگ سیاسی و نظامی و ترقی و تحول عمیق و سریع فرهنگی و اجتماعی ترکیهٔ معاصر بتفصیل بحث میکند .

مترجم دانشمند نیز علاوه بر ترجمهٔ متن کتاب با استفاده از منابع و مآخذ جدید و معتبر در شناساندن ترکیهٔ جوان امروزی از راهنمایی درینغ و مضایقه ننموده است .





شکر



۱	۱۰
۱	۵

۵۹۲۶۰



نگارخانه اسناد و کتابخانه ملی

بنگاه ترجمه و نشر کتاب در سال ۱۳۳۲ تأسیس یافت
و این اثر چهارصد و بیست و نهمین نشریه آن است

بنگاه ترجمہ و نشر کتاب

ہیئت مدیرہ :

مهندس جعفر شریف امامی

ابراہیم خواجہ نوری ، محمد سعیدی ، دکتر احسان یارشاطر

بازرس : ادوارد ٹوزف

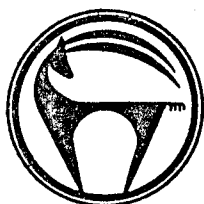
۲۳۰۲۹

انتشارات
بنگاه ترجمه و نشر کتاب

۴۲۹

مجموعه معارف عمومی

۷۶



بنگاه ترجمه و نشر کتاب

از این کتاب دوهزار نسخه روی کاغذ اعلا در چاپخانه

بهمن بطبع رسید

حق طبع مخصوص بنگاه ترجمه و نشر کتاب است.

Copyright 1974

مجموعه معارف عمومی

شماره ۷۶

ترکیه

جغرافیا - اقتصاد - تاریخ - تمدن - فرهنگ

تألیف

ژان - پلرو

وابسته به مرکز ملی تحقیقات علمی

ترجمه

دکتر خانبابا بیانی

استاد تاریخ دانشگاه تهران



نگاره ترجمه و نشر کتاب

تهران ، ۱۳۵۲

THE UNIVERSITY OF CHICAGO

1962

1962

1962

1962

1962

1962

1962

1962

1962

1962

1962

1962

1962

1962

غرض از انتشار مجموعهٔ معارف عمومی
این است که يك رشته کتب ارزنده در فنون مختلف
علوم و معارف به معنی وسیع آن که برای تربیت
ذهنی افراد و تکمیل اطلاعات آنان سودمند باشد به
تدریج ترجمه شود و در دسترس طالبان قرار گیرد .
امید می رود که این مجموعه درمزید آشنائی
خوانندگان با جهان دانش و مسائل علمی و فرهنگی
دنایای امروز مؤثر واقع شود و فرهنگ دوستان و
دانش پژوهان را به کار آید. ا . ی .

فهرست مندرجات

۱	مقدمه مترجم
۶	مقدمه مؤلف
	بخش اول :
۹	فصل اول : جغرافیای طبیعی و انسانی
۶۶	فصل دوم : جغرافیای اقتصادی
	بخش دوم : تاریخ .
۱۲۳	فصل اول : ترکان
۱۵۵	فصل دوم : عثمانیها
۲۰۰	فصل سوم جمهوری ترکیه
	بخش سوم : تمدن و فرهنگ .
۲۴۷	فصل اول : اندیشه و تمدن
۲۶۳	فصل دوم : ادبیات و موسیقی
۲۸۹	فصل سوم : هنر
۳۱۵	منابع مورد استفاده مترجم

مقدمه مترجم

«امپراطوری عثمانی فرمانروای سه چهارم دنیای مدیترانه و قدرت اصلی جهانی در قرون پانزدهم تا هفدهم میلادی که قلمرو فرمانروائی آن در سه قاره زمین گسترده شده بود، نقش مهم و اساسی را در تاریخ آن زمان بعهده داشت.

دوران انحطاط و زوال این امپراطوری در قرن نوزدهم و اوائل قرن بیستم، با وجود چشم داشت و طمعی که دولتهای معظم اروپائی بدان داشتند، مانع از این نشد که در سیاست بین الملل قرن معاصر اثرات و نفوذ قابل ملاحظه ای نداشته باشد.

با استقرار نظام جمهوری باینکه ترکیه فقط به سرزمینهایی که منحصرأ از نژاد خالص ترك مسكونی شده بود، محدود میگردد. معذلك هنوز مانند پلی میان اروپا و آسیای حوزه دریای مدیترانه قرار دارد و در صحنه سیاست و دیپلوماسی و نظامی دنیای کنونی نقش عمده ای را بعهده گرفته است. کشور ترکیه با اتخاذ چنین نظامی به جانب تمدن و فرهنگ اروپائی سوق داده شد و خود را طرفدار نهضت ملی معرفی و بدان عمل نمود.»

محقق ژرف بینی که ترکیه جدید را مورد مطالعه قرار میدهد در ماوراء شهر - های جالب توجه و عظمت آثار باستانی و زیبایی های مناظر طبیعی به مسائلی مواجه میشود که ناچار باید آنرا در زیر ذره بین قضاوت قرار دهد. در بادی امر متوجه میشود که این کشور برای رسیدن به سعادت و نیکیبختی و عدالت اجتماعی حقیقی با چه مشکلاتی مواجه شده است. امری که بیشتر به این دشواری می افزاید اتخاذ روش

سرعت عمل و خودداری از شك و تردید و بازگشت به گذشته است. موضوع مهم این است که «انسان بیمار اروپا» در مدت نیم قرن موفق گردید، به استثنای مسئله قبرس، تمام مسائل داخلی را حل و فصل کرده با همسایگان خود در روابط و مناسبات حسنه باشد.

ملت ترك از جمله ملتهائی است که برای تحقق بخشیدن و نیل به پیروزی و برتری، از پیش آمدها و جریان وقایع حداکثر استفاده را کرده حتی به خشونت نیز دست زد و پس از رسیدن به هدف و آرزوی خود زندگی آرام و صلحجویانه‌ای را در سرزمینی که بکلی با امپراطوری سابق خود متفاوت بود، انتخاب نمود. با وجود تسلط طولانی به کشورهای بالکان و حتی تهدید وین پایتخت امپراطوری اتریش، معدلك به قسمت کوچکی از ناحیه ترانس در اروپا، که بیش از صد کیلومتر طول ندارد، قناعت نمود و نیز با اینکه زمانی به بغداد و قاهره و دمشق و بیت المقدس و مدینه و قفلیس حکومت میکرد، حاضر شد در آسیا فقط به آناتولی و آسیای صغیر اکتفا نماید. این امر میرساند که تاجراندازه ملت ترك به رشد طبیعی خود رسیده است.

ترکیه توانست از طریق اتخاذ روش ناسیونالیسم راه خود را برای اینکه همسایه شایسته‌ای برای کشورهای مجاور باشد، انتخاب کند. مردم ترکیه در سابق بیشتر خود را عثمانی میدانستند تا ترك ولی به محض اینکه از فتوحات امپراطوری محروم ماندند به معنای حقیقی موجودیت خویش پی بردند. زمانی به این حقیقت رسیدند که لازم بود هزاران مصائب و دشواریها و ناکامیها را که آخرین آن شکست خونین سال ۱۹۱۹ که نتیجه انحطاط و زوال نظام امپراطوری بود، پشت سر بگذارند. بازگشت به دوران صلح که دنباله نهضت ملت علیه حکومت قدیم بود به این معنا نبود که مردم ترکیه از قدرت ارتشی خود، که قرون متمادی تفوق آنرا در میدانهای جنگ محرز داشته بود، عدول نماید. نبرد سال ۱۹۲۳ علیه یونانیان بر سر تصرف آخرین

پایگاههای یونان در آسیای صغیر و تصمیم دولت بر خلاف ادعای اتحاد جماهیر شوروی بلافاصله پس از خاتمه جنگ بین الملل دوم در موضوع اشغال ولایات قارص و اردهان و پایگاههایی در بغاز داردانل و نیز شرکت ارتش ترکیه در جنگ کره (سال ۱۹۵۰)، دلیل بر این مدعاست.

ترکیه در حال صلح با خود و با همسایگان سر نوشتهش را به عنوان کشوری رابط بین دوسرپل اروپا و آسیا معین کرده است. از جانب ایالت تراس خود در اجزاء کشورهای اروپائی میداند و بدان هم مباحثات می کند. بهمین مناسبت به نام عضو مؤسس شورای اروپایی در سال ۱۹۵۲ به پیمان آتلاتیک ملحق شد و سپس به عضویت بازار مشترك پذیرفته گردید.

از طرف دیگر با داشتن آسیای صغیر خود را آسیائی دانسته با عضویت در پیمان سنتو (Central Treaty Organization) این عنوان را کمتر از اروپائی بودن تلقی نمیکند. ترکیه که خود را در جمع کشورهای بالکان میداند، با وجود خاطره های تلخ، با بلغارستان و یونان روابط حسنه برقرار نمود و بخصوص در امر جهانگردی همکاریهای مفید با آن کشورها میکند و باینکه مذهب رسمی این کشور اسلام است معذلك باد دولت اسرائیل و کشورهای عرب در حال صلح و دوستی بسر میرد. ترکیه نه تنها مانند پلی میان آسیا و اروپا قرار گرفته بلکه کلید دریای سیاه را نیز در دست دارد. مسئله بغاز هاراکه در سابق معضلتترین مسائل و وسیله مبارزه و سیاست بازیهای دولتهای ذینفع بود با دیپلوماسی عاقلانه و پشتیبانی کشورهای متحده امریکا در سالهای ۱۹۴۶ - ۱۹۴۵ به نفع خود حل و فصل کرد. ترکیه با چنین وضعی موفق گردید خود را کشوری صلح طلب و خواهان ترقی و پیشرفت در تمام شئون سیاسی و اقتصادی و اجتماعی به جهانیان معرفی نماید و با دوستی و برقرار کردن روابط حسنه با کشورهای دیگر مقام مؤثری را در سیاست بین الملل و جهانی احراز نماید.

اولیای محترم ترجمه و نشر کتاب بنیاد پهلوی در صدد برآمدند برای شناسائی بیشتر کشورهای همسایه مجموعه‌ای از تاریخ آنها، اقتباس و ترجمه از کتابهای خارجی به زبان فارسی، که حاوی اطلاعات جامع و مختصر و مفیدی از اوضاع جغرافیائی و تاریخی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و هنری باشد، در دسترس عامه بگذارد. بنابراین ترجمه و تهیه کتابی درباره ترکیه، کشور دوست و برادر، به عهده این جانب واگذار گردید. باینکه تاکنون کتابها و نشریات مختلف و پراکنده‌ای درباره امپراطوری عثمانی و ترکیه جدید به زبان فارسی چاپ و منتشر شده است ولی چون یا بسیار مختصر و یا منحصر آ جنبه تاریخی دارد و برای آشنائی کامل و جامع این کشور و نیز هدف و منظور بنگاه نشر کتاب وافی به مقصود نبود، پس از مطالعات زیاد کتاب (تاریخ ترکیه تألیف ژان پل رو) فرانسوی برای ترجمه انتخاب گردید. تصادفاً ضمن ترجمه این کتاب بنا به دعوت دولت ترکیه برای مدت کوتاهی به این کشور عزیمت نمودم. این دعوت صمیمانه این جانب را بر آن داشت که اسناد و مدارك جدیدی از اوضاع کنونی کشور ترکیه بخصوص در مباحث اقتصادی و اجتماعی جمع آوری نمایم. مقامات محترم دولت ترکیه با خوشروئی و حسن قبول تقاضایم را پذیرفتند و اسناد و مدارك کافی و شافی در اختیارم گذاشتند.

در مراجعت با مطالعه آن اسناد بهتر دیدم که ضمن ترجمه کتاب مزبور که اطلاعات آن به سال ۱۹۵۲ میلادی خاتمه می‌یابد، اطلاعات و مدارك جدید را با تذکار هر قسمت آن که از کدام سند و مدرك گرفته شده است به متن ترجمه بیفزایم که هم اصالت ترجمه حفظ شود و هم تکمله‌ای برای آن باشد. بهمین منظور عمل کردم و کتاب حاضر را ترجمه و تدوین نمودم که امیدوارم مورد پسند ارباب دانش و تحقیق و بخصوص جوانان و دانشجویان دانشگاهها واقع شود. باید یادآور شوم که هر چه جستجو کردم که شاید شرح حالی از مؤلف دانشمند کتاب که برآستی در تدوین

آن زحمات فوق العاده‌ای متحمل شده‌اند ، بیابم برایم میسر نشد.
از این تقصیر پوزش می‌خواهم گرچه این اثر مفید و محققانه خود بهترین
معرف و شناسائی ایشان خواهد بود.

درخاتمه از اولیای محترم بنگاه ترجمه و نشر کتاب بنیاد پهلوی که به ترجمه
و نشر این کتاب مبادرت ورزیدند و نیز از مقامات محترم دولت ترکیه که اسناد و مدارك
مفیدی برای تکمیل این کتاب در اختیارم گذاشته‌اند صمیمانه سپاسگزاری می‌نمایم.

دکتر خانبا با بیانی
استاد تاریخ دانشگاه تهران

تهران : ۱۳۵۱

مقدمه مؤلف

امپراطوری ترك عثمانی فرمانروای سه چهارم دنیای مدیترانه و قدرت اصلی جهانی از قرون ۱۵ تا ۱۷ میلادی که قلمرو آن در سه قاره کرم ارض گسترده شده بود، نقش مهم و اساسی را در تاریخ بشریت بعهده داشت. دوران انحطاط و زوال این امپراطوری در قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ با وجود چشم داشت و طمعی که دولتهای معظم اروپائی بدان داشتند، معذک مانع از این نشد که در سیاست بین الملل قرون معاصر اثرات و نفوذ فوق العاده ای نداشته باشد.

جمهوری جوان ترکیه جانشین امپراطوری کهن گردید. ترکیه که از این پس بر زمینهای که فقط از ترکان مسکونی شده بود، محدود میگردد، توانست آنچه را که در ظاهر از دست داده بود، بدست آورد. هنوز مانند پلی میان اروپا و آسیای حوزه مدیترانه قرار دارد. در صحنه سیاسی و دیپلماسی و نظامی دنیای کنونی هنوز مقام شامخی را عهده دار است. کشور ترکیه با وجود اینکه از مدتی پیش بطرف فرهنگ و تمدن اروپائی متمایل شد معذک توانست با حفظ اصول و سنن اسلامی خود را یکی از مجربترین طرفداران نهضت جدید ملی معرفی نماید، ارزش چنین عملی قابل ملاحظه و انعکاس قدرت فعاله نهضت جدید ملت ترکیه در سراسر دنیای مسلمان بسیار عمیق و نافذ واقع گردید.

میان ترکیه و فرانسه از دوران امپراطوری تا عصر حاضر، با وجود بعضی حوادث زود گذر، پیوسته روابط و مناسبات دوستی برقرار بوده است، فرهنگ و

زبان فرانسه هنوز در میان اکثریت روشنفکران ترکیه معمول و متداول است. در فرانسه حیثیت و شخصیت ترکیه بهمان قرار سابق باقی است و مردم فرانسه ملت ترك را بدیده احترام مینگرند. ادبیات کلاسیک فرانسه در تاریخ عثمانی نفوذ کرده آثار فراموش نشدنی از خود بر جای گذاشته است. سیاست فرانسه پیوسته و بادقت امور ترکیه را در مد نظر دارد، مورخان و زبان شناسان فرانسوی امور اجتماعی و زبان این کشور را بادقت خاصی مورد مطالعه و تحقیق قرار داده اند کمتر فرانسوی است، حتی آنهایی که در طبقات پائین قرار دارند، که از مردم ترکیه چیزی شنیده باشند و در اطراف آنان بحثی نکرده باشند.

بر هر فرانسوی لازم و ضروری است که به شناسائی ترکیه ادامه داده و اگر بر حسب اتفاق اطلاعات ناقص و یا غلطی از این کشور دارد خود را اصلاح کرده ترکیه جدید را آن طوریکه در حال حاضر است، بشناسد. اگر اتفاقاً اجتماع مردم فرانسه و یا حتی قسمتی از روشنفکران فرانسوی نتوانسته اند ترکیه کنونی را بنحو احسن و شایسته بشناسند به این دلیل است که کتابها و انتشارات جدیدی که باید معرف این کشور باشند در دسترس نیست. بهترین کتابهایی که از تاریخ ترکیه موجود است متعلق به بیست سال پیش می باشد بنابراین در انتظار بودیم کتاب جامعی که تمام مباحث جغرافیائی و اقتصادی و فرهنگی و سیاسی و تاریخی کشور ترکیه در آن گفتگو شود منتشر شده مورد استفاده قرار گیرد. تا اینکه آقای «ژان پلرو» به این کار مفید دست زد و با استفاده از منابع موثق و صحیح و اطلاعات شخصی و بخصوص نظر مساعدی که نسبت به ترکها داشت کتاب حاضر را برشته تحریر در آورد. آقای «رو» در تابلوی زنده ای جزئیات زندگی مردم ترکیه را تشریح کرده مارا در جریان آخرین پیشرفتهای آنان، پیشرفتهائی که هنوز ادامه دارد و نتایج آن برای آینده دنیای مدیترانه که بما تعلق دارد، میگذارد.

امیدواریم که این کتاب برای خوانندگان بی‌شمار آن و برای تمدن شرق، تمدنی که با وجود هزاران تغییر و تبدیل و تحول هنوز در زندگی مغرب زمینی اثرات بسزائی دارد مفید فایده قرار گیرد.

نوئی بازن^۱

زندگی جدید ترکیه را چهار واقعه مهم مشخص می کند که سه واقعه آن باینقرار با تاریخ داخلی این کشور ارتباط پیدا می کند: اعلام جمهوریت (۱۹۲۳)، تثبیت حق آزادی مخالفت (۱۹۴۵) و روی کار آمدن حزب دموکرات (۱۹۵۰)، واقعه چهارم که بتاریخ خارجی آن مربوط میشود الحاق دولت ترکیه به منشور آتلاتیک در سال ۱۹۵۲ است.

وقایع چهارگانه کشور ترکیه را بصورت و وضعی غیر از آنچه در سابق بود درآورد و آنرا در راهی انداخت که برای آینده این کشور و يك قسمت از دنیای کنونی شایان اهمیت می باشد.

برای تجزیه و تحلیل ترکیه جدید بنظر رسید که اوضاع این زمان را مورد مطالعه و دقت قرار دهیم.

ژ. پ. رو^۲

بخش اول

فصل اول

جغرافیای طبیعی و انسانی

کلیات

ترکیه در جنوب شرقی اروپا، همجوار با چندین کشور، قرار دارد. از جانب تراس^۱ (ترکیه اروپائی) جزء شبه جزیره بالکان و از طرف آناتولی (آسیای صغیر) در حوزه مدیترانه و سرزمین آسیای صغیر واقع شده قسمتی از خاور نزدیک را تشکیل می دهد. از مشرق به ایران و کشورهای عربی و قفقاز (و به وسیله این سرزمین به روسیه) محدود می شود. ترکیه چون در عین حال هم در قاره اروپا و هم در قاره آسیا گسترش دارد در چهار راه دو شاهراه ارتباطی بسیار مهم قرار گرفته است که یکی از آنها شاهراه دریائی در محور بغازها (دار داندل و بوسفور) ترکیه آسیا را از ترکیه اروپا جدا میکند که بدان شاهراه مدیترانه می گویند و دیگری راه خشکی است که در امتداد شمال غربی و جنوب شرقی به طرف قاره آسیا امتداد می یابد و این همان راه شرق نزدیک و بالکان می باشد.

سرزمین ترکیه در میان ۳۶ و ۴۲ درجه عرض شمالی و ۲۵ و ۴۵ درجه طول شرقی به موازات کشورهای اسپانیا و ژاپن و قسمت مرکزی کشورهای متحده امریکا

واقع شده. مساحت آن ۷۷۶۷۲۰ کیلومتر مربع است. از این مساحت ۲۴۰۰۰ کیلومتر آن در اروپا و ۷۵۲۷۲۰ کیلومتر مربع آن در آسیا قرار گرفته است. به این ترتیب ملاحظه می شود که ترکیه از نظر جغرافیائی کشور آسیائی است.

مرزهای ترکیه طبق معاهده لوزان در سال ۱۹۲۳ تثبیت و ترمیم شده است. مرز ترکیه و عراق که در سال ۱۹۲۵ به موجب تصمیم سازمان ملل متحد مرز ترکیه و سوریه در سال ۱۹۳۹ با استرداد ناحیه سنجاقلهائی^۱ (ناحیه آلکساندرت. اسکندرون و اناکیه) به ترکیه اصلاح و ترمیم گردید.

در اروپا سرزمین کنونی ترکیه به یونان و بلغارستان و دریای سیاه و دریای مرمره و دریای اژه محدود میشود.

رودخانه ماریتزا^۲ که به دریای اژه میریزد خط مرزی یونان و ترکیه را که تقریباً از ناحیه آندرینوپل^۳ (به ترکی ادرنه)^۴ شروع می شود تشکیل می دهد در این ناحیه است که ترکیه به ۲۴ درجه طول جغرافیائی میرسد و حتی از آن هم تجاوز می کند.

در آسیا، ترکیه از طرف شمال به دریای سیاه و از سمت مغرب به دریای مرمره و دریای اژه و از سوی جنوب به دریای مدیترانه محدود می شود. در قسمتهای شرقی کشور اتحاد جماهیر شوروی به وسیله جمهوری گرجستان و ارمنستان و ایران و عراق و سوریه با ترکیه هم مرز هستند. در امتداد خط سرحدی سوریه و عراق و ایران مرزهای ترکیه تقریباً منظم و شکل هندسی به خود می گیرد. و هیچیک از آنها با اتفاقات تاریخی و مناسبات نژادی و جغرافیائی وفق نمیدهد. از میان خطوط مرزی ترکیه اگر مرز یونان و ترکیه را مستثنی نمائیم رود ارس که بسوی دریای خزر جاری است پس از اینکه ایران و اتحاد جماهیر شوروی را از یکدیگر جدا کرد

خط مرزی طبیعی میان ترکیه و اتحاد شوروی قرار می گیرد. طول خطوط مرزی ترکیه در خشکی ۲۶۳۲ کیلومتر و سرحدات دریائی آن ۷۲۶۸ کیلومتر است. اگر مجموع اراضی ترکیه را در نظر بگیریم دوشبه جزیره می بینیم که یکی به طرف شرق کشیده می شود: تراس (ترکیه اروپا) و دیگری به سوی غرب امتداد می یابد با وسعت و ارتفاع بیشتر: آناتولی. این دوشبه جزیره به وسیله بغازها و دریای مرمره از یکدیگر جدا می شوند.

ارتفاعات

شمال شبه جزیره آناتولی ناحیه ای است کوهستانی که کوههای آن به ارتفاع ۱۵۰۰ تا ۳۰۰۰ متر از مغرب به طرف مشرق کشیده شده است. این رشته کوهها از سه یا چهار گروه به عرض ۶۰ تا ۱۰۰ کیلومتر موازی با ساحل دریا با چین خوردگیهای طولی که ارتباط با داخل کشور را مشکل می سازد، تشکیل گردیده و در مغرب به کوه های کورداغلو^۱ و ایلکز^۲ (۲۵۶۵ متر) و در مشرق به کوه کچکر^۳ (۳۹۳۷ متر) ختم می شود. در جنوب در امتداد ۹۰۰ کیلومتر رشته کوهها به شکل کمان هائی عمود به ساحل قرار دارد. این دسته کوهها عبارتند از: لیس^۴ با حوزهای به ارتفاعهای مختلف از ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ متر و قله هائی با ارتفاع بیش از ۳۰۰۰ متر و توروس^۵ (در ترکی ترس)^۶ مرکب از دو دیواره طبیعی که بر اثر شکستگی نقاط انتهائی مدزیداغ^۷ به ارتفاع ۳۵۸۵ متر و کالدی^۸ به ارتفاع ۳۷۳۴ متر و آنتی توروس با ارتفاع کمتری صعب العبور که به ارتفاعات کردستان ختم میشود، بوجود آمده است. در طول ساحل کوهها به دشتهای جلگه های بسیار حاصلخیز (پامفیلی و سیلیسی) منتهی می گردد. میان این دوسلسله کوه آناتولی مرکزی در فلات مرتفعی به ارتفاع متوسط ۱۰۰۰

Katchkar. -۳	Ilgaz. -۲	Koroglu. -۱
Toros. -۶	Taurus. -۵	Lycie -۳
Kaldi -۸		Medetsizdaghe. -۷

متر دور از دریا و متوجه به طرف مغرب، محصور از دماغه‌هایی که از کوهها منشعب گردیده (مانند امیر داغ ۲۲۴۰ متر و قزل داغ ۳۰۱۵ متر) قرار گرفته است این ناحیه از استپ پوشیده شده است. ناحیه لیکائونی^۱ که از سمت جنوب به صحرای نمکزار وسیعی منتهی میشود دارای دریاچه‌های متعدد با آب شور (به استثنای دریاچه آق کل) که از دوران پلیوسن^۲ باقی مانده اند و با وسعت‌های مختلف میباشد. دریاچه‌ها و مرداب‌های این منطقه سرزمینی به مساحت بیش از ۹۰۰۰ کیلومتر مربع را فرا گرفته است. در جنوب رشته جبال آتش فشانی (حسن به ارتفاع ۳۲۵۳ متر) فلات در سمت مشرق مرتفع گردیده و کلاسی و کوه‌های آتش فشانی قیصریه و آرژه^۳ (ارسیاس) ۳۹۱۶ متر از دسته آتش فشانیهای جدید را می‌سازد. رشته جبال متراکم شرقی بر جلگه‌های قفقاز و بین‌النهرین مشرف است این رشته منحنی شکل از ارتفاع ۴۰۰۰ یا ۳۰۰۰ متر به تدریج به سمت داخل پائین آمده فلاتی به ارتفاع ۱۵۰۰ و ۱۸۰۰ متر تشکیل می‌دهد. در جنوب غربی میان کردستان و آنتی توروس عبور و مرور به سهولت انجام می‌گیرد (در جبهه جنوب به خرپوت ۴۵ کیلومتر و گردنه‌هایی به ارتفاع ۱۵۰۰ متر). در نقاط دیگر توده‌های سلسله کوهها به تدریج وسعت گرفته به ارتفاع آنها افزوده شده و تشکیل سد و مانع بزرگی را می‌دهد. جلگه آسیری در ۳۰۰ متری شکستگی دیار بکر در دامنه کوه به مسافت ۷۰۰ متر واقع شده است. قله‌های این کوه از برآمدگیهای وسیع متحدالشکل که از شستشوی رودخانه‌ها احداث شده تشکیل گردیده است. در شمال شرقی، حاشیه کوهستانی از سواحل دریای سیاه شروع شده به طرف سرزمین‌های جمهوریهای اتحاد جماهیر شوروی و ایران ادامه می‌یابد. داخل این فلات یا از رشته کوه‌های منفرد و گاهی مرتفع و آتش فشانی از جمله کوه‌های سبحان به ارتفاع ۴۴۳۴ متر و نمرود که دهانه آن هشت کیلومتر

یکی از وسیعترین دهانه‌های آتش‌فشانی جهان است، پوشیده شده و یا از رشته کوههای آتش‌فشانی پیوسته مانند آرادات^۱ و آگری^۲ به ارتفاع ۵۱۶۵ متر متصل به آرادات صغیر به ارتفاع ۳۹۱۱ متر. تمام این رشته کوهها در ترکیه نتوانسته‌اند سدی برای عبور و مرور فراهم آورند. دریاچه وان در ارتفاع ۱۷۰۰ متر منطقه‌ای به مساحت ۳۷۶۴ کیلومتر مربع را فرا گرفته است.

در منتهی‌الیه شبه‌جزیره آناتولی حوزه مرمره سرزمینی مرتفع با برآمدگیهای و برجستگیهای ملایم مشرف بر المپ دو بورسا^۳ (۲۵۰۰ متر) و در معرض زلزله‌های متوالی، واقع گردیده است. اژه^۴ تنها منطقه‌ای است در آسیای صغیر که در آن پست و بلندی به اشکال مختلف پدید و فور یافت میشود. در این منطقه یک رشته کوههای متعدد یا باشیب ملایم و یا باشیب تند (نقاط بن‌بست در شمال بزداغ به ارتفاع ۲۱۵۷ متر و در جنوب هوناز داغ به ارتفاع ۲۵۷۱ متر و آق‌داغ به ارتفاع ۲۴۴۹ متر) مشرف به جلگه‌های رسوبی و زلزله خیز، وجود دارد.

ایالت تراس در رشته کوههای پوشیده از جنگل محصور شده و دومدخل در آن وسایل ارتباط را با جلگه بلغار فراهم می‌سازد، به این قرار: دره ماریتزا^۵ و گردنه توندزا^۶ به طول ۵۰ کیلومتر و عرض ۲۰ متر میان این دوسد و دریا حوضه‌ای متمایل به شمال در حدود ۴۸۰ متر که به تدریج از سمت جنوب از ارتفاع آن کاسته می‌شود، قرار دارد.^۷

سواحل

در شمال، ساحل دریای سیاه به خط مستقیم و بدون وجود خلیج از داخله خشکی

- | | | |
|--|------------|--------------------|
| ۱- منتهی الیه خاک ترکیه . | ۲- Agri | ۳- Olympe de Bursa |
| ۴- Egée | ۵- Maritza | ۶- Tundza |
| ۷- در ترکیه بیش از ۱۵۰ قله وجود دارد که ارتفاع آنها بیش از ۳۰۰۰ متر است. | | |

جدا می‌شود. در عقب حوضچه دره‌های کوچک و بدون اهمیت واقع شده و دوبندر مهم سامسون^۱ از جانب گردنه کواک^۲ (۷۹۵ متر) و طرابوزان از جانب تسیگنه^۳ این دریا را به داخله خشکی مرتبط می‌سازد.

به عکس در جنوب، چین خوردگیها و رشته کوههای عمودی بنادری را بوجود آورده است که به این ترتیب ارتباط با دریا را بسیار سهل و آسان ولی در مقابل ارتباط با داخله کشور را دشوار می‌نماید. دو خلیج بزرگ فعالیت زیادی را برای سواحل این منطقه بوجود آورده است به این قرار: خلیج آنتالیا و خلیج اسکندرون. بغازهائی که دو قاره اروپا و آسیا را از یکدیگر جدا میکند به شکل دو شط بزرگ می‌باشند. داردانل به طول ۶۰ کیلومتر و به عرض متوسط ۴ کیلومتر (جدا کثر ۵ و ۷ کیلومتر در جنوب و حداقل ۱۷۰۰ تا ۱۲۷۰ متر) در شمال سواحل بغازیک نواخت و بدون پست و بلندی و با شیب ملایم است. عمق بغاز در حدود ۵۰ تا ۶۰ متر است و جریان آب که در سطح از طرف دریای سیاه به طرف دریای مدیترانه با سرعت ۳ کیلومتر در مناطق کم عرض و تنگ آن ۸ کیلومتر در ساعت می‌باشد. در تنگه بسفور این سرعت از ۱۰ کیلومتر تجاوز می‌کند. در عمق این بغاز جریان مخالف آب شور به طرف دریای سیاه جریان دارد. کناره‌های بغاز بسفور غیر منظم و از صخره‌های سبزرنگ که حوضچه‌ها و مردابها و خلیجها و چین خوردگیهای نامنظمی را بوجود آورده، تشکیل شده است. عرض متوسط آن ۱۵۰۰ متر (۶۰۰ متر حداقل) و عمق آن ۵۰ تا ۶۰ متر می‌باشد. کناره‌های بسفور بسیار سرسبز و زیبا و پوشیده از گیاهان است. قسطنطنیه (استانبول) در کنار خلیجی که عرض آن ۷ کیلومتر و طول آن صدها متر و به عمق ۴۰ متر است، بنا شده و آن را «شاخ طلا» می‌نامند. سواحل دلربای اژه بسیار مضرر و نامنظم و

دارای خلیج‌ها و دماغه‌ها و شبه جزیره‌های بی‌شمار و متعدد است. بنادر طبیعی در طول این سواحل بسیار است در داخله دریای مدیترانه جزایر زیادی ترکیه را به یونان و قاره اروپا متصل می‌سازد. مهمترین این جزایر عبارتند از: در دریای مرمره، جزایر پرنس^۱ (در عرض استانبول) کالولیمنوس^۲، مرمره، آفریا^۳، آلونی^۴. در دریای اثره، جزایر ساموئراس^۵ (متعلق به یونان) امبروس^۶ (متعلق به ترکیه)، لیمنوس^۷ (یونان)، تندوس^۸ (ترکیه)، لسبوس^۹، چیو^{۱۰}، ساموس^{۱۱} و اسپورادس^{۱۲} که از طرف شمال به نیکاریا^{۱۳} و از سمت جنوب به جزیره رودس (یونان) محدود می‌شود.

آب و هوا

در نواحی کوهستانی شمال باران بحد و فور و بطور منظم تقسیم شده است ولی هرچه از مشرق به طرف مغرب می‌رود از مقدار آن کاسته می‌گردد (۱۲۸ روز در طرابوزان و ۸۰ روز در بی‌تینی^{۱۴}) ناحیه پون بسیار مرطوب و دارای مدفوق‌العاده و مستمر و درجه حرارت معتدل است و هرچه به قسمت‌های غربی نزدیک می‌شود آب و هوا سخت‌تر و زمستانها سردتر و تابستانها گرم‌تر و خشک‌تر می‌گردد. بادهائی که از سمت شمال می‌وزد در تمام سال ادامه دارد و سبب می‌شود که دریا دائماً متلاطم و گرم باقی بماند.

آب و هوای نواحی جنوبی‌تر کیه از نواحی شمالی کمتر مساعد می‌باشد. بارانها غیر منظم و کم و فواصل آن طولی‌تر می‌شود. (۴۰ تا ۴۵ روز در سال) تابستانها بسیار خشک و گرم و زمستانها بسیار سرد با مقداری برف در قله کوهها می‌باشد. در فلات سیلیسی- تراکه، نزول برف از آغاز ماه اکتبر (شهر یور) تا آخر ماه آوریل (اردیبهشت)

Aloni - ۴	Afzia - ۳	Kalolimnos. - ۲	Princes - ۱
Tenedos - ۸	Lemnos - ۷	Imbros - ۶	Samothrace - ۵
Sporades. - ۱۲	Samos - ۱۱	Chio - ۱۰	Lesbos - ۹
		Bithynie - ۱۴	Nikaria - ۱۳

ادامه دارد و در سواحل آن تابستان بسیار گرم و خشک می شود.

آب و هوای ناحیه آناتولی مرکزی بواسطه عملیات ساختمانی و حفر قنوات و کانالها قدری تغییر یافته و بمقدار ریزش باران که سابقاً بسیار کم بود افزوده شده است و بر اثر تأثیر آب و هوای ناحیه پونت هر چه از طرف مغرب به سمت مشرق متمایل می شود رطوبت هوا و باران بیشتر می شود. با وجود این آب و هوا در این ناحیه سخت و متغیر است. فصل بهار آن بسیار مرطوب و در تابستان روزها بسیار گرم و شبها خنک است. در مغرب کشور ترکیه هر چه از طرف شمال به جنوب میرود تأثیر آب و هوای پونت کمتر می شود. در استانبول فقط پانزده روز در سال برف می بارد، تابستانها خشک و زمستانها فوق العاده سرد است ولی هر چه بیشتر به سمت جنوب پائین بیائیم زمستانها ملایمتر و تابستانها خشک تر می شود. در ناحیه تر اس که سطح آن از استپهایی که در حال رشد و نمو است پوشیده شده، آب و هوا به اندازه کافی سخت و ناموزون است.

در رشته کوههای جنوبی باران فراوان (بیش از یک متر در سال) مخصوصاً در بهار و پائیز می بارد و تضاد آب و هوا میان تابستان و زمستان کاملاً مشهود است.

ارتفاع و درجه حرارت متوسط در بعضی از شهرهای ترکیه

ارتفاع	ژانویه	ژوئیه	حد متوسط سالیانه
ادنه	۲۵ متر	۹ درجه	۲۸ درجه
افیون	۱۰۵۰	۰	۲۳
آنکارا	۸۸۵	۱	۲۴
انطاکیه	۳۰	۱۰	۲۹
بولو	۷۰۰	۱	۲۰
بورسه	۱۲۰	۵	۲۵
			۱۹ درجه
			۱۲
			۱۱
			۱۹
			۱۰
			۱۴

ارتفاع	ژانویه	ژوئیه	حد متوسط سالانه
چوروم ۷۸۰ متر	۴ درجه	۲۰ درجه	۱۰ درجه
ادرنه ۳۵	۲	۲۵	۱۴
دیاربکر ۸۰۰	۱	۳۰	۱۵
ارض روم ۱۹۵۰	۱۰	۱۸	۶
اسکی شهر ۸۰۰	۱	۲۱	۱۱
ژیرسون ۲۰	۷	۲۲	۱۴
ازمیر ۳۰	۹	۲۸	۱۷
استانبول ۴۰	۵	۲۳	۱۴
اسپارته ۱۰۲۰	۱	۲۳	۱۲
قارص ۱۷۵۰	۱۳	۱۶	۴
قاستامونو ۷۵۰	۳	۲۰	۱۰
قونیه ۱۰۲۵	۰	۲۳	۱۲
قیرشهر ۹۹۰	۰	۲۲	۱۱
کوتاهیه ۹۳۰	۰	۲۰	۱۰
ملطیه ۸۰۰	۱	۲۵	۱۳
سانیزا ۸۰	۶	۲۶	۱۶
سامسون ۵	۷	۲۴	۱۴
سیواس ۱۲۷۵	۵	۱۹	۸
اوشاک ۸۸۳	۲	۲۳	۱۲

رصدخانه استانبول در فاصله میان سالهای ۱۹۳۴ و ۱۹۴۱ مجموعاً ۵۸۰ بار زلزله را در سراسر کشور ترکیه ثبت کرده است که ۱۵۰ بار آن فوق العاده سخت و

۳۰ بار آن سبب خرابیهای زیادی شده است .

گیاهان

سرزمین ترکیه بواسطه داشتن آب و هوای مختلف و متنوع دارای انواع و اقسام گیاهان متناسب با آب و هوای هر محل خود میباشد .

با اینکه استپ (زمینهای علفزار) بیش از ۳۰۰،۰۰۰ کیلومتر مربع یعنی نزدیک به نصف مساحت این سرزمین را فرا گرفته است می توان کشور را از نظر گیاهان به سه منطقه تقسیم نمود :

۱- منطقه استپ

۲- منطقه مدیترانه

۳- منطقه معتدل شامل نواحی کوهستانی

به این سه منطقه باید ناحیه کویری که در مرکز آناتولی قرار دارد و نیز منطقه ای گرمسیری که در جلگه های ساحل جنوبی و در اعماق دره ها واقع شده ، اضافه نمود .

وجود استپ به کشور ترکیه منظره زیبایی داده است که برای مسافران و سیاحان فوق العاده جالب و در نظر اول مورد توجه آنان واقع می شود. تماشای بسیار دور و ناچشم کار می کند بوته هایی به رنگ خاکستری و زرد که در فواصل آنها تک درخت هایی ، که این منظره را از حالت یک نواختی خارج می کند ، مشاهده می گردد. در بهار در زمان بسیار کوتاهی برجستگیها و پست و بلندیهای سرزمین آناتولی از گلهای وحشی و رنگارنگ پوشیده می شود که برآستی حالت افسانه و تابلوی بسیار زیبا و دل فریبی به آن می دهد و بینندگان را در شگفتی و اعجاب می اندازد. در تابستان خشکی به اندازه ای است که حتی بوته ها نیز از بین رفته و باد با وزش خود گرد و غبار فوق العاده و کور کننده ای تولید می کند .

در مغرب در فواصل استپها سرزمینهایی برای زراعت و یا جنگلهای محقرو کوچکی وجود دارد ولی هر چه به طرف مشرق به جانب آسیای مرکزی پیش می رود اراضی از کوههای مرتفع و وحشی پوشیده شده که در موقع تابستان و هنگام فصل خشکی وضعی شبیه آب و هوای بیابان و صحرای سوزان را بوجود می آورد.

منطقه مدیترانه یعنی ناحیه اثره مناسب ترین و مساعدترین سرزمین برای گیاهان مختلف است. در حقیقت کناره های مدیترانه محصور از کوههای مرتفع در زیر نفوذ آب و هوای شمالی قرار دارد ولی دامنه های جنوبی آن بسیار گرم از نوع آب و هوای گرمسیری می باشد به هر صورت درختهای میوه و زیتون بحد و فور دامنه های پست کوههای لیبی و توروس را پوشانده است. در ناحیه پون با وجود بارانهای فراوان و ممتد نباتات در بعضی از مناطق از نوع نباتات سواحل اقیانوس و در بعضی نواحی از نوع گیاهان مدیترانه (درختان میوه) است.

در نواحی کوهستانی بخصوص در رشته کوههای شمالی جنگل قسمت اعظم از این سرزمینها را پوشانده است و مناطق پست تر از انواع درختان جنگلی مانند کاج، بلوط، شاه بلوط و قان پوشیده شده است. از ارتفاع ۲۵۰۰ متر به بالا جنگلها تبدیل به مراتع سبز و خرم و بوته های کوچک میشود.

حیوانات

ترکیه سرزمین تربیت مواشی است و دارای حیوانات اهلی بسیار متنوع می باشد. انواع و اقسام حیوانات اهلی که در ممالک غربی دیده می شود در این سرزمین وجود دارد باضافه گاو میش و شتر که باینکه تعداد آنها بسیار کم است، ولی قیافه مخصوص و جالبی را به ترکیه داده است و نیز انواع مخصوص گوسفند و بز (بزها دارای پشم بلند و نرمی می باشند که بدانها بز آنقرامیگویند) را باید به حیوانات اهلی مخصوص کشور افزود. گربه های آنقران نیز از حیث زیبایی شهرت جهانی دارند.

انواع و اقسام حیوانات شکاری مانند : خرس، روباه، سگ آبی، سمور و یوزپلنگ وجود دارد که از پوست آنها فائده های سرشاری برده میشود. این حیوانات بخصوص در نواحی مرکزی و مشرق آناتولی زندگی می کنند علاوه بر حیوانات مزبور انواع حیوانات وحشی دیگر مانند گرگ و شغال و یوزپلنگ در بوتهزارهای نواحی پست و گرم تا مغرب آناتولی وجود دارد. گراز در نواحی جنگلی بحد و فور دیده می شود که بلائی برای کشاورزی بوده صدمات زیادی به محصول می رساند.

حیوانات وحشی دیگری در کوههای مرتفع و دور افتاده ایالات شرقی کشور ترکیه زندگی می نمایند.

رودخانه ها

در کشوری که خشکی سراسر آن را فرا گرفته است، آب نقش بزرگ و مهمی را در سر نوشت آن بازی کرده در سر لوحه زندگی مردم قرار می گیرد. آب به رشد و نمو استپها کمک می کند و وسیله می شود که نباتات گوناگون و درختان در سرزمینهایی که زندگی مردم و اهالی بوجود آنها بستگی دارد در حال باروری بوده روز بروز روبه ازدیاد و فزونی بگذارد. آبیاری زمانی امکان پذیر می شود که آب بحد کافی یافت شود در این صورت مزارع و زمینهای حاصلخیز و دهات و قصبات در اطراف آنها یکی پس از دیگری بوجود می آید و از این راه حیات اجتماعی تشکیل شده به فعالیت خود ادامه می دهد. اغلب کناره های رودخانه های آناتولی از درختهای بید و تبریزی پوشیده شده که سبب سرسبزی و خرمی نواحی اطراف آن می شود.

بنابر این موضوع آب مسئله ای حیاتی برای کشور ترکیه می باشد. اگر به نقشه جغرافیائی این کشور دقت شود ملاحظه خواهد شد که تاچه اندازه مثلا با نقشه جغرافیائی آسیای مرکزی که فاقد هر گونه مجرای آب و یا رودخانه است، تفاوت و امتیاز دارد. در حقیقت ترکیه از حیث آب فوق العاده ثروتمند و غنی است ولی از رودخانه هایش به تناسب میزان و بازده مقدار آبی که دارند به اندازه کافی و شایسته استفاده نمی شود.

بسیاری از رودخانه هادر مواقع پرآبی حالت سیلابی دارند که جریان آنها فوق العاده سریع و غیر منظم می باشد . مسئله آبیاری برای دولت ترکیه از موضوعات حیاتی است و باید بدان اهمیت فوق العاده بدهد. آب به حد کافی وجود دارد و دولت ترکیه امیدوار است از راه سدبندی و ساختمان مخازن و حوضچه های عدیده از این منبع حیاتی در تمام شؤن زندگی استفاده کامل ببرد .

بسیاری از رودخانه ها به حالت سیلاب و یا آبشار است که در کوههای شمالی جریان دارد و به دریای سیاه می ریزند. آبهای فلات مرکزی نیز به طرف شمال متمایل می شوند و پس از عبور از گردنه ها و صخره های عظیم کوهها در نزدیکی ساحل دریا از میان دشتی از درختها و بوته های بلند عبور کرده به دریای می ریزند . مهمترین رودهای ترکیه عبارتند از :

- ۱- در تراس : ماریتزا (به ترکی مرچ) بطول ۴۹۰ کیلومتر که ۱۷۲ کیلومتر آن در خاک ترکیه است . این رود در سرحد میان ترکیه و یونان قرار گرفته و یکی از شاخه های آن بطول ۲۰۰ کیلومتر بنام ارژن^۱ معروف است .
- ۲- در مغرب آناتولی سوزورلوق^۲ بطول ۲۶۰ کیلومتر ، گدیز^۳ بطول ۳۵۰ کیلومتر مندرس کوچک^۴ بطول ۱۴۰ کیلومتر و مندرس بزرگ^۵ بطول ۲۱۵ کیلومتر ، تمام این رودها به دریای اژه می ریزند .
- ۳- دالامان^۶ ۱۵۶ کیلومتر کوبرو^۷ ۱۵۶ کیلومتر گوکسو^۸ ۲۴۵ کیلومتر سیحان^۹ ۵۱۶ کیلومتر باشعباتی بنام (زامانتی^{۱۰} سوپو^{۱۱} - گوکسو) ، جیحان^{۱۲} ۴۷۴ کیلومتر و آزی نهر (۱۰۰ کیلومتر از آن مرز ترکیه را تشکیل میدهد) این رودها وارد دریای مدیترانه میشوند .

Gediz - ۳	Susurluk - ۲	Ergene - ۱
Dalaman - ۶	le grand Menderes - ۵	le Petit Menderes - ۴
Zamanti - ۱۰	Seyhan - ۹	Goksu - ۸
	Djeysaen - ۱۲	Köprü - ۷
		Suyu - ۱۱

۳- رودهایی که به دریای سیاه می ریزند: چوروه^۱ ۳۶۸ کیلومتر، مصب آن در باطوم در خاک اتحاد جماهیر شوروی می باشد. یشیل ایرماق^۲ ۴۱۶ کیلومتر، شاخه‌هایی مانند کلتیک^۳ ۳۵۶ کیلومتر از سمت راست و چکرک^۴ ۲۷۶ کیلومتر از جانب چپ سبب پرآبی آن می شوند. قزل ایرماق (هالیس قدیم) بطول ۱۱۵۱ کیلومتر (باشعباتی مانند گوقایرماق ۱۹۰ کیلومتر از طرف چپ و دیلیج ایرماق ۳۰۸ کیلومتر از سمت راست)، فیلیوس چای^۵ ۱۸۵ کیلومتر، ساکاریا بطول ۷۹۰ کیلومتر که شاخه‌هایی به این قرار: پورسوق^۶ ۲۸۰ کیلومتر آنکارا چای ۱۴۰ کیلومتر چبق چای ۷۰ کیلومتر و اووا^۷ ۱۱۰ کیلومتر و آلا داغ ۱۱۰ کیلومتر و گوکسو ۱۱۰ کیلومتر بدان ملحق میشوند.

۴- دو رود بزرگ خاور نزدیک یعنی دجله و فرات از رشته کوه‌های شرقی آناتولی سرچشمه میگیرند. رود فرات بطول ۲۸۰۰ کیلومتر، ۹۵۳ کیلومتر آن در خاک ترکیه جریان دارد، شعبات متعددی باین قرار در این سرزمین بدان می ریزد از جمله مرادنهری (۶۱۴ کیلومتر) توخما (۱۹۶ کیلومتر) و پیری سو (۲۳۵ کیلومتر).

از ۱۹۰۰ کیلومتر رود عظیم دجله ۴۵۲ کیلومتر آن در خاک ترکیه است و مهمترین شاخه‌های آن عبارتند از بوتان چای^۸ ۲۲۶ کیلومتر و زاپسویو^۹ ۱۸۴ کیلومتر.

۵- قره سو بطول ۱۲۰ کیلومتر که به دریاچه وان ملحق می شود.

سومین رودخانه مهمی که از مشرق آسیای صغیر سرچشمه می گیرد رود ارس است. این رود که طول آن ۹۲۰ کیلومتر است پس از اینکه مسافت ۴۳۵ کیلومتر را در خاک ترکیه طی کرد از آن عبور کرده به جانب دریای خزر جریان پیدامی کند.

دریاچه‌ها

ترکیه دارای دریاچه‌های فراوانی است که بعضی از آنها مساحت زیادی از

Keltik - ۳	Yechil irmak - ۲	Tchoruh - ۱
Ova - ۷	Porsuk - ۶	Filyos Tcharyi - ۵
	Zapsuyu - ۹	Tchekerek - ۴
		Botan - ۸

خاك این کشور را فرا گرفته است آب بسیاری از این دریاچه‌ها شور و کناره‌های آنها لم یزرع و غیر قابل استفاده است.

بزرگترین دریاچه‌های ترکیه دریاچه وان در مشرق آناتولی به مساحت ۳۷۶۴ کیلومتر مربع می باشد. این دریاچه در ارتفاع ۱۷۲۰ متر از سطح دریا قرار گرفته است. مهمترین دریاچه‌های دیگر ترکیه در ناحیه مرکزی و جنوبی و غربی واقعند مانند دریاچه نمک (به ترکی دوز) به مساحت ۱۶۲۰ کیلومتر. در امتداد دریای مرمره دریاچه‌هایی با مناظر زیبا قرار دارند.

دریاچه‌های دیگر ترکیه عبارتند از بی شهر^۱، اگریدیر^۲، ایزنیک^۳، مانیا^۴، بوردور^۵، آجی، آپولیونت^۶. این دریاچه اخیر تنها دریاچه‌ای است در ترکیه که بادریا دریک سطح قرارداد و یکی از نادرترین دریاچه‌های این کشور میباشد.

جمعیت ترکیه

در سال ۱۹۲۷ جمعیت ترکیه بالغ به ۱۳۶۴۸۲۷۰ نفر میشد. در سال ۱۹۳۵ سرشماری جدیدی در ترکیه به عمل آمد و جمعیت آنرا ۱۶۱۵۸۰۱۸ نفر معین نمود. سرشماری‌های دیگری که در سالهای ۱۹۴۵ و سپتامبر ۱۹۵۰ به عمل آمد تعداد جمعیت این کشور را به ترتیب ۱۸۸۶۰۲۲۲ و ۲۰۹۰۲۶۲۸ نفر مشخص کرده است. ازدیاد جمعیت میان سالهای ۱۹۴۵ و ۱۹۵۰ در هر سال ۲۱/۵ در هزار بوده است. حدمتوسط جمعیت نسبی در کشور ترکیه ۲۷ نفر در هر کیلومتر مربع میباشد. طرز تقسیم این جمعیت به موجب سرشماری سال ۱۹۴۵ باینقرار بود: ۱۰۸۰۰۰۰ نفر یونانی و ۵۷۰۰۰۰ نفر ارمنی و ۷۵۰۰۰۰ نفر گرجی و ۱۵۳۰۰۰۰ نفر عرب و ۱۴۸۰۰۰۰۰ نفر کرد و ۱۷۰۰۰۵۰۰۰ نفر ترک. کردها در حدود مناطق شرقی و جنوب شرقی آناتولی و

Manyas - ۴

Iznik - ۳

Egridir - ۲

Beyshehir - ۱

Apolyont - ۶

Burdur - ۵

کرجی ها در سواحل دریای سیاه میان طرابوزان و سرحدات گرجستان اتحاد جماهیر شوروی، اعراب در تمام مناطق جنوب شرقی و در امتداد مرزهای سوریه و عراق و یونانیان در نواحی متمرکز در استانبول و از میر و مناطق بغازها و ارامنه قدیمترین سکنه آناتولی شرقی بیشتر در استانبول و اطراف آن ساکن هستند. ترکیه سرزمین جوانان است. طبق سرشماری سال ۱۹۴۵، ۳/۵۶ درصد جمعیت و سکنه این کشور را افراد کمتر از ۲۴ سال تشکیل می داد و فقط ۸/۱۲ درصد آن بیش از ۵۰ سال داشتند. تعداد تلفات اطفال با وجود پیشرفت و توسعه بهداشت در ترکیه زیاد است. پس از جنگ های سال های ۱۹۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴ و ۱۹۲۲ با وجود اینکه قسمت بزرگی از خاک ترکیه خالی از سکنه شد ولی با سیاستی که جمهوری ترکیه درباره از یاد جمعیت اتخاذ کرد و با توسعه و پیشرفت امور بهداشتی جمعیت ترکیه به سرعت روبه فزونی گذاشت. در حال حاضر جمعیت ترکیه بالغ بر ۳۵ میلیون نفر است که هر ساله یک میلیون نفر بدان افزوده میگردد. همین امر سبب شده است که دولت تمام امکانات و فعالیت خود را برای اداره این جمعیت بکاربرد، آمارهای زیر شاهد این مدعی است.^۱

تخمین افزایش جمعیت ترکیه در فاصله سالهای ۱۹۶۵ - ۱۹۷۲

(به نسبت ۱۰۰۰)

جمعیت	۱۹۶۵	۱۹۶۷	۱۹۷۰	۱۹۷۱
	۱	۲	۳	۴
حداکثر	۳۱/۳۹۱	۳۳/۰۹۱	۳۵/۸۰۳	۳۷/۸۰۱
حدمتوسط	۳۱/۳۹۱	۳۲/۹۸۴	۳۵/۵۲۸	۳۷/۴۰۹

۴	۳	۲	۱	
۳۶/۸۵۸	۳۵/۲۸۵	۳۲/۸۸۸	۳۱/۳۹۱	حداقل
				نسبت افزایش:
	۲۷/۵		۲۶/۶	حداکثر
	۲۶/۱		۲۵/۱	حدمتوسط
	۲۲/۲		۲۳/۵	حداقل
				میزان تقریبی تولد:
	۳۵/۹		۳۵/۵	حداکثر
	۳۴/۵		۳۴/۸	حدمتوسط
	۳۰/۵		۳۳/۴	حداقل
				میزان تقریبی مرگ:
	۸/۴		۹/۹	حداکثر
	۸/۴		۹/۷	حدمتوسط
	۸/۳		۹/۹	حداقل

تخمین جمعیت ترکیه بر حسب سن در فاصله سالهای ۱۹۶۵ - ۱۹۷۵

(به نسبت ۱۰۰۰)

(%)	۱۹۷۰	(%)	۱۹۶۵
۴	۳	۲	۱

۱۴-۰ (سالگی)

۴۱/۸	۱۴/۹۶۶	۴۲/۵	۱۳/۳۳۷	حداکثر
۴۱/۴	۱۴/۶۹۱	۴۲/۵	۱۳/۳۳۷	حدمتوسط

حدافل	۱۳/۳۳۷	۴۲/۵	۱۴/۴۴۸	۴۰/۹
۱۵-۶۴ (سالگی)				
حداکثر	۱۶/۷۸۷	۵۳/۵	۱۹/۲۴۹	۵۳/۸
حدمتوسط	۱۶/۷۸۷	۵۳/۵	۱۹/۲۴۹	۵۴/۱
حدافل	۱۶/۷۸۷	۵۳/۵	۱۹/۲۴۹	۵۴/۶
۶۵ بیلا:				
حداکثر	۱/۲۶۷	۴/۰	۱/۵۸۹	۴/۴
حدمتوسط	۱/۲۶۷	۴/۰	۱/۵۸۹	۴/۵
حدافل	۱/۲۶۷	۴/۰	۱/۵۸۹	۴/۵

در حدود ۵۸۰۰۰ نفر بیگانه در ترکیه زندگی می کنند که اکثر آنان یونانی و ایتالیائی می باشند. تعدادی بیش از يك میلیون نفر ترك در یونان و دریوگوسلاوی و رومانی و جزیره قبرس و به خصوص در بلغارستان اقامت دارند.

اکثریت ترکیه روستانشین و به کار کشاورزی و فلاحت مشغولند.

شهرها

شهرهای مهم ترکیه به هفت منطقه به قرار زیر تقسیم شده است:

۱ - منطقه تراس و مرمره. منطقه تراس و مقدونیه در شمال غربی ترکیه واقع است. تراس شرقی شامل سرزمینی در جنوب شرقی اروپاست که از سمت مشرق مجاور آسیا قرار دارد و به همین مناسبت است که در تاریخ، افسانه و وقایعی که در جهان اثرات به سزائی بر جای گذاشت در باره این سرزمین بوجود آمده است. در منطقه مرمره و تراس که انواع مختلف تمدن در آن بوجود آمده واز میان رفته است، نه تنها دارای شهرهای زیباست بلکه آثار معماری مهمی در آن دیده میشود.

۱ - اقتباس از نشریات وزارت اطلاعات و جهانگردی ترکیه شماره های ۱ تا ۷.

از نظر جغرافیائی منطقه تراس و مرمره را زمینهای مواجی با پستی و بلندیهای کم ارتفاع پوشانده است. سلسله کوههای استرانجا^۱ که به موازات دریای سیاه و اولوداغ که در دامنه آن شهر تاریخی بورسِه قرار دارد، کشیده شده از جمله مرتفعات این سرزمین است. رودخانه های تونکا^۲ و مریچ^۳ در اروپا و رودهای صغریه^۴ و سیمائو و گونن^۵ و کمال پاشا در آسیا، در این منطقه جاری هستند. در تراس و مرمره چندین دریاچه از جمله ساپانکا و ایزنیک و مانیاس وجود دارد که زیبایی خاصی به این ناحیه داده است.

از نظر اقتصادی مهمترین قدرت صنعتی ترکیه در این ناحیه متمرکز شده است. اطراف شهرهای استانبول و ایزمیت از کارخانه های متعدد پوشیده شده از طرف دیگر استانبول بزرگترین بندر صادراتی ترکیه و خاور نزدیک را تشکیل داده است. علاوه بر جنبه صنعتی بعلت وجود آب و هوای مساعد محصولات کشاورزی این منطقه شهرت به سزائی دارد.

سرزمین تراس و مرمره از نظر تاریخی دارای سوابق ممتد و کهنی است که آثار تاریخی مشهور آن در این منطقه شاهد بر این خصوصیات است. از جمله شهر مشهور باستانی تروآ را باید نامبرد که در حدود سه هزار سال قبل ساخته شده است.

سکنه مردم تراس از بازماندگان مردم قدیمی هستند که از آغاز در این سرزمین سکونت اختیار کردند. در قرن هفتم قبل از میلاد داریوش شاهنشاه ایران از دریای مرمره عبور کرد و شهر کیرگلاری و تکریت داغ و استانبول را فتح نمود. در حدود قرن هفتم فریژی ها به حدود ایزمیت رسیدند. بسیاری از شهر ها مانند کالسدون (مرکادی کوی) و بیزانس (استانبول) و سینیکوس و آسوس که عموماً مانند پلی در ادوار مختلف میان شرق و غرب بودند، در همان زمان بوجود آمدند.

استانبول (قسطنطنیه) بعنوان پایتخت امپراطوری روم شرقی در زمان کنستانتین کبیر نقش مهمی را طی تاریخ به عهده داشته است و با وجود سقوط امپراطوری مزبور این شهر پیوسته اهمیت تاریخی خود را محفوظ داشت. قسطنطنیه در آن زمان تهاجمات اقوام مختلفی را مانند تهاجم گوتها و هونها و وچنکها و بلغارها و آوارها را تحمل کرد. در قرن هفتم میلادی اعراب بحوالی قسطنطنیه رسیده آنرا در محاصره گرفتند. در سال ۷۸۷ شورای مذهبی کلیساهای کاتولیک که در شهر ایزنیک تشکیل گردید، از وقایع مهم آن زمان بشمار می آید. در قرن دوازدهم میلادی این ناحیه بوسیله نیروی نظامی اشغال گردید. صلیبیون شهرهای ادرنه و استانبول را اشغال کرده بیاد غارت دادند. ترکان در حدود قرن یازدهم، پس از نبرد ملازگرد بتدریج در این سرزمین رخنه و نفوذ کردند.

در آغاز سلجوقیان تسلط خود را بر این منطقه محرز نمودند، سپس عثمانیها قبلاً در سال ۱۳۱۶ شهر بورسه و سپس در سال ۱۳۳۷ شهر ایزمیت و در سال ۱۳۵۴ جلیب او و تکیر داغ و در سال ۱۳۵۴ شهر ادرنه را بقصر درآوردند. سرانجام سلطان محمد فاتح در سن بیست و دو سالگی و در تاریخ ۱۴۵۳ شهر قسطنطنیه را در محاصره گرفت و پس از جنگ سختی باتسخیر این شهر به امپراطوری بیزانس خاتمه داد و از آن زمان شهر قسطنطنیه که بعداً بنام استانبول معروف گردید بلا نقطاع جزء کشور ترکیه باقی ماند.

از سال ۱۹۲۶ نام قسطنطنیه رسماً حذف و بجای آن استامبول گذاشته شد. سابقاً نام استامبول منحصرأ بیک قسمت از شهر واقع در ساحل راست (جنوب) شاخ طلابی Corneda بنام گالاتا و پرا (Pera) که محل اقامت اروپائیان بود، اطلاق میشد. امروزه گالاتا بهمان اسم سابق موسوم است ولی پرا بنام بی اوغلو نامیده میشود.

(Turquie Texte de Robert Mantran . P . 11 . les Albums de guide Bleus . L . Hachette)

تمام جهانیان معتقدند که استانبول یکی از زیباترین شهرهای دنیاست و دارای ۱۷۴۲۹۷۸ نفر جمعیت است. یک قسمت از این شهر در اروپا و قسمتی دیگر در آسیا واقع شده. بغاز بوسفور که دو قاره را از یکدیگر جدا کرده است میان دودریای مرمره و سیاه مانند خیابان عریضی قرار گرفته است. کناره‌های بغاز با ساختمانها و خانه‌های مجلل نمایشگر زیباییهای طبیعت بوده و نقش مخصوصی در تمدن ترکیه بنام «تمدن بوسفور» بهعهده دارد. تاریخ افسانه‌ای استانبول از سال هفتم قبل از میلاد آغاز میگردد. مشهور است که این شهر در سال ۶۵۷ قبل از میلاد بوسیله ماگارین هابنام بیزانسیون بمناسبت نام رئیس طایفه مزبور بیزاس، احداث شد. بیزانس به علت موقع جغرافیائی خود بزودی مرکز آمدورفت و بازرگانی گردید. در زمان سلطنت مارکوس اورلیوس امپراطور روم تغییر نام داده با سم آتونیون پسر امپراطور معروف شد. هنگامیکه کنستانتین کبیر پایتخت امپراطوری روم را به استانبول انتقال داد شهر نام روم جدید و بعداً کنستانتی نپول بخود گرفت و پس از فتح سلطان محمد در ۲۹ مه سال ۱۴۵۳ تا ۲۳ آوریل ۱۹۲۰ این شهر پایتخت ترکیه باقی ماند.

استانبول به سه قسمت اصلی تقسیم میشود که بواسطه پیشرفتگیهای در دریا از یکدیگر جدا می شوند. شهر اصلی در کنار خلیج «شاخ طلا» بنا گردیده است شهر قدیمی استانبول که در شبه جزیره جنوبی بشکل مثلث واقع شده، ناحیه ای است آرام و یکنواخت و در ساحل شمالی مجاور بندر محله گالاتا مشرف به پرا (بی اوغلو) قرار گرفته است و قسمت پر جمعیت شهر را تشکیل میدهد. محله دیگر بنام اسکوتاری (اسکودار) در قسمت آسیای ترکیه واقع گردیده است. کادیکوی وحیدر پاشا از محله های خارج شهر محسوب میشود. این دو محله آباد و پر جمعیت و بخش مهمی از استانبول است. قسمت پر جمعیت شهر قدیم در حوالی راه آهن آناتولی واقع است. شهر های مهم دیگر این منطقه عبارتند از: کیرک لارلی. ادرنه، تکیر داغ، بورسه، کوچائلی، ساکاریا، چاناکاله، بالی کرسیر.

۲ - منطقه اژه :

سواحل دریای اژه اصولاً مضرس و دارای تعداد زیادی جزیره و شبه جزیره و خلیج است. کوههای این منطقه عموماً بوسیله دریاها و رودخانه‌ها که بموازات ساحل قرار گرفته و از شمال بمغرب امتداد دارند از یکدیگر مجزا میشود. رسوب فراوان رودخانه‌های گدیز و باکرچای وسیله شده است که شهرهای باستانی افروملطیه، که سابقاً از بنادر مهم دنیای باستان بوده‌اند، از دریا جدا شده داخل خشکی قرار بگیرند. مهمترین قله‌های کوههای این منطقه که گاهی از ۲۰۰۰ متر تجاوز می‌کند باینقراراند: بزداغ (۲۱۶۰ متر). هوناز (۲۵۷۱ متر) و آق‌داغ (۲۴۴۹ متر).

بسیاری از شهرها در دامنه کوهها و در داخله دره‌های آنها ساخته شده است. رودهای بیوک‌مندرس (۵۲۹ کیلومتر) باکرچای (۱۲۰ کیلومتر) دالامان (۶۶ کیلومتر) گدیز (۳۵۰ کیلومتر) و کوچک‌مندرس (۱۴۰ کیلومتر) در این منطقه جاری هستند دریاچه‌های مهم آن عبارتند از: بافا، ابر، و قوی‌سکیز.

هوای منطقه اژه تحت تأثیر اقلیمی دریای مدیترانه قرار دارد، زمستانها معتدل و پرباران و تابستانها گرم است. از نظر اقتصادی منطقه اژه فلاحتی و انواع و اقسام محصولات کشاورزی در آن وجود دارد و صنایع بیشتر با وضع کشاورزی آن مطابقت دارد. شهرهای مهم آن عبارتند از: ازمیر (از شهرهای بسیار قدیمی ترکیه که بنای آن را به سه هزار سال قبل از میلاد نسبت میدهند). آیرین (که بوسیله آثری‌ین‌ها ساخته شده و بعدها بنوبت به تصرف کاری‌ین‌ها و ایرانیان و در سال ۳۳۴ قبل از میلاد اسکندر مقدونی در آمد، در زمان رومیها این شهر اهمیت به‌سزائی داشت). موغلا، دیزلی، مانيسا، افیون، کوتاهیه، بيله‌چیک و اوشاک.

۳ - منطقه دریای مدیترانه :

منطقه دریای مدیترانه شامل سواحل جنوب شرقی و در امتداد منطقه دریای

اژه قرار دارد. از سمت مغرب به کوههای بی داغ لری، که دنباله کوههای توروس است و از طرف مشرق به کوههای آمانوس ورشته کوههای گورکملی^۱ و توروس محدود میشود. ناحیه محدود میان رشته کوهها و ساحل دریا بشکل جلگه کم و بیش عریضی را با خطوط مضرس تشکیل میدهد که از نظر اقلیمی بسیار معتدل و مطبوع است. آب وهوای معتدل وسیله شده است که این سرزمین از جهات کشاورزی دارای اهمیت فوق العاده بشود.

منطقه دریای مدیترانه از نظر تاریخی طی قرون متمادی دارای اهمیت فراوانی بوده است. بازرگانی دریائی از يك طرف و شرایط اقلیمی از جانب دیگر شرایط زندگی را در این منطقه بسیار سهل و آسان کرده است بطوریکه میتوان آثار باستانی زیادی را در این منطقه به خوبی مشاهده کرد. از ناحیه آنتالیا تا جلگه آمیک اقوام هیتیت مدتهای متمادی حکومت نموده آثار زیادی از خود باقی گذاشته اند.

شهرهائی مانند آسپندوس^۲ و صید^۳ و پرژ^۴ بزمانهای بسیار باستانی رسیده و معرف تمدن یونانی می باشند. زمانیکه یونانیها به این سرزمین مهاجرت کردند مردمانی دیدند که بزبانی غیر از زبان خود تکلم می کنند و به خدایانی غیر از خدایان خود اعتقاد دارند. در قرن چهارم قبل از میلاد پس از تسلط اسکندر به ایران تمام نواحی ساحلی دریای مدیترانه تحت استیلای مقدونیها درآمد. در این زمان شهرها هر يك در امور داخلی خود مختار شده از نظر آبادی و عمران روبه پیشرفت گذاشتند. سرداران اسکندر تا پیروزی رومیها در این سرزمین حکومت میکردند و در زمان طلوع دین مسیح عده ای از پیشوایان روحانی مسیح به این منطقه آمده به تبلیغ دین خود پرداختند. انطاکیه اولین مقر روحانیت مسیحی قرار گرفت. در قرن هفتم میلادی نوبت به اعراب رسید و سپس در قرن نهم ترکان بتدریج در این سرزمین

نفوذ کرده آنرا بتصرف درآوردند. آثار متعددی از سلجوقیان در قرون دوازدهم و سیزدهم دیده میشود. رودخانه‌ای که فردریک باربروس امپراطور آلمان در سال ۱۱۹۰ (در دوران جنگهای صلیبی) در آن غرق شد بنام گوق سو^۱ معروف است. پس از خاتمه دوران سلجوقیان هامی‌ها، تکواوقلری‌ها، و کارامانوقولری‌ها در انتالیه و ترکان دولکادیروقلری در مشرق مستقر گردیدند. سرانجام در اوایل نیمه قرن شانزدهم عثمانیها به‌طور قطع تمامی این سرزمین را ضمیمه متصرفات خود ساختند.

شهرهای مهم این منطقه عبارتند از: آنتالیه، بوردور، اسپارتا، مرسین ایچل ادرنه سیحان، انطاکیه، خای ماراش و غازیان تپه.

۴- منطقه آناتولی مرکزی

منطقه آناتولی مرکزی از طرف شمال بکوههایی که در امتداد ساحلی دریای سیاه کشیده شده‌اند و از سمت جنوب به کوههای توروس و از مغرب به کوههای قدیمی ناحیه مزبور و از مشرق به زمینهای مواج محدود می‌شود. در این منطقه نوع و شکل زمینها با یکدیگر تفاوت بسیار دارند. در مرکز جلگه‌های وسیع فلات و دریاچه نمک (دوزگوللو) واقع شده است. ارسنیس مرتفعترین کوههای آناتولی مرکزی است. مهمترین کوههای این منطقه عبارتند از آلماداغ نزدیک آنکارا، کوههای کوروغلو و حسن داغ در حوالی نقره. از معروفترین رودهای آن از ساکاریا و قزل ایرماغ و چلدی از شعبات فرات و یشیلماق و از دریاچه‌های آن بورایی و دریاچه نمک و گلباش را باید نامبرد.

آب و هوای آن قاره‌ای و درجه حرارت به ۱۸ درجه زیر صفر در زمستان میرسد. در تابستان هوا فوق‌العاده گرم و خشک و بهار و پائیز آن کوتاه است. شرایط اقلیمی آن برای کشت گندم بسیار مساعد است.

آناطولی مرکزی از نظر تاریخی از سرزمینهای بسیار قدیمی و کهن است، حفريات اطراف آنکارا و قونیه و قیصریه ثابت کرد که در آغاز هیتیتها، معاصر تمدنهای بینالنهرین، در این ناحیه زندگی میکردند. شاهراه امپراطوری که از بینالنهرین به آناطولی مرکزی میرسید و از ایالت گالیسی از شهرهای تاوی یوم، آنکیرا، گوردیوم و پسی نوس میگذشت و به دریای اژه منتهی میشد و بههمین مناسبت بود که آناطولی مرکزی از قرن هفتم قبل از میلاد تا زمانیکه رومیها موفق شدند حدود مرزهای خود را بر اثر پیشرفت اسکندر تا آسیای مرکزی برسانند، دارای اهمیت فوق العاده ای بشود. رومیها توانستند دین مسیح را در سرزمین آناطولی گسترش داده مراکز روحانیتی در شهرهای ایکونی یوم (قونیه) آنکیرا (آنکارا) و کاپادوکیه (نزدیک نوشهر) ایجاد نمایند. اعراب نیز درصدد برآمدند به این سرزمین مسلط شوند ولی توفیقی حاصل نکردند. در زمان جنگهای صلیبی ترکان سلجوقی تنها توانستند تسلط خود را بر آناطولی مرکزی محرز نمایند.

در قرن پانزدهم میلادی عثمانی قوای خود را وارد این منطقه شدند و زمانیکه در قرن شانزدهم سلطان عثمان یاوزسلیم حدود متصرفات خویش را تاحجاز بسط داد، آناطولی مرکز جاده ای که استانبول، پایتخت امپراطوری را به مکه متصل میکرد، قرار گرفت. آناطولی مرکزی هم اکنون نیز مرکز فعالیت فرهنگی است. حفرياتی که در این ناحیه میشود از آناری که بدست آمده است اهمیت تمدنی و فرهنگی این ناحیه را بخوبی ثابت مینماید.

شهرهای مهم منطقه آناطولی مرکزی باین قرار است :

آنکارا پایتخت فعلی ترکیه هنوز اهمیت سابق خود را از دست نداده است، خرابههایی که بازمانده ما قبل تاریخ تعلق دارد در اطراف شهر دیده میشود. آنکارا از زمان هیتیتها و فوژینها مسکونی بوده است. بطوریکه از تاریخ استفاده میشود

آنکارا در قرن هفتم قبل از میلاد بوسیله فریژنها بنا شده و در زمان گالاتها و رومنها در آبادی و عمران بسر میبرده است و به فتوای اسناد تاریخی در آن زمان به نام «آنکیرا» بمعنای «لنکر» نامیده میشده است. نام شهر از ازمنه قدیمه تاکنون به همان صورت، باجزئی تحریفی، باقیمانده است. شهر آنکارا ابتدا در زیر تسلط لیدیها و سپس ایرانیها قرار داشت. گالاتها در قرن سوم قبل از میلاد پس از مهاجرت از اروپا ناحیه آنکارا را به تصرف درآوردند و مدت بعد از طرف رومیها اشغال گردید با تسلط ایرانیها و اعراب شهر اهمیت خود را از دست داد. در سال ۱۰۷۳ میلادی ترکان سلجوقی به تسخیر شهر پرداختند و در سال ۱۱۲۷ آنرا کاملاً تحت اختیار خود گرفتند. با وجود اشغال آنکارا بوسیله امپراطوری عثمانی در سال ۱۳۵۴ معذک این شهر و نواحی اطراف آن تا اواسط قرن پانزدهم حکومت ملی خود را حفظ کرد. در سال ۱۴۰۲ یعنی زمانی که تیمور گورکانی دریای کوه حسن داغ ایلدرم بایزید را مغلوب نمود سر نوشت به همان قرار سابق باقیمانده جزء امپراطوری عثمانی محسوب میشد. شهر آنکارا دارای آب و هوایی مناسب و مانند استانبول زیبا و پر طراوت است.

قونیه که یکی از ایالات مهم آناتولی مرکزی است که بواسطه مردان بزرگی مانند مولانا جلال الدین رومی و محیی الدین عربی و صدرالدین قونوی که در آن زندگی کرده اند مشهور و معروف است.

شهرهای دیگر آناتولی مرکزی عبارتند از . اسکی شهر، قیصریه، سیواس چوروم، آماسیه، چانکی، توکات، نقده، نوشهر، یوزگات.

۵ - منطقه دریای سیاه

منطقه دریای سیاه در شمال ترکیه در جنوب کرانه های سنگی و قوسی شکل دریای سیاه واقع شده و از شهر بولو در مغرب آغاز شده به آرتوین، محلی در مرز ترکیه و اتحاد جماهیر شوروی در مشرق، ختم میشود. این منطقه از نظر سوابق تاریخی

و زیبایی طبیعت و افسانه‌ها شهرت خاص دارد. محل مهاجرت سیت‌ها و شاهراه آناتولی به ایران است. جلگه‌های ساحلی به استثنای ناحیه سامسون بواسطه وجود رشته کوهپایی که موازی دریای سیاه کشیده شده‌اند، در این منطقه بسیار کم است. کوهپای پرباران و پوشیده از جنگل سبزی و طراوت خاصی به این سرزمین می‌دهد کوهها عموماً کم ارتفاع و مهمترین آنها رشته جبال زیگاناتست.

دریای سیاه دارای آب و هوای بسیار متنوعی است بطوریکه شرق و غرب آن بکلی با یکدیگر تفاوت دارد، در مشرق آب و هوا در فصول مختلف بسیار ملایم است تابستانها و زمستانها معتدل و بهار و پاییز آن طولانی است. کشت توتون در این منطقه فراوان و از نظر مرغوبیت مشهور جهان است. صنایع منطقه دریای سیاه در سالهای اخیر بواسطه وجود معادن زغال سنگ در نواحی ارگلی و زونگو لداغ و کارخانه‌های تهیه چای و چوب سرعت رو به ترقی و پیشرفت است.

از جهات تاریخی منطقه دریای سیاه طبق حفاریاتی که در ناحیه سامسون بعمل آمده است سوابق آن به ماقبل تاریخ می‌رسد. در قرن هشتم قبل از میلاد دسته‌های طوایف میلزی‌ها^(۱) به این سرزمین آمده در آنجا مراکز بازرگانی تأسیس نمودند. در همان زمان ناحیه کاستمانو و اطراف آن از میر از معماری یا فلاگونی برخوردار بود.

سیت‌ها در اراضی شرقی برای مدت کمی اقامت گزیدند و در همین مدت کوتاه بامیلزی‌ها در ارتباط دوستانه داخل شدند. و طبق سنگ نوشته‌هایی که بدست آمده وجود دولتی را بنام آزی‌هایاشا ثابت می‌کند و بنابه همین سنگ نوشته معلوم میشود که شهرهای طرابوزان و گیرسون در آن زمان وجود داشته‌اند.

بنادر سینوپ و آماسارا در دوران تسلط یونانیان دارای اهمیت شایانی بوده‌اند

و در دوران بیزانس مکتب هنری خاصی در این منطقه بوجود آمده بود. در قرون وسطی توافقی میان ژنی‌ها و بیزانس بعمل آمد که طبق آن به ژنی‌ها اجازه داده شد که در ناحیه‌ای میان آماسارا و طرابوزان مراکزی بازرگانی احداث نمایند. در قرن سیزدهم میلادی صلیبیون پس از تصرف استانبول امپراطوری یونانی و طرابوزان را تأسیس کردند که نتیجه آن بوجود آمدن مکتب هنری یونانی و طرابوزان شد. امپراطوری جدید حدود متصرفات خود را تا سینوپ امتداد داد، کلیسای سن صوفی طرابوزان از شاهکارهای هنری آن زمان است.

در قرن پانزدهم پس از تسخیر استانبول بوسیله ترکان عثمانی، سلطان محمد دوم فاتح پس از گسترش مرزهای امپراطوری خود تا آماسارا و طرابوزان به تسلط یونانیها و ژنی‌ها خاتمه داد.

در قرون نوزدهم و بیستم ارتش روسیه تا ناحیه گیرسون پیشروی کردند ولی مدت زمانی نتوانستند در این ناحیه بمانند با این تفصیل منطقه آرتوین از سال ۱۸۷۸ تا اولین جنگ بین الملل در تصرف روسها باقی ماند.

شهرهای مهم منطقه دریای سیاه عبارتند از: بولو، زونگولداغ، کاستامونو، سینوپ، سامسون، اردوگیرسون، گوموشخان، طرابوزان، ریز و آرتوین.

۶- منطقه شرقی آناتولی،

این منطقه در جنوب دریای سیاه و مجاور خاک اتحاد جماهیر شوروی واقع است شهرهای عمده آن باین قرار است: ارزروم، قارص، آقری، ملطیه، موش، ارزتجان، تویخلی، آدیامان، بنیکول، الازیق.

۷- منطقه جنوب شرقی آناتولی:

این منطقه با ایران و عراق و سوریه همسایه است، يك قسمت از جلگه بین-

النهرین محدود میان اورفه و سرحد ماردین و جیزر که به قراجه داغ ختم میشود، در این سرزمین واقع است. رود فرات از ناحیه مزبور عبور می کند. کوههای توروس شمال شهر دیار بکر را احاطه کرده است. مهمترین رود این منطقه رود دجله است. کوههای نمرود و سوفان از مرتفعترین کوههای ترکیه در این سرزمین قرار دارند، چندین رودخانه به دریاچه وان می ریزند. کوههای توروس تا شهر سیرت^۱ امتداد دارد که پیوسته از برف مستورند. شهر وان که کنار دریاچه ای به همین نام قرار دارد تحت تأثیر برفهای دائمی کوههای تندوروك و آلا داغ (۴۰۰ متر) دارای آب و هوای متنوعی است.

از نظر اقلیمی منطقه دیار بکر و اورفه و ماردین دارای تابستانهای گرم و زمستانهای سرد است در خالیکه بهار و پائیز در وان و سیرت و تبلیس بسیار کوتاه و بعکس تابستان و زمستان بسیار طولانی است و کشاورزی در این منطقه رونق به سزائی دارد و انواع میوه ها بخصوص انگور در آنجا بحد وفور یافت میشود، محصول پنبه ماردین و تربیت مواشی اورفه بخصوص اسب آن مشهور است.

شهرهای مهم منطقه جنوب شرقی آناتولی به این قرارند: دیاربکر، اورفه، ماردین، سیرت، وان، تبلیس، کاری.

روستاها و زندگی چادر نشینی و شهری

سکنه ترکیه اصولاً روستائین هستند، با وجود سعی و کوشش دولت بسیاری از روستاهای ترکیه هنوز وضع و حالت قدیمی خود را حفظ کرده اند. خانه ها در روستاها بطور کلی نزدیک به یکدیگر و از چوب ساخته شده است. منظره عمومی آنها دلنشین و بخصوص با روحیه مهمان نوازی اهالی بیشتر برزیبائی روستاها افزوده میشود، در خانه ها حیاط و یا محوطه داخلی دیده نمیشود. جمعیت روستائین ترك در بسیاری از نقاط به یکدیگر فشرده و زیاد است شهرهای درجه دوم ترکیه در حقیقت مانند

قصبات بزرگ هستند .

جمعی از سکنه ترکیه بحال چادر نشینی مخصوصاً در نواحی علفزار (استپ) زندگی کرده از راه گله‌داری امرار معاش می‌کنند در مشرق آناتولی میان دولت ترکیه و دولتهای همسایه (مخصوصاً ایران) قراردادهائی امضاء شده است که طبق آن قرار دادهای چادر نشینان اجازه دارند بنا بر عادت و سنت کهن و احتیاجات فصلی داخل خاک آن کشورها شده گله‌های خود را در مراتع چرادهند و مدتی از سال را در آنجاها بگذرانند .

سیاری از قبایل چادر نشین از یوروکها هستند، یوروکهای چادر نشین هیچگاه در محل معینی سکونت نمی‌کنند و معیشت آنها از گله‌داری و شترداری و زغال‌فروشی می‌گذرد . چادر آنها مدور (به شکل زنک) و چوبهای چادرها جدا شدنی و قابل حمل و نقل است. تر کمتهائی که از حیث تمدن از یوروکها جلوتر هستند گاهی ممکن است در محل معینی سکونت اختیار کرده بطور نیمه بدوی زندگی نمایند. تغییر مکان این مردم تقریباً دائمی است، در فصل تابستان گله‌داران از مناطق علفزار خشک کوچ کرده در محل‌های خوش آب و هوا دوران تابستان را می‌گذرانند. مردمانی که در آغاز به حال چادر نشینی زندگی میکردند بتدریج به حالت شهر نشینی درآمدند. با ترقی و پیشرفت اوضاع اقتصادی و صنعتی و بهبود وضع اجتماعی و سهولت ارتباطات روز بروز بر تعداد شهر نشینان افزوده میگردد بطوریکه در سال ۱۹۶۵ تقریباً پنج‌هزار و یک درصد از جمعیت ترکیه را سکنه شهر نشین تشکیل میداد . آمار ذیل نمودار این افزایش است :^۱

سال	جمعیت شهرها	افزایش در مدت ۵ سال	حد متوسط افزایش سالیانه
۱۹۵۰	۳,۸۸۳,۸۶۵	-	-
۱۹۵۵	۵,۳۲۴,۲۹۷	۱,۴۴۰,۵۳۲	۲۸۸/۱۰۶
۱۹۶۰	۷,۳۰۷,۸۱۶	۱,۸۸۳,۴۱۹	۳۷۶/۶۸۳
۱۹۶۵	۹,۳۹۵,۱۵۹	۲,۰۸۷,۳۴۳	۴۱۷/۴۶۸

بیشتر جمعیت ترکیه چنانکه گفته شد اصولاً روستا نشین و بطور کلی از ترک‌ان مسلمان تشکیل شده است، ارامنه که سابقاً تعداد آنان زیاد بود به سرزمین اصلی خود مهاجرت کردند و تعداد آنان در حال حاضر در ترکیه بسیار کم است. یونانیان نیز به استثنای شهرهای استانبول و ازمیر، تعدادشان زیاد نیست تنها کردها هستند که با دومیلیون نفر اقلیت قابل ملاحظه‌ای را تشکیل می‌دهند. جمعیت ترکیه که در حال حاضر بالغ بر ۳۲ میلیون است سرعت رو با افزایش می‌رود (۳۰٪ در هر سال). جمعیت نسبی ترکیه ۴۰ نفر در هر کیلو متر مربع است. این میزان در سواحل دریای مدیترانه و بخصوص در سواحل آن که شهرهای مهمی مانند استانبول و ازمیر و ادنه در این منطقه قرار گرفته‌اند، بیش از سایر مناطق ترکیه است. جمعیت شهرهای مهم باین قرار است: استانبول ۱۷۴۲۹۷۸ - آنکارا ۹۰۵۶۶۰ - ازمیر ۴۱۱۶۲۶ - ادنه ۲۸۹۹۱۹ - بورسه ۲۱۱۶۴۴ - اسکی شهر ۱۷۳۸۸۲ - غازیان تپه ۱۶۰۱۵۲ قونیه ۱۵۷۹۳۴ قیصریه ۱۲۶۶۵۳ - سیواس ۱۰۸۳۲۰ - سامسون ۱۰۷۵۱۰ - ارزروم ۱۰۵۳۱۷ - ملطیه ۱۰۴۴۲۸ - و دیاربکر ۱۰۲۶۵۳^۱

بهداشت و معاونت عمومی^۲

وزارت بهداشتی در سال ۱۹۲۰ تأسیس گردید. و اداره آن به دکتر رفیق بیک محول شد. در این تاریخ ترکیه از نظر بهداشت دارای تشکیلات بسیار مختصری

۱- La Turquie. P. 5. col. Monde et voyage. Larousse.

۲- Second five years plan development P. 236 - 245

بود. در تمام کشور فقط سه بیمارستان با کادر فنی و اداری که از پانصد پزشکی و صد داروساز و صد و پنجاه پرستار و ماما تجاوز نمی‌کرد، وجود داشت. بیماریهای همه گیر بسیار شایع بود. مالاریا، تراخم، سل، تیفوس، حصبه، و آبله فوق العاده زیاد و تعداد مرگ و میر بخصوص در میان کودکان به حد افراط رسیده هر ساله تقریباً قتل عام می‌کرد.

استقرار جمهوریت و پیشرفت و توسعه اوضاع اقتصادی و صنعتی دولت را ب فکر انداخت برای حفظ سلامت و جان مردم بیک سلسله اقدامات مؤثر دست بزد. وزارت بهداشتی و تشکیلات خدمات اجتماعی و سایر دستگاههای مربوط دولتی مانند بیمه اجتماعی و سازمان فعالیتهای اقتصادی و دانشکده های پزشکی و سایر سازمانهای خصوصی در صدد بر آمدند نقشه ها و طرحهایی برای بهداشت عمومی تهیه نمایند. مسئولیت این امر خطیر بعهده وزارت بهداشتی و خدمات اجتماعی و دستگاههای شهرداری واگذار گردید.

در فاصله سالهای ۱۹۶۳ و ۱۹۶۶ در بسیاری از موارد بهداشتی ترکیه پیشرفتها و بهبودهایی حاصل شده به تعداد پزشکان و بیمارستانها و آزمایشگاهها و آسایشگاهها افزوده گردید.

آمارهای زیر شاهد بر این مدعا است.

تعداد کارکنان خدمات پزشکی در سال ۱۹۶۶ (به واحد ۱۰۰۰)

اعضاء	تعداد	چند درصد اعضاء گروه پزشکی
پزشک	۱۰/۲	۲/۹
دندانپزشک	۲/۱	۱۵/۰ ←

اعضاء →	تعداد	چند درصد اعضا گروه پزشکی
داروساز	۱/۹	۱۶/۶
پرستار و کمک پزشکی	۵/۰	۶/۴
کارمندان پزشکی	۵/۲	۶/۲
قابل	۵/۰	۶/۵

ساختمانهای مراکز بهداشتی
(۱۹۶۷ - ۱۹۶۳)

سال	بر نامه پیش بینی شده	بر نامه سالانه	تفاوت میان برنامه سالانه و برنامه پیش بینی شده	برنامه سالانه وزارت بهداشتی و خدمات اجتماعی	وزارت بهداشتی و خدمات اجتماعی	تفاوت میان برنامه پیش بینی شده و برنامه سالانه	بهداری و خدمات اجتماعی	تفاوت میان برنامه سالانه و برنامه پیش بینی شده	انجام شده
۱۹۶۳	۳۰۰	۲۰۰	۱۰۰	۱۷۳	-۱۲۷	-۲۷	۱۹		
۱۹۶۴	۳۰۰	۲۷۶	-۲۴	۲۷۰	-۳۰	-۶	۱۶۹		
۱۹۶۵	۳۰۰	۱۴۱	-۱۵۹	۱۴۱	-۱۵۹	۰	۴۲۶		
۱۹۶۶	۳۰۰	۲۲۱	-۷۹	۲۵۹	-۴۱	+۳۱	۵۶۱		
۱۹۶۷	۳۰۰	۵۲	-۲۴۸	۲۰۵	-۹۵	+۱۵۳			

در سال ۱۹۶۵ تعداد ۷۰۸۳۰ تخت خواب به نسبت ۲۲۶ تخت خواب برای هزار نفر در ترکیه موجود بود. در بعضی از نقاط امکان اینکه به اندازه کافی تخت خواب در بیمارستانها مهیا کرد میسر نیست زیرا بودجه و وسایل و مخصوصاً متخصصین فنی لازم برای این نقاط فعلاً در دست نیست ولی بعکس در بسیاری دیگر از شهرستانها امکانات برای تجهیز بیمارستانها آماده تر است.

آمار زیر تقسیم‌بندی تختخوابها را در بیمارستانهای شهرستانها نشان میدهد.

تقسیم بندی تختخوابهای بیمارستانها در شهرستانها
(سال ۱۹۶۵)

تعداد تختخواب به تناسب هر ۱۰۰۰۰ نفر	تعداد شهرستانها
۱ - ۱۰	۲۸
۱۱ - ۲۰	۲۹
۲۱ - ۳۰	۵
۳۱ - ۴۰	۱
۴۱ - ۵۰	۱

آزمایشگاهها هنوز نتوانسته‌اند تمام احتیاجات پزشکی و خدمات پیش‌گیری را تأمین نمایند. آموزشگاهها و دانشکده‌های پزشکی در تنگنای لوازم و مخصوصاً کادر تعلیماتی هستند. برای جبران این نقائص دولت ترکیه در بر نامه پنج‌ساله خود پیش‌بینی‌های لازم را در کلیه شئون بهداشتی از جمله ملی کردن بهداشت، تربیت متخصصین بهداشت مادران و کودکان، بهداشت کارگران، بیماریهای روانی، بهداشت تغذیه، نظام پزشکی، ساختمانهای عمومی بهداشتی کرده است. از جمله اعتبارات کافی که تا سال ۱۹۷۲ برای این قبیل امور پیش‌بینی نموده است.

بودجه بهداشتی (۱۹۶۸ - ۱۹۷۲)
(واحد میلیون لیره ترك)

۱۹۶۸	۱۹۶۹	۱۹۷۰	۱۹۷۱	۱۹۷۲	جمع
۶۶	۶۶	۶۶	۶۶	۶۶	۳۳۰
۶۴/۷	۶۴/۷	۷۴/۷	۶۴/۷	۶۴/۷	۳۲۳/۵

مراکز بهداشتی

درمانگاهها

→ دستگاههای تهیه

۱۰۸۳/۴	۱۵۳/۸	۱۵۴/۶	۲۰۵/۲	۲۳۶/۴	۳۳۳/۴	کننده تختخواب
						برنامه بهداشت
۲۶۳/۱	۵۱/۹	۵۱/۳	۵۱/۳	۵۰/۸	۵۸/۸	عمومی
۲۰۰۰۰	۲۲۵/۴	۳۳۶/۶	۳۸۷/۲	۴۱۷/۹	۵۲۲/۹	جمع

تشکیلات کار و قوانین اجتماعی

بطوریکه سابقاً متذکر شدیم سکنه ترکیه اصولاً روستائین و بکار کشاورزی و فلاحتی اشتغال دارند درحالیکه درکارخانهها و سایر مشاغل اجتماعی به نسبت به امور فلاحتی تعداد کمتری بکار مشغولند.

نسبت تقسیم بندی مشاغل (پانزده سال به بالا) (۱۹۶۷ - ۱۹۶۲)

۱۹۶۷	۱۹۶۲	
۷۲/۳	۷۷/۷	کشاورزی
۱۰/۴	۸/۴	صنایع
۳/۴	۲/۵	ساختمان
۳/۶	۳/۳	بازرگانی
۲/۵	۲/۰	حمل و نقل
۷/۸	۶/۱	خدمات اداری

از خواص اصلی زندگی در ترکیه اختلاف و فاصله زیاد میان طبقه ممتاز حاکمه و توده ملت بوده است. در ترکیه دو طبقه متمول و بسیار فقیر وجود داشت و از طبقه متوسط اثری دیده نمیشد. طبقه کشاورز در این کشور محرومترین طبقات بودند زیرا

علاوه بر نداشتن وسایل اولیه کشاورزی دست و پای آنان در يك رشته قوانین اقتصادی کشاورزی بسته شده بود و سطح زندگی خانواده های زارع بسیار ضعیف بود ولی با تغییر رژیم دولتها با کوشش فراوان با ملغی ساختن بسیاری از مالیاتهای کمر شکن و تجدید نظر در قوانین کشاورزی و اصلاحات ارضی مکانیزه شدن کشاورزی امر زراعت را بطور قابل ملاحظه ای توسعه داد و سطح آنرا بالا برد و همین موضوع باعث شد که در شرایط و بهبود زندگی کشاورزان اثرات فوق العاده ای بیخشد.

در سال ۱۹۴۶ وزارت کار شرایط و مقررات جدیدی برای کارگران کشاورزی وضع کرد که بموجب آن مقررات اتحادیه های صنفی کشاورزان بوجود آمد. قانون اتحادیه اصناف^۱ در سال ۱۹۶۳ وضع صنفی کشاورزان را روشن و مشخص ساخت. آمار زیر تعداد کارگران کشاورزی را که به اتحادیه پیوستند نشان میدهد.

اتحادیه صنفی کارگران (واحد به ۱۰۰۰)

سال	تعداد کارگران	تعداد کارگران عضو اتحادیه	نسبت اتحادیه کارگر
۱۹۵۵	۱/۶۲۴	۱۹۰	۱۱/۶
۱۹۶۰	۲/۴۳۷	۲۸۳	۱۱/۶
۱۹۶۱	۲/۰۰۰	۲۹۹	۱۱/۴
۱۹۶۲	۲/۷۶۲	۳۰۸	۱۱/۱
۱۹۶۳	۲/۹۲۵	۲۹۶	۱۰/۱
۱۹۶۴	۳/۰۸۷	۳۳۹	۱۰/۹

اکثریت اعضای اتحادیه در سازمانی بنام تورکیس^۲ اجتماع کردند و از این راه موفق شدند بقدرت خود بیفزایند و در سال ۱۹۶۶ یکی از اصناف تورکیس آموزشگاهی

برای تربیت کارگران تأسیس نمود.

طبقه دوم (بورژوازی) در ترکیه به سرعت روبه‌تزايد و تجدید حیات است. به همان اندازه که کشور روی بسوی تحول و پیشرفت مسی‌رود طبقه جدید ممتازی از ریشه خانواده‌های کشاورز مرکب از روشنفکران و متخصصین فنون مختلف، در حال تشکیل شدن است. ترکیه از نظر دستگاهها و کادر اداری بسیار قوی است و باینکه انقلاب اساس امپراطوری را برچید معذک نتوانست کشور را از قدرت اداری آن با وجود اثراتی که روش حکومت مطلقه در آن دستگاه از خود باقی گذاشته بود، از میان ببرد. روش اداری در تمام چرخهای دولتی نفوذ کرده از راه وزارتخانه‌ها و سایر مؤسسات تمام اداره امور کشوری را در اختیار خود گرفت. تعداد کارگران در ترکیه هنوز به آن اندازه نرسیده است که بتواند مانند سایر کشورهای بزرگ صنعتی نقش مهمی در اجتماع به عهده داشته باشد. در سالهای اخیر کارگران طبقه جدیدی تشکیل دادند که تقریباً میتوان گفت به تدریج صورت و وجهه کارگری جهانی را به خود می‌گیرد. در سال ۱۹۳۶ دولت قانون کاری گذراند که طبق آن وضع کارگر و کارفرما و روابط میان این دو بر اساس معینی پایه گذاری میشد. در سال ۱۹۴۷ طبق قانون دیگری به تشکیل سازمانهای صنعتی (سندیکا) اجازه داده شد. این قانون شامل سیزده ماده بود و به موجب آن کارگران آزادی یافتند که در سازمانهای صنعتی به اختیار خود شرکت نمایند و ضمناً مقرر شده بود که کارفرمایان حق دخالت در تشکیل صنوف و سازمانهای آن را ندارند.

پس از سال ۱۹۴۷ تعداد ۹۸ صنف کارگری در مراکز بزرگ صنعتی با ۳۰۰۰۰۰ نفر عضو در ترکیه تشکیل گردید که ۱۷ سندیکا با ۲۰۰۰۰ نفر کارگر در استانبول و ۸ سندیکا با ۱۷۰۰۰ نفر کارگر در از میر مشغول کارند.

قراردادهای جدیدی که به تصویب رسید روابط عمومی میان صنوف مختلف هر

ناحیه را معین نمود، ولی اتحادیه عمومی صنفی برای تمام سراسر کشور در این زمان هنوز وجود نداشت و تشکیل آن بسیار بعید به نظر می‌رسید. هدف اصلی تشکیلات صنفی برکنارنندن سندیکاها از سیاست بود. زیرا ترکیه که کاملاً مخالف مارکسیسم بود اختلافات میان طبقات را برای کشور خطرناک و وسیله ضعف و ازهم پاشیدگی آن می‌دانست. حزب مردم عقیده داشت سندیکا باید سازمانی باشد که نظم و ترتیب را مراعات کرده وسیله اخلال و بی‌نظمی نباشد و نباید حربه‌ای برای جنگ و ستیز قرار بگیرد و به همین جهت بود که حق اعتصاب هیچگاه به کارگران داده نشد. در ژانویه ۱۹۵۰ در موقع تجدید نظر در قانون کار موضوع اعتصاب مورد توجه و بحث قرار گرفت. احزاب دموکرات و ملت با عملی شدن این حق روی موافقت نشان داد ولی بعضی از سندیکاها به دولت اعلام کردند پیشنهاداتی که داده‌اند به هیچوجه برای گرفتن حق اعتصاب نیست بلکه منظور آنها برقراری مقرراتی برای بیمه اجتماعی و بازنشستگی کارگران سالخورده می‌باشد. در خلال این مباحثه‌ها و مذاکرات، وزارت کار تذکر داد: «اعتصاب اسلحه‌ای است که در سراسر جهان نتایج وخیم و خطرناکی برای اقتصاد ملی و خود کارگران بیار آورده است». دادگاههای مخصوص دولتی مأمور شدند موضوعات مطروحه را میان کارگران و کارفرمایان حل و فصل نموده در مسائل اختلافات اقتصادی و ادعاهای اجتماعی و افزایش مزد، تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند. طرح جدید که باید آن را «آشتی و وساطت» نامید با تمایلات و احساسات قدیمی ترکها کاملاً توافق داشت و دولت را در وظیفه‌ای که برعهده داشت یعنی قاضی عالی و مطلق، معین کرد. و این یکی از قدمهای برجسته و مظاهر اصلاحی بود که بوسیله ترکیه جوان آتاتورک برداشته شد و بوجود آمد.

قیافه مخصوص و جدید روش صنفی و نوظهوری این جنبش و نهضت در ترکیه و توسعه و پیشرفت آن سبب شد که ارتقاء سریعی در این زمینه را برای ترکیه که در

راه ترقی و تعالی افتاده بود ، پیش بینی نماید.

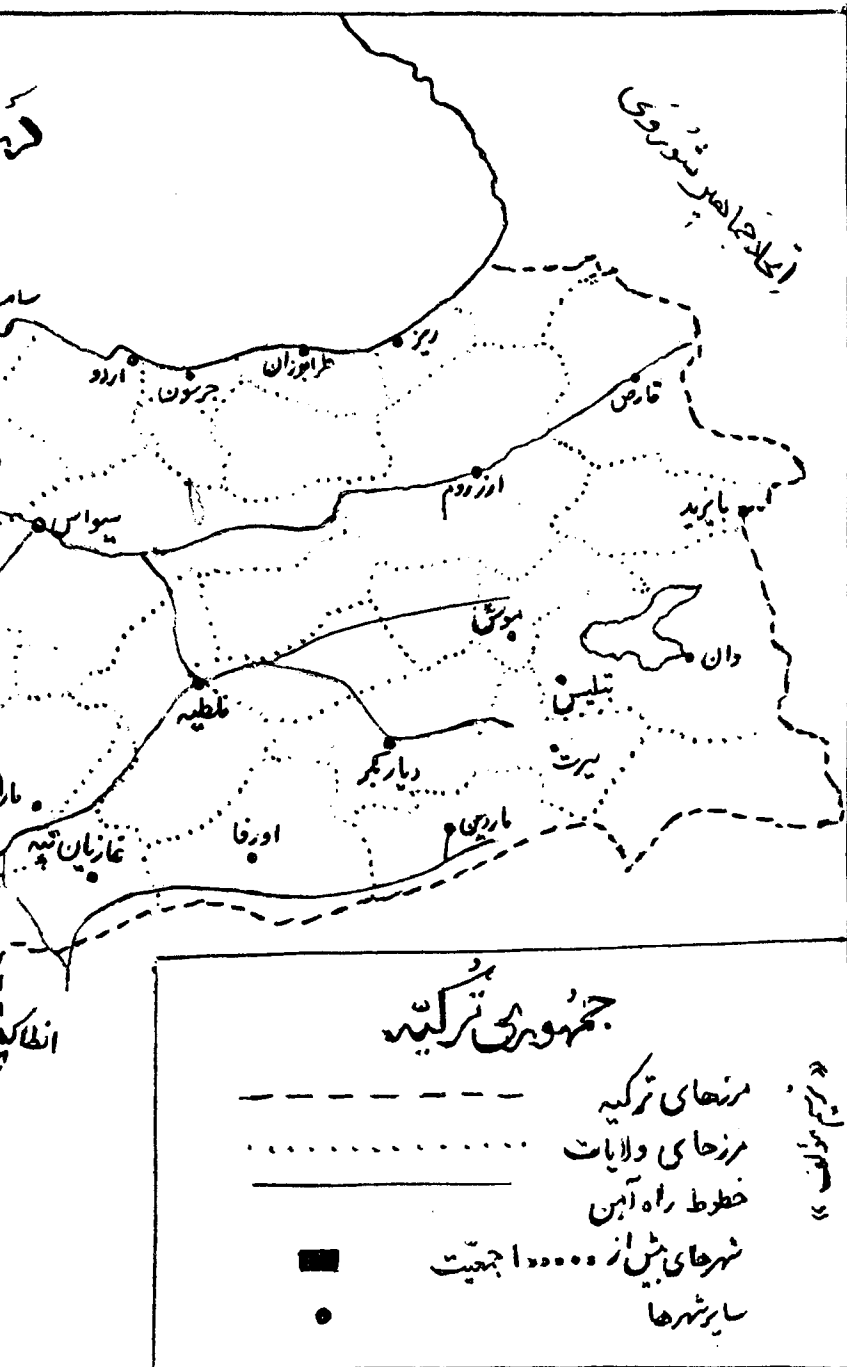
تقویم و اعیاد جمهوری

هفته کار از دوشنبه صبح شروع و به شنبه ساعت سیزده (يك بعد از ظهر) ختم می گردد. مقدار کار هفته ای چهل و هشت ساعت معین گردیده لیکن در این زمینه تا اندازه ای رؤسا و کارگران آزادی عمل دارند. استراحت قانونی عبارتست از بعد از ظهر شنبه و تمام یکشنبه . جمهوریت در آغاز امر جمعه را (که روز نماز بود) به جمعه جمهوریت تبدیل کرد. در نتیجه نیازمندیهای بازرگانی و بورسی و همچنین مناسبات بین الملل، دولت را واداشت که یکشنبه ها را روز استراحت اعلام کند.

ناگفته نگذاریم که تقویم ترکیه به تقویم گریگوری تأسی جسته و تقویم اسلامی را هم برای تنظیم زندگانی مذهبی کشور باقی گذاشته است. جمهوریت دو عید اسلامی را باشکوه برگزار می کند یکی شکر بایرامی (عید فطر در آخر ماه رمضان که پایان روزه است) و دیگر قوربان بایرامی (عید قربان). این جشن مختص قربانی کردن گوسفند است و در همان روز عید حجاج برگزار می گردد و اعراب آن را «عید الاضحی» می نامند .

ترکیه علاوه بر جشنهای مذهبی عده ای جشنهای دیگر نیز دارد مانند:

- نوروز در اول ژانویه
- جشن حاکمیت ملی در ۲۲ و ۲۳ ژوئن .
- جشن بهار در اول ماه مه
- جشن جوانان و ورزش در ۱۹ مه
- جشن روستائیان در روز دومین یکشنبه ژوئن
- جشن پیروزی درسی ام اوت
- جشن ملی از ۲۸ تا ۳۰ اکتبر.



[illegible]

کریا ہی مدد سے ترانہ

تعلیمات عمومی

تعلیمات عمومی یکی از وظایف عمده دولت جمهوری بود. در روستاها در آغاز نخستین روز پس از انقلاب تقریباً هیچکس سواد خواندن و نوشتن نداشت و عده دانش آموزان مدارس متوسطه فقط ۷۰۰۰ نفر بود.

درباره وضع بیسوادی در ترکیه اطلاعات دقیق و تازه‌ای در دست نداریم. آخرین آمارهای کامل مربوط به سال ۱۹۳۵ است. در آن زمان مجموعاً ۲,۵۱۷,۰۰۰ نفر سواد خواندن داشتند که ۱,۸۴۷,۰۰۰ تن از آنها مرد و فقط ۶۷۰,۰۰۰ نفر زن بودند که ۲۵۰۰۰ نفر از آنان سواد نوشتن نداشتند.

در شهرهایی که بیش از ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت داشت ۳/۴ درصد مردم خواندن و نوشتن می‌دانستند و در شهرهای کوچک و روستاها این مقدار به ۵/۱۰ درصد می‌رسید. طبق اطلاعات نیمه رسمی در روستاها در سال ۱۹۵۱-۸۰ درصد بی‌سواد وجود داشت. آموزش ابتدائی در شهر نسبتاً به سرعت پیشرفت کرده است. آموزش ابتدائی در روستاها که استقرار آن در ۳۵۰۰۰ دهکده ترکیه دشوارتر بود، مورد توجه خاص قرار گرفته است. قانونی درباره مؤسسات روستاها به تازگی وضع شد و موجب گشایش بیست مؤسسه تعلیماتی در آنها گردیده است. هدف این مؤسسات تربیت عمومی و حرفه‌ای است و بویژه تعلیماتی راجع به نجاری، بنائی، آهنکاری، فرشبافی و غیره داده می‌شود.

بدبختانه مخارج معتدبه کشور به دولت اجازه نمی‌دهد بیش از ۱۲ درصد بودجه به آموزش همگانی اختصاص داده شود.

آموزش ابتدائی به مدت پنج سال اجباری و رایگان است. موادی که تعلیم داده می‌شود عبارت است از:

زبان ترکی، حساب، هندسه، تاریخ، جغرافیا، تعلیمات مدنی، موسیقی

ورزش. برای دختران کارهای خیاطی و خانه‌داری و برای پسران دروس کشاورزی یا کارهای کارگاههای دستی به برنامه‌ها افزوده می‌گردد. از ۱۹۴۷ به این طرف تعلیمات دینی هم در مدارس ابتدائی اجباری شده است.

در پایان دوره سلطنت عثمانی ۷۲ مدرسه و ۲۳ دبیرستان دائر بود. دولت جمهوری تعلیمات متوسطه را در دو جهت مختلف رهبری می‌کند: یکی پرورش تکنیسین‌ها و کارگران متخصص که از هنرستانها بیرون می‌آیند و دیگری برنامه‌عمومی که در مدارس متوسطه و در دبیرستانها تعلیم داده می‌شود. عده‌ای از این مؤسسات آموزشگاههای شبانه هستند.

آموزش متوسطه مشتمل بر دو دوره است. دوره یاسیکل اول که در مدارس متوسطه انجام می‌یابد سه سال طول میکشد و دانش‌آموزان را برای ورود به دبیرستان آماده می‌کند. تعلیمات دوره دوم در دبیرستانها داده میشود و برای اخذ دیپلم متوسطه است در این دوره يك زبان خارجه اجباری است (فرانسه، آلمانی، انگلیسی).

در زمان رژیم سابق يك مدرسه بازرگانی در اسلامبول وجود داشت. جمهوریت این مدرسه را نگهداشت ولی ضمناً پی درپی يك مدرسه مطالعات عالی اقتصادی و بازرگانی در ازمیر، ۱۸ دبیرستان بازرگانی و ۱۸ مدرسه بازرگانی دیگر نیز به آن افزوده است. ۳۱ آموزشگاه عالی و دانشکده وجود دارد که وابسته به دانشگاههای استانبول و آنکارا هستند.

تا سال ۱۹۴۶ دانشگاه تابع وزارت فرهنگ بود. از آن تاریخ استقلال یافته و اساسنامه آن شبیه به اساسنامه دانشگاههای فرانسه است. به دانشکده الهیات حتی پیش از اینکه اجازه داده شود تعلیمات مذهبی از سر گرفته شود دولت اجازه آموزش داده بود.

هنرهای زیبارا در فرهنگستان هنرهای زیبای استانبول یاد میدهند. موسیقی-

دانشان و هنرمندان تأثیر در کنسرو آتوار آنکارا پرورش میابند. در ظرف ۲۵ سال این دو مؤسسه بیش از ۱۰۰۰ هنرمند و هنرپیشه به ترکیه داده است که ۲۰۰ تن از آنان زن هستند.

سه قانون بر تربیت ملی حکم فرماست: قانون ۱۹۲۴ مربوط به وحدت آموزش، قانون ۱۹۲۶ درباره سازمان آموزش و قانون ۱۹۲۹ مربوط به آموزش زبانهای عربی و فارسی.

قانون ۱۹۲۴ تعلیمات مذهبی مدرسه‌های سابق را لغو کرد و آموزشگاه‌های ملی غیر مذهبی به سبک جدید و دموکراتیک را به جای آن‌ها تأسیس نمود (قانون مزبور در سال ۱۹۴۷ تغییر یافت). به موجب این قانون آموزشگاه‌ها از حیث تشکیلات بیک صورت درآمدند.

قانون ۱۹۲۶ آموزش همگانی را تحت رهبری مستقیم وزارت فرهنگ قرار داد که یک شورای تربیت ملی به آن کمک میکرد (این قانون در سال ۱۹۴۶ اصلاح شد). تأسیس آموزشگاههای خصوصی، مدارس اقلیت نژادی و مدارس خارجی مجاز است. این آموزشگاهها باید از هر گونه تبلیغ مذهبی خودداری کنند و زبان و تاریخ و جغرافیای ترکیه را به دانش آموزان بیاموزند.

دولت ترکیه در برنامه پنج ساله دوم کوشش فراوانی برای پیشرفت امور آموزش و پرورش و تأسیس مدارس عالی و دانشگاهها کرده است، آمارهای زیر معرف این سعی و مجاهدت است:

نسبت تعداد محصلین بر حسب سن آنان در رشته‌های مختلف تحصیلی (۱۹۷۲-۱۹۸۶)

سال تحصیلی	مدارس متوسطه	آموزشگاههای کشاورزی	فنی	بهداشتی	قریب معلم	حرفه‌ای دختران	آموزشگاههای سائرمشاغل	جمع
۱۹۶۸-۱۹۶۹	۵۷/۵	۰/۸	۶/۶	۱/۵	۱۴/۳	۵/۲	۱۴/۱	۱۰۰
۱۹۶۹-۱۹۷۰	۵۷/۵	۰/۹	۷/۹	۱/۸	۱۳/۷	۴/۸	۱۳/۴	۱۰۰
۱۹۷۰-۱۹۷۱	۵۸/۲	۰/۹	۹/۰	۲/۵	۱۲/۹	۴/۲	۱۲/۳	۱۰۰
۱۹۷۱-۱۹۷۲	۵۹/۳	۰/۹	۹/۶	۳/۰	۱۲/۱	۴/۶	۱۱/۵	۱۰۰
۱۹۷۲-۱۹۷۳	۶۰/۳	-	۱۰/۲	۳/۴	۱۱/۴	۳/۰	۱۰/۹	۱۰۰

تقسیم بندی محصلین در آموزشگاههای حرفه‌ای و فنی (۱۹۶۸-۱۹۷۳)

سال تحصیلی	مدارس متوسطه	آموزشگاههای کشاورزی	فنی	بهداشتی	قریب معلم	حرفه‌ای دختران	آموزشگاههای سائرمشاغل	جمع
۱۹۶۸-۱۹۶۹	۵۷/۵	۰/۸	۶/۶	۱/۵	۱۴/۳	۵/۲	۱۴/۱	۱۰۰
۱۹۶۹-۱۹۷۰	۵۷/۵	۰/۹	۷/۹	۱/۸	۱۳/۷	۴/۸	۱۳/۴	۱۰۰
۱۹۷۰-۱۹۷۱	۵۸/۲	۰/۹	۹/۰	۲/۵	۱۲/۹	۴/۲	۱۲/۳	۱۰۰
۱۹۷۱-۱۹۷۲	۵۹/۳	۰/۹	۹/۶	۳/۰	۱۲/۱	۴/۶	۱۱/۵	۱۰۰
۱۹۷۲-۱۹۷۳	۶۰/۳	-	۱۰/۲	۳/۴	۱۱/۴	۳/۰	۱۰/۹	۱۰۰

مجموع هزینه آموزش و پرورش (واحد میلیون لیره ترك)

جمع	۱۹۷۲ ۱۹۷۳	۱۹۷۱ ۱۹۷۲	۱۹۷۰ ۱۹۷۱	۱۹۶۹ ۱۹۷۰	۱۹۶۸ ۱۹۶۹	
۲/۲۰۰/۰	۲۲۶/۹	۶۰۲/۰	۳۶۱/۰	۴۷۲/۵	۵۳۷/۶	آموزشگاههای ابتدائی
۱/۶۰۵/۰	۲۸۱/۶	۳۲۶/۴	۴۲۷/۳	۳۲۲/۱	۲۴۷/۶	آموزشگاههای متوسطه (سیکل اول)
۷۱۴/۶	۲۲۹/۲	۱۹۷/۴	۱۳۶/۵	۹۱/۷	۶۵/۸	آموزشگاههای متوسطه (سیکل دوم)
۲۰/۳	۴/۷	۴/۲	۴/۲	۳/۹	۳/۳	آموزشگاههای کشاورزی
۱۷/۷	۳/۹	۴/۲	۴/۲	۳/۲	۲/۲	آموزشگاههای قابلكی روستاها
۱۷۰/۰	۵۱/۳	۵۳/۰	۲۶/۷	۲۱/۹	۱۷/۱	آموزشگاههای كمك پزشکی
۳۶۹/۹	۱۳۳/۰	۱۰۹/۷	۹۱/۵	۲۴/۲	۱۱/۵	آموزشگاههای فنی
۱۸۶/۳	۶۰/۴	۵۰/۰	۳۵/۶	۲۳/۴	۱۶/۸	آموزشگاههای بازرگانی وجهانكردی
۴۶/۶	۹/۸	۹/۲	۸/۰	۱۱/۱	۸/۵	آموزشگاههای حرفه‌ای دختران
۲۷۷/۳	۷۱/۶	۶۰/۴	۴۶/۶	۳۹/۹	۵۸/۸	دانش‌سراهای مقدماتی
۲۰۴/۶	۵۰/۰	۳۸/۹	۳۸/۳	۴۸/۱	۲۹/۳	دانش‌سراهای تربیت معلم
۵۹۶/۳	۱۶۵/۳	۱۳۴/۳	۱۰۷/۵	۸۸/۵	۱۰۱/۲	دانش‌سراهای عالی (فنی وعلوم)
۲۱۹/۰	۶۰/۵	۵۲/۸	۵۸/۵	۱۹/۹	۲۷/۳	دانش‌سراهای عالی (پزشکی و بهداشت)
۷۶/۷	۱۹/۰	۱۶/۹	۱۵/۷	۱۳/۰	۱۲/۱	دانش‌سراهای عالی (کشاورزی)
۱۶۳/۲	۳۴/۴	۳۲/۰	۳۳/۵	۳۲/۸	۳۰/۵	دانش‌سراهای عالی (عمومی)
۶۳۲/۰	۳۴۰/۷	۶۱/۵	۶۲/۰	۹۴/۶	۶۸/۲	سایر مشاغل
۷۵۰۰/۰	۱۷۴۷/۳	۱۷۴۷/۰	۱۴۵۷/۱	۱۳۱۰/۸	۱۲۳۷/۸	جمع

چنانچه ذکر شد دولت ترکیه اهمیت زیادی به تعلیمات عمومی و مخصوصاً تعلیمات عالیّه مبذول میدارد که ما در اینجا بذکر دانشگاههای آن میپردازیم:

دانشگاه آنکارا که دارای چندین دانشکده بقرار زیر است :

الف - دانشکده ادبیات (دانشکده زبان و تاریخ و جغرافیا).

ب - دانشکده داروسازی.

ج - دانشکده علوم تربیتی.

د - دانشکده الهیات.

ه - دانشکده علوم سیاسی.

و - دانشکده پزشکی - مدرسه عالی دندانپزشکی.

ز - دانشکده دامپزشکی.

ح - دانشکده کشاورزی.

دانشگاه حاجت‌تپه (آنکارا) :

الف - دانشکده علوم فنی

ب - دانشکده علوم اداری و اجتماعی.

ج - دانشکده پزشکی و مدارس وابسته به آن

دانشگاه استانبول :

الف - دانشکده پزشکی

ب - دانشکده پزشکی جراح پاشا.

ج - دانشکده دندان پزشکی

د - دانشکده داروسازی.

ه - دانشکده حقوق.

- و - دانشکده اقتصاد .
- ز - انستیتو روزنامه نگاری .
- ح - دانشکده مدیریت بازرگانی .
- ط - دانشکده جنگلداری
- ی - دانشکده شیمی .
- ک - دانشکده علوم .
- ل - دانشکده ادبیات .
- م - دانشگاه صنعتی استانبول .
- دانشگاه آتاتورك (ارزروم) :
- الف - دانشکده ادبیات .
- ب - دانشکده حسابداری .
- ج - دانشکده پزشکی
- د - دانشکده کشاورزی .
- دانشگاه اسغه (دانشگاه اژه در ازمیر) :
- الف - دانشکده دندان پزشکی
- ب - دانشکده پزشکی
- ج - مدرسه عالی پرستاری و تکنولوژی بهداشتی .
- د - دانشکده علوم .
- ه - دانشکده علوم صنعتی .
- و - دانشکده کشاورزی .
- دانشگاه صنعتی قره دنیز (دریای سیاه در طرابوزان) .
- الف - دانشکده معماری و راه و ساختمان .

- ب - مهندسی عالی ژئودزی .
- ج - دانشکده علوم اساسی .
- مدارس عالی و فرهنگستانهای ترکیه :
- الف - فرهنگستان هنرهای زیبا (استانبول).
- ب - کنسرواتوار شهرداری (استانبول) .
- ج - مدرسه عالی هنرهای زیبای تطبیقی (استانبول).
- د - کنسرواتوار آنکارا .
- ه - فرهنگستان علوم بازرگانی و اقتصادی (آنکارا).
- و - مدرسه عالی مدیریت بهداشتی.
- ز - فرهنگستان علوم بازرگانی و اقتصادی (ازمیر).

مطبوعات^۱

در قرن پانزدهم میلادی دسته‌ای از یهودیان که از اروپا رانده شده بودند به عثمانی پناهنده شدند و در آنجا با مساعدت دولت امپراطوری آزادانه به اجرای مراسم دینی خود و بکار بازرگانی مشغول شدند. یهودیان مهاجر از ایتالیا و اسپانیا با خود صنعت چاپ را در سال ۱۴۹۴ به عثمانی آوردند و به چاپ کتابهای بزبان عبری پرداختند ولی طولی نکشید که این صنعت در میان مردم امپراطوری رائج گردید.

در سایه و پناه آزادی که امپراطوری به اقلیت‌های مذهبی داده بود در سال ۱۵۶۷ ارامنه و در سال ۱۶۲۷ یونانیان، به تقلید از اقلیت یهودی بکار چاپ و نشر کتابهای بزبان مخصوص خود پرداختند و همین امر سبب شد که بتدریج فرهنگ ملی آنان در عثمانی رو به پیشرفت و توسعه بگذارد.

مردم عثمانی که در برابر مشکلات کمر شکن داخلی و خارجی قرار گرفته بودند خسته و فرسوده شدند. ملت مسلمان ترك ناچار شد که از هر طرف به مبارزه بپردازد و بهمین دلیل بود که نتوانست بزودی خود را در راه اصلاحات و تجددخواهی بیندازد. در اوایل قرن نوزدهم ترکان احتیاج مبرم خویش را در راه شناسائی علوم و فنون احساس کرده با سعی و مجاهدت در انجام مقصود قدم برداشتند.

موتفریکا ابراهیم افندی و سعید افندی که در دولت دارای مقام مهمی بودند دست بدست یکدیگر داده در صدد برآمدند با محیط خفقان آور آقرمان و عناصر ارتجاعی بمبارزه بپردازند تا سرانجام در ۱۴ دسامبر ۱۷۲۳ اولین نشریه چاپی را بوجود آوردند. نشریه موتفریکا که با کمک دولت منتشر شد در سال ۱۷۹۷ بکار خود خاتمه داد. در

خلال این مدت نشریات موهندیشان (آموزشگاه مهندسی) در سال ۱۷۹۵ و نشریات اوسکودار در سال ۱۸۰۲ بنام سازمان رسمی تأسیس و شروع بکار کردند. بموازات نشریات مزبور در قرن ۱۹ نشریات خصوصی دیگری در ترکیه بوجود آمد. سلطان محمود دوم که در سال ۱۸۰۸ به سلطنت رسید با وجود اینکه در داخل و خارج با مسائل بفرنج و دشواری مواجه گردید معذک برای پیشرفت و اصلاح امور کشور و انداختن آن در راه تجدد خواهی و تمایل کردن بتمدن غرب، زحمات فراوانی کشید. در زمان این سلطان از نظر اجتماعی و اقتصادی کشور ترکیه به پیشرفتهای شایانی نائل آمد. اصلاحات او بموجب فرمانی که در سال ۱۸۳۹ منتشر گردید بمورد اجرا گذاشته شد. سلطان محمود دوم انتشار روزنامه‌هایی را که در آنها مسائل سیاسی داخلی و خارجی کشور مطرح شده باشد، از لوازم شمرد. در زمان او روزنامه‌ای بنام «تقویم وقایع» در پنجهزار نسخه در اول سپتامبر ۱۸۳۱ منتشر گردید.

اسعد افندی (۱۸۴۸ - ۱۷۸۶) برای اداره امور روزنامه تقویم وقایع و صارم افندی برای مسائل داخلی و سعیدیک برای موضوعات نظامی و نحوه انتشار روزنامه و جمال‌الدین افندی بعنوان مدیر داخلی روزنامه انتخاب و مأمور شدند.

اولین شماره روزنامه تقویم وقایع بقطع ۲۷۰ × ۴۰۰ میلیمتر و ۸ صفحه و هر صفحه دو ستون منتشر شد که در آن از مسائل مختلف مملکتی و تعلیم و تربیت و صنایع و بازرگانی گفتگو شده بود و چون در آن زمان مردم ترکیه بزبانهای عربی و فارسی و ارمنی و یونانی تکلم میکردند دولت امپراطوری در نظر گرفت وضعی فراهم آورد که مردمی که به این زبانها تکلم میکردند بتوانند آنان نیز استفاده لازم را ببرند بنابراین اجازه داد تا هر یک روزنامه‌ای به زبان خود منتشر نمایند.

انتشار «تقویم وقایع» در فاصله سالهای (۱۸۷۸، ۱۸۹۱) متوقف ماند ولی مجدداً در سال ۱۸۹۶ منتشر گردید و تا سال ۱۹۰۸ ادامه یافت. در سال ۱۹۲۰ بنام «رسمی

«گازت» در آنکارا انتشار یافت و چندی بعد ارگان مخصوص جمهوری ترکیه گردید. زمینه انتشار روزنامه خصوصی در ترکیه بوسیله يك نفر انگلیسی بنام ویلیام چرچیل در سال ۱۸۳۶ تحت عنوان «جریده حوادث» به زبان ترکی فراهم شد که از طرف دولت از نظر مالی به وی کمک می شد. جریده حوادث که تقریباً جنبه نیمه رسمی داشت با انتشار اخبار جنگ کریمه در سال ۱۸۴۵ مورد توجه عامه قرار گرفت. این روزنامه در سال ۱۸۶۴ بحال وقفه در آمد و بجای آن «روزنامه جریده حوادث» بوسیله آلفرد چرچیل فرزند ویلیام چرچیل منتشر گردید.

اولین روزنامه خصوصی در ترکیه «ترجمان احوال» بود که بوسیله شناسی افندی (۱۸۷۱ - ۱۸۲۶) که تحصیلات خود را در فرانسه انجام داده بود، انتشار یافت. این روزنامه در ۲۱ اکتبر ۱۸۶۰ اولین شماره خود را منتشر کرد ولی با مشاجره ای که بین «ترجمان احوال» و «جریده حوادث» در گرفت دولت ناچار شد آنرا در ماه مه بحال تعطیل در آورد.

بنابر این باید گفت که روزنامه «ترجمان احوال» پیشقدم و طلیعه مطبوعات در ترکیه بود و به همین مناسبت انجمن روزنامه نویسان استانبول در سال ۱۹۶۰ جشنی بیاد کار روزنامه مزبور برپا داشت و خاطره آنرا زنده کرد.

دومین روزنامه خصوصی «تصویر افکار» بود که در ۲۷ ژوئن ۱۸۶۲ بنا به اراده شخصی شناسی افندی منتشر گردید.

با انتشار مجله «مجموعه فنون» در ژوئیه ۱۸۶۲ به مدیریت منیف پاشا اولین مجله در ترکیه بوجود آمد که تا سال ۱۸۶۶ انتشار آن ادامه داشت و پس از آن دو مجله دیگر بنامهای «مرآت» به مدیریت مصطفی رفیق بیك و «مجموعه عبر و انتباه» در سال ۱۸۶۲ بوسیله جمعی از جوانان ادب دوست بوجود آمد.

در همین مدت نشریات فنی مانند «وقایع طبیعی» که نصف آن بزبان ترکی و نیم

دیگر آن به زبان فرانسه بود، و «جریدهٔ عسکریه» در مطبوعات ترکیه طلوع کردند. باید اذعان کرد که ترقی و توسعهٔ روزنامه نویسی در ترکیه بسیار به کندی پیشرفت میکرد، با این تفصیل در خارج از پایتخت روزنامه‌هایی به این قرار منتشر گردید: روزنامهٔ «تونا» (نامی که ترکان به دانونب داده بودند) در سال ۱۸۶۴ و روزنامهٔ «بوسنا» در سال ۱۸۶۶ در ایالت بوسنی و «پریزن» در سال ۱۸۷۱ در ایالت پریزن و «انوار ترکیه» در ارزروم در سال ۱۸۷۵.

در فاصله سالهای ۱۸۶۵ تا ۱۸۷۶ یعنی زمان اولین دوران استقرار قانون اساسی تعداد روزنامه‌ها و مجلات رو به فزونی گذاشت.

اولین روزنامه که بیشتر جنبهٔ اقتصادی و بازرگانی داشت روزنامهٔ «تقویم تجارت» بود (۱۸۶۵). روزنامه‌ها و مجلات دیگری به این قرار در این دوره منتشر گردید: ترقی (۱۸۶۸)، ممیزی (۱۸۶۹)، دیوژن (۱۸۷۰) مجلهٔ ثنائی (۱۸۷۴)، روزنامهٔ بصیرت (۱۸۷۰).

در سال ۱۸۷۶ اولین قانون اساسی منتشر گردید و با این قانون امید بسیاری پیدا شد که آزادی مطبوعات نیز اعلام و جامعه ترک از آن برخوردار میشود ولی سلطان عبدالحمید دوم این امید را مبدل به یأس نمود. زیرا قانون مطبوعاتی که در سال ۱۸۷۷ از طرف مجلس شورای نمایندگان تصویب رسید و در آن آزادی مطبوعات پیش‌بینی شده بود هیچگاه مورد تأیید سلطان قرار نگیرد و حتی روزبروز بر فشار مطبوعات افزوده استبداد خویش را بخصوص در این باره روزافزون کرد. در مدت سی و سه سال یعنی از سال ۱۸۷۶ تا ۱۹۰۸ مطبوعات ترکیه بدترین دوران خود را گذرانید. سانسور و مراقبت دستگاه امپراطوری محیط خفقان‌آوری را برای مطبوعات فراهم آورد، از تعداد روزنامه‌ها و مجلات کاسته گردید و آن تعدادی هم که منتشر می‌شد زیر نظر و سانسور دولت بود، از جهت وقایع داخلی و خارجی هر چه را که اراده میکرد

اجازه انتشار میداد. مهمترین روزنامه‌هایی که در دوران استبداد انتشار یافت بقرار زیر بود:

وقت (۱۸۷۵)، صباح (۱۸۷۶). چیلک (۱۸۷۶)، ترجمان حقیقت (۱۸۷۸)، ثروت فنون (۱۸۸۸)، اقدام (۱۸۶۲ - ۱۹۳۵)

در خارج از کشور نیز جوانان آزادیخواه و روشنفکران ترکی که بواسطه فشار استبداد سلطان عبدالعزیز (۱۸۷۶ - ۱۸۶۱) که به کشورهای خارجی پناهنده شده بودند، دست به انتشار یک سلسله روزنامه‌ها و مجلات زدند که در آن‌ها افکار و مقاصد آزادیخواهی و استقرار حکومت مشروطه را در ترکیه منعکس میکردند، مهمترین آنها به این قرار بود: حریت، اجتهاد، قانون اساسی، مشروطیت، مشورت، میزان، ممیز، عثمانلی، مجلات عبارت بود از بیه روحی، لک لک، تقماق و ظهوری.

در دوران قانون اساسی دوم در سال ۱۹۰۸ که ارتش به استبداد عبدالحمید دوم خاتمه داد و مجلس شوریملی برای باردیگر انتخابات جدید خود را بعمل آورد. مطبوعات جان تازه‌ای بخود گرفت و میدانی برای خود نمائی پیدا کرد.

احزاب و دسته‌های سیاسی به فعالیت افتاده هر یک برای خود روزنامه‌ها و مجلاتی که ناشر افکار آنها بود، بوجود آوردند که از جمله باید نام روزنامه‌ها و مجلاتی را به این قرار متذکر شد: اقدام، صباح، ترجمان حقیقت، سعادت، ثروت فنون، ینی گازت و طنین، قلم، قره‌گز، جم و کی ادیک.

بابروز جنگهای تریپولی و بالکان و جهانی سالهای ۱۹۱۴ - ۱۹۱۸ و سقوط امپراطوری و روی کار آمدن مصطفی کمال پاشا و استقرار جمهوریت برای بار دیگر فصل جدیدی در جهان مطبوعات ترکیه گشوده شد و روزنامه‌های ملیت و کوراوغلو و سون ساعت (دراستانبول) و انقلاب (در آنکارا) ناشر افکار جمهوریت گردیدند.

در نوامبر سال ۱۹۲۸ پس از اینکه الفبای عربی منسوخ و جای خود را به

الفبای لاتین داد و وضع روزنامه نویسی را در ترکیه بکلی تغییر داد و از این پس روزنامه‌ها و مجلات اجباراً به خط لاتین منتشر شدند، روزنامه‌های مزبور عبارت بودند از:

انقلاب، خلق دوستو، حور آدم و یارین.

در سال ۱۹۳۱ که ترکیه از حالت یک حزبی خارج شد و دولت اجازه داد تا حزب اقلیت نیز ایجاد گردد جهان مطبوعات عملاً وارد مرحله جدیدی کاملاً جدا از ادوار سابق شد، بعضی از نشریات و مجلات که طرف توجه عامه بود در آن زمان به این قرار منتشر گردید: ملکیه سیاسی ایلملر (علم سیاست)، یدی کون (هفت روز)، وریک (زندگی) و اولکو (خواسته).

در زمان جنگ جهانی دوم که از سال ۱۹۳۹ آغاز گردید مطبوعات ترکیه برای بار دیگر دچار محدودیت‌هایی گردید، این بحران تا خاتمه جنگ ادامه داشت. در سال ۱۹۵۰ که انتخابات در محیطی بحرانی انجام میشد، بسیاری از روزنامه‌ها در جبهه مخالف قرار گرفتند قانون جدیدی که از طرف حزب دموکرات اعلام گردید وضع مطبوعات را وخیمتر کرد تا در فاصله سالهای ۱۹۵۴ و ۱۹۵۶ به موجب آزادی که به مطبوعات داده شد روزنامه‌ها را در سراسر کشور به جنب و جوش انداخت و آنها را برای انقلاب ماه مه ۱۹۶۰ آماده نمود. روزنامه‌ها و مجلات این دوره را باین قرار متذکر میشویم: جمهوریت، حریت، ملیت، آقشام، دنیا، ینی صباح، سون حوادث، ینی استانبول و ترجمان، در استانبول: اولوس و ظفر در آنکارا: ینی عصر، صباح پستاسی و دموکرات از میر، در ازمیر: تورک سوزو، در ادرنه و بعضی مجلات دیگر.

در ترکیه برای مطبوعات قوانین و مقرراتی وضع شد که بطور خلاصه بدکر آنها می‌پردازیم. قانون سال ۱۸۸۱ در ۲۷ ژوئیه ۱۹۳۱ اصلاح شد و تاحدی جنبه آزادیخواهی پیدا کرد ولی در فاصله این مدت زیر نفوذ و تأثیر بعضی از جریانات

سیاسی در اروپا و بعثت اینکه در جمهوری ترکیه فقط يك حزب وجود داشت بعضی تغییرات در قوانین مطبوعات بوجود آمد و در آن سختگیریهای زیادتری منظور شد. قانون مطبوعات شماره ۵۶۸۰ جانشین قانون سال ۱۹۳۱ گردید ولی هنوز مطبوعات دچار محدودیتهائی بود و این وضع در سالهای ۱۹۵۴ و ۱۹۵۶ ادامه داشت مضافاً به اینکه فشار به مطبوعات روزافزون گردیده بود.

کمیته اتحاد ملی که در ۲۷ ماه مه ۱۹۶۰ زمام امور را در دست گرفت، آزادی مطبوعات را تأمین کرد. بر اثر این آزادی تغییرات فاحشی در امر مطبوعات بوجود آمد، روزنامه نویسان زندانی آزاد شدند و مطبوعات ازین پس بسوی ترقی و پیشرفت در حرکت آمد. آزادی مطبوعات در قانون اساسی سال ۱۹۶۱ پیش بینی گردید. مطبوعات ترکیه خود را در محیط امنی، که تا این زمان فاقد آن بود، مشاهده نمود. در ده سال اخیر مطبوعات ترکیه بسرعت پیشرفت کرده و بخصوص مورد علاقه جوانان قرار گرفت و آنان را در این راه سوق داد.

پس از سال ۱۹۵۰ آموزشگاهی در دانشگاه استانبول برای تربیت جوانان در مسائل روزنامه نگاری، تأسیس گردید که از آن ۳۵۰ نفر متخصص فارغ التحصیل شدند.

از این پس به تعداد روزنامه ها و مجلات افزوده گردید و قاطبه مردم بخواندن مطبوعات علاقمند شدند. چاپخانه ها به سبک جدید دستگاههای خود را مجهز کردند. شماره بعضی از روزنامه ها میان ۱۰۰ تا ۴۰۰ هزار رسید.

تشکیلات مطبوعات ترکیه به دو دسته تقسیم میشود:

۱ - جامعه روزنامه نویسان

۲ - اتحادیه های مختلف مطبوعاتی و کارگران چاپخانه ها

در اجتماعات مزبور، آزادی قلم و صیانت اعضای جوامع و اتحادیه‌ها بطور کامل مورد بحث قرار گرفته حمایت میشود.

اتحادیه روزنامه‌نگاران که مرکز آن در استانبول و شعبات آن درازمیر و اسکی‌شهر و بورسه است دارای ۷۵۰ نفر عضو است. مرکز اتحادیه کارگران چاپخانه‌ها در آنکارا است.

بموجب قانون جدید دولت هیچگونه دخالتی در امر مطبوعات ندارد. هر يك از اتباع ترکیه که دارای بیست و يك سال عمر باشد حق انتشار روزنامه و یا مجله را دارد، در خارج از ترکیه نیز، بشرط اجازه از دولت، اتباع ترکیه میتوانند به انتشار روزنامه و یا مجله دست بزنند. ناشرین مقالات مستقیماً مسئول جوابگویی مقالات خود هستند ولی اگر مقاله‌ای که منجر به هتک شرافت شخصی شد و طرفین نتوانستند موضوع را بین خود حل و فصل نمایند، دستگاههای قضائی به اختلاف رسیدگی خواهند کرد.

هر ناشری قبل از انتشار روزنامه و یا مجله موظف است که «اساسنامه اخلاقی مطبوعات» را امضا نماید و شورای شرافتی مطبوعات ضامن و مسئول و ناظر حسن جریان و وظایف صاحبان روزنامه‌ها و یا مجلات هستند.

در ترکیه خبرگزاریهای وجود دارد تا سال ۱۹۱۰ خبرگزاریهای روتر و هاواس مأمور انجام این وظیفه بودند ولی از این پس خبرگزاری عثمانلی آژانس رؤسا و وظیفه خبرگزاری را بعهده گرفت. در سال ۱۹۲۰ آنادولو آژانسی (خبرگزاری آناتولی) تأسیس گردید که رسماً با تمام خبرگزاریهای جهان در ارتباط داخل شد.

علاوه بر خبرگزاریهای رسمی نامبرده در بالا خبرگزاریهای خصوصی دیگری مانند: تورك خبرلر آژانسی (۱۹۶۳) بوجود آمد که دارای شعباتی در مونیخ و آتن (در خارج از کشور) و در آنکارا و ازمیر و ادنه گردید.

در ترکیه علاوه بر روزنامه و مجله چاپ و نشر کتاب رونق بسزائی دارد و هر سال تعداد زیادی کتاب در رشته‌های مختلف تألیف و ترجمه میشود که برای مثال آمار زیر را متذکر میشود:^۱

در سال ۱۹۶۵ در کشور ترکیه ۵۴۴۲ جلد کتاب و بروشور و نقشه به چاپ رسیده است. از این رقم ۴۰۲۷ مجلد کتاب و ۱۴۱۵ مجلد دیگر نقشه و بروشور بوده است.

از تعداد ذکر شده در بالا ۴۵۱۴ جلد آن تألیف و ۹۲۴ دیگر ترجمه بوده است.

از نظر موضوع تقسیم کتابها بصورت زیر بوده است:

علوم اجتماعی	۱۸۴۱	مجلد
علوم تطبیقی	۱۰۱۱	«
ادبیات	۸۶۴	«
مسائل عمومی	۴۲۸	«
تاریخ و جغرافیا	۳۳۶	«
هنری و ورزشی و جهانگردی	۲۷۸	«
علوم نظری	۲۴۱	«
علوم دینی	۲۳۶	«
زبان‌شناسی	۱۱۶	«
فلسفی	۹۱	«

ضمناً باید یادآوری کرد که تعداد ۲۴۲ مجلد از این کتابها به زبانهای انگلیسی، فرانسه، آلمانی، ارمنی، عربی، فارسی و یونانی چاپ شده است.

۱ - بمناسبت مسافرت رسمی شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانوی ایران به کشور ترکیه. از انتشارات وزارت اطلاعات.

فصل دوم

جنر افیای اقتصادی

سیاست اقتصادی^۱ جبران عقب ماندگی در برابر جهان غرب و پیروزدن در مبارزه‌ای که شرایط زندگی جدید را ایجاب میکند تماماً مسائلی است که نه تنها در حال حاضر بلکه از جنگ کریمه در سال ۱۸۵۶ سر نوشت اوضاع اجتماعی و زندگی ملی ترکیه را بخود مشغول داشته است.

در وضع کنونی ترکیه خود را در دوران تحول اجتماعی و اقتصادی و سیاسی مشاهده می‌کند. باید دید که این تحول در چه مرحله‌ای است و هدف آن چیست؟ برای رسیدن به مقصود غائی لازم و ضروری است که نکات مشخص پیشرفت‌های اقتصادی را مورد مطالعه قرار دهیم.

اجتماع جدید ترکیه که کوشش می‌کنیم آنرا مورد بحث و مطالعه قرار دهیم در برابر خود دورانی طولانی از اصلاحات و افکار جدید که اساس آنها بر پایه‌های محکمی ریخته شده است، مشاهده می‌کند. از جمله این مجاهدات که برای بهبود

وضع اجتماعی و درآوردن آن تحت نظم و ترتیب معینی است، بیرون آوردن این اجتماع از وضع و حالت قدیمی که یادگار قرون وسطای اسلامی است، می‌باشد. اصلاحاتی را که پس از جنگ کریمه بعمل آمد نباید از مد نظر دور داشته آنرا کم اهمیت تلقی نمود. به موازات اصلاحات قضائی و اداری و تعلیماتی، درمسائل بانکی و راه آهن و سازمانهای پست و تلگراف و مقدمات تحولات اقتصادی، اقدامات مؤثری بعمل آمده است.

سازمان و دستگاه امپراطوری که پیوسته مواجه و درگیر با جنگهای داخلی و خارجی و مشکلات نژادی بود نتوانست در بهبود وضع و تجدید بنا و پیشرفت جامعه ترك مؤثر واقع شود. جمهوری وارث امپراطوری عثمانی که در سال ۱۹۲۳ تأسیس گردید زمانی سر رشته امور را بدست گرفت که کشور در فقر و عقب افتادگی بسر میبرد. به استثنای بازرگانی خارجی و امور مالی دستگاه اداری اطلاعات و آمار معین و مشخصی که بتوان از آنها درمسائل اقتصادی امپراطوری اطلاعات مفیدی بدست آورد، وجود نداشت. بخصوص که سازمان آمار که مشخص و معرف امور يك دولت است در زمان جمهوری بوجود آمد.

باید اذعان کرد که کشوری که امپراطوری عثمانی زمام امور آنرا بدست زمامداران جمهوری سپرد کشوری بود عقب افتاده با جمعیتی که هشتاد درصد آن روستائین (چوپان و زارع) و فقط پاتزده درصد آن سواد داشتند. با استثنای چند رشته خط آهن که بعضی از نقاط را به یکدیگر متصل میکرد، راهی دیگر وجود نداشت. بنادر فاقد تکیلات کافی و صحیح بود و بطور خلاصه وسائل و دستگاههای محر که نه تنها غیر کافی بلکه بسیار ابتدائی بود. استانبول و ازمیر فقط شهرهائی بودند که جمعیت آنها به صد هزار نفر میرسید. با استثنای بعضی کارخانجات صنعتی موجود در این دو شهر، کشور فاقد صنعت به معنای اخص بود. مجموع کارگران کارخانجات از پنجاه هزار نفر تجاوز

نمیکرد. سیستم بانکی و بیمه‌ها غیر کافی و با احتیاجات عمومی تطبیق نمی نمود. به سبب عدم وجود راه‌های ارتباطی و یا ابتدائی بودن آنها، بازرگانی داخلی امکان اینکه بتواند توسعه و ترقی یابد، نداشت. بازرگانی خارجی هم فقط به تعداد کمی از محصولات کشاورزی که در بعضی از نواحی کشور بدست می آمد، محدود شده بود. وام‌های خارجی امپراطوری برای جمهوری جوان که در صدد بوده به بازرگانی کشور رونق دهد با سرسنگینی بود که بردوش زمامداران جمهوری گذاشته شده بود. بعلاوه بحران سال ۱۹۳۰، دولت ترکیه را ناچار ساخته بود که قیمت کالاهای صادراتی را پائین آورد، امری که پیشرفت امور اقتصادی را بسیار دشوار کرد. با این تفصیل جمهوری جوان به نسبت تشکیلات و دستگاه‌های اداری امپراطوری در وضع کاملاً متفاوتی در آمده امتیازات بیشتری از آن زمان داشت. بالاخره روش امپراطوری و محدود کردن مسائل بفرنج و پیچیده‌نژادی دولت جمهوری ترکیه بجای اینکه حد فاصلی با نظام امپراطوری و یا دنباله روی آن باشد، موفق شد از همان آغاز تأسیس خود جامعه متحدالشکلی را بوجود آورد. با این ترتیب بود که دولت جمهوری با بنیانگذاری اساس محکم اداری موفق شد سیاست متین و استواری را در کشور پی ریزی نماید. در نتیجه اصلاحات ملی قابل گسترش در تمام راه‌های مشخص و معین و هدف‌های ملی بوجود آمد و در سایه همین تشکیلات متین و عملی بود که توانست امیدوار باشد جامعه متحدالشکل و محکمی بوجود آید که قادر به پرداخت مالیات‌های مقرر باشد بعلاوه فداکاری‌ها را پذیرفته توانائی سرمایه - گذاری را داشته باشد. از طرف دیگر حکومت جمهوری با الغاء کاپیتولاسیون‌ها امکان پیدا کرد از این ببعد آزادانه و بدون وقفه در موضوعات مالی در خارج و داخل کشور به اقدامات مؤثری دست بزنند.

و نیز برای اینکه بتواند صنایع داخلی را حمایت کند قوانین و مقرراتی چند برای کمرکات وضع کرده به مورد اجرا گذاشت به این ترتیب بود که بوجود

آمدن شرایط در زندگی روزمره، مردم ترکیه آینده درخشانی را در برابر خویش دیده با اطمینان و اعتماد خاطر بسوی تعالی و ترقی قدم برداشتند. در اوایل سال ۱۹۳۰ اقتصاد ترکیه در آستانه توسعه و پیشرفت قدم گذاشت. به استناد بعضی از آمارهای آن زمان درآمد سالانه به ۹۰ دلار رسید و بزحمت ۸ درصد محصول خالص ملی به سرمایه گذاری تخصیص داده شد. قبل از جنگ بین الملل دوم در نتیجه کوششهای دوائر خدمات عمومی عناصر اصلی و اساسی ودستگاههای تعلیماتی و بهداشت عمومی و خطوط ارتباطی و بانکها و صنایع ایجاد و تأسیس گردیدند. از این پس ترکیه موفق شد به ایجاد صنایع سبک مبادرت ورزد.

حد متوسط سالانه توسعه اقتصادی ترکیه تا جنگ بین الملل دوم میان ۴ و ۵ درصد تثبیت گردید. این ترقی طی جنگ نه تنها تنزل کرد بلکه متوقف شد ولی پس از آن مجدداً رو بر ترقی گذاشته حتی از آنهم فزونی گرفت.

کمکهای مالی در اقتصاد ترکیه در چهارچوب طرح مارشال و سازمان تعاونی و توسعه اقتصادی به آن فرصت داد که حداکثر استفاده و بهره را از کمکهای خارجی ببرد. از طرف دیگر دولت با تقویت حیثیت و اعتبار خود در صحنه سیاست بین الملل موفق شد که با تعقیب اصل ترومن و شرکت در اوتان^۱ و از این راه با بهره برداری از کمکهای دولتهای دوست و متحد ثروتمند خود، قدرت دفاعی کشور را تقویت کرده و وسایل وامکاناتی را که برای متمرکز ساختن نیروی اقتصادی لازم و ضروری بود برای خویش فراهم آورد.

در فاصله سالهای ۱۹۵۰-۱۹۵۳ حد پیشرفت در بعضی از سالها به ۱۰ درصد بالغ شده است ولی پس از بحران نصاب رسیدن عرضه در بازارهای خارجی نتوانست این مقدار را حفظ نماید. معذک تا زمان اجرای برنامه پنجساله اول در سال ۱۹۶۳ محصول

خالص ملی به عدد درصد ترقی یافت. در این ترقی علاوه بر کمکهای خارجی عوامل دیگری نقش مؤثری داشته‌اند. پیشرفت و توسعه و ازدیاد وسایل محرکه و نقلیه، بخصوص در مورد جاده‌ها و بالاخره برقراری ارتباط میان مناطق مختلف کشور تماماً عوامل و وسایلی بود که به متخصصین علوم اجتماعی اجازه و فرصت داد که اصل «انقلاب بوسیله راههای ارتباطی» را پذیرفته به مرحله عمل بگذارند. در پناه و با کمک همین اصل بود که اقتصاد ترکیه سرعت رو به توسعه و ترقی گذاشته بصورت یکی از بزرگترین بازارهای ملی درآمد. اولین اثر و نتیجه این سیاست در فاصله سالهای ۱۹۵۰-۱۹۶۰ ظاهر شد. مساحت زمینهای زراعتی به دو برابر افزایش یافت و درآمد کشاورزی بهمین مقدار فزونی گرفت. به موازات این افزایش کشاورزی قسمت صنعتی نیز ۱۰ درصد در سال ترقی کرد و بهمین ترتیب سایر قسمتهای اقتصادی کشور همراه دو قسمت اول رو به توسعه و پیشرفت گذاشت.

در خلال این مدت اقتصاد توانست تمرکز سرمایه را در پایه استوار مستقر سازد. در حدود ۱۲ تا ۱۴ درصد منابع به سرمایه‌گذاری اختصاص داده شد. قطب‌های توسعه که تا آن زمان در بعضی از مناطق و شهرها بود بتدریج دامنه وسعت خود را به روستاها و شهرهای کوچک که قادر بودند در این توسعه مؤثر باشند گسترش دادند. سهم بخش‌های خصوصی در سرمایه‌گذاری به ۵۵ درصد بالغ گردید. ۶۰ درصد دشواریهای صنعتی بوسیله بخش‌های خصوصی زیر نظر و بازرسی قرار گرفت.

تمام این وقایع ثابت کرد که تحول عظیمی در ارکان اقتصادی کشور آغاز شده است. ترکها بشخصه به نحو مؤثری در زندگی اقتصادی سرزمین شرکت کرده در پیشبرد آن به فعالیت افتادند.

زندگی شهرنشینی سرعت رو به پیشرفت گذاشت و تهاجم مردم بسوی مراکز صنعتی روز بروز شدیدتر میگردد. تعداد شهرهایی که جمعیت آنها در سال ۱۹۴۵

فقط به چهار شهر میرسید در سال ۱۹۶۵ به چهارده شهر رسید و شهرهای ده هزار نفری که در سال ۱۹۲۷ به ۵/۱۸ درصد میرسید در سال ۱۹۶۵ به ۳۰ درصد بالغ شد. چنین تغییر فاحشی در امر شهرنشینی به ثبوت رسانید که تاجه اندازه عمل شهرنشینی برای ترقی و توسعه صنعتی ترکیه لازم و ضروری بوده است.

در دوران اجرای برنامه پنجاهه اول (۱۹۶۳ - ۱۹۶۷) هدف غائی گسترش تحرك اقتصادی در چهارچوب اقدامات مؤثرتر و محکمتر و علمی تر خلاصه گردید. سازمان برنامه دولت که در سال ۱۹۶۱ ایجاد و تأسیس گردید برائثر وابستگی که به نخست وزیری داشت پیوسته کوشش میکرد که بطور مؤثر و برای مدت طولانی و یا کوتاه در سیاست اقتصاد کشور کمک و پشتیبان شایسته ای باشد. طول مدت نتایج مثبت عملیات سازمان مزبور را ثابت و محرز کرد.

از دیاد محصول ملی که در برنامه پنجاهه به ۷ درصد در سال پیش بینی شده بود موفق شد که در چهار سال اول عملی شده به حقیقت پیوندد. اقتصاد ترکیه در برنامه پنجاهه اول با اینکه بیشتر متوجه بخش کشاورزی بود معذلك تحول خود را با همان شرایط و وضع موجود ادامه داد، بخش های صنعتی و امور حرفه ای بسرعت رو به توسعه و ترقی گذاشت و سهام در آمد ملی از ۵۸/۸ درصد در سال ۱۹۶۲ به ۶۲/۳ درصد در سال ۱۹۶۶ ترقی کرد. و بخش کشاورزی که در همین مدت از ۴۱/۲ به ۳۶/۸ درصد تنزل نموده بود بعکس به مقدار صنایع کارخانه ای اضافه گردید (۷/۱۶ به ۱۸/۶ درصد). باین ترتیب تحول اساسی در ارکان صنایع کارخانه ای کشور بوجود آمد. در سال ۱۹۶۳ در مجموع در آمد اقتصادی ترکیه سهم در آمد سودهای مصرفی به ۷۶ درصد و سودهای متغیر به ۱۳ درصد و بالاخره سودهای سرمایه به ۱۱ درصد ترقی کرد. در آخر سال ۱۹۶۷ ترقی قدرت محصول صنایع فلزکاری و سیمان و نفت و شیمیائی بطور کامل محسوس بود ولی به تناسب صنایع کارخانه ای سودهای مصرفی از ۶۵/۴ در سال

۱۹۶۶ به ۶۰ درصد تنزل یافت درحالیکه بعکس سودهای متغیر از ۵/۵۸ به ۲۵/۵۸ درصد و سودهای سرمایه از ۹/۱ به ۱۰/۹ درصد ترقی یافت.

در سال ۱۹۶۶ در آمد خالص ملی به حدود ۸۲/۲ میلیارد لیره ترك (بالغ بر ۹ میلیارد دلار) رسید. عملیات چهار سال اول اجرای برنامه پنجساله ثابت می کند که سرمایه گذاریهای پیش بینی شده (۶۰ میلیارد لیره ترك در مدت پنجسال) در حدود ۹۰ درصد به حقیقت خواهد پیوست.

بی مناسبت نیست که بعضی از موارد عمومی برنامه پنجساله دوم را که در سال آینده باید به مورد اجرا گذاشته شود مورد مطالعه قرار دهیم. نکات زیر که از اختصاصات و نمایشگر فعالیت اقتصادی و حائز اهمیت فراوانی است باین قرار می باشد:

۱ - مقدار میزان متوسط سالیانه توسعه و پیشرفت طی مدت اجرای برنامه پنجساله دوم به ۷ درصد ثابت بماند.

۲ - در پایان اجرای برنامه یعنی در سال ۱۹۷۲ در آمد خالص ملی به ۴۴/۳ درصد یعنی بالغ بر ۸۵ میلیارد لیره ترك بشود.

۳ - سهم سرمایه گذاریها در در آمد خالص ملی از ۱۹/۹ در سال ۱۹۶۷ به ۲۴/۳ درصد در سال ۱۹۷۲ فزونی گیرد.

امر بسیار مهم در تحول اقتصادی تقلیل و نکس امور کشاورزی است که در حال حاضر ۴/۳۰ درصد در آمد خالص ملی را تشکیل میدهد این مقدار در سال ۱۹۷۲ به ۶/۲۶ افزایش خواهد یافت. بعکس قسمت صنعتی که نقش مهمی را در توسعه اقتصادی بعهدہ خواهد گرفت و از ۵/۲۵ فعلی به ۷/۳۰ درصد در سال ۱۹۷۲ بالغ میشود. این موضوع ثابت می کند که ترکیه با خارج شدن از حال فعلی یعنی داشتن صورت کشورهای توسعه نیافته بتدریج قیافه کشوری صنعتی را بخود می گیرد.

طی این مدت با دادن امتیاز به پیشرفت و توسعه صنعتی و ازدیاد تقاضا، دولت ترکیه کوشش خواهد کرد که به صنایع فلزکاری و شیمیائی و کودهای شیمیائی و نفتی خود روز بروز بیفزاید.

در قسمت کشاورزی نیز مجاهدت زیادی برای پیشرفت و توسعه آن میشود. در حال حاضر در تمام اراضی قابل کشت زراعت میشود. در نتیجه افزایش محصول و سود واحد های مورد عمل شخصی و خانوادگی احساس میگردد. ماشینی شدن و توسعه آبیاری و استفاده از کودهای شیمیائی و سایللی است که در توسعه امر کشاورزی بسیار مؤثر واقع شده است. در حال حاضر ۲۰ درصد اراضی بوسیله تراکتور کشت میشود. مصرف کودهای شیمیائی در هر هکتار از ۱۴/۰ کیلوگرم در سالهای ۱۹۴۷ - ۱۹۵۲ به ۸/۶ کیلوگرم در سال ۱۹۶۵ ترقی یافته است. پیش بینی میشود که در سال ۱۹۷۲ چهار میلیون تن کود شیمیائی به مصرف خواهد رسید. امروزه ۱/۵ میلیون از ۲۳ میلیون هکتار زمین آبیاری میشود. طی مدت اجرای برنامه پنجساله دوم اراضی مشروب شده شامل ۱۰ درصد مجموع اراضی زراعتی خواهد شد. تجربه ای که از پیشرفت و توسعه اقتصادی ترکیه با ذکر مطالب و مدارك فوق الذکر، بدست آمده است و نیز با وجود آزادی و استقرار دموکراسی و عدالت اجتماعی و تثبیت اوضاع سیاسی، تحول عظیم و اساسی را در نحوه زندگی اجتماعی ترکیه بخوبی مشاهده میکنیم. و چون دولت ترکیه در اوایل سال ۱۹۷۰ - امکان این را خواهد داشت که تعلیم و تربیت کودکان خود را تأمین نماید میتوان اطمینان پیدا کرد که با وجود این ذخیره انسانی نقشه توسعه و ترقی اقتصادی خود را تعقیب نماید. آهنگ روزافزون ترقی صنعتی و نقشه ها و طرحهایی که برای این عمل در نظر گرفته شده است فرصت خواهد داد که ترکیه یکی از اعضای مؤثر و فعال جامعه اقتصادی اروپا که امروز عضو آن است، قرار بگیرد.

به این ترتیب است که میتوان آینده درخشانی را برای اقتصاد ترکیه انتظار داشت.

سطح زندگی

با در نظر گرفتن مجموع مقدمات فوق اقتصاد ترکیه آینده درخشانی را نوید میدهد. در حال حاضر با وجود بالا رفتن سطح زندگی عمومی و وجود آسایش در طبقه هیئت حاکمه و ملاکین بزرگ (آقاها) هنوز توده های ملت در سطح بسیار پایین زندگی میکنند. طبقه اغنیاء و ثروتمندان را میتوان از اتوموبیل آنان شناخت. و اگر استانبول از کثرت اتوموبیل در مضیقه و فشار است بواسطه تنگی راهها و معابر در محلات قدیمی شهر است. در تمام کشور بیش از ۹۰۰۰۰ اتوموبیل وجود ندارد که این خود نشانه اولویت و امتیازی است که بمنافع عمومی تا منافع خصوصی داده شده است. در ترکیه اتوبوس و کامیون بیش از اتوموبیل های خصوصی دیده میشود. در سال ۱۹۶۷ عائدی و در آمد ملی ترکیه ۱۲ درصد از سال ۱۹۶۵ فزونی داشت یعنی ۹۵ میلیارد لیره ترك (۱۰ میلیارد دلار) ۳۱۹ دلار در سال برای هر نفر.

هزینه زندگی در ترکیه به سرعت رو به افزایش است چنانکه در شهرهای بزرگ در فاصله سالهای ۱۹۶۵-۱۹۶۶ هزینه زندگی ۷ درصد ترقی نشان میداده است. غذای مردم همان غذائی است که طی قرون گذشته بوده است. گوشت بسیار نادر و غذای متداول آبگوشت و بقولات و نان است. برنج (پلو) که به غذای ملی مشهور شده مخصوص ثروتمندان و میهمانیهاست.

گله داران از لبنیات و بخصوص، بروش اجداد خود، ماست تغذیه میکنند. در مناطق کنار دریا ماهی فراوان است و در تمام نقاط میوه بحد و فور یافت میشود. طبقات ممتاز بیش از پیش به زندگی اروپائی روی آورده اند شنا در کنار دریا و ورزش - های زمستانی از عادات اولیه آنان شده است. قسمتی از سال را در مراکز آب معدنی

(۱۴۰۰ چشمه) و تعطیلات آخر هفته را در خارج از شهر می گذرانند. در مجالس رقص و تئاتر و اپرا و سینما شرکت میکنند. و علاوه بر برنامه های فرهنگی و مذهبی و سیاسی و عامیانه در رادیو بیشتر به موسیقی اروپائی که بدان آلا تورک می گویند، علاقه بخرج میدهند در ترکیه در حال حاضر ۲۶۰۰۰۰۰ رادیو موجود است. تلویزیون در سال ۱۹۶۸ در آنکارا تأسیس گردید. سینما بسیار طرف توجه و علاقه عامه است ولی هنوز ترکیه موفق نشده فیلمهائی در داخله کشور در سطح بین الملل تهیه نماید فیلمهای وسترن و حکایات عشقی امریکائی طرفداران زیاد دارد.

سیاست مالی

مالیه ترکیه که از قید امتیازات خارجی رژیم قدیم رهائی یافته بود از هنگام عقد معاهده لوزان از آزادی کامل برخوردار است. وضع مالی کشور با ارزش پرداخت ثابت که تمام کشورها آن را شناخته اند در داخل و خارج اهمیت به سزائی کسب کرده است.

تا سال ۱۹۴۵ سالی مالی ترکیه که از اول ماه ژوئن شروع میشد بین سالهای ۱۹۴۵ و ۱۹۵۰ آغاز آن از اول ژانویه معین گردید. از سال ۱۹۵۰ سال مالی از اول مارس تا ۲۸ فوریه امتداد یافت.

در دوران پیش از جنگ بین الملل دوم ثبات مالی ترکیه آنقدر زیاد شده بود که دولت توانست بمقدار معتنا بهی به بازرگانی و صنعتی کشور کمک نماید.

دولت ترکیه در خارج سرمایه چندانی ندارد، در دوران جنگ جهانی اخیر احتیاجات دولتهای متخاصم به دولت امکان داد که بواسطه گران فروختن محصولات خود مقداری طلا ذخیره نماید ولی پس از اتمام جنگ مجبور شد این ذخیره را به مصرف برساند. کارشناسان مالی و اقتصاددانان ترك لزوم ازدیاد صادرات را بهر قیمتی که باشد و لزوم افزایش کشتیهای بازرگانی، که هنوز باندازه کافی نیست، و نیاز به

تشویق جهانگردان را که چندی پیش به آن توجه نمیشد، احساس میکنند. کمک کشورهای متحده امریکا به ترکیه بابت سال اول نقشه مارشال فقط معادل ۱/۷ درصد اعتبارات امریکا بوده است.

به منظور جلب سرمایه‌های خصوصی خارجی به ترکیه، دولت طرح قانونی به پارلمان تقدیم کرده به موجب آن دولت موظف بود که سرمایه‌های خارجی را که در مؤسسات خصوصی ترکیه سرمایه‌گذاری میکنند، تضمین نماید. حزب دموکرات اقدامات آزادیخواهانه و مرفقی‌تری در مورد کنترل ارز به عمل آورد، زیرا این کنترل تا آن زمان بازگشت سرمایه‌های خارجی و سودهای حاصل از آن را به کشور سرمایه‌گذار غیر مقدور می‌ساخت. این گرایش به سوی لیبرالیزه کردن که در سال ۱۹۴۷ شروع شد در زمان دولت‌های بعدی خیلی بیشتر شده است.

بانک‌ها

بانک‌ها در ترکیه در اقتصاد کشور نقش عمده و مهمی را به عهده دارند، ضرب سکه، نشر اسکناس، تعیین نرخ بهره و ارز و سرمایه‌گذاری در شئون مختلف کشاورزی و صنعتی و فرهنگی، بیمه، صندوق پس انداز و ذخیره طلا تماماً در دست بانک‌هاست. مهمترین بانک‌ها عبارتند از: بانک مرکزی جمهوری (مرکز بانکسی)، تورکیه ایش بانکسی، اتی بانک، سومر بانک، بانک کشاورزی جمهوری (زراعت بانکسی) بانک کار (تورکی ایش بانکسی) ایلر بانکسی (ولایت) بانک بازرگانی (تجارت بانکسی) بانک دریائی تورک، بانک اعتبارات (یایی و کردی بانکسی)، بانک عثمانی (عثمانی بانک) بانک سالونیک و صندوق پس انداز استانبول (امنیت صانیدی) و بانک ساختمان و اعتبار. علاوه بر بانک داخلی بانک‌های خارجی در ترکیه تأسیس شده است مانند: بانک بازرگانی ایتالیا، بانک یرم، بانک هلند.

پول :

۱ - اسکناس : اسکناسهای در گردش همانهایی است که بانك مرکزی صادر کرده است که موجودی طلا یا ارزپشتوانه آنهاست . بیشتر اسکناسها هزار لیره ای ۵۰۰ لیره ای ، ۱۰۰ لیره ای ، ۵۰ لیره ای ، ۱۰ لیره ای ، ۵ لیره ای و ۵۰ قروشی هستند .

۲ - پول فلزی : تا زمان جمهوری پول فلزی همان پولهایی بود که دوران امپراطوری رواج داشت ولی از سال ۱۹۲۴ یعنی تأسیس جمهوری پولهای فلزی تغییر یافت ولی طی زمان تا سال ۱۹۵۸ پول دچار تغییرات زیادی گردید . در این تاریخ سکههایی به قرار زیر ضرب زده شد که تا امروز رائج است^۱

سال	ارزش	نوع	اندازه (میلیمتر)
۱۹۵۸ - ۱۹۷۱	۱۰ قروشی	مسی	۲۱
۱۹۵۸ - ۱۹۷۱	۵ قروشی	،	۱۷
۱۹۵۹ - ۱۹۷۱	۲۵ قروشی	مسی	۲۲/۵
۱۹۵۹ - ۱۹۷۱	۱ لیره	نیکل	۲۲/۵
۱۹۶۰ - ۱۹۷۱	۲/۵ لیره	نیکل	۳۰
۱۹۶۰	۱۰ قروشی	نقره	۳۴
۱۹۶۴ - ۱۹۷۱	۱ قروشی	مسی	۱۴
۱۹۷۱	۵۰ قروشی	نیکل	۲۵

در سال ۱۹۷۰ سکههای یادگاری باین قرار به جریان گذاشته شد : ۲۵ لیره از نقره با اندازه ۳۲ میلیمتر و ۲/۵ لیره از نیکل با اندازه ۳۰ میلیمتر ولی کمی بعد ضرب این سکهها متوقف ماند.

اولین سکه طلا در سال ۱۹۲۵ به ارزش ۵ لیره با عیار ۲۲ قیرات ضرب زده شد که اولین آن به کمال آتاتورک تقدیم گردید. پس از این تاریخ سکه های طلای دیگری به ارزش ۵۰۰ قروش و ۲۵۰ قروش و ۱۰۰ قروش و ۵۰ قروش و ۲۵ قروش ضرب زده شد.

در سال ۱۹۲۷ سکه های طلای دیگری با همان ارزش ها ولی بنوع و نقش و اندازه متفاوتی رایج گردید. اسامی پولهای طلا که امروز در جریان است باین قرارند: بشلیک^۱ ایکی بوشو کلوشک^۲ تک آلتین یاریم^۳ نصف و چیرک^۴ (ربعی) مالیات:

صرف نظر از مطالعه در جزئیات سازمان مالی امپراطوری عثمانی لازم به نظر می آید که بروش و مفهوم وصول مالیات و مصرف آن در زمان امپراطوری اشاره کنیم این طرز را بی قیدی کلی در برابر امکانات مؤدیان و دست انداختن سلطان بر روی امور مالی کشور، که آن را به صورت صندوق شخصی خود درمی آورد، مشخص می ساخت. در زمینه مالی ترکیه جمهوری بی آنکه در بادی امر بتواند راه مشخص و معینی پیدا کند تعدی و زبردستی و جرات خود را نشان داده است. با آنکه در برابر مالیات قرار داشت که جنگ آن را از بین برده بود، از حذف عشریه به موجب قانون فوریه ۱۹۲۵ نهراسید. این مالیات قرون وسطائی در آن دوره ۴۵ میلیون لیره ترک در سال عاید دستگاه سلطنت می کرد. باین معنی که دولت ناچار گردید این منابع را که کسر داشت با روش انحصارها و با افزایش تعرفه کمر کی جبران کند. نتیجه این اقدامات این شد که هزینه زندگی بطرز خطرناکی افزایش یافت. معهدا در اصلاح مالیاتها که بعداً به عمل آمد نیروی بدست آمده بی شک مانع از آن شد که جمهوری

به قابلیت‌های پرداخت افراد کشور واقعاً واقف گردد. نتیجه این شد که مالیات به‌اشخاصی تعلق گرفت که قبلاً هم از همه کمتر مورد مساعدت بودند. برای جبران این وضع در سال ۱۹۳۴ دولت مالیات بر منافع را وضع کرد. با مالیات بر معاملات مالیات مزبور به‌زودی پر در آمدترین منبع صندوق دولت گردید. ولی باز هم ثروتهای خیلی بزرگ همچنان از مالیات مصون ماندند. در موقع جنگ در قبال متمول شدن عده‌ای از مردم دولت قانونی راجع به مالیات بر ثروت وضع کرد. این قانون استثنائی بود و عواقب چندان خوبی نداشت. ضمناً دولت خود را ناچار می‌دید مالیاتهای اضافی وضع کند بی آنکه این عمل زیر نامهای فریبنده‌ای از قبیل مالیات بحران اقتصادی - مالیات جهت تعدیل بودجه - مالیات اضافی بر قند و شکر پنهان شود. در سال ۱۹۵۰ نیز ترکیه ناچار گشت در سازمان مالی خود تغییرات تازه‌ای بدهد. با تأسی به دولتهای بزرگ، ترکیه ترتیب وصول مالیات کشور را با طرز مالیات نسبی که بهترین نتایج را داده‌اند و ظاهراً با پاره‌ای از مقتضیات جامعه‌شناسی این زمان مطابقت دارد، تلفیق کرد. باین معنی که مالیات بر درآمد را مرسوم ساخت. در طی مباحثات پرشوری که در این باب شد - اتحادیه بازرگانان تصور کرده که باید با وضع این قانون مخالفت کند. بدبختانه نمی‌توانیم نظریه‌های مختلف طرفداران و مخالفین این مالیات را در اینجا نقل کنیم. ناگفته نگذاریم که این مالیات به‌وضع خانوادگی مؤدیان کاملاً توجه دارد (از جمله مؤدیان مجرد بایدبیش از دیگران بابت این مالیات به‌پردازند). اما در جائی که بویژه این قانون روشن بین و صادقانه است در مورد بخشودگیها نیز صدق می‌کند. میدانیم که تمام کشورها برای وصول مالیاتهای روستائی و سهم‌ناچیزی که این مالیات در مجموع در آمدهای ملت دارد به‌چه اشکالاتی بر می‌خورند چون ترکیه به این موضوع و به تلاش دهقان ترک بسیج شده، واقف بود مقرر داشت که مالیات بر درآمد موقتاً ممکن است به کارگران کشاورزی تعلق نگیرد. مالیات بر درآمد

به وزارت دارائی به زودی امکان داد که از مالیات بر معاملات که بر روی زندگانی اقتصادی ترکیه سخت سنگینی میکرد، دست بکشد. پیشرفت کشور بزودی بر اثر تنها همین اصلاح مالیات، توسعه تازه ای یافت و جهت و راه جدیدی را در پیش گرفت از آنجا که قسمت اعظم درآمد ملی ترکیه از کشاورزی است بنابراین عوامل متغیر از قبیل وضع جوی و میزان بارندگی در رقم درآمد ملی تأثیر به سزائی دارد. در سال ۱۹۶۱ درآمد فردی در ترکیه ۱۴۶۹ لیره ترک بود و چون در مقابل ۷۱۸ میلیون دلار واردات ترکیه فقط ۵/۴۹۰ میلیون صادرات داشت کسری در میزان پرداختها در سال ۱۹۶۶ به ۵/۲۲۷ میلیون دلار بالغ گردید.

جمع درآمد دولت در حدود ۱۶/۴۰۱ میلیون لیره ترک بوده است که ۱۳/۴۴۱ میلیون لیره آن از محل مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم بدست آمده است. جمع هزینه های دولت به رقم ۱۶/۵۴۸ میلیون لیره ترک بالغ گردیده است و در نتیجه بودجه ترکیه در سال ۱۹۶۶ در حدود ۱۴۷ لیره ترک کسر داشته است^۱.

در برنامه پنج ساله دوم در وضع مالیاتی در حال حاضر به نقائص و اشکالاتی اشاره شده است که در زیر متذکر میشویم^۲:

۱- روش مالیاتی کنونی با اندازه کافی قابل انعطاف نیست. طی اجرای برنامه پنج ساله اول با اینکه افزایش مقدار درآمد جزء برنامه بود معذک اشکالات مالی هر ساله بیشتر میشد.

۲- میزان این مالیاتهای غیر مستقیم در سیستم مالیاتی بالغ بر ۷۰ درصد بود. وضع و کیفیت مخصوص مالیاتی غیر مستقیم و کهنه بودن بعضی از مالیاتها در ترکیه از تقسیم عادلانه مالیاتها عملاً جلوگیری بعمل آورده است. ضمناً اصلاح وضع سیستم

۱- ترکیه، پاکستان، ایران، صفحه ۴۵.

مالیاتی هم نمیتواند به اندازه ترقی دلخواه مربوط به حداعلای چند درصد مالیاتهای غیرمستقیم در مجموع مالیات بر درآمد برسد بنابراین عملاً محدود باقی مانده است.

بادر نظر گرفتن عدم کفایت در روش کنترل و نقص در تقسیم بندی مالیات ها بخصوص مالیاتهای غیرمستقیم نمیتوان آنرا با هدف اجتماعی تطبیق داد.

۳ - نتیجه عمل نظام مالیاتی فعلی درباره بهای محصولات صنعتی و تقسیم بندی منابع آنها مقرون به حقیقت نیست. بنابراین ضروری است که به اقداماتی متوسل شده محصولات صنعتی کشور به بازارهای خارجی بیشتر وارد شده عرضه گردد. در نظام مالیاتی باید بطریقی تجدید نظر نمود که تقسیم بندی منابع به روش صحیحی درآمده افزایش آن تشویق شود.

۴ - دستگاه اداری مالیاتی برای طبقه بندی و کنترل آن به تناسب وضع مؤدیان مالیات کافی بنظر نمیرسد.

مالیاتها باید بطوری تنظیم گردد که در عین حال بتوان منافع دستگاه اداری و مؤدیان را تأمین نمود.

۵ - ارتباط بین مؤدیان مالیات و دستگاه اداری تاکنون باندازه کافی رعایت نشده باید در آن کوشید.

گمرکات

پیش از قانون اساسی ۱۹۰۸ عوارض گمرکی به نرخ ۱۰ درصد (نسبت به ارزش) وصول میشد. این ترتیب در موقع جنگ جهانی و به موجب معاهده لوزان جرح و تعدیل گشت و از سال ۱۹۲۹ ترکیه در انتخاب تعرفه و سازمانی که میل داشت، مخیر بود. از آن هنگام مجلس کبیر ملی تعرفه ای را وضع و آن را در اول اکتبر همان سال اجرا

کرد. تمام اجناس وارداتی ترکیه طبق نرخهای مذکور در تعرفه مشمول حقوق گمرکی هستند. این قانون به هیئت وزیران اختیارات تام میدهد که علیه هر گونه اقدامی که يك دولت خارجی نسبت به صادرات ترکیه میکند و همچنین در صورت وضع پاداش دمپینگ و سایر تصمیمات نسبت به صادراتی که به مقصد ترکیه است، اقدامات متقابل و مقتضی به عمل آورد.

انحصارات

انحصارات به منزله یکی از سودمندترین منابع درآمدهای همگانی ترکیه است. در ترکیه رژیم انحصارات تنها يك دستگاه مالیاتهای غیر مستقیم نیست بلکه به عنوان تنظیم کننده قیمتهای فرآوردههای کشاورزی و صنعتی در بازار نیز بکار می رود. محصولات کشاورزی مانند توتون، انگور، انیسون که مایه ثروت اقتصادیات ملی است مستقیماً از تولید کننده خریده میشود و باین ترتیب تولید کننده از خطرات بی ثباتی بازار و از استثمار عمده فروشهایی که در رژیم سابق واقعا ستمگری می کردند، در امان است. در آغاز امر انحصارات را ادارات مستقلی اداره میکردند که هر يك از آنها هیئت مدیره داشت. از سال ۱۹۳۰ این ادارات را یکی کردند و امروزه در آنکارا يك اداره کل انحصارات وجود دارد. اداره انحصارات با توزیع بذرهایی که طبق اصول علمی به عمل آمده است و احیاناً با اعطای اعتبارات از هیچ کمکی به تولید کننده، فروگذار نمی کند.

در سال ۱۹۴۸ (که يك سال بحرانی برای فروش توتون بود) انحصارات مجبور شد ۱۵ میلیون کیلوگرم بیش از احتیاجات خود جنس بخرد تا توتون کاران از عواقب بحران مصون باشند. دولت در کارخانههای خود مواد اولیه ای را که از زارع می خرد مصرف میکنند. عوارض انحصار به بهای تمام شده افزوده می شود و محصولات کارخانه

ها در بازار داخلی به فروش میرسد یا صادر میگردد. ظاهر آن وجود اداره انحصارات به زیان فعالیت کشاورزی نیست. زیرا محصول مواد اولیه‌ای که این اداره مصرف میکند بطور شگرفی افزایش می‌یابد.

مسئله کشاورزی :

بطوریکه میدانیم کشاورزی پایه اقتصادی هر کشور را تشکیل میدهد. در پایان رژیم سابق که هیچگونه عمل تجدید طلبانه‌ای انجام نشده بود، قسمت اعظم اراضی بایر مانده بود. قطع درختها بسیار توسعه داشت و روشهای کشاورزی بسیار کهنه و قدیمی هنوز متداول بود. آناتورك حق داشت که میگفت:

«چنانچه خیش کار دشنه را تکمیل نکند پیروزی ناقص و بی نتیجه خواهد ماند».

تحت رهبری او ملت تلاش مهمی انجام داد تا ترکیه بصورت يك کشور بزرگ کشاورزی درآید. کشور به تمام مسائلی که پیش می‌آمد می‌پرداخت و می‌دانیم که تعداد این مسائل زیاده از حد بود. دولت به کشاورزی اهمیت فوق‌العاده داد آناتورك به‌شخصه کوشید تا در حوالی آنکارا يك مزرعه نمونه تأسیس کند. دیگران به او تأسی کردند و امروز در مجموع کشور عده‌ای از این مؤسسات نمونه در ترکیه وجود دارد. اداره‌ای بنام اداره کل ماشین‌های کشاورزی این مؤسسات را تحت نظم و تربیتی معین درآورد و تلاش آنها را متوجه تهیه بند مرغوب برای کشاورزان کرد. این دستگاه اداری در ۱۹۳۷ تأسیس شده است.

بانك کشاورزی (زراعت بانكسی یا بانك کشاورزی جمهوری ترکیه) که سازمانی از رژیم سابق باقی مانده برای پشتیبانی از تلاش دهقانان مناسب تشخیص داده شد. این بانك که در سال ۱۸۶۳ تأسیس گردیده بود در زمان جمهوری به سرمایه آن به

میزان شکر فی افزوده گردید و قسمتی از درآمد زمین به آن اختصاص داده شد چنانکه فقط برای سال ۱۹۴۸ مبلغ اعتباراتی که این بانک به کشاورزان اختصاص داد بالغ بر ۲۴۳ میلیون لیره ترك بود. در حال حاضر سرمایه آن بالغ بر ۱۵۰۰۰۰۰۰۰ لیره ترك است و دارای ۶۰۰ شعبه در سراسر ترکیه است.

امور اقتصادی بستگی تام به مسائل جمعیت دارد. میزان ازدیاد جمعیت ترکیه به خصوص فوق العاده است. در حال حاضر در هر سال به میزان ۳ درصد میرسد. جمعیت ترکیه که در سال ۱۹۳۵ به ۱۶/۱ میلیون نفر میرسید در سال ۱۹۶۶ به دو برابر این مقدار رسید. ازدیاد نفوس دولتها را مجبور کرده است که به اقدامات شدید و مجدانه ای متوسل گردند. تغذیه ۸۰۰۰۰۰۰ طفلی که در هر سال متولد میشوند از ضروریات بشمار می آید. این اطفال عموماً وابسته به زمین هستند، بیش از ۷۱ درصد از جمعیت ترکیه هنوز آفهای هستند که از کشت و حاصل زمین امرار معاش مینمایند، آنهم زراعتی که هنوز مراحل اولیه و ابتدائی را سیر کرده در معرض هر گونه بلا و آفت است، کود و بذرو آب کافی ندارند. کارگران کشاورزی و زارعین اکثراً فاقد بهداشت و تعلیمات کافی و غذای لازم هستند تقریباً میتوان گفت که قبل از سال ۱۹۵۰ به استثنای بعضی تجربیات آزمایشگاهی واحداث چند مزرعه نمونه و باغهای عمومی و در حدود هزار تراکتور، اثری از اصلاحات و توسعه کشاورزی نبوده است. از سال ۱۹۴۹ فکر و طرح توسعه کشاورزی به مرحله عمل درآمد و تا امروز دنبال آن کشیده شد. در سالهای اخیر مناطق مختلف کشور را از نظر کشاورزی مورد مطالعه قرار دادند و این نتایج بدست آمد: در جلگه های ساحلی که آب و هوای معتدل دارد در صورت آبیاری کامل میتوان در سال دو محصول از حبوبات و موز و مخصوصاً پنبه برداشت. تمام اراضی علفزار را میتوان به زمینهای گندم خیز تبدیل نمود. کوههای شرقی استعداد این را

دارند که گله‌های فراوانی را تربیت کنند، بطوری که گوشت آنها احتیاج تمام اروپا را مرتفع سازد. ولی برای انجام این مقصود اقدامات مؤثری از لوازم بشمار می‌آید: از جمله احداث سدها و قنوات، از بین بردن تدریجی گله‌های بز و تبدیل آن به احشام دیگر و رعایت بهداشت آنها، اصلاح نژاد، تقویت خاک و اصلاح بذر و از همه مهمتر اصلاح وضع زندگی کشاورزی با ایجاد درمانگاهها و بیمارستانها و آموزشگاههای ابتدائی و کشاورزی. دولت ترکیه در سال ۱۹۴۹ در امر کشاورزی قدمهای مؤثری برداشت که نتایج آن بسیار مفید واقع شد از جمله بکار انداختن ۷۰۰۰ تراکتور در مزارع بود. این تعداد در سال ۱۹۵۹ به ۴۱ هزار و در سال ۱۹۶۶ نزدیک به ۶۰ هزار رسید که یک هشتم آن فقط در ایالت ادنه بکار انداخته شد. از آمار زیر ازدیاد تعداد ماشینهای کشاورزی در فاصله سالهای ۱۹۶۲ - ۱۹۷۲ بخوبی مشهود میگردد.

آمار تخمینی ماشینهای کشاورزی (۱۹۶۲ - ۱۹۷۲)^۱
(واحد میلیون لیره ترك به نرخ ۱۹۶۵)

نوع	۱۹۶۷	افزایش چند درصد بموجب ۱۹۷۲ بر نامه پنج‌ساله اول
تراکتور (تعداد)	۶۶۰۰/۰	۲۰/۰
تراکتور (ارزش)	۲۳۳/۵	۱۴/۵
تراکتور برای شخم زدن (تعداد)	۶۲۰۰/۰	۴۰/۰
تراکتور برای شخم زدن (ارزش)	۱۵/۰	۲۳/۳
تراکتور برای تسطیح (تعداد)	۲۵۲۸	۶۶/۰
تراکتور برای تسطیح (ارزش)	۳۴/۱	۷۵/۰
تریلر (تعداد)	۳۵۰۰	۷/۷
تریلر (ارزش)	۲۲/۴	۱۸/۵

از نظر آبیاری نیز اقداماتی بعمل آید چنانکه فقط در ناحیه پامفیلی میزان سرمایه و درآمد زارعین در مدت ده سال به ده برابر رسید. آمار زیر مشخص این توسعه است.

آمار توسعه آبیاری (۱۹۶۷ - ۱۹۷۲)^۱

۱۹۷۲		۱۹۶۷		
چند درصد	واحد ۱۰۰۰ هکتار	چند درصد	واحد ۱۰۰۰ هکتار	
۲۵/۳	۴۹۱	۲۴/۰	۳۷۲	غلات
۱۳/۶	۲۶۵	۱۲/۹	۲۰۰	گندم
۳/۴	۶۶	۳/۷	۵۷	برنج
۵/۲	۱۰۰	۴/۸	۷۵	ذرت
۳/۱	۶۰	۲/۶	۴۰	سایر غلات
۷/۲	۱۴۰	۶/۵	۱۰۰	حبوبات و علوفه
۴۲/۸	۸۳۰	۴۲/۶	۶۶۰	گیاهان صنعتی
۲۳/۲	۴۵۰	۲۰/۸	۴۰۰	پنبه
۷/۷	۱۵۰	۷/۱	۱۱۰	چغندر قند
۶/۲	۱۲۰	۴/۵	۷۰	دانه های گل
				آفتابگردان
۵/۷	۱۱۰	۵/۲	۸۰	سایر گیاهان
۱۱/۶	۲۲۵	۱۱/۴	۱۷۷	میوه ها
۲/۳	۴۵	۲/۴	۳۷	مرکبات
۹/۳	۱۸۰	۹/۰	۱۴۰	سایر میوه ها
۱۳/۱	۲۵۵	۱۵/۵	۲۴۰	سبزیها
۱۰۰/۰	۱,۹۴۱	۱۰۰/۰	۱,۵۴۹	جمع

مصرف کودهای شیمیائی در هر هکتار از ۱۴/۰ کیلو گرم در سالهای ۱۹۴۷ - ۱۹۵۲ به ۸/۶ کیلو گرم در سال ۱۹۶۵ ترقی یافته است. پیش بینی میشود که در سال ۱۹۷۲ چهار میلیون تن کود شیمیائی به مصرف خواهد رسید. تغییراتی که در وضع اراضی و روش کشاورزی داده شد چادر نشینان و صحرانگاران را به زمین علاقمند کرده برخلاف رسوم دیرین خود به اقامت دائمی (نخته قاپو) علاقه نشان دادند. اگر بعضی از مناطق کشور برای کشاورزی مجهز شدند بسیاری از مناطق دیگر بودند که از این مزایا محروم مانده اند.

مجموع محصول ملی در همه جا سیر تکاملی نیموده است چنانکه اگر شاخص این مجموع را در فاصله سالهای ۱۹۴۸ - ۱۹۵۲ - ۱۰۰ فرض کنیم در سال ۱۹۶۶ فقط به ۲۱۱ رسیده است. اولویت بیشتر به گیاهان صنعتی مانند زیتون و توتون و پنبه و تریاک داده شد بطوریکه محصول آنها در فاصله سالهای ۱۹۶۲ و ۱۹۶۶ به دو برابر بالغ گردید. در خلال همین زمان محصول سیب زمینی فقط ۲۰ درصد و حبوبات ۱۲ درصد ترقی نمود ولی نه تنها ترقی نکرد بلکه از میزان محصول آن کاسته گردید.

روستائشینان برای جبران کمبود درآمد خود به تعداد زیادی به جانب شهرها روان گردیدند. جمعیت شهرها روزافزون گردید، جمعیت چهارده شهر به صد هزار نفر رسید. استانبول دارای ۱۷۵۰۰۰۰ و آنکارا ۹۰۰۰۰۰ نفر نفوس شد.

برای تجدید بنا و اصلاح شهرها اقدامات مؤثری بعمل آمد، تمام خانه های چوبی و کهنه خراب شد، خیابانها و کوچه ها و محله های جدید با ساختمانهای مرتفع و مجلل احداث گردید. ولی حومه شهرها که از طبقات کارگر مسکونی شد بهمان وضع اسفناک سابق باقی ماند. بیکاری سرعت روبه افزایش رفت بنابراین مهاجرت کارگران لازم شد در سال ۱۹۶۵ بالغ بر ۳۴۰۰۰ و در سال ۱۹۶۶ بیش از ۸۶۰۰۰ نفر به خارج از کشور به خصوص به آلمان مهاجرت کردند.

از میان مهاجرین تعداد زیادی افراد روشنفکر و برجسته بودند که از این راه زیانهای معنوی فراوانی به ترکیه رسید.

کشت :

چنانکه گذشت خاک ترکیه برای تکثیر انواع محصول مستعد است و کشاورزی از لحاظ بازده و مرغوبیت میتواند آینده درخشان و نامحدودی داشته باشد. آمار زیر نشانه بارز این مدعاست:

(واحد میلیون لیتره ترك و ۱۰۰۰ تن)^۱

گروه اجناس	۱۹۶۲	۱۹۶۷	افزایش چند درصد در سال پنجم به نامه اول	۱۹۷۲	شاخص ۱۹۷۲ = ۱۰۰	افزایش چند درصد بموجب برنامه پنجم
غلات (مقدار)	۱۲۹۰۱	۱۴۰۹۴	۱/۸	۱۷۲۳۰	۱۲۲/۲	۴/۱
غلات (ارزش)	۸۷۷۹	۹۵۲۶	۱/۷	۱۱۵۹۵	۱۲۱/۷	۴/۰
حبوبات (مقدار)	۵۸۵	۶۵۹	۲/۴	۸۸۳	۱۳۴/۰	۶/۰
حبوبات (ارزش)	۶۲۳	۷۲۹	۳/۲	۹۳۹	۱۲۸/۸	۵/۲
گیاهان صنعتی (ارزش)	۲۲۳۹	۳۲۴۳	۷/۷	۴/۱۴۵	۱۲۷/۸	۵/۰
دانه های روغنی (مقدار)	۵۸۸	۱۰۲۴	۱۱/۹	۱/۳۶۳	۱۳۳/۱	۵/۹
دانه های روغنی (ارزش)	۶۴۲	۱۰۳۲	۹/۹	۱/۳۷۸	۱۳۳/۵	۶/۰
محصولات دیگر (ارزش)	۱۴۵۲	۱۷۰۵	۳/۳	۲/۰۲۹	۱۱۹/۰	۳/۶
میوه جات (ارزش)	۳۶۰۴	۴۱۰۱	۲/۶	۵/۳۴۹	۱۳۰/۴	۵/۵
سبزیجات (مقدار)	۳۳۱۰	۴۰۰۰	۳/۸	۵/۲۵۰	۱۳۱/۲	۵/۶
سبزیجات (ارزش)	۷۹۸	۹۶۴	۳/۸	۱/۲۶۵	۱۳۱/۲	۵/۶
مجموع محصولات اصلی (ارزش)	۱۸۱۳۷	۲۱۳۰۰	۳/۳	۲۶/۷۰۰	۱۲۵/۳	۴/۶
فرآورده های متحرك						
گیاهی و غیره (ارزش)	۳۷۷۵	۳۹۱۱	۰/۷	۴/۶۰۱	۱۱۷/۶	۳/۳
جمع کل ارزش	۲۱۹۱۲	۲۵۲۱۱	۲/۹	۳۱/۳۰۱	۱۲۴/۶	۴/۴

انواع مختلف گندم در ترکیه میروید و مراکز مهم کشت آن در اسکی شهر و قونیه و آنکارا و بورسه و ادرنه است. از جهت مرغوبیت بذر و پرمایگی آن از لحاظ نشاسته و مقدار گلوکز، گندم ترکیه معروف است. جو این کشور از بهترین نوع آن در جهان است: نواحی اسکی شهر، افیون، آنکارا و از میر و بیشتر نقاط آناتولی مرکز کشت این غله میباشد. ذرت در تمام مناطق مساعد بخصوص در کنارهای دریای سیاه در منطقه مرمره و در آناتولی جنوبی و غربی کاشته میشود. مناطقی که بیش از همه حبوبات تولید میکند ایالات بالک سیر، از میر، گوموشان و بورسه است.

کشت خشخاش و تولید تریاک نقش مهمی در اقتصاد کشاورزی ترکیه دارد. مورفین آن بیش از تریاک عراق و هندوستان و چین می باشد. پس از تصمیم جامعه بین الملل دولت ترکیه دفتر فروش در داخله کشور و در یوگوسلاوی برای نظارت بر فروش تریاک و اختصاص دادن آن به احتیاجات و مصارف پزشکی در استانبول، تأسیس کرد. زمینهای مخصوص کشت تریاک در نواحی از میر، آماسیه، افیون و ملطیه است.

ترکیه میتواند یکی از تولید کنندگان مهم پنبه باشد و هم اکنون نیز در ردیف تولید کنندگان این محصول صنعتی در جهان است. نواحی ادرنه، دره ساکاریا، ملطیه و تراس برای کشت پنبه بسیار مساعد میباشد. پنبه ترکیه به رنگ سفید و دارای الیاف کوتاه و در عین حال بسیار مقاوم و محکم است. کشت تخم پنبه امری گائی در ترکیه رواج بسیار یافته به تدریج جای نوع بومی را خواهد گرفت.

چای کاری که مدت زمانی نیست کشت آن در نواحی ساحلی دریای سیاه مر سوم گردیده به سرعت توسعه می یابد، به طوریکه طبق پیش بینی مقامات دولتی بزودی میتواند احتیاجات مصرف داخلی را تأمین نماید و از قلم وارداتی آن کاسته شود.

توتون ترکیه نیز بسیار مرغوب و در نواحی دریای سیاه (سامسون و بافرا) و مرمره (ادرنه، بورسه از میر و تراس) و اژه کشت میشود.

انواع محصول دیگر مانند حبوبات (بخصوص ماش، لوبیا و نخود) و سیب زمینی و برنج و ارزن و کتان و رازیانه در ترکیه کشت میشود و محصول آنها با اندازه ای است که علاوه بر مصارف داخلی به خارج نیز صادر میگردد.

ترکیه دارای انواع زیاد و متنوع درختان میوه است که در اقلیمهای مختلف آن بعمل میاید. مرکبات و انجیر و هلوی آن بسیار معروف و جزء اقلام مهم صادراتی کشور است. فندق ترکیه از فندقهای سایر کشورها بهتر و مرغوبتر است و به تنهایی دوسوم نیازمندیهای دنیاراثمین مینماید. درخت زیتون مناطق وسیعی را فرا گرفته و بیش از پنجاه هزار اصله درخت زیتون در ترکیه وجود دارد که بالغ بر ۲۵۰۰۰۰ تن زیتون سالانه تولید آن است. زمین و آب و هوای ترکیه امکان کشت تاک را در سراسر کشور می دهد، به این جهت موکاری یکی از فعالترین و غنی ترین رشته های کشاورزی است. بهترین و مرغوبترین نوع انگور در ناحیه اژه تولید میشود و ترکیه از این لحاظ بلافاصله پس از کالیفورنیا در تولید جهانی کشمش بی دانه قرار دارد (این نوع به سلطانی معروف است). کشور ترکیه هر سال ۹۰ درصد تولید خود را صادر میکند

جنگل :

از مطالعۀ اجمالی جغرافیای ترکیه چنین مستفاد میشود که جنگل مقام مهمی را در اقتصادات این کشور دارد. در حقیقت جنگل یکی از ثروت های مهم طبیعی آنرا طولی را تشکیل میدهد. در سال ۱۹۲۴ بالغ بر ۹۶۶۹۸۵۹ هکتار یعنی ۱۱/۸ درصد قلمرو کشور را می پوشانید. از این وسعت دو میلیون هکتار درخت صنوبر و ۱۸۲۵۰۰۰ هکتار را درخت بلوط اشغال میکند. درخت تبریزی و انواع کاج پس از انواع مذکور

در درجه دوم اهمیت قرار دارد. دولت برای نگاهداری جنگلهای موجود و افزایش آن و برای جلوگیری از قطع بیهوده درختان جنگل و برافتادن آنها به اقدامات وسیع و جدی دست زده است. در حال حاضر با وسایل بسیار جدید و علمی به قطع درختان مبادرت میشود. مسافرینی که نواحی اطراف آنکارا را قبل از جنگ ۱۹۱۴ دیده بودند به یاد دارند که جز کویر چیزی نبود لیکن با سعی و مجاهدت دولت، امروزه همه جا پوشیده از درختان بوده و به جنگل انبوهی تبدیل گشته است. $\frac{7}{8}$ درصد جنگل به دولت و مقدار کمی موقوفه و مابقی به اشخاص خصوصی تعلق دارد. اجرای قوانین و مقررات موضوعه برای جنگلها و قطع اشجار برای عموم یکسان است. آموزشگاههای جنگلبانی متخصصین لازم را برای استفاده از چوب جنگلها و اصلاح و جدید کردن صنعت چوب تربیت میکنند.

پیشرفت و توسعه صنایع چوب از ارقام زیر مستفاد میشود:

سال ۱۹۶۲ به ارزش ۱/۴۹۱ (میلیون لیره ترك). سال ۱۹۶۷ به ارزش ۱۹۲۰۰ (میلیون لیره ترك) و سال ۱۹۷۲ به ارزش ۲۸۵۱۰ (میلیون لیره ترك) یعنی $\frac{6}{5}$ درصد در بر نامه پنجساله اول و $\frac{8}{2}$ درصد در بر نامه پنجساله دوم ترقی داشته است.^۱

تربیت مواشی (دامداری)

چمنزارها و چراگاهها و علفزارهای کوهستانی مساحتی معادل ۳۹ میلیون هکتار یعنی $\frac{52}{2}$ درصد اراضی ترکیه را فرا گرفته است. از سال ۱۹۳۴ ($\frac{57}{3}$ درصد وسعت خاک ترکیه) بر اثر احداث جنگلها و اراضی کشت زار از وسعت مراتع کاسته گردید. قسمت اعظم اراضی از استپ پوشیده شده ولی با این تفصیل ترکیه به اندازه ای

چراگاه دارد که بتواند به تربیت دامها اشتغال ورزد.

وزارت کشاورزی توجه خاصی به احیاء چراگاههای از بین رفته در زمان جنگهای داخلی و خارجی مبذول داشت. نمونه بارز آن جلوگیری از خطر برافتادن بزهای آنقره است که به مناسبت لطافت پشم و استفاده از آن در صنعت نساجی پارچه های آنقره را مشهور جهانیان کرد. در سال ۱۹۲۰ نژاد بز آنقره در حال اضمحلال بود بطوریکه تربیت کنندگان آن تصور کردند نژاد این حیوان بکلی نابود شده است.

دولت ترکیه در تعقیب سیاست عاقلانه و مدبرانه خود کوشش کرد برای اصلاح نژاد و تربیت دامها به یک سلسله اقدامات مفید و مؤثر دست زده روشهای علمی و جدید را به مورد اجراء بگذارد. نژاد اسب با اختلاط با نژادهای انگلیسی و عرب از یک طرف و نژادهای مجار و بغدادی از سوی دیگر بطور قابل ملاحظه ای اصلاح گردید. نژاد چارپایان دیگر مانند گاو با اختلاط با خونهای چارپایان هلندی و ژرزی^۱ و گرتزی^۲ و کریمه از خطر نابودی رهائی یافت. از سال ۱۹۴۵ وضع تربیت دامهای ترکیه بطور محسوسی روبه بهبود گذاشت. تعداد دامها در پایان سال ۱۹۶۰ در ترکیه بالغ بر ۷۶۱۱۰۰۹۰ و در سال ۱۹۶۲ بالغ بر ۷۸۱۶۰۰۵۹ رأس بوده است و این تعداد بر حسب جمعیت و احتیاج به گوشت روز بر روز رو به ترقی است.^۳

محصول صنایع گوشتی در فاصله سالهای ۱۹۶۲ و ۱۹۷۲ به قرار زیر بوده است

(به میلیون لیره ترك به نرخ ۱۹۶۵)^۴

۱۹۶۲	۱/۴۸۶/۰
۱۹۶۷	۱/۷۴۴/۰
۱۹۷۲	۲/۵۱۳/۰

در بر نامه پنجاه ساله اول ۳/۳ درصد و در بر نامه پنجاه ساله دوم ۷/۶ درصد افزایش داشته است.

محصولات حیوانی (لبنیات) در فاصله سالهای مذکور در فوق نیز باین قرار بوده است (به میلیون لیره ترك) :

۱۹۶۲	۱/۵۶۲/۰
۱۹۶۷	۱/۶۵۳/۰
۱۹۷۲	۲/۵۰۲/۰

در بر نامه پنجاه ساله اول ۱/۱ درصد و در بر نامه پنجاه ساله دوم ۸/۷ درصد ترقی نشان میدهد.

از ارقام فوق الذکر چنین استنباط میشود که تاجچه اندازه در پیشرفت این محصولات و تربیت دام در ترکیه کوشش به عمل آمده است. يك قسمت مهم از دامها در ترکیه به چادر نشینان مخصوصاً چادر نشینان مرزها تعلق دارد که بر حسب رسوم دیرینه حق دارند گلههای خود را از ترکیه به سایر کشورهای همسایه برای چرا برده سپس به خاک اصلی برگردانند.

بزرگترین گلههای گوسفند در ناحیه بورسه و بالی کزیر و اسب در نواحی قونیه و سیحان و از میر و مانیس و اوشتر در نواحی آفتالیا و ایچد والاغ در تمام کشور ترکیه دیده میشود. بز و گاو کوهان دار و بخصوص گاو ماده در سراسر کشور وجود دارد.

شرکتها

قانون مربوط به شرکتها در ترکیه از سال ۱۸۵۰ سابقه دارد. در قانون بازرگانی اصول مربوط به قرارداد شرکتها پیش بینی نشده بود بنابراین لازم آمد بوسیله الحاقاتی

قانون مزبور را تکمیل نمایند. ولی اصلاحات و تجدید نظر در اصول قانون بازرگانی در زمان حکومت جمهوری به عمل آمد. اصول مخصوص قانون بازرگانی ترکیه در خصوص شرکت های سهامی بی نام^۱ در سال ۱۹۲۶ ایتالیا و قسمت مربوط به شرکت های تعاونی^۲ از قانون بلژیک و قسمتهای دیگر از قوانین فرانسوی اقتباس گردید.

توسعه و پیشرفت شرکتها در ترکیه بهترین شاهد بارز ترقی و گسترش اقتصادی آن کشور می باشد. تمام شرکت های ترکیه زیر نظارت و بازرسی دولت قرار دارند. پس از تجدید فعالیت اقتصادی از زمان جنگ استقلال شرکت های بیمه فعالیت خود را آغاز کردند. قانون سال ۱۹۲۷ درباره بازرسی و کنترل شرکت های بیمه تمام امور محاسباتی و سرمایه اصلی شرکت های مزبور را تحت اختیار دولت قرار داد. در ترکیه در حدود ده شرکت بیمه از جمله شرکت بیمه ملی و تعدادی شرکت های بیمه خارجی وجود دارد.

مسئله صنعت

در سال ۱۹۵۲ در ترکیه ۲۶۰۰ کارگاه صنعتی که در هر یک پنجنفر کارگر بکار مشغول بودند و ۴/۵ درصد آنها دارای ماشین بودند و مابقی بوسیله دست انسانی کار میکردند، وجود داشت. در این زمان نیروی موتورها به ۱۶۲۰۰۰ کیلووات میرسید که ۶۵۰۰۰ کیلووات آن مخصوص کارخانه های برق بود. این موضوع به خوبی نشان میدهد که تا چه اندازه قدرت صنعتی ترکیه ضعیف و عقب افتاده بود. ترکیه در قرن هجدهم میلادی به تناسب و با مقایسه با سایر کشورهای دارای صنعت متری بود. صنعت ترکیه که پایه های آن بر اصول تعاون ریخته شده بود بر اثر قدرتی که از این بابت

بهمرسانید ، توانست تمام احتیاجات داخلی خود را مرتفع سازد و حتی موفق شد با صدور قالی و پارچه‌های ابریشمی و محصولات آهنی و مسی و نقره به اقلام صادراتی خود بیفزاید . انقلاب صنعتی که اوضاع و چهرهٔ اروپا را تغییر داد و سرانجام به استفاده و بکار بردن ماشین گردید ، تأثیری در اوضاع صنعتی امپراطوری عثمانی کرد . از طرف دیگر سیاست شوم کاپیتولاسیون که بازارهای داخلی ترکیه را در بست در اختیار کالاهای خارجی گذاشت ، وسیله شد که این کشور بتواند صنایع ملی خود را بکار اندازد .

بنابراین نهضت صنعتی کردن ترکیه عکس‌العمل شدید و علت‌العلل اصلی فلج بودن سیاست صنعتی امپراطوری بود . تا سال ۱۹۲۹ سیاست حمایتی در صنایع ترکیه کاملاً بدون نتیجه و بلااثر ماند و دولت فقط در زمان انعقاد معاهده لوزان موفق شد در حقوق گمرکی خود تجدید نظر نماید . ۲۹۰ اوت ۱۹۲۴ بانك كار ترك (تورکیه ایش بانكسی)^۱ بدستور آتاتورك با ۹۳ سهامدار و ۱۲۵۵۴ لیره ترك تأسیس گردید در سالهای اخیر سرمایه این بانك بالغ بر ۵۰۱۵۵۹۰۰۰۰ لیره ترك شده است^۲ . این بانك بزودی توانست صنایع خصوصی را تحت حمایت خود بگیرد . در سال ۱۹۳۳ اولین طرح برنامه پنجساله ریخته و به مورد اجرا گذاشته شد در این طرح دولت به عنوان تولید کننده معرفی شد و در حقیقت اساس اقتصاد دولتی پایه گذاری گردید . در همین سال « سومر بانك » زمام امور کارخانه‌های دولتی را بدست گرفت . در سال ۱۹۳۵ دستگاهی شبیه به بانك مزبور بنام « اتی بانك »^۳ بوجود آمد که امتیاز استخراج معادن ملی به آن واگذار گردید .

چون اتی بانك عامل مؤثر در صنایع کشور ترکیه است به شرح مختصری از

تاریخچه و وظایف و میزان عملیات آنرا متذکر میشویم.

اتی بانك در سال ۱۹۳۵ با سرمایه‌ای بالغ بر ۲۰ میلیون لیره ترك كه بعدها این سرمایه به ۵۰۰ میلیون رسید تأسیس گردید. اتی بانك كه یکی از بزرگترین و مهمترین سازمانها ملی تركیه است به تمام معادن (به استثنای معادن ذغال سنگ) و ساختمان و ایجاد مراکز الکتریسته و معاملات بانكي دخالت و نظارت میکند.

با اینکه اتی بانك تابع تمام قوانین و مقررات مالی و بازرگانی کشور است معذلك دامنه فعالیت خود را بتمام اموری كه ناظر بر تحقق بخشیدن سودها و تمرکز سرمایه‌ها و سعی در بوجود آوردن منابع مالی برای ازدیاد سرمایه‌هاست، گسترش داده است. اتی بانك با استخراج ۹ معدن و شش مرکز نیروی مهم برق و شبکه‌ای كه ۵۸۰۴ کیلومتر رامي پوشاند و ۲۴ شعبه در شهرهای مهم تركیه، توانست خود را عامل مؤثر در استخراج و صدور معادن این کشور به حساب آورد. ۷۵ درصد نیروی اتی بانك در ۲۵ شرکت صنعتی و بازرگانی سهیم است و با سودی كه می‌پردازد به خزانه دولت كمك فراوان میکند. در حال حاضر سرمایه بانك به ۲ میلیارد لیره ترك رسیده است و دولت كوشش میکند كه به این سرمایه بیفزاید. اتی بانك وظایف و نقش‌های متعددی به عهده دارد به این قرار: صورت برداری از تمام منابع معدنی و زیرزمینی سراسر تركیه، تخمین و تعیین ارزش این صورت و هدایت و سرپرستی استخراج معادن، مطالعه در تعیین مقدار ذغال سنگ و نفت، تأسیس و ایجاد آزمایشگاهها برای مطالعه و تحقیق درباره سنگهای معدنی، تجزیه آبهای معدنی و تربیت اعضای فنی و متخصص.

در سال ۱۹۶۶ اتی بانك به استخراج معادن کروم، مس، گوگرد، کولمانیت^۱

و پیرات دو کوئپور^۱ و سرب و روی و جیوه اقدام نمود. بانک مزبور دارای مرکز هیدروالکتریک و سه مرکز برق است. در جریان همین سال موفق شد که مراکز برق ساریاروتو نیبیلک را به دو برابر نیروی اولیه برساند. باید گفت که اقدامات و فعالیتهای بانک مزبور نویدبخش آیندهای درخشان در صنایع معدنی ترکیه است.

محصولات صنعتی^۲

در آغاز سال ۱۹۶۲ تعداد کارخانه‌ها در ترکیه به ۶۸۰۰ رسید و دولت کوشش کرد که وضع صنایع کشور را از حال تمرکز خارج نماید. احتیاجات مبرم به ساختمان‌های جدید سبب شد که به تعداد کارخانه‌های سیمان‌سازی و کوره‌های آجرپزی افزوده شود. آزمایشگاه‌های داروسازی و کارخانه‌های نساجی و مخصوصاً صنایع غذایی در سراسر کشور بوجود آمدند. کارخانه‌های ذوب آهن و صنایع فلزی یکی پس از دیگری تأسیس و شروع به بهره برداری کردند.

مسئله نیروی برق بسرعت روبه پیشرفت گذاشت. در سال ۱۹۵۰ ترکیه بزحمت دارای نصف میلیارد کیلووات برق در ساعت بود، دو سال پس از این تاریخ این مقدار از ۲ میلیارد کیلووات در ساعت تجاوز نمود و امروزه ۶ میلیارد بالغ گردیده است. با وجود زحمات و کوشش‌های مقامات دولتی و اتی بانک هنوز صورت جامع و قطعی از منابع زیرزمینی در دست نیست. از زمانهای پیش آناطولی یکی از سرزمینهای جهانی در خصوص معادن کروم^۳ بود. معادن فراوان بوکسیت^۴ کشف گردیده است. معادن مس و بوراسیت و مانگنز و سولفور بحد وفور یافت میشود. محصول لین بیت در سال ۱۹۶۶ به ۶ میلیون تن بالغ شد. معادن ذغال سنگ در امتداد کرانه‌های دریای سیاه در ناحیه ارکلی و زونگولداغ زیاد است ولی بعکس سنگ آهن در ترکیه بسیار کم میباشد، با این تفصیل استخراج این

La Turquie. col. Larousse. p. 43. - ۲

Pyrat de Cuivre - ۱

Bauxite - ۴

Chrome - ۳

فلز در سالهای اخیر به دو برابر مقدار سالهای پیش رسیده است.

ترکیه برخلاف اغلب کشورهای همسایه مانند روسیه و ایران و کشورهای عربی، ذخایر نفتی قابل ملاحظه‌ای ندارد. از سال ۱۹۳۵ دولت با دادن کمک به گروه نفت مؤسسه مطالعات و استخراج معادن در حدود ۲۸ درصد از مجموع سرمایه آن گروه، یعنی مهمترین کمکی که تا آن زمان دولت برای استخراج نفت به دستگاههای دیگر کرده بود، اکتشاف نفت در ترکیه آغاز گردید. در نتیجه معادن نفتی در ماردین و دیار بکر و سیرت و ادنه و تراس، کشف گردید. اولین شروع استخراج در رامانداک در شهرستان سیرت آغاز شد. از هفت چاهی که حفر گردید سه چاه آن نفت خیز بود و دو چاه دیگر دارای ذخیره بسیار کم و محدودی بود و از سومین چاه روزانه در حدود ۵ تن استخراج شد.

عملیات استخراج اولیه سبب شد که فعالیت زیاده‌تری در این خصوص بعمل آید. در سال ۱۹۴۷ تصفیه‌خانه کوچکی در شهر رامانداک تأسیس گردید. محصول نفت رامانداک در اواخر سال ۱۹۴۹ به بازارهای داخلی عرضه گردید. دولت ترکیه در نظر گرفت از شرکتهای نفتی خارجی استمداد نماید. وزارت استخراج و اکتشاف دولتی اعلام کرد در تعقیب رضایت کامل از نتایج حاصله از موضوع استخراج نفت و خوش بینی که از این بابت در آینده دارد ممکن است حاضر شود همکاری و شرکت و سرمایه‌گذاری خارجی را بپذیرد. هیئت دولت با شرکت امریکائی در خصوص استخراج قراردادی امضاء کرد که به موجب آن شرکت مزبور متعهد شد در موضوع استخراج نفت به اقدامات و عملیات مجدانه‌ای دست بزند.

با وجود تحقیقات و حفاریات در سال ۱۹۵۴ چاههای نفت نتوانستند بیش از ۵۸۰۰۰ تن نفت خام محصول بدهند ولی از آن پس با کوشش‌های زیاد در وضع استخراج بهبودی بوجود آمد چنانکه در سال ۱۹۶۶ محصول آن از ۲ میلیون تن تجاوز نمود.

محصولات صنعتی (۱۹۶۲ - ۱۹۷۲)^۱

واحد به میلیون لیره ترك (ارزش سال ۱۹۶۵)
واحد به تن

جنس	۱۹۶۲	۱۹۶۷	ترقی چند درصد به موجب برنامه پنجساله اول	۱۹۷۲	ترقی چند درصد به موجب برنامه پنجساله دوم
ذغال سنگ:					
مواد قیری مقدار	۳/۸۹۳/۰۰۰	۵/۰۰۰/۰۰۰	—	۶/۲۵۰/۰۰۰	—
ارزش	۴۵۹/۴	۵۸۹	۵/۰	۷۳۶	۴/۶
لین بیت مقدار	۲/۹۷۹/۰۰۰	۵/۶۰۰/۰۰۰	—	۸/۵۰۰/۰۰۰	—
ارزش	۱۷۸/۸	۳۳۶	۱۳/۴	۵۱۰	۸/۴
سنگ آهن مقدار	۸۱۳/۰۰۰	۱/۸۰۰/۰۰۰	—	۳/۲۰۰/۰۰۰	—
ارزش	۲۴/۴	۵۴	۱۷/۲	۹۶	۱۲/۳
سنگهای معدنی					
غیر فلزی مقدار	—	—	—	—	—
ارزش	۲۸۰	۳۱۵	۲/۳	۶۷۱	۱۶/۳
نفت خام مقدار	۵۹۵/۴۰۰	۲/۴۰۰۰۰	—	۶/۰۰۰/۰۰۰	—
ارزش	۲۹/۸	۱۲۰	۳۲/۰	۳۰۰	۲۰/۱
سایر معادن و سنگهای معدنی					
—	—	—	—	—	—
ارزش	۲۵۰	۴۱۶	۱۰/۷	۸۱۱	۱۴/۲
مجموع ارزش	۱۲۲۲/۴	۱۸۳۰	۸/۴	۳/۱۲۴	۱۱/۱
جمع ارزش	۹۳۰	۱۴۰۰	۸/۳	۲/۳۵۰	۱۰/۹

صنایع

به موجب آمار سال ۱۹۴۱ در ترکیه مجموعاً تعداد ۲۹۱۱۳ گروه صنعتی (با حداقل سرمایه هزار لیره ترك) وجود داشت که ۱۵۵۴۴ آن به استخراج معادن و ذوب فلزات و صنایع سنگین و ۱۳۹۰۰ صنایع پارچه بافی و ۹۹۰۰ شامل مصنوعات ساخته شده و ۲۷۰۰ صنایع چوب بری و سلولوز، مربوط بود.

کارخانها به پنج دسته اصلی تقسیم میشوند:

۱- کارخانههای نخ‌ریسی و پارچه بافی

۲- صنایع آهن و فولاد

۳- کارخانههای کاغذ سازی و سلولوز

۴- صنایع پوست و کفش

۵- کارخانههای سیمان و چینی سازی.

پس از جنگ بین الملل دوم ترکیه بفکر ایجاد ورقه فولاد افتاد. مطالعه در این خصوص همزمان با تأسیس کارخانه ذوب آهن کارابوک انجام شد و سومر بانک مأمور عملی کردن این منظور گردید. وزارت صنایع نقشه و طرح کارخانه را در زمینه فنی و اقتصادی به کوپر کمپانی^۱ متخصص ساختمان واحدهای بزرگ صنعتی در کشورهای متحده امریکا واگذار نمود. کمپانی مزبور عملی شدن این طرح را در ترکیه اعلام نمود. انجام این اقدام مستلزم وجود سرمایه ای به مبلغ دو میلیارد لیره ترك که قسمت اعظم آن ارز خارجی بود، میشد. بنابراین لازم آمد که سرمایه های خصوصی و بخصوص خارجی تجهیز شوند.

در ۱۱ مه ۱۹۶۰ شرکت ذوب آهن ارگلی (ارگلی دمیر و چلیک فابریکالاری)

با ۶۰۰ میلیون لیره ترك كه سومر بانك و كارابوك دمير و چليك ايسلتملسی و تور كيه- ايش بانكاسی و اطاق بازرگانی و صنایع آنكارا و كوپر كومپانی در آن سهیم شدند ، رسماً تأسیس گردید .

سرمایه طرح مزبور بوسیله ۱۲۹/۶ میلیون دلار از نمایندگی برای توسعه و پیشرفت بین الملل^۱ و ۲۰ میلیون دلار از اروپا و ۱۷۸ میلیون لیره ترك از طرف دولت تأمین شد . ساختمان تأسیسات كارخانه در مدت چهل و دو ماه به اتمام رسید .

كارخانه ذوب آهن ارگلی مجموعه ای است از كارخانه های تولیدكك و كورم- های بلند و فولادسازی و تهیه ورقه های فولاد . این كارخانه در ساحل دریای سیاه در شهرستان ارگلی از ایالت زونگولداغ واقع است . انتخاب این محل پس از مطالعات دقیق با در نظر گرفتن شرایط تسهیل فراهم سازی وسایل و وضع جغرافیائی بعمل آمد . تمام تأسیسات و ساختمانهای آن در مساحتی بالغ بر ۲۰۰،۰۰۰ متر مربع با ضافه ۵۰۰،۰۰۰ متر مربع برای ساختمان منازل مسكونی كارگران و اعضای آن، واقع شده است . علاوه بر اینها تأسیسات بندری آن برای حمل ۳۰۰ تن کالا در روز و ایجاد سدی با قدرت ۶/۵ میلیون متر مكعب آب آماده گردیده و مورد استفاده قرار گرفته است . ۲/۳ میلیارد لیره ترك به مصرف احداث تأسیسات و ساختمانهای كارخانه رسید و ۳۵۰۰ نفر كارگرو عضو و متخصص در آن بكار مشغولند .

مواد اولیه كه در این كارخانه بكار میرود عبارت است از : سنگ آهن ، زغال سنگ و كاستین (مواد آهکی) . مواد مذاب از كوره های بلند به قسمت فولادسازی و از آنجا برای ورقه شدن میرود . تولید كك اولین قلم مهم كارخانه است . زیرا این محصول سبب بكار افتادن كوره های بلند میشود . این كوره ها شامل سی و هفت تنور است كه در سال معادل ۶۴۰،۰۰۰ تن زغال به مصرف آنها میرسد^۲ .

کارخانه ذوب آهن دارای قدرتی معادل ۴۷۰,۰۰۰ تن محصول در سال است . در ترکیه صنایع چوبی رواج به سزائی دارد . بسیاری از کارگاههای قدیمی که نوسازی شد در کرانه دریای سیاه مشغول فعالیت میباشند که از نیروی رودخانهها استفاده میکنند . کارگاههای بزرگ و جدید اره کشی در شهرهای بافرا و ایان جیک و بوزوبوک ایجاد شده است.

مهمترین صنایع نساجی در ترکیه صنایع بافت پارچههای پنبه‌ای و ابریشمی و پشمی می باشد.

فرش بافی جزء سنن و رسوم قدیمی تر کها بشمار می رود و در تمام ترکیه بخصوص در نواحی دریای اژه رواج دارد که در کارگاههای دستی و یا در کارخانهها تهیه میشود (فرشهای ایسپارتا^۱ و کولای معروف است). دیگر از اقلام صنایع نساجی ترکیه پارچههای معروف موهر میباشد که از پشم بز آ نقوره تهیه میشود . ابریشم ترکیه یکی از بهترین نوع ابریشم جهان است که شهرت باستانی دارد و محصول متوسط سالیانه آن ۳۰۰۰ تن میباشد . در شهر بورسا^۲ یک مؤسسه تربیت کرم ابریشم و یک کارخانه بزرگ تهیه آن وجود دارد . یکی از مراکز بزرگ صنعتی ترکیه در شهر قیصریه است که مجموعه ای از کارخانههای نساجی در آن شهر متمرکز شده است . از مهمترین صنایع غذایی صنعت تهیه قند (چغندر) میباشد . کارخانههای قند به تدریج در شهرهای آلپوفلو، اوشاک، اسکی شهر و تورهاال تأسیس گردید . در سال ۱۹۳۳ یک شرکت سهامی با سرمایه ۲۲,۰۰۰,۰۰۰ لیره ترك با شرکت سومر بانک و بانک کشاورزی برای متمرکز ساختن کارخانههای مختلف قند تشکیل شد که مجموع محصول این کارخانهها را به حدود ۱۰۰ هزار تن رسانید.

بعلت وفور سبزیهای تازه مرغوب و میوه و ماهی و گوشت ، ترکیه میتواند

صنایع کنسروسازی خود را روز بروز توسعه دهد. (ماهی در استانبول گلیب اولو، سبزی و میوه در ارمیس^۱ و بومونتی و استانبول و بورسِه). عسل و موم و بخصوص تخم مرغ در اقتصاد کشور نقش مؤثری دارند. کندوهای زنبور عسل سالیانه ۴۰۰ تن عسل تولید می کنند. صنعت روغن کشی از زیتون بطور متوسط سالیانه ۳۰،۰۰۰ تن روغن زیتون محصول می دهد.

آمار صفحه بعد صنایع مختلف ترکیه و مقدار محصول و ارزش و ترقی آنها را در فاصله سالهای ۱۹۶۷ و ۱۹۷۲ بخوبی نشان می دهد.

(واحد ميليون ليره توك به قيمت سال ۱۹۶۵)

اضافه ارزش

محصول

شاخص	۱۹۷۲	۱۹۶۷	شاخص	۱۹۷۲	۱۹۶۷	رشته‌های صنعتی
۱۹۶۷=۱۰۰			۱۹۶۷=۱۰۰			
۱۱۴/۱	۱۷۰۰	۱۴۹۰	۱۱۸/۴	۲۸۹۰	۲۴۴۰	توتون
۱۳۴/۹	۵۸۰	۴۳۰	۱۴۳/۲	۹۲۷	۶۴۷	مشروب
۱۳۷/۴	۴۳۰۰	۳۱۳۰	۱۳۴/۱	۲۲۸۶۰	۱۷۰۴۱	غذا
۱۵۱/۳	۵۹۰۰	۳۹۰۰	۱۵۲/۷	۱۲۰۶۰	۷۹۰۰	پارچه بافی و ملبوس
۱۴۸/۳	۸۶۰	۵۸۰	۱۴۸/۴	۲۸۵۱	۱۹۲۰	محصولات چوبی
۲۰۵/۶	۲۵۰	۱۷۰	۲۴۰/۲	۸۸۹	۳۷۰	کافه
۱۵۶/۲	۲۸۰	۲۳۰	۱۸۴/۴	۸۳۰	۴۵۰	چاپ
۱۳۳/۳	۱۲۰	۹۰	۱۴۶/۶	۴۴۰	۳۰۰	پوست و چرم
۱۵۵/۸	۸۱۰	۵۲۰	۱۶۲/۲	۱۵۹۰	۹۸۰	لاستیک
۲۲۰/۱۰	۴۳۰	۱۵۰	۲۲۲/۲	۸۰۰	۴۶۰	پلاستیک
۲۶۰/۱۰	۲۶۰۰	۱۰۰۰	۲۶۱/۲	۵۸۰۰	۲۲۲۰	مواد شیمیائی
۱۷۵/۲	۲۷۵۰	۱۵۷۰	۱۶۰/۶	۴۸۱۶	۲۹۹۷	نفت
۱۶۰/۱۰	۱۲۰	۷۵	۱۸۳/۹	۲۰۶	۱۱۲	سرامیک

شیشه	۴۶۷	۸۰۸	۱۷۳/۰	۳۰۵	۵۲۰	۱۷۰/۵
سیمان	۶۸۲	۱۵۴۰	۲۲۵/۸	۲۸۰	۸۵۰	۲۲۳/۷
سیمان و محصولات آن	۵۴۰	۷۸۶	۱۴۵/۵	۲۵۰	۵۰۰	۱۴۲/۹
فولاد و چدن	۲۴۲۰	۴۵۰۰	۱۸۵/۹	۱۱۶۰	۲۲۰۰	۱۸۹/۷
سنگهای مدنی و غیر فلز	۷۸۰	۱۴۶۰	۱۸۷/۲	۴۲۰	۷۰۰	۱۶۶/۶
محصولات فلزی	۲۰۶۰	۳۹۲۰	۱۹۰/۲	۱۰۴۰	۱۸۵۰	۱۷۷/۹
ماشین سازی	۱۳۱۵	۲۵۰۰	۲۶۶/۱	۸۰۵	۲۰۰۰	۲۴۸/۴
ماشینهای کشاورزی	۲۷۳	۸۸۵	۲۳۷/۲	۱۷۵	۳۷۰	۲۱۱/۴
صنایع الکتریکی	۵۱۸	۱۲۵۲	۲۶۱/۰	۲۹۰	۶۹۰	۲۳۷/۹
الکترونیک	۲۱۲	۵۱۵	۲۴۲/۹	۱۲۰	۲۸۰	۲۳۳/۰
انومیل (کامیون)	۱۸۷۴	۳۲۲۰	۱۷۲/۳	۶۴۴	۱۲۶۰	۱۹۵/۶
وسایل راه آهن	۳۱۰	۴۵۰	۱۴۵/۱	۱۸۰	۲۴۰	۱۳۳/۲
ساختمان کشنی	۱۴۰	۴۲۰	۳۰۰/۰	۶۰	۲۳۰	۲۸۳/۳
هواپیمائی و وسایل آن	۱۶	۲۰	۱۸۷/۵	۶	۱۰	۱۶۶/۷
مجموع	۴۹۴۴۴	۸۰۲۵۵	۱۶۲/۵	۱۹۳۷۰	۴۲۵۰۰	۱۹۸/۷

فوائد عامه و تجهیزات کشور

ترکیه در دوران جنگهای استقلال بسیاری از شهرهایش منهدم شد و با صدمه دید که مهمترین آنها شهر ازمیر بود که چند روز پس از ورود ترکها به این شهر به آتش کشیده شد و بیش از سایر کشورها ویران گردید. مرمت و تجدید این شهر به کندی و ثانی بازحمت زیاد انجام گرفت. از طرف دیگر توسعه شهر نشینی و پیشرفت و ترقی آنکارا که در سابق دهی کوچک و بی اهمیت و در سال ۱۹۱۸ فقط پانزده هزار نفر جمعیت داشت، قسمتی از فعالیت جمهوری را بخود اختصاص داد.

خانه ترك باستانی از چوب بود. قسمت اعظم خانههای استانبول از چوب بنا شده بود که دائماً در معرض خطر آتش سوزی قرار گرفته خسارت زیادی به اهالی وارد میساخت. یکی از اقدامات دولت تعویض این بناها و ساختمان آنها با سنگ و آجر بود. گرچه شهرها زیبایی خود را از دست دادند ولی در مقابل خانه‌های دارای استحکام گردیده و برای زندگی آماده تر شدند. در روستاهای نواحی جنگلی هنوز از چوب برای بنای خانه‌های خود استفاده می‌کنند. در نواحی باختری کشور بعضی روستاها از خشت و گل بنا شده‌اند. خانه‌های ترك عموماً وسیع و دارای پنجره‌های بسیاری مشرف به کوچه میباشند و از يك یا دو طبقه تشکیل شده و ارتفاع آنها زیاد و بامها از چهار طرف دارای شیب و اغلب از سفال ساخته شده‌اند.

در دوران جدید، دولت ترکیه بیشتر توجه خود را به ساختمان مدارس، ساختمانهای دولتی، بیمارستانها، دفاتر گمرکی و ایستگاههای هواشناسی، ساختن خانه برای کارمندان دولت و غیره معطوف داشته است. دو زندان جدید در استانبول و آنکارا به توسط دولت ساخته شد. دو مرکز فرستنده رادیو در استانبول که این شهر را به سایر ولایات مربوط میسازد و یکی دیگر در آنکارا که با خارج از کشور در ارتباط است، ایجاد نمود. پس از اعلام دولت جمهوری در سال ۱۹۴۸ بیست مرکز

پلیس وکلانتری و شش بیمارستان و سه ایستگاه هواشناسی ایجاد کرد. پس از جنگ بناهای عمومی روز بروز رو به توسعه می گذاشت. ارگلی بندر ذغال سنگ به توسط يك موج شکن با ۷۷۵ متر طول محافظت می شود. اسکندرون با وسایل کاملاً نو مجهز شده است. در ترابوزان بندر جدیدی در دست ساختمان است. دولت مشغول بررسی طرح ساختمان بندری در اینبولو، آمازرا و سامسون می باشد. مرمت بندر مرسن شروع شده است.

بنادر كوچك آنالیا و آنتالیا دارای موج شکن ها و بارانداز های جدیدی گردیده است.

جمهوری به خوبی متوجه شد که توسعه و پیشرفت آبیاری در تغییر آب و هوا و اقتصاد کشور بسیار مؤثر است بنابراین تمام کوشش خود را برای ترمیم مسیر آبهای سرکش و ساختمان سدها بکار برد. یکی از طرحهای بعدی سد چوبوك در آنکارا است (مقدار آب ذخیره شده ۱۳،۵۰۰،۰۰۰ متر مکعب) بررسیهایی که در مناطق مختلف کشور به عمل آمد معلوم کرد که طرح ساختمان سد را در معبر کاگلایك و ساریر بر روی ساکاریا در معبر کارنجالی که رودخانه آدرانوس جریان دارد و در معبر رودخانه قدیز بر روی جیحان (معبر جفانلیك) و فرات (جبان میدان) و قزل ایرماق (معبر کپروکاو) میتوان عملی کرد.

در نتیجه تقاضای دولت ترکیه برای گرفتن وام از بانک بین المللی جهانی کمیته ای مرکب از پنج عضو مأمور شد تا وضع آبیاری ترکیه را مورد مطالعه قرار دهد و در ضمن مأموریت یافت سد سیهان نزدیک ادنه را بررسی کند.

لارویی رودخانه ها به منظور تسهیل کشتی رانی جزء برنامه های دولت میباشد. جالب توجه است که نظر جغرافی دانان پیش از جنگ کشتی رانی را در رودخانه های ترکیه غیر ممکن میدانست. دولت بررسیهای خود را برای لزوم لارویی فرات و دجله

و قزل ایرماق دنبال نمود. در ترکیه هنوز موضوع استفاده از نیروی برق کاملاً مورد توجه قرار نگرفته است. ولی در سال ۱۹۴۸ برای استفاده از نیروی آب بمنظور تولید برق مبلغ ۱۸ میلیون لیره ترك در اختیار وزارت کشور برای روشنائی سی و هشت محله و لوله کشی در صدوسی ویک محله دیگر، گذاشته شد.

در سال ۱۹۵۲ طرحی برای توسعه شبکه برق در دست اجرا گذاشته شد و سازمان مسئولی بنام «الکتريك ایشلری عموم مودورلوگو» با اعتباری به مبلغ ۲۵۰۰۰۰۰ لیره ترك برای خرید لوازم برق که در اختیار آن اداره گذاشته شد، تأسیس گردید. در سالهای بعد توسعه کارخانههای برق و شبکههای آن بعهده اتی بانك واگذار گردید. بانك مزبور ضمن سایر وظایف خود در این راه قدمهای بزرگ و مؤثری برداشت چنانکه در اواخر سال ۱۹۶۶ دارای دو مرکز نیروی برق آبی و سه مرکز برق غیر آبی گردید که یکی از آنها بنام آنبارلی^۱ در استانبول با نیروئی شامل 110×2 MW بکار افتاد.

در جریان همین سال موفق به توسعه مراکز ساریاروتونچ ییلک^۲ گردید و نیروی آنرا به دو برابر رسانید. اتی بانك علاوه بر اقدامات مذکور نیروئی به مقدار ۱۰۲۳ c. w.h از کارخانه های آبی تولید کرده در اختیار شهر داریها و کارخانهها گذاشت.

در سال ۱۹۶۷ عملیات ۲۵۰۰ کیلومتر خط با فشاری قوی و ترانسفورماتوری بقدرت ۲۴۰۰۰۰ کیلووات آمپر آغاز نمود که البته تاکنون باتمام رسیده و مورد عمل قرار گرفته است.

بطور کلی میتوان گفت که پیشرفت کشور در تأمین برق مصرفی نقاط مختلف

کشور از مهمترین اقدامات سالهای اخیر دولت بوده است که چنانکه گذشت بوسیله کارخانه‌های تولیدی برق وسدهائی که نیروی هیدرولیک بوجود می‌آورد خطوط سراسری برق را براقصی نقاط کشور میرساند.

راه آهن

تکامل و توسعه اقتصادی ترکیه بستگی تام بوجود خطوط آهن داشت. در دوران حکومت امپراطوری بیش از چهار هزار کیلومتر راه آهن موجود بود که آنهم در دست شرکت‌های خارجی بود. این خطوط تقریباً در مغرب کشور و بیشتر آن بر اثر جنگ خراب شده بود چنانکه در سال ۱۹۳۱ فقط ۱۹۵۰ کیلومتر آن قابل بهره برداری بود.

دولت با ملی کردن و خرید این خطوط بیش از چهار هزار کیلومتر خط جدید ساخت. در مدت بیست و پنج سال دولت جمهوری يك ملیارد لیره ترك برای خرید لوازم و ایجاد خطوط جدید به مصرف رسانید و امروزه تمام خطوط آهن ترکیه متعلق بدولت است.

برای آنکه از کارهای هنری و فعالیتهای مهندسين که در این راه مجاهدت کردند، آگاهی یابیم کافی است عملیات راه آهن فوزی پاشا را در دیار بکر بطول ۵۰۰ کیلومتر در نظر بگیریم. این خط با اینکه فقط يك رشته است از ارتفاع ۴۹۶ شروع شده تا ۱۲۰۸ متر میرسد و سپس به دره فرات تا ارتفاع ۶۳۰ متر پائین می‌آید و مجدداً بالا رفته در محل شفقت تا ۱۴۰۰ متر بالا میرود. برای ایجاد چنین خطی علاوه بر ساختن تعداد زیادی پل و وادیوك، ۶۴ تونل که رویهم رفته بطول ۱۳۶۰۰ متر میرسد لازم بود.

در زمان جنگ بین الملل ۱۹۱۴ راه آهن قارص به ارزروم بوسیله روسها ساخته شد که فاصله میان ریل‌های آن نسبت به خطوط معمولی کمتر بود. بنابراین دولت

مجبور شد به تعویض و تجدید ساختمان آن اقدام نماید. دولت آتاتورك با هزاران اشكال مالی و طبیعی تصمیم گرفت برای توسعه راه آهن درس اسر کشور به اقدامات مجدانه دست بزند. پس از جنگ دولتها توانستند فقط باصلاح خرابیها پیردازند ولی در توسعه آن موفقیتی حاصل نکردند. امروزه ترکیه ۷۹۰۰ کیلومتر راه آهن باخطيك سره دارد که هنوز با این مقدار نتوانسته است احتیاجات ارتباطی خود را تأمین کرده نقاط مختلف کشور را به یکدیگر مرتبط سازد.

نرخ بلیط مسافری به مقیاس کیلومتر شمار تعیین گردید که ضمناً تخفیفهای مختلفی برای مسافرتها دسته جمعی و بازرگانان و مسافران خارجی و بلیطرفت و برگشت در نظر گرفته شده است.

کشور ترکیه بوسیله راه آهن ایران به بالکان و به اروپای باختری و خط دیگری «توروس اکسپرس» به سوریه و فلسطین و عراق و از شعبه دیگری از راه قارص به قفقاز مرتبط میشود.

آمار زیر نشان دهنده تعداد انواع لکوموتیوها و واگونهاست:

۱۹۷۲	۱۹۷۱	
۷۸۰	۷۹۰	انواع لکوموتیوهای بخار
۲۵۹	۲۰۹	انواع « دیزل
۱۳	۸	انواع « الکتریک
۳۵	۳۰	ترنهای الکتریکی
۲۷	۲۶	ترنهای موتوری
۶۷	۶۷	واگونهاى موتوری و تریلر
۱۰۵۸	۱۰۰۲	واگونهاى مسافری
۱۶۵۳۰	۱۶۵۲۰	واگونهاى باربری
۲۵۳۹	۲۵۲۹	واگونهاى خدمات اداری
۴۴۵	۴۴۰	واگونهاى خصوصی و سازمانهای
		عمومی
۱۱۱۶	۱۱۱۷	تانکرهاى خصوصی و عمومی
		راهها

شبکه راههای کشور ترکیه چه از لحاظ کیفی و چه از لحاظ کمی غیر کافی می باشد تقریباً بهترین راهها در قسمتهای غربی و شمال غربی واقعند.

ترکیه در سال ۱۹۵۰ دارای ۴۷ هزار کیلومتر راه شوسه بود که فقط ۱۱ هزار کیلومتر آن آسفالت و مابقی خاکی و یا مخروطی و یا در دست اقدام بود.

دولت ها تصمیم گرفتند با کمک کشورهای متحده امریکا يك برنامه ده ساله راه سازی به مورد اجرا بگذارند. این برنامه شامل جاده های مخروطی و نگاهداری و

تعریض آنها و ایجاد راههای جدید بطول ۲۳۰۰ کیلومتر بود که در سه مرحله انجام گرفت.

در سال ۱۹۵۸ دولت امیدوار بود بتواند دارای جاده هائی در حدود ۴۰۰۰۰ کیلومتر بشود که برای همه نوع وسایل نقلیه در تمام سال قابل استفاده باشد. طرح مخصوص راه سازی مورد مطالعه قرار گرفت و ۲۵۰۰۰ کیلومتر آن در مناطق کوهستانی و صعب العبور شرق به مورد اجرا گذاشته شد مانند جاده اسکندرون به ارزروم. در عرض ده سال ۶۰۰۰۰ کیلومتر راه جدید که ۱۸۰۰۰ کیلومتر آن آسفالت و ۸۰۰۰ کیلومتر راه شوسه است، احداث گردید.

طبق برنامه پنجساله دوم مقرر بود که در سال ۱۹۷۲ مقدار ۳۸۰۰۰ کیلومتر دیگر آسفالت شود. در حال حاضر ترکیه دارای راههایی است که تقریباً تمام نقاط کشور را به یکدیگر مرتبط و متصل میسازد و کامیونها میتوانند بخوبی در این جادهها رفت و آمد نمایند. در طول این مدت استفاده از شاهراهها برای حمل بار از ۴۶ درصد به ۶۷ درصد افزایش یافته است. تعداد وسایل نقلیه در حدود ۵۱۰۰۰ دستگاه (بجز وسایل نقلیه ارتش) برآورد شده است.^۱

پست و تلگراف و تلفون

اداره کل پست و تلگراف و تلفون که در انحصار دولت است به ۶۶ اداره منطقه ای تقسیم شده که دارای ۱۶۰۰ مرکز مخابراتی می باشد. توزیع نامه ها بوسیله سرویس ترن پستی و وسایل خود روانجام میگیرد.

آمارهای زیر تعداد ارسال نامه ها و بسته ها و حواله های پستی و مکالمات تلگرافی و تلکس و تلفونی را در فاصله سالهای ۱۹۶۸ و ۱۹۷۲ نشان میدهد:

۱ - ایران پاکستان ترکیه صفحه ۴۵ - کتاب به مناسبت مسافرت رسمی شاهنشاه آریامهر

به ترکیه صفحه ۶۳ - La Turquie. col. Larousse. p. 44.

پست^۱ (واحد ۱۰۰۰)

۱۹۶۸	۱۹۷۲	اقلام پستی
		پست داخلی :
۵۲۷۵۷۵	۱۹۵۱۳۲	۱ - پاکات
۲۰۰۴	۲۴۰۰	۲ - بسته‌های پستی
۱۰۰۰	۹۹۰۰	۳ - حواله‌های پستی
		پست خارجی :
۵۱۳۱۶	۱۹۲۰۰	۱ - پاکات
۱۰۳	۱۲۵	۲ - بسته‌های پستی
		ورودی :
۴۳۴۰۰	۵۳۱۰۰	۱ - پاکات
۹۱	۱۰۰	۲ - بسته‌های پستی
۶۰۰	۱۰۰۰	۳ - حواله‌های پستی

تلگرام و تلکس^۲

۱۹۶۸	۱۹۷۲	اقلام تلگرام و تلکس
		تلگرام‌های داخلی
۱۰۰۰	۸۲۰۰	(واحد ۱۰۰۰)
		تلگرام‌های خارجی :
۵۲۰	۶۰۰	۱ - صادره
۵۴۰	۶۲۰	۲ - وارده
۴۵۸	۱۰۷۲	۳ - تلکس

ترکیه	۱۱۴
-------	-----

تلفون^۱

تلفون‌های داخلی (واحد ۱۰۰۰۰) ۴۴۰۰۰۰ ۵۲۰۰۰۰

تلفون‌های مسافت دور () ۲۵۰۰۰ ۳۵۰۰۰

تلفون‌های بین‌المللی مسافت دور:

(واحد هزار دقیقه)

۱ - صادره ۱۰۷۵ ۱۲۵۵

۲ - وارده ۷۳۰ ۸۵۰

تعداد مشترکین تلفون^۲

۱۹۷۲

۱۹۶۸

تلفون‌های خودکار ۲۴۵۰۰۰ ۴۰۰۰۰۰

تلفون‌های دستی ۶۵۰۰۰ ۷۲۰۰۰

کشتی‌رانی

چون قسمت اعظم کشور ترکیه را دریا گرفته است زندگی مردم ساحلی بیشتر تابع آب و هوایی است که در آن بسر می‌برند و بهمین جهت بیشتر حمل و نقل داخلی بوسیله کشتی انجام می‌گیرد.

پیشرفت بازرگانی دریائی به دنبال توسعه اقتصادی کشور عملی شد. شرکت کشتی‌رانی «سیری سفانی»^۳ شرکت دولتی با شرکت‌های خصوصی ملی توأم شد و بصورت يك شرکت واحد ملی بنام «دنیزیولری»^۴ (راه‌های دریائی) درآمد. این شرکت دارای دوسازمان می‌باشد: سرویس کشتی‌رانی ساحلی و سرویس کشتی‌رانی در دریاها.

نیروی دریائی ترکیه فقط بین بنادر ترکیه به کشتی رانی مشغول بودند و تنها دو خط اصلی بازرگانی بود که در دریای مدیترانه مسافرت‌های انجام میدادند باینقرار:

۱ - خط مدیترانه شمال غربی (مارسی، ژن، ناپل، پیره و استانبول و بالعکس).

۲ - خط مدیترانه جنوب شرقی (اسکندریه، بیروت، ازمیر و استانبول و بالعکس).

برای توسعه بنادر مهم و بنادر كوچك مانند: ارگلی، ترابوزان، آماسیه و این بولو، دولت‌های سابق به اقدامات مجدانه دست زدند و برای توسعه نیروی دریائی خود بیشتر به خرید کشتی‌های ساخته شده از خارج مبادرت میکردند. در سال ۱۹۵۲ قراردادی میان دولت ترکیه با کشورهای متحده امریکا برای ایجاد و تأسیس کارگاه‌های بزرگ کشتی سازی در اسکندرون به امضاء رسید که در موقع لزوم قادر باشد کشتیهای جنگی نیز بسازد. طبق طرح پیش‌بینی شده مدت عملیات ساختمانی چهار سال بطول می‌انجامید و ساختمان اسکله آن بقراری بود که ناوهای بزرگ بتوانند در آن پهلو بگیرند.

بعد از جنگ بیم آن میرفت که در اثر توسعه شهر ازمیر، استانبول رو به انحطاط بگذارد ولی با وجود فعالیت نسبی این بندر نتوانست رقیب پایتخت باستانی عثمانی گردد. در سالهای اخیر که روابط سیاسی و بازرگانی میان ترکیه و اتحاد جماهیر شوروی و کشورهای بالکان از سر گرفته شد بهمین مناسبت توسعه بازرگانی در بنادر روز بروز رو به افزایش گذاشت.

از سال ۱۹۴۸ ترقی و پیشرفت سریعی در امور کشتی رانی مشاهده شد. در سال

۱۹۵۲ که «بانك دریائی ترکیه»^۱ «دنیسیلیک بانکاسی . ت . آ . او»^۲ تأسیس گردید، تمام فعالیت‌های بانکی اعم از عمومی و خصوصی مربوط با امور کشتیرانی را بعهده گرفت. بانك مزبور با بیست و شش شعبه در ترکیه و غیر مستقیم در سراسر جهان موفق شد بطور قابل ملاحظه‌ای حجم امور مربوط به کشتیرانی بویژه قسمت مربوط به کشتی سازی و خریداری کشتی‌ها را افزایش دهد.

سازمان خطوط دریائی ترکیه با ارتباط اداره بانکی دارای ۱۹ کشتی است که حمل مسافر و بار در خطوط کشتیرانی داخلی و خارجی را تأمین می‌کند. این نیروی دریائی شامل ۹۷۲۱۷ تن ظرفیت با قدرت ۱۱۲۷۳ نفر مسافر و ۵۲۵۹۶ متر مکعب بار است. در سال ۱۹۶۵ بیش از ۹۴۶ بار در ۵۴ بندر ترکیه در دریای سیاه و دریای مرمره و دریای مدیترانه با حمل ۷۶۱۰۰۰ نفر مسافر و ۱۳۰۰۰۰ تن بار رفت و آمد کرده است و در همین سال ۶۰۰۰۰ نفر مسافر و ۱۱۰۰۰۰ تن بار در ۷۹ بار رفت و آمد آمد به بنادر یونان (پیره و رودسی) و ایتالیا و (برندزی، ژن، ناپل، تریست و ونیز) و فرانسه (مارسی) و اسپانیا (بارسلون) و مصر (اسکندریه) و لبنان (بیروت) و اسرائیل (حیفا) حمل نموده است.

خطوط دریائی داخلی استانبول و از میر در ارتباط با بانك دریائی ترکیه شامل ۱۶ کشتی مسافربری و ۱۶ کشتی حمل و نقل و سایل نقلیه است که اروپا را به آسیا مرتبط می‌سازد. کشتیهای مزبور در سال ۱۹۶۵ معادل ۷۵ میلیون مسافر و ۳/۲ میلیون وسیله حمل و نقل را در ۶۰۰ بار در روز رفت و آمد در ۶۸ اسکله را تأمین کرده است. در نهمه اول سال ۱۹۶۵ از بندر استانبول ۴۷۱۰۷۹ تن کالا حمل شد و در همین مدت ۵۳۸۹ کشتی با ظرفیت ۲۲۵۷۰۶۷۷ تن در این بندر پهلو گرفت و ۷۴۲۹ کشتی

به ظرفیت ۴۹۷۳۹۲۳۰ تن از آن خارج گردید. بانک دریائی ترکیه علاوه بر تعهدات مذکور در بالا وظایف نجات از غرق کشتیها و محافظت خطوط کشتی رانی شهرهای ازمیر و اداره امور بندرهای طرابوزان و گیرسون و استفاده از دریاچه وان و کارخانه کشتی سازی آلی بی^۱ ازمیر را بعهده دارد.

در برنامه پنجساله دوم در امر توسعه کشتی رانی طرحها و پیش بینی های لازم شده است که بلکه بتواند در سال ۱۹۷۲ معادل ۲۵ درصد اعتبار مالی آنرا افزایش دهد.

خطوط هوائی^۲

هواپیمائی کشوری ترکیه در تاریخ ۲۰ مه ۱۹۳۳ بنام «سازمان خطوط دولتی» وابسته به وزارت جنگ با چهار هواپیمای دهاویلند^۳ چهار نفره و سه DH - 89 نه نفری در آنکارا در زیر سه چادر تشکیل گردید. تشکیلات مزبور بتدریج به یک شرکت هواپیمائی بازرگانی با قانونی مخصوص که در ۲۱ فوریه ۱۹۵۶ از پارلمان گذشت تبدیل شد. و این عنوان را بخود گرفت «تورک هوا یولری آ.ا.و»^۴. مهمترین اشکالی که هواپیمائی کشوری ترکیه در آغاز امر بدان برخورد کرد موضوع تهیه هواپیما و برقراری شبکه هواپیمائی بود که بتواند شهرهای دور دست را با حداقل مدت و سرعت زیاد به یکدیگر مرتبط ساخته احتیاجات بازرگانی را مرتفع سازد. اگر مساحت ترکیه را به ۷۸۰۰۰۰ کیلومتر مربع و ۲۰۰۰ کیلومتر فاصله شرق و غرب آنرا در نظر بگیریم ملاحظه خواهیم کرد که تا چه اندازه THY در سیاست حمل و نقل ملی ترکیه نقش عمده ای را بر عهده دارد.

در حال حاضر THY با ۲۵۰۰۰ کیلومتر طی مسافت در هفته بیست و یک شهر ترکیه

1 - Alaybey La Revue Française présente la Turquie . p . 3 - ۲

2 - THY - Turkish Airlines inc Dehaviland ۳ -

را با ۱۳۴ پرواز و حمل ۵۰۰۰۰۰ نفر مسافر بیکدیگر مرتبط میسازد. در خطوط بین‌الملل هواپیماهای ترکیه با شهرهای آتن، رم، مونیخ، فرانکفورت، بروکسل، آمستردام، وین، زوریخ، بیروت، تل‌آویو و نیکوزیا در رفت و آمد هستند و در نتیجه یازده شهر اروپا و خاورمیانه با ترکیه در ارتباط هوایی میباشند.

تعداد مسافر در خطوط داخلی و بین‌الملل در هر سال ۲۰ درصد افزایش می‌یابد با این محاسبه بنظر میرسد که در سال ۱۹۷۵ تعداد مسافران هوایی به ۵ میلیون نفر خواهد رسید. برای رفع چنین احتیاجی شرکت THY در سال ۱۹۶۷ درصد برآمد در امور فنی خود تجدید نظر نموده هواپیماهای جت بکار بیندازد. اولین پرواز با هواپیماهای جت در خطوط بین‌الملل با هواپیماهای ۱۰-۹-DC در پائیز سال ۱۹۶۷ عملی گردید. در سال ۱۹۶۸ با استفاده از هواپیمای 30-9-DC با ۱۳۰ مسافر به توسعه شبکه بین‌الملل و افزایش پرواز و ارتباط با نقاط و شهرهای مهم دیگر مانند پاریس و آفریقای جنوبی و عراق و کویت موفق شد.

در حال حاضر THY در توسعه شبکه و ازدیاد هواپیماهای جدید و اصلاح وضع امور فنی و تربیت متخصصین و خلبانان آزموده و وسایل و ایجاد و توسعه فرودگاهها با تمام قوا کوشیده اعتبارات مالی زیادی را باین کار تخصیص داده است.

بازرگانی خارجی

در قرن نوزدهم میلادی بازرگانی خارجی تقریباً در دست اقلیت یهودی و مسیحی بود ولی بتدریج مردم ترکیه خود در این راه افتاده زمام امور بازرگانی خارجی را در دست گرفتند. تا سال ۱۸۳۰ صادرات امپراطوری عثمانی بیش از وارداتش بود در سال ۱۸۵۰ تقریباً توازن بازرگانی برقرار بود ولی در سال ۱۸۷۵ واردات بر صادرات فزونی گرفت.

پیش از جنگ بین‌الملل اول انگلیس نخستین مقام را در بازرگانی خارجی

ترکیه دارا بود. بین دو جنگ جهانی، آلمان و کشورهای اروپای مرکزی مقام شامخی را در بازرگانی خارجی ترکیه بدست آوردند و جای انگلیس را گرفتند. در آغاز استقرار جمهوری ماده ۱۲ برنامه حزب کمال آتاتورک چنین تصریح کرد «خرید کالاهای کشورهای که از ترکیه کالا خریداری نمایند». در سال ۱۹۲۷ میتوان گفت ۹۰ درصد روابط بازرگانی ترکیه با کشورهای بود که با آن قرارداد پایا پای داشتند. اصلی که بازرگانی خارجی ترکیه را تحت تأثیر قرارداد بود فزونی واردات آن بر صادرات بود. به همین مناسبت دولتهای ترکیه کوشش کردند با صنعتی کردن کشور از حجم واردات بکاهند. در سال ۱۹۳۴ سازمان جدیدی بنام «تور کوفیس» یا اطاق بازرگانی خارجی تشکیل شد. وظیفه مؤسسه مزبور به این قرار بود که با همکاری وزارت اقتصاد در توسعه بازرگانی خارجی کوشش کرده آن را توسعه دهد. در سال ۱۹۳۶ قانونی به منظور جلوگیری از تقلب کالا و بازرسی و حمایت بازرگانی خارجی به تصویب رسید.

واردات ترکیه بر حسب اهمیت عبارت است از: انواع ماشینها و آهن، بنزین و مواد شیمیایی و داروئی، وسایل حمل و نقل و انواع پارچه ها. ۵۰ درصد واردات از کشورهای متحده آمریکا و جمهوری فدرال آلمان و انگلیس و مقدار کمی هم از فرانسه و ایتالیا است. ترکیه محصولات کشاورزی و میوه و سبزیها و مخصوصاً کشمش و فندق (در باره این محصول، ترکیه در ردیف اول جهان است و هر ساله، معادل ۵۴ میلیون دلار به این کشور از این بابت عایدی میدهد). توتون (۱۰۶ میلیون دلار در سال ۱۹۶۶). پنبه (۱۲۶ میلیون دلار در سال ۱۹۶۶) سنگهای معدنی بخصوص کروم و از مدتی پیش مواد ساخته شده از مس و کمی آلومینیوم. صادرات ترکیه بیشتر به کشورهای است که با آنها دادوستد دارد از جمله: آلمان فدرال (در مرتبه اول) اتریش، انگلیس، سوئیس، بلژیک، لبنان و فرانسه.

در سال ۱۹۳۳ بازرگانی با اتحاد جماهیر شوروی تا اندازه‌ای قابل توجه بود (مقام پنجم) ولی روز بروز از آن کاسته شد تا در سال ۱۹۴۱ تقریباً قطع گردید ولی اخیراً باز این ارتباط برقرار شده و این کشور در حدود ۴ درصد مجموع دادوستد ترکیه را در دست دارد.

• موازنه بازرگانی خارجی ترکیه هیچگاه بحال تعادل نبوده است، تفاوت آن میان ۱۰۰ تا ۲۵۰ میلیون دلار در نوسان است. یکی از علل این نوسان را باید معاملات نامرئی ناشی از معاملات ارزش کارگرانی که در کشورهای خارجی بکار اشتغال دارند دانست، در سال ۱۹۶۶ معادل ۱۱۵ میلیون دلار از این طریق ارز وارد کشور شد.^۱

جهانگردی^۲

در ترکیه مدتهای مدید به جهانگردی اهمیت چندانی داده نمیشد و با اینکه تنها استانبول بواسطه زیبایی طبیعت و آثار تاریخی میتوانست جهانگردان را بخود جلب نماید ولی مسافرین جز مدت بسیار کوتاهی در این شهر اقامت نکرده از آن میگذشتند. در سال ۱۹۵۰ اولین دسته جهانگردان باین شهر آمده آنرا مورد توجه قرار دادند. ولی توجه آنان برای ادامه اقامت تأثیر چندانی از خود باقی نگذاشت. چنانکه در سال ۱۹۵۹ بیش از صد هزار نفر جهانگرد باین کشور نیامدند ولی طولی نکشید که آفتاب مطبوع و پلاژهای مناسب و صحنه‌های متنوع طبیعی و آثار متعدد باستانی و شهرهای مسلمان و بخصوص مهمان نوازی و ادب و خوشروئی مردم ترکیه و جاده‌های مناسب داخلی و بین‌المللی که به بالکان ادامه می‌یافت و تبلیغات مؤثر و شدید دولت و ایجاد سازمانهای صحیح جهانگردی و مهمانخانه‌های آبرومند و وسایل تفریحی و پلاژها، روز بروز به تعداد جهانگردان افزوده گردید، چنانکه تعداد جهانگردان که در سال ۱۹۶۵ بیش از ۱۶۸۰۰۰ بود در سال ۱۹۶۷ این تعداد بالغ بر ۳۰۰۰۰۰

نفر شد و مطمئناً در سالهای بعد مقدار زیادی به شمار جهانگردان اضافه خواهد شد و با کوششی که دولت و سازمانهای جهانگردی کشور برای رفاه حال مسافران فراهم می آورند امید میرود در آینده بسیار نزدیکی کشور ترکیه یکی از چهار یا پنج کشوری بشود که مورد توجه جهانگردان قرار بگیرد.

بخش دوم

تاریخ

فصل اول

ترکان

آسیای علیا

موطن اصلی اقوام ترك که امروزه در سرزمین ترکیه و در اروپای شرقی و آسیای
از دشت‌های شمال دریای سیاه تا کرانه‌های اقیانوس کبیر پراکنده شده‌اند، آسیای
مرکزی است که قسمتی از این اقوام از نژاد زرد هستند.^۱

سکنه جمهوری ترکیه بر اثر اختلاط با بومیان (مانند یونانیان) و نفوذ عمیق
تمدن غرب در آنان تقریباً تمام خصوصیات نژادی خود را از دست داده‌اند. اغلب

۱ - این مسئله چندان روشن نیست. زیرا چون مسلم است که ترکان آسیای مرکزی
از نژاد زرد و آسیای مرکزی گهواره نژاد ترك میباشد، به این مناسبت تصور کرده‌اند که ترکان
نیز باید از همان نژاد باشند. این مطلب نیز معین است که از زمانهای بسیار قدیم علاوه بر
ترک‌هایی که از نژاد زرد هستند ترکانی بوده‌اند که از نژاد سفید و تنها عامل مشترك مشخصه
این دو قوم وحدت زبانی بوده است.

مورخان این مردم را مانند اروپائیان خالص می‌پندارند و خود آنان نیز ادعا دارند که از نژاد سفیدمی باشند.

زبان ترکان جزء خانواده بزرگ زبانی اورال و آلتائی^۱ و یا بطور صحیح از شعبه آلتائی که مغولمانچو^۲ و ترك و تاتار را شامل است، می‌باشد. نقشه نژادی اروپای شرقی و خاور نزدیک در حقیقت از قرن دهم میلادی طرح‌ریزی شد که بتدریج شکل و قیافه امروزی را بخود گرفت. قرن‌ها پیش مرکز فعالیت ترکان، منطقه‌ای بود میان جنوب سبیره و کوه‌های هیمالیا و دریای خزر و چین و این همان منطقه‌ای است که بنام آسیای علیا خوانده میشود.

تمام سرزمین وسیع آسیای مرکزی یا آسیای علیا امروزه شناخته شده است. در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی اکتشافات جغرافیائی، معابر صحیح رودخانه‌ها و کوه‌ها را روشن ساخت. اوایل قرن بیستم اکتشافات باستان‌شناسی و تاریخی آن را تکمیل نمود.

ملل بزرگ جهان علاقه خود را برای شناسائی این سرزمین بافرستادن دانشمندان خود نشان داده‌اند. در مدت بیش از پنجاه سال آلمان‌ها چهار مسافرت اکتشافی (از جمله مسافرت فون لوکوک^۳ و انگلیسها، سه مسافرت (سراورل اشتاین^۴) ژاپنی‌ها دو مسافرت و روسها و فرانسویها و ملل دیگر دانشمندانی را به آسیای مرکزی اعزام کرده‌اند. بین سالهای ۱۹۰۶ و ۱۹۰۸ شرق شناس معروف فرانسوی پول پلیو^۵ پژوهشهای خود را تعقیب نمود. بعداً امریکائیان به این پژوهشها علاقمند شدند و به سرپرستی روی شامپیون آندریو^۶ تحقیقاتی در این زمینه به عمل آوردند. بین سالهای ۱۹۲۷ و ۱۹۲۹ تحقیقات بین‌المللی در این سرزمین بدست سوئد و آلمان و چین سپرده

Von Le Coq. - ۳

Mandchou - ۲

Ouralo - Altaïque - ۱

Paul Pelliot - ۵

Sir Aurel Stein - ۴

Roy Champion Andrews - ۶

شد. سپس دانشمندان چینی و بدنبال آنها هیئت اعزامی سیتروئن^۱ به نوبه خود در این راه کوشش نمودند و موفقیت‌هایی بدست آوردند.

اگرچه در آسیای مرکزی تمدن درخشانی وجود نداشت ولی مهداقوامی بود که نقش آنها در تاریخ بشریت اهمیت بسزائی داشت و ضمناً قلمرو زندگی آنها مهمترین راه ارتباطی میان حوضه مدیترانه و هندوستان و چین را تشکیل می‌داد. این شاهراه با این که از نظر طبیعی صعب‌العبور و رفت و آمد در آن دشوار بود و بعلت این که تمدنهای مختلفی مانند تمدنهای شرق و غرب در آن با یکدیگر در تماس افتاد و تمدنی خاص بوجود آورد، دارای ارزش و اهمیت زیادی است.

بدون در نظر گرفتن فرضیه غیر مسلم بودن نفوذ تمدن باستانی متقابل میان شرق و غرب و فتوحات اسکندر که از ایران گذشته به ماوراءالنهر و سپس به هندوستان رسید، باید گفت که نخستین ارتباط تاریخی میان آسیای غربی و چین در اوایل قرن اول میلادی انجام گرفت.

از این پس دو راه ارتباطی برقرار شد که بی اندازه مورد استفاده قرار گرفت: راه استپ که مورد استفاده اقوام چادر نشین بود. عبور و مرور در این راه باعث شده

۱- از قرن پنجم میلادی به بعد مورخان چینی از توکیوها (Tou - kioue) نام می‌برند پیداست که این نام به ترکان تعلق می‌گیرد و شاید مشتق از صیغه جمع زبان مغولی تورک اوت (Turk - ut) باشد از آن زمان مانند امروز ترکان ساکن ناحیه‌ای بودند که ما آن را ترکستان چین می‌گوئیم و چینی‌ها آنرا تیانشان په لو (Thian-chan-pá-lou) و تیانشان نالو (Thian-chian Nao-lou) می‌نامیدند و آن راه را شمال و جنوب کوههای آسمانی (تیانشان) میدانستند این دو ناحیه از شمال به دزونگاری (Dzoungarie) و از جنوب به کاشغرستان ختم میشود. ناحیه مزبور که از مشرق به کویر گوبی (Gobie) و از مغرب به ترکستان خاص و از جنوب بدریاچه آرال محدود می‌شود، در قرون وسطی بنام خوارزم نامیده میشد. این سرزمین اکنون بنام خانات خیوه به اتحاد جماهیر شوروی تعلق دارد.

همین سرزمینی را که بنام ترکستان معروف شده باید مسکن اصلی ترکان دانست.

اقوام مزبور را ارتفاعات به سرزمینهای حاصلخیز ترکستان کشانده در این نواحی مستقر سازد. اقوام چادرنشین که خود را در محل معینی مستقر دیدند دست بکار بازرگانی زده وسیله شدند این راه اهمیت بازرگانی پیدا کند.

راه ابریشم که راه نفوذ هنر و مذاهب بود از سوریه شروع شده و از دجله و فرات می گذشت. در امتداد جنوبی دریای خزر تافلات پامیر امتداد یافته به ترکستان چین می رسید و از آنجا تبت را عبور کرده و به ایالت چینی کانسو^۱ خاتمه می یافت. عبور از این راه ها از خود گذشتگی لازم داشت. اقوام بدوی که نخستین بار از این راه ها عبور نمودند مردمانی جسور و با حرارت بودند. متعصبین مذهبی که پس از آنها از این راه ها گذشتند متکی به ایمان راسخ بودند و بازرگانان کاردان برای بدست آوردن منافع سرشار از فروش پارچه های ذیقیمت که اهالی بین النهرین از آن اطلاعی نداشتند، با وجود دشواریها و زحمات طاقت فرسا، قدم در این راه گذاشتند.

از نظر طبیعی در آسیای علیا اختلافات فاحشی مشاهده میشود. راهها عموماً صعب العبور و در دره ها اختلاف درجه حرارت فوق العاده است بطوریکه از ۴۰ درجه بالای صفر تا ۴۰ درجه زیر صفر میرسد. سراسر سرزمین پهناور از کوه های غیر قابل عبور و بیابانهای بی آب و علف پوشیده شده است. در شمال آن استپ های وسیعی وجود دارد که در آنها رودخانه هایی که به طرف سیبری جاری است مانند لنا^۲، ینی سئی^۳ اوب^۴، قرار دارد. در مرکز مغولستان که به دریاچه بایکال^۵ و کوه های آلتائی و ترکستان-چین و تبت و چین، محدود است و منطقه چراگاه قرار دارد.

قسمت اعظم آن را صحرای گبی فرا گرفته است. در جنوب تبت کوه های مرتفعی در حدود ۵۰۰۰ متر وجود دارد و به مرزهای هندوستان و سلسله کوه های هیمالیا

(قله اورست ۸۸۸۲ متر) ختم میشود. در باختر ترکستان چین پستی‌های وسیعی وجود دارد که به جبال تیان‌شان و پامیر محدود میشود و اجازه میدهد که آب تاریم^۱ منطقه وسیعی را فراگیرد. از طرف دزون کاری^۲ به ترکستان باختری اتصال پیدا میکند که عبور از آن سهل تر صورت می‌گیرد و به روخانه ایرتیش^۳ و دریاچه اورال و بحر خزر و فلات ایران محدود میشود. این منطقه بوسیله دریاچه‌های آرال، بالخاش و رودخانه‌های آمودریا و سیردریا (سیحون و جیحون) مشروب میگردد.

نظریه قدیمی که آسیای مرکزی را کانون اصلی جمعیت روی زمین میدانست امروزه دیگر مطرح نیست. معذک ثباید تردید داشت که در جنوب روسیه تمدنی متعلق به استپ در حدود هزاره سوم یا چهارم پیش از میلاد وجود داشته است، تمدنی که هنوز مراحل اولیه را بدون شناسائی به خط ولی آشنائی به استفاده از دام و بکار بردن مفرغ در صنایع طی می‌کرد. فقدان مدارک کافی و عدم شناسائی کامل به زندگانی مردمان و سکنه این سرزمین اجازه نمی‌دهد که بیش از این راجع به نحوه تمدن مذکور نظریاتی ابراز داشت.

هیوننگ نوها^۴

نخستین دسته اقوام ترک در مغولستان مستقر شدند (که مابدان نام پرتو-ترک^۵ می‌دهیم). در قرن هفتم پیش از میلاد، چینی‌ها از وجود دو قوم چادر نشین در آسیای علیا با خبر بودند که هر کدام کوشش داشتند سیادت خود را بر نواحی واقع در شمال چین که هنوز تشکیلات منظمی در آن وجود نداشت، تحمیل کنند. یکی از این دو قوم بنام هیوننگ نو و دیگری به اسم یوئه - چه معروف بود.

به نظر می‌آید که یوئه‌چه‌ها که اصلاً از اهالی کان - سوی کنونی بودند از نژاد آریائی باشند و در نبردی که ضد هیوننگ نو در گرفت، شرکت نموده‌اند و به علت شکست

۱ - Tarim ۲ - Dzoungarie ۳ - Irtysh ۴ - Hiong - Nou

۵ - Proto - Turks

مجبور شدند نخست به شمال گوی مهاجرت کنند و سپس بر اثر هجوم دشمنان نیر و مندشان به دو دسته تقسیم شدند که يك شاخه از آنها در قوم مهاجم ادغام شدند و دسته دیگر به باکتریان آمد و در آنجا امپراطوری جدیدی تأسیس نمود که مورخان یونانی و لاتینی آن را بنام هندوسیت نامیدند. باید متذکر شد که دولت سیت تابع مذهب بودا بود و آنرا به ترکستان و سپس به چین بر دو به این وسیله بود که مذهب بودا در کشورها و سرزمینهای خاور دور نفوذ و رسوخ کرد.

هیونگک نوها اگر بطور کامل از پرتو - تركها نبودند ولی میتوان آنها را دسته‌ای از قبایل پرتو ترك و پرتو مغول^۱ دانست که با عناصر هندو اروپائی و بخصوص ایرانیان ممزوج و مخلوط شده بودند بهر صورت عنصر پرتو ترك اکثریت را در میان آن قبایل داشته طبقه حاکمه را تشکیل می دادند.

در کشمکش و مبارزه دائم با چینی‌ها که برای دفاع از خود در برابر حملات آنان استحکامات پراکنده خود را به صورت خط دفاعی مشهور بنام دیوار بزرگ چین در آوردند، هیونگک نوها اتحادیه نیر و مندی تشکیل دادند که تا تقریباً يك قرن پس از میلاد مسیح استیلای آنها را بر آسیا محرز داشت.

در زمانی که سلسله هان^۲ در چین قدرتی بهمرسانید هیونگک نوها مجبور شدند در برابر فشار دائمی دشمنان خود به طرف باختر عقب نشینی نمایند. در سرزمینهای جدید با وجود اینکه از سایر اقوام بدوی استپ نشین مجاور خود از حیث تمدن جلوتر بودند ولی چون در اثر برهم خوردن اوضاع نتوانستند اتحاد و وحدت خویش را حفظ نمایند از یکدیگر جدا شده بدسته‌های زیادی تقسیم گردیدند و بعداً عده‌ای از آنها وارد خاک چین شده عده‌ای دیگر در داخل امپراطوری باقیمانند و به تدریج در میان سایر اقوام مستهلك گردیدند. دسته دیگر که قبایل نیمه متمدن را رهبری

می کردند به قلمرو امپراطوری رم حمله بردند و تاجارستان پیش رفتند و از آنجا به فرماندهی آتیلا، هیونگک نوها، که از این پس بنام هونها (هیاطله) خوانده شدند چندین مرتبه امپراطوری روم را تهدید نموده سرزمینهای متعلق به آن را ویران ساختند.

پس از انهدام قدرت هیونگک نوها، که به موجب نوشته دانشمند فرانسوی رنه گروسه^۱ میتوان حکومت آنان را نخستین امپراطوری استپها دانست، نامدت چند قرن امپراطوری ترك دیگری را در آسیای مرکزی بنیان نهادند.

مختصات عمومی اقوام آلتائی :

این نکته مسلم است که در آغاز میلاد مسیح بسیاری از کشورهای آریائی آسیای مرکزی که در قرنهای گذشته تعداد آنها بسیار زیاد بود به تدریج از میان رفته رو به انهدام گذاشتند و تازه واردین اخلاف و بقایای آنها را به بردگی و اطاعت درآوردند. این تازه واردین پرتو - تونقوزها^۲، و پرتو مغولها و پرتو ترکها بودند. قدر یقین اینکه سه خانواده بزرگ مزبور مبدأ مشترکی داشتند که همان آلتائی باشد. اما از این زمان به علت اشتغال به مشاغل مختلف از یکدیگر مجزا شدند و اگر بسیاری از اقوام مزبور دارای خصوصیات مشترکی بودند به این جهت بود که هر کدام متقابلاً زیر نفوذ دیگری قرار گرفته بودند.

تونقوزها، شرقی ترین ناحیه منچوری امروزی را در تصرف داشتند و مغولان در شمال این ایالت ناحیه جنگلی مغولستان را که میان منچوری و شهر اورگا^۳ واقع است، قلمرو خود قرار دادند و بالاخره ترکان که تعداد آنان بیشتر و پیشرفت آنان سریعتر بود، از سایرین جلوتر افتاده تمام سرزمینهای مغولستان و ترکستان را ناکرانه های دریای خزر اشغال نمودند.

اقوام مزبور دارای بعضی خصایص مشترک بودند. عدم تمرکز و رقابت دائمی با یکدیگر و علاقه به نظم و صلح، آنان را به انتخاب يك رئیس ورهبر تام‌الاختیار بنام «خان» یا «خاقان» وادار نمود. اقوام مزبور به وحدت قائل بودند و به نوبه خود موفق شدند تسلط خویش را بر همسایگان مسلم داشته دولت امپراطوری معظمی تشکیل دهند.

تبتی‌ها هم که فقط نقش مذهبی در سیاست فعال آسیا داشتند، کوشش نمودند وحدت استپ‌ها و بام دنیا را عملی سازند. تمام این اقوام آسیائی با اینکه زمانی با یکدیگر متحد شده و قدرتی بهم رسانیدند، معذلك نتوانستند از نفوذ همسایگان ثروتمند و متمدن خود مانند چین و ایران و روسیه جنوبی و آسیای صغیر برکنار بمانند.

مخصوصاً چین در اندک مدتی موفق شد تسلط معنوی خویش را بر آنها محرز و ثابت نماید ولی باوجود این با تمام نیروی معنویش بواسطه اعمال غلط نتوانست این تسلط را برای همیشه محفوظ نگاهدارد. اقوام مزبور به سنت سیاست چینی‌ها و به اتکاء اتحاد باقبایل دیگر، موفق شدند قبایل مخالف و دشمن را سرکوب و مطیع نمایند. در فاصله سالهای ۱۱۰۰ و ۱۲۰۰ میلادی تهاجمات ویران کننده خیتان‌ها^۱ و یوچن‌ها^۲ و چنگیزخان و اعقابش و بعدها وئی‌ها^۳ و تونقوزها یا ترکان و مغولان و منچورها، یکی پس از دیگری با همان سیاست و روش ادامه داشت.

اقوام چادر نشین استپ دارای حکومتی قبیله‌ای و بدون شناسائی سرحداتی در قلمرو زندگی و حکومت خود، بودند. چراگاه‌ها و مراتع را سرزمین دائمی خویش می‌پنداشتند و گرچه به زندگی شهرنشینی آگاهی داشتند ولی شهرنشینی را از محیط زندگی خود خارج دانسته فقط به گله چرانی و زندگی فقیرانه اکتفاء

میکردند. روش تربیتی آنان بسیار سخت و خشن بود. افراد قبیله مجبور بودند از کودکی شخصاً معاش خود را از راه شکار و گله‌داری یعنی مشاغل عادی چادرنشینی تأمین نمایند. با وجود سختی و بدی آب و هوا که تنها افراد نیرومند و سرسخت می‌توانستند در برابر آن مقاومت نمایند، قبایل مزبور ناچار بودند برای ادامه حیات با طبیعت به جنگ و مبارزه بپردازند. جنگ یکی از عادات اولیه چادرنشینان آسیای مرکزی و هدف آن، اشغال و تصرف هر چه بیشتر چراگاهها و غارت و چپاول اموال شهرنشینان بود. روش و نقشه نظامی در میان طوایف یکسان و تغییر ناپذیر بود: چادرنشینان دارای پیاده نظام و سواره نظام بودند که نقش اصلی را هنگام جنگ سواره نظام ایفاء میکرد.

جنگجویان استپ بسیار چابک و چالاک بودند در جنگها بی‌محابا به طرف دشمن یورش برده با تیرهای جانسوز دمار از روزگار آنان برمی‌آوردند تا آنجائی که ممکن بود کوشش می‌کردند از برخورد و نبرد تن‌به‌تن با دشمن پرهیز نمایند ولی زمانیکه برخورد اجباب می‌کرد از آن روگردان نبودند و به سختی مقاومت می‌کردند.

جادوگری در میان قبایل رواج کامل داشت و جادوگران (شامان‌ها)^۱ در قبیله دارای مقام شامخی بودند. جادوگران در ضمن، شغل طبابت را به عهده داشتند و به امور نذر و قربانی می‌پرداختند. در راهنمایی و شناسائی ارواح و رهبری مذهب تخصص داشتند. شامان‌گری به اقوام آسیای مرکزی مفهوم يك زندگی بی‌آلایش و ساده را می‌آموخت که در آن موسیقی و رقص نقش اساسی را داشت. جادوگری و مذهب با یکدیگر توأم بود و در حقیقت میتوان گفت جادوگری در زندگی روزمره تأثیر به سزائی داشت. مردان قبایل اصولاً به آب و خاک علاقه داشتند و بدان عشق می‌ورزیدند

و بداشتن چنین وظیفه‌ای افتخار میکردند. به مذهب تعلق خاطر و تعصب نشان نمیدادند زیرا تمام مذاهب برای آنان یکسان بود و هر کس میتوانست هر مذهبی را که مایل باشد اختیار نماید. ولی زمانی که به مذهبی می‌گرویدند به رسوم و عادات و خصائل آن خومی گرفتند. وفاداری به رهبر و فرمانروای منتخب خود و احترام به قوانین را فرض ذمه‌ای میدانستند.

گسترش پرتو - ترکها و پرتو - مغولها:

استپ‌های اروپای شرقی از قرون اولیه مسیحی مورد تهاجم ترکان قرار گرفت. پلین^۱ معتقد است که در شمال قفقاز کومان‌ها^۲ حکومتی تشکیل داده بودند و اطراف دریای خزر و منطقه واقع میان خزر و دریای آزوف محل سکونت هزارها^۳ بوده است. نویسندگان معتقد است که این دو قبيله ترك بوده‌اند. از زمانهای پیش در بالکان اقوام ترك با اسلاوها و ژرمن‌ها مخلوط شده بودند. سیادت ترکان در آسیای علیا تا زمانهای اخیر تقریباً مسلم میباشد و به نظر می‌آید که مغولان فقط در مدت دو قرن آنان را زیر نفوذ و سلطه خویش داشتند. در سال ۴۰۷ میلادی قبایل چادر نشین ژوآن ژوآن^۴ توانستند بر تمام منطقه‌ای که شامل امپراطوری هیونگک نوها بود مسلط شوند. این اقوام شاید همان «پرتو - ترکها» باشند ولی به عقیده بسیاری از مورخان مانند پ - پلیو^۵ باید آنها را «پرتو - مغول» دانست. اقوام مزبور بنام «آوارها» همانهایی هستند که شارلمانی امپراطور فرانسه آنان را شکست داد. آوارها در سال ۵۵۳ میلادی برتری خود را از دست دادند ولی پیش از اینکه بطور کلی از میان بروند اقوام دیگری بنام هفتالیت^۶ روی کار آمدند که دولت‌های هند و اروپائی افغانستان

Jouan - Jouan - ۴

Hazars - ۳

Komans - ۲

Pline - ۱

Hephtalite - ۶

۵ - مستشرق فرانسوی P. Pelliot

را مضمحل ساخته با دولت شاهنشاهی ساسانی دست و پنجه نرم کردند و سپس به شمال هندوستان تاخته آنجا را غارت نمودند و مدت يك قرن امپراطوری درنواحی میان ماوراءالنهر و سیردریا ایجاد کردند. بنظر می آید در میان اقوام «تو - یو - هوئن»^۱ که حکومتی در آغاز قرن چهارم میلادی و نیمه دوم قرن هفتم در ناحیه کان سو تشکیل داده بودند، مردمانی از نژاد مغول وجود داشت.

بنابر این مغولان بطور کلی باید در قرن پنجم و در اوایل قرن ششم میلادی تسلط خویش را بر آسیا محرز کرده باشند ولی از آن پس تفوق و برتری بدست ترکان افتاده حکومت ایشان تا زمان چنگیز خان بطول انجامید (آخر قرن ۱۲ میلادی).

توروکها^۲

ژوآن - ژوآن ها در آلتائی طایفه ای تحت الحمايه خود داشتند که در روایات چینی آنها را بنام تو - کیو^۳ ذکر کرده اند مورخان به غلط نخستین قوم ترک را باین نام خوانده اند. در حقیقت کلمه تو - کیو در چینی معرف اسم جمع توروک با علامت (ت) میباشد وصفی است که معنای «نیرومند» میدهد. کلمه ای که توروکها آن را قبول دارند.

توروکها از اعقاب هیونگ نوهای قدیمی هستند که از جهات مختلف تحت تأثیر آنان قرار گرفته بودند و در خدمت ژوآن - ژوآن ها به کار ساختن ابزار و ادوات فلزی اشتغال داشتند. این شغل از جهات مختلف و مخصوصاً از نظر جادوگری بسیار مورد توجه بود. زیرا آهنگران از جهاتی جزء طبقه جادوگران (شامانها) محسوب میشدند.

اقوام مزبور در سال ۵۵۱ میلادی بر ضد فرمانروایان خود پرتو - مغولها سر

بشورش برداشتند و به نفوذ و تسلط آنان خاتمه دادند و خود اتحادیه‌ای از قوام‌مختلف تشکیل دادند که میتوان آن را «دومین امپراطوری ترك» محسوب داشت و همین امپراطوری بود که در دوران اعتلاء و درخشندگی خود نام ترك را عمومیت داده مشهور ساخت.

تازه واردان به تدریج تسلط خویش را بر چادر نشینان مجاور محرز داشتند سپس از مغولستان گذشته حکومت خود را بر مناطق واقع در شمال خلیج کره و در نواحی ترکستان و در شمال افغانستان برقرار ساختند.

باین ترتیب دولتی عظیم تشکیل دادند که از کرانه‌های اقیانوس کبیر تادریای خزر وسعت داشت و با چینی‌ها و ایرانیان و هندیها و دولت ییزانس در ارتباط و تماس افتادند.

وسعت امپراطوری توروك در اواسط قرن ششم با وجود عظمتی که داشت به اهمیت تاریخی آن نمی‌رسید زیرا امپراطوری با سازمان محکم و نیرومندی که در نتیجه سی سال وحدت بوجود آورد با بالا بودن سطح فرهنگی آن و تسلط بر اقوام دیگر، موفق شد شور و هیجانی در ترکان بوجود آورده وسیله شود که تهاجم بزرگ و اساسی خود را در قرون وسطی آماده و تسهیل نمایند. توروك باختری در مهاجرت اقوام آلتائی بطرف جنوب و دنیای ایران و همچنین برخورد مداوم ترکان با یونانیان و شاهنشاهی ساسانی، نقش عمده‌ای داشتند. در مدت يك قرن ترکان با اتحاد بایکی از این دولتها جنگ را علیه دیگری ادامه دادند. توروك‌های خاوری مدت طولانی تر به حیات و موجودیت خود ادامه دادند و گرچه در تاریخ چندان اهمیت نداشتند ولی با کشف مقابری که از مردان بزرگ و پیشوایان آنان بدست آمده و نیز از کتیبه‌هایی که از خود بر جا گذاشته‌اند، اهمیت تاریخی آسیای مرکزی و وقایعی که در این سرزمین به‌طور گذشته بخوبی روشن و معلوم ساخته، نام دولت توروك را مشهور نمودند.

این کتیبه‌ها که قسمتی از آنها در کرانه‌های رودخانه اورخن^۱ کشف شده قدیمی‌ترین خطوطی است که از زبان ترك بدست آمده است. از این آثار و نوشته‌ها چنین مستفاد می‌شود که توروك‌ها قومی جنگجو و سلحشور و چادر نشین بودند که اغلب اوقات با چینی‌ها در جنگ و ستیز بودند و گاهی غالب و زمانی مطیع و تحت الحمايه آنها قرار می‌گرفتند. در حدود سال ۶۳۰ میلادی زمانی رسید که اساس حکومت آنان از هم فرو ریخت ولی بر اثر شجاعت و لیاقت یکی از فرمانروایان مجدداً سر و صورتی بخود گرفت و قدرتی بهم رسانید. چنانکه در آغاز قرن هفتم میلادی امپراطوری توروك هنوز به قدرت سابق خود باقی مانده بود. منتهی به نظر آمد که زیر نفوذ سیاسی و فرهنگی چین قرار گرفته باشد. آثار و کتیبه‌های مزبور وسیله شد که از وضع زندگی اقوام صحرا-گرد و مذهب و روش جنگی و سازمانهای اداری آنان اطلاعات کافی به دست بیاید.

پس از مرگ خاقان بیلز^۲ (سال ۷۳۱ میلادی) و برادرش گول‌تکین^۳ (۷۳۴ میلادی)، قهرمان کتیبه‌ها، توروك‌های شرقی اهمیت خود را ازدست دادند و در سال ۷۴۵ ایغورها (اقوام دیگر ترك) موفق شدند بکلی به موجودیت آنان خاتمه دهند.

ایغورها و نشر مذاهب در آسیای مرکزی:

دوران قدرت او یغورها بسیار کوتاه‌تر از امپراطوری توروك‌ها بود و باینکه قلمرو حکومت آنان کوچکتر بود معذلك سطح فرهنگ آنان از توروك‌ها بالاتر بوده، نفوذ آنان تا ترکستان و کان سو بسط و توسعه یافت. در سال ۸۴۰ میلادی (یا ۸۴۱) دولت او یغورها بوسیله اتحادیه‌ای که بخصوص از قریزها و قارلوك‌ها تشکیل گردید، از سرزمین مغولستان برچیده شد. طوایف او یغور از سرزمین اصلی مهاجرت کرده در ناحیه تورفان^۴، یعنی در شمال ترکستان شرقی در دامنه کوه‌های تیانشان

سکونت اختیار کردند. در سال ۷۶۲ او یغورها^۱ به مذهب مانی که از باختر آمده بود گرویده آن را در زمان حکومت خاندان تانگ در چین رواج دادند. تبلیغ مذهبی سبب شده که از نظر معنوی نقش مؤثری در آسیای مرکزی و چین به عهده بگیرند که تا سقوط قطعی آنان ادامه داشت.

مذهب مسیح بصورت طریقهٔ نسطوری^۲، در زمانی که هنوز روشن نیست، میان او یغورها نیز رواج یافت ولی توسعهٔ این مذهب در آسیای علیا در حدود سال ۷۸۱ میلادی اتفاق افتاد که تا مدتی بس طولانی، ادامه یافت. دین مسیح و مذهب مانی تنها نبود که در آسیای مرکزی رسوخ کرد. این سرزمین که از نظر طبیعی چندان غنی و ثروتمند نبود نقش مهمی را در انتشار مذاهب و عقاید مختلف به عهده گرفت چنانکه دین یهود در سال ۸۰۰ میلادی در ترکستان چین و مذهب مزدایرستی در قرن ششم و دین بودا در همین حدود در مناطق مزبور رواج گرفت.

چنانکه در پیش گذشت یوچه‌ها مذهب بودائی را در خاور دور از راه ترکستان چین رواج دادند. این واقعه شایان اهمیت زیادی است زیرا مذهب بودا که از موطن اصلی خود رانده شده بود در چین با وجود مخالفت عادات و رسوم و فلسفه‌های محلی چون تاوئیسم^۳ و کنفوسیسم^۴، محیط مناسبی یافته به حیات خود ادامه داد. در قسمت شرقی آسیای مرکزی مذهب بودا سیادت خود را حفظ نمود، حتی در حال حاضر که روسها کوشش میکنند دین مسیح را رواج دهند و هنوز دین اسلام نقش مؤثری را به عهده دارد، معذک مذهب بودا اهمیت سابق خود را حفظ کرده است.

در حقیقت میتوان گفت که او یغورهای تورفان وسیله شدند تا سرزمینی را که

امروزه به نام ترکستان معروف است تغییر شکل داده بصورت ترکی در آوردن و به تدریج تمام آثار زبانی هند و اروپائی را که در ترکستان چین متداول بود محو کرده جای آنها را به زبان ترکی بدهند.

نخستین برخورد ترکان با اسلام

در زمانی که ترکستان فعلی روس به تدریج رنگ ترکی بخود می گرفت در آسمان عربستان ستاره درخشان اسلام طلوع کرد و اعراب آن را به خارج عربستان تا کرانه های مدیترانه و کشورهای خاورمیانه و ایران بسط و توسعه دادند. در اینجا دو قوم بادیه نشین که هر دو دارای روح سلحشوری بودند، با یکدیگر روبرو شدند.

در این مبارزه و جنگ و ستیز طرفین متخاصم هریک هدف و مقصودی جدا از یکدیگر داشتند: برای اعراب جنگ، جهاد در راه نشر و اشاعه دین و آئین بود و در حقیقت جنبه معنوی داشت. در حالی که در نزد ترکها به هیچوجه مذهب نمی توانست برای آنان محرکی باشد، زیرا مذهبی که ترکان بدان ایمان داشتند، بخصوص زمانی که دین مسیح و مذهب کنفوسیوس در عقاید آنان رسوخ کرد، بیشتر جنبه فرهنگی و تربیتی داشت. مذهب برای این قوم امری طبیعی بوده و با زندگی و جهانی که در آن می زیستند ارتباط و تماس پیدا می نمود.

اعراب در پرتو دین اسلام بزودی امپراطوری عظیمی، که جمعیت آن چندین برابر سرزمین اصلی بود و در آن حدود و ثغور دیده نمی شد، تشکیل داده قدرت و فرمانروائی را بدست رهبری که آن را خلیفه و جانشین محمد (ص) می دانستند سپردند. بعکس ترکان که برخلاف ملل مغرب زمین، نتوانستند دولتی به معنی و مفهوم حقیقی تشکیل دهند، دائماً با ایرانیان در جنگ و ستیز بودند و بیشتر هم آنان مصروف غارت و چپاول و سرکوب کردن دشمنان و مخالفین داخلی بود تا کشورگشائی.

قانونی جز قوانین جنگ که بوسیله فرمانروایان مقتدر که بنام یازاک^۱ معروف بودند بدانان تحمیل میشد، نمی شناختند.

در سال ۶۷۲ اعراب موفق شدند به ماوراءالنهر قدم بگذارند. در سال ۶۷۴ شهر بخارا را محاصره کرده پس از دو سال این شهر ایرانی را به تصرف خویش درآوردند از این پس کشمکشها و مبارزه های مسلحانه در سرزمین وسیعی که اکثریت جمعیت آن را ایرانیان تشکیل میدادند و اعراب و ترکان در اقلیت بودند، درگیر شد. مراحل مختلف کشمکشها بسیار پیچیده و بغرنج بود. امر قطعی این بود که دورقیب فاتح را مانند دودشمن در برابر یکدیگر قرار داد ولی باید اذعان کرد که اعراب بابر خورد به نیروئی مقاوم و قابل اعطاف و نیز به علت دوری از مرکز قدرت و حکومت خویش نتوانستند به پیروزیهایی که دلخواه آنان بود، نایل آیند.

ورود ترکان در دنیای اسلام از وقایع عجیب و شگفت انگیز تاریخ است با اینکه ورود آنان در نتیجه فتوحات و یابزور نبود، نخست به عنوان مزدور و سپس از مدافعان سرسخت اسلام شده بزودی جزء یکی از ملتهای بزرگ مسلمان قرار گرفتند. همینکه جبهه سغدیان تثبیت شد و خلیفه عباسی به تخت خلافت کاملاً مستقر گردید، ترکان در خدمت خلیفه عرب درآمده در جرگه سپاهیان وی داخل شدند. ترکان از همان آغاز کار تشخیص دادند که باید کاری کنند که از صورت غلامی خارج شده مقام و منزلتی در دستگاه خلفای اسلامی بدست آورند. بنابراین غلامان ترک که در بادی امر به عنوان سپاهیگری وارد خدمت میشدند به تدریج مقامات فرماندهی و امارت را در سپاه خلیفه اشغال کرده بالیاقت و خصایص سلحشوری که ذاتی آنان است، توانستند بزودی مورد توجه قرار گرفته خود را برخلاف تحمیل نمایند. چنانکه میدانیم ترکان در تیراندازی و سواری بی رقیب بودند و همتا نداشتند. چون به مشاغل عالی و مقامات

بلند رسیدند جزء طبقات ممتازة دربار خلافت قرار گرفته علاوه بر مشاغل سپاهیگیری به مقامات عالیة کشوری از قبیل والی و حاکم ایالات و ولایات منصوب گردیدند و در این موارد نیز جای اعراب را اشغال نمودند.

از اوایل قرن سوم هجری چون به تعداد ترکان افزوده گردید به فکر اقتادنبه دور یکدیگر گردآیند و حتی الامکان از مردم غیر ترك جدا شوند. بدین منظور محله‌هائی در بغداد پایتخت خلافت و سامره برای خود انتخاب کرده در آنجا سکونت اختیار نمودند.

ترکان تازه وارد چون اصولا به مذهب پای بند نبودند بزودی دین اربابان خود را پذیرفتند. زیرا می دانستند که یا باید دین اسلام را بپذیرند و یا دائما با مسلمانان در نبرد و مبارزه باشند. بنابراین برای رفع این محذور و نیز برای حفظ منافع خویش تشخیص دادند بهتر است دین اسلام را بپذیرند و حتی به اندازه‌ای در این کار جلو رفتند که از متعصب ترین مسلمانان مسلمان تر شدند.

جنگهای صلیبی و سپس مبارزه با امپراطوری بیزانس که به دلایلی از بزرگترین جنگهای مذهبی تاریخ بود بوسیله همین مردمانی که تا این زمان به هیچ وجه اعتقادی به دین و آئین نداشتند، تعقیب شد و به نتیجه مثبت رسید.

در فاصله قرن نهم تا دوازدهم میلادی به تعداد ترکان روز به روز افزوده میگردد. خلفای عباسی فتح سرزمین مرتد یونان را به ترکان واگذار کردند و سپس سرزمینهای مفتوحه را به صورت تیول به آنان بخشیدند. با تمام این تفصیل اسلام به تائی و کندی در سرزمین ترکان اصلی پیش میرفت. بازرگانان مسلمان و کاروانهای آسیائی مدت زمانی بود که به شاهراههای باستانی آسیای علیا پی برده بودند ولی تهاجم عرب برای مدتی شاهراههای مزبور را بروی کاروانها مسدود ساخت. اعراب پس از تسلط بر آسیای مرکزی دین اسلام را در سراسر کشورهای این سرزمین با خود آوردند. در سال ۹۵۴

در مرکز ترکستان چین فرمانروای کاشغر به دین اسلام گروید و از همین زمان است که آسیای مرکزی به پذیرفتن دین اسلام آماده شد.

سلاجقه بزرگ

تا اوایل قرن یازدهم میلادی، ترکان فقط بنابعدعوت خلفای عباسی به سرزمین اعراب می آمدند ولی در حدود سال ۱۰۰۰ میلادی امپراطوری عرب بواسطه بیداری ایرانیان و تشکیل حکومت‌های خودمختار ایرانی در شرق، امپراطوری دولت خلفای اسلامی روبه ضعف و انحطاط گذاشت و در این حالت بود که ترکان برای اولین بار به عنوان فاتح از مرزهای امپراطوری اسلام گذشتند.

در قرن دهم طوایف اغوز^۱ بر اثر فشار همسایگان شمالی و شرقی به دودسته تقسیم شدند. مهمترین آنها از رود ولگا و جنوب روسیه و بلغارستان و ترانس و مقدونیه گذشتند و سرانجام در یونان قتل عام شدند. دسته دیگر به جانب سرزمین‌های مسلمان سرازیر گردیدند و به محض استقرار در ترکستان طبقه حاکمه آن دین اسلام را پذیرفته رنگ ایرانی به خود گرفت.

در رأس این دسته شخصی بنام سلجوق قرار داشت که فرزندان او عموماً نام‌های اسلامی داشتند در حدود سال‌های ۱۰۳۴ و ۱۰۳۵ میلادی حکومت کوچکی تشکیل داده شهر مرو را به تصرف خویش درآورد.

در آغاز کار، فرمانروایان آنان قدرت چندانی نداشتند ولی حادثه و اتفاقی رویداد که درس نوشت فرمانروائی اخلاف آنان، سلاجقه، تأثیر به سزائی بخشید. تفصیل آنکه خلیفه عباسی الحکیم^۲ (۱۰۷۵-۱۰۳۱ میلادی) دختر یکی از آنان را به نام طغرل بیک به زناشویی گرفت. همین نزدیکی با خاندان خلافت، آینده درخشانی را برای طغرل که مردی سیاستمدار و مدبر بود پیش بینی نمود. طغرل سلجوقی با استفاده

از نیروی نظامی و ضعف دامادش خود را حامی و نگاهبان او معرفی کرد و بنام اوسراسر ترکستان را به تصرف درآورده تا داخله خاک ایران پیش راند و اصفهان را مرکز حکومت خویش قرار داد. در تعقیب طغرل ترکان به زودی به سوی ایران هجوم آوردند. طغرل بیگ در فاصله سالهای ۱۰۵۵ و ۱۰۶۰ از اختلاف و کشمکش میان خلفای بغداد و مصر (خلفای فاطمی) استفاده کرده بغداد را اشغال نمود و بنام خلفای عباسی حکومت خلافت اسلامی را در دست گرفته خود را پادشاه شرق و غرب نامید.

پس از مرگ او در سال ۱۰۶۳ پسرش الب ارسلان جانشین وی گردید. تمام دوران سلطنت این پادشاه به جنگ با عیسویان و بسط نفوذ اسلام در ارمنستان و نقاط دیگر عیسوی نشین مصر و فسطاط بوده است. در آغاز سلطنت خود با سپاهی عظیم به ارمنستان رفت و بیشتر شهرهای آن سرزمین را مانند انطاکیه و قونیه و سیواس را به تصرف خویش درآورد. در زمان محاصره شهر منتزی کرت^۱ (ملان کرد) در ماه اوت سال ۱۰۷۱ میلادی (۴۶۴ هـ) با سپاهیان روم (بیزانس) به سرداری آرمینیوس دیوجانوس^۲ برخورد کرد. در این جنگ سپاهیان رومی شکست سختی خوردند و خود امپراطور اسیر شد. اسارت امپراطور و ازهم پاشیدگی ارتش، امپراطوری بیزانس را دچار هرج و مرج کرده راه را برای پیشرفت سریع سلجوقیان صاف و هموار نمود. درهای آسیای صغیر به یکباره بر روی اعراب که تا این زمان نتوانسته بودند بطور کامل در این سرزمین نفوذ و تسلط کامل یابند، بوسیله ترکان باز شد و دین اسلام توانست در سراسر آسیای صغیر رائج گردد.

به رهبری سلیمان بن قنلمش، نوۀ عمومی الب ارسلان، ترکان به سرعت در آناتولی پیشرفت کردند و در سال ۱۰۷۷ شهر نیه، در کنار دریای مرمره در منتهی-الیه شبه جزیره را، متصرف شدند. در سال ۱۰۸۱ میشل هفتم امپراطور بیزانس پس از

تردید بسیار حاضر شد معاهده صلحی با ترکان امضاء نماید که طبق آن رضایت داد سلجوقیان مقرر حکومت خود را در شهر نیسه نزدیک پایتخت او قرار دهند. سلاجقه بزرگ ایران که سرگرم جنگهای صلیبی یعنی حمله متقابل اروپائیان بر ضد حملات برق آسای ترکان بودند، ناظر هجومهای دیگر از طوایف ترك از آسیای مرکزی شدند. از این پس تمام مرزهای ایران بروی ترکان مهاجم باز بود و سدی که از قرنهای پیش به وسیله شاهنشاهان ساسانی و سپس اعراب بروی آنان کشیده شده بود، شکست. هیچ قدرتی نمی توانست در برابر طوایف ترك خودنمایی نماید. توده های عظیم ترك به زودی سراسر امپراطوری اسلام را فراگرفت.

علاوه بر ایرانیان و اعراب که شاهد و ناظر هجوم و حشت آور آنان بودند سلاجقه بزرگ نیز پیشرفت سریع اقوام ترك را با فکرائی تلقی میکردند، این خویشاوندان دور که به نظر می آمد از وضع و موقعی که داشتند راضی باشند به آن اکتفاء نکرده پیوسته بر ادعای خود مبنی بر حق اقامت در سرزمینهای مفتوحه و تقسیم غنائم می افزودند.

سلاجقه بزرگ که به جلوگیری از آنان قادر نبودند ضمناً سرگرم گرفتاریهای خود بودند برای رهائی از شر آنان تصمیم گرفتند میهمانان ناخوانده را به جانب آناتولی هدایت نمایند و به همین مناسبت بود که اقوام ترك بزودی موفق شدند سراسر آناتولی را زیر تسلط خویش گرفته با ساکنین اصلی آن آمیخته شوند و با آنان را به جانب مغرب برانند.

زمانیکه امپراطوری سلجوقیان بزرگ ایران رو به انحطاط و زوال میرفت معبری که آسیای مرکزی و خاور نزدیک را به یکدیگر متصل می ساخت شکسته شد و همه جا اقوام ترك با اعراب و ایرانیان مخلوط شدند و با آنان خو گرفته به تمدن و فرهنگشان آشنا گردیدند. ولی در آناتولی ترکان به همان صورت اولیه بدون این که

باساکنین اصلی ممزوج شوند، باقی ماندند و به تدریج موفق شدند بومیان آسیای صغیر را درخود مستهلک ساخته بنای کشور آینده ترك را بر جای بگذارند.

در زمان سلطنت ملکشاه (۱۰۷۲ - ۱۰۹۲ میلادی = ۴۶۵ - ۴۸۵ هـ) سلاجقه بزرگ ایران به اوج قدرت و عظمت رسیدند. چون متصرفات سلاجقه در اواخر سلطنت ملکشاه وسعت بسیار یافت و پادشاه به تنهایی از عهده اداره آن بر نمی آمد حکومت ایالات و ولایات مختلف را به شاهزادگان و امراء و اتابکان سلجوقی واگذار کرد و این امر مقدمه تجزیه متصرفات سلجوقیان گردید.

حکامی که از جانب ملکشاه به این نواحی رفتند بر اثر اختیاراتی که پادشاه به ایشان داده بود، قوت تمام یافتند و در زمان جانشینان ملکشاه به خصوص در زمان فرزندش برکیارق سر به خود سری برداشته باغواء و تحریک خلفای عباسی که از قدرت ملکشاه بیمناک بودند حکومتهای مستقل تشکیل دادند.

با وجود هرج و مرج داخلی و صدماتی که ترکان به امپراطوری اسلام وارد ساختند و با وجود اختلاف بین اقوام سامی و فرمانروایان آسیائی و کمکهایی که دولتهای اروپائی از مغولهای چنگیز خانی گرفتند، معدک مسلمانان توانستند به پشتیبانی و یاری اتابکان زنکی و ایوبی در برابر صلیبیون مقاومت نموده آنان را از سرزمین مقدس بیرون برانند. طغرل آخرین سلطان در سال ۱۱۹۰ میلادی ۵۹۰ هجری درگذشت و مغولها موفق شدند در آغاز قرن سیزدهم امرای خود را در ایران مستقر سازند. در همین قرن ممالیک بردگان ترك خلفای مصر برضد فرمانروایان خود شوریده سلطنت مستقلی در قاهره تشکیل دادند و سوریه را به تصرف درآوردند. با این ترتیب بود که بکار سلاجقه ایران و بین النهرین خاتمه داده شد و اساس فرمانروائی آنان از هم پاشیده گردید. عکس العملهای تمام این تحولات در آسیای صغیر به ظهور رسیده نتایج بس مهمی از آن بوجود آمد.

سلاجقه آناتولی

پس از حمله و پیشروی سریع ترکان ازمنتزی کرت^۱ (ملانگرد) تانیسه تاریخ نظامی سلاجقه را در آسیای صغیر (سلاجقه روم) میتوان به چهار مرحله تقسیم نمود:

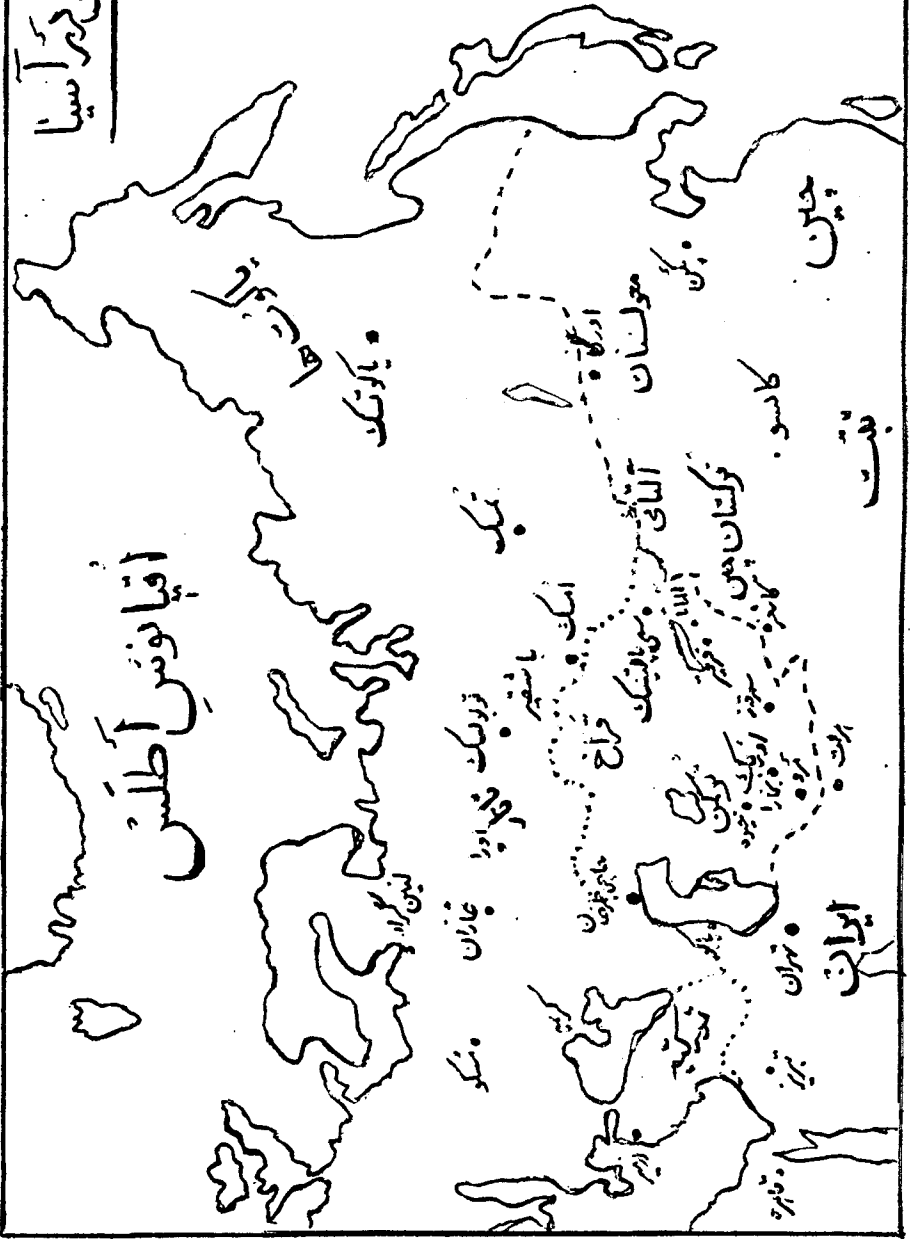
۱- روابط نظامی یا صلحجویانه با یونانیان بیزانس سپس پس از استقرار صلیبیون و تشکیل دولت امپراطوری لاتین در شرق با یونانیان طرابوزان و نیسه (این شهر مدت کوتاهی در دست سلاجقه باقی ماند و بعدها به صورت یکی از سه پایتخت مسیحیون بیزانس شرقی درآمد).

۲- در جنگ بر ضد صلیبیون، زیرا یکی از راههایی که به سرزمین بیت المقدس میرسید آسیای صغیر بود که در اختیار صلیبیون قرار داشت (جنگهای صلیبی در سه مرحله بدین قرار انجام گرفت. اولین جنگ صلیبی در ۱۰۹۷ دومین در سال ۱۱۰۱ و سومی در سال ۱۱۹۰، اتفاق افتاد).

۳- جنگ و مبارزه علیه سلاجقه بزرگ در شرق برای جلوگیری از نفوذ و قدرت آنان و توسعه اراضی و ضمناً برای ممانعت از پیشرفت مغولان.

۴- جنگهای داخلی میان اقوام و طوایف ترك و تشکیل دولت ترك در زیر لوای فرمانروائی سلاجقه آسیای صغیر. تمام این جنگها و مبارزه ها سرانجام بی نتیجه ماند و به محض اینکه صلیبیون به کشورهای خود مراجعت کردند، دولت بیزانس به حال سابق باقی مانده به کار خود ادامه داد. مغولها بالاخره سلاجقه روم را از میان بردند ولی طولی نکشید که عثمانیان به جای سلاجقه روی کار آمده دولت عظیمی ایجاد نمودند. سلیمان بن قتلش قلیج ارسلان (۱۱۰۷ - ۱۰۹۲ میلادی) که سابقاً بوسیله صلیبیون از شهر نیسه رانده شده بود، در قونیه مستقر شد و جنگ را با فرانکها از سر گرفت. سپس کیخسرو اول (۱۱۹۲ - ۱۲۰۳ میلادی) با وئزیها وارد مناسبات و

ترکان در آسیا



اقیانوس اطلس

چین

قزاق

ایران

کازان

مغولان

الائی

سیبک

قزاق

تاجیک

کرمانج

کرد

کشمیر

بلخ

کابل

پاکستان

افغانستان

هند

بنگلہ دیش

میانمار

ویتنام

لاوس

کمبوڈیا

مالزی

اندونیشیا

فیلیپین

برونائی

سنگاپور

روابط بازرگانی گردید و پس از او کیکوس اول (۱۲۱۰ - ۱۲۲۰ میلادی) بندر سینوپ را در کنار دریای سیاه به تصرف درآورده در آنجا حکومتی تشکیل داد . آخرین آنها علاءالدین بود که در سال ۱۲۴۳ میلادی بوسیله مغولها مغلوب گردید . در این تاریخ قلمرو حکومت سلاجقه میان عده ای از امرا و سرداران چنگیز - خانی تقسیم شد و هر يك حکومت مستقلی برای خویش تشکیل دادند .

عمل و نقش عمده و مهم سلاجقه روم این بود که سراسر آسیای صغیر را از نژاد ترك بیوشانند . تركانی که در آناتولی ساکن شدند عموماً چادر نشین و مردمانی جنگجو و به شغل تربیت مواشی و اسب و شتر اشتغال داشتند . اصولاً از مردمان شهر - نشین و کشاورزان متنفر بودند و زندگی اجتماعی آنان به روش قبیله ای اداره میشد و باینکه ظاهراً مسلمان بودند ولی از دین اسلام اطلاعی نداشتند و فقط رؤسای آنان تا اندازه ای به اصول دین و قرآن آشنائی داشتند . اصول دین اقوام مزبور همان عقاید و رسوم بود که در ترکستان مسکن اولیه خود ، اعمال میکردند منتهی با رنگ و صورت دین اسلام که اجباراً بدان تن در داده بودند .

با این تفصیل به سرعت شهرهای ترك نشین یکی پس از دیگری ایجاد میشد و دسته ای از برجستگان و روشنفکران قوم به تدریج خود را از توده ترك برکنار کردند و زندگی غیر از آنچه را که هم نژادان خود داشتند برای خود ایجاد نمودند .

شهرهای ترك آسیای صغیر بزودی به صورت قلاع مستحکم و مرکز عبور و مرور و دادوستد و اجتماع صنعتگران و پیشه‌وران درآمد . فرمانروای هر يك از این شهرها به سبك و روش سلاطین تعدادی از صنعتگران و هنرمندان را به دور خود گرد آورد ، همین عده به تدریج روبه فزونی رفته نقش عمده ای را در اقتصاد و سیاست و مذهب به عهده گرفتند . از این پس امور مالی و بازرگانی روبه توسعه و پیشرفت گذاشت .

در زمان تسلط سلاجقه، آسیای صغیر اهمیت خود را از دست نداد. برای آسیای صغیر عثمانی همین سلطه سبب شد که راه برای عملی شدن مفهوم و اساس سیاست بزرگ ترکان یعنی تشکیل و ایجاد امپراطوری عثمانی صاف و هموار شود.

ترکان در آسیای علیا پس از پذیرفتن دین اسلام

گرویدن ترکان به دین اسلام بطور کلی و قطعی روحیه آنان را تغییر نداد (و اگر هم تغییری در این خصوص پیدا شد بطوریکه از وقایع تاریخی استنباط میشود باید آن را با احتیاط تلقی کرد) به هر صورت باید گفت که این تغییر در مدت کوتاهی انجام نگرفت بلکه پس از پایداری سرسختانه و طولانی و طی قرون متمادی انجام گرفت. تغییر روحیه ترکان در تاریخ جهانی اثرات مهم و به سزائی بخشید. تا زمان گرایش به دین اسلام ترکان خود را در آسیای علیا و واسطه‌ای میان شرق دور و دنیای هند و مدیترانه میدانستند. پس از اینکه به جمع مسلمانان پیوستند يك باره خود را قدرت فوق‌العاده‌ای دیده بزودی ارتباطی را که نیاکانشان با دنیای متمدن بوجود آورده بودند، از میان بردند. بنابراین لازم و ضروری به نظر می‌آمد که امپراطوری مغول چنگیز خان باید بر پایه‌های متینی استوار شود تا بازرگانان و مبلغان مذهبی بتوانند از شاهراه‌های آسیای مرکزی به سراسر جهان آن زمان در رفت و آمد باشند.

سلطه و نفوذ ترکان در حوضه مدیترانه تا اندازه‌ای نقش و نحوه زندگی آنان را در آسیای مرکزی تعدیل کرد. مهاجرت به طرف سرزمینهای مغرب زمین بطور محسوسی از تعداد جمعیت آنان در آسیای مرکزی کاست. بنابراین مغولها که از زیر بار و فشار ترکان رهایی یافته بودند به سرعت اراضی وسیع مغول نشین را که ترکان قریق و قریق اشغال کرده و دیگر مجالی برای اشغال مجدد بوسیله آنان باقی نگذاشته بودند، به تصرف درآوردند و طولی نکشید که با اشغال این اراضی استفاده‌های سرشاری بردند. در قلمرو سابق اشغالی طوایف اوغوز، بزرگترین و مهمترین امپراطوریهای

تاریخ روی زمین بوجود آمد. امپراطوری چنگیز خان ویا اولین امپراطوری مغول سراسر آسیای علیا و تمام کشور وسیع چین و کره و بیرمانی و شمال هندوستان و افغانستان و ایران و بین النهرین و مشرق آسیای صغیر و قسمت اعظم روسیه را بزیر تسلط و نفوذ خود گرفت و ازاین سرزمین هم تجاوز کرده حدود متصرفات را به لهستان و مشرق آلمان و تمام نواحی واقع میان کارپات و آدریاتیک بسط و توسعه داد. امپراطوری مغول که در فاصله سالهای ۱۲۰۶ و ۱۲۴۱ میلادی بوجود آمد سرانجام قربانی بسط توسعه بی حد و حصر خویش گردید. در اواخر قرن سیزدهم میلادی تجزیه آن شروع گردید و با قدمهای سریع به جانب انحطاط و زوال سوق داده شد. در سال ۱۳۵۰ از این امپراطوری عظیم جز دولت ترك که به ادعای جانشینی آن برخاست اثری باقی نماند. تیمور لنگ که اروپائیان به وی تاملان^۱ میگویند در صدد برآمد امپراطوری را تجدید بنا کرده بدان سر و صورتی بدهد.

تیمور که یکی از شاهزادگان ترکستان بود در سال ۱۳۳۶ میلادی متولد شد. از همان آغاز جوانی تصمیم گرفت روش و اعمال چنگیز خان را تقلید نماید. تیمور با خصائل جنگجویی و تمام صفات خوب و بدی که چنین مردانی را بوجود می آورد، قدم به عرصه عمل و رسیدن به هدف و آرزوی خویش نهاد. پلپلیو^۲ درباره او چنین نوشت: «در تاریخ از خود آن چنان خاطره و یادگاری باقی گذاشت که تقریباً میتوان آنرا با چنگیز خان هم تراز و رقیب دانست بخصوص که زمان او از چنگیز خان بهما بسیار نزدیکتر و از حیث وقایع روشن تر و قطعی تر بود».

باین تفصیل تیمور با چنگیز تفاوت بسیار داشت. سفاکتر و بی رحم تر ولی قدرت تفکر و تیزبینی و نبوغ اداره کردن او را نداشت. باینکه خود را مسلمان متعصب نشان میداد ولی در باطن مخرب قدرتهای مادی اسلام گردید. تنها جنگی که در کشور

غیر اسلامی کرد در دهلی بود و گرنه سراسر کشورهای اسلامی را به خاک و خون کشانید. تیمور به سر مشق از محمود غزنوی، ترکی که از آسیای مرکزی برخاسته بود و به عنوان جهاد به شمال هندوستان لشکر کشید، او هم به همین روش در آغاز قرن یازدهم میلادی در راه نشر اسلام دامنه فتوحات خود را به هندوستان کشانید.

سایر جنگهای تیمور در حقیقت برای تخریب قدرت و سلطه اسلام که از قرنهای پیش بنیان آن گذاشته شده بود، انجام گرفت. قبل از هر جا ایران را فتح کرد و آنچه را که از چنگیز خان و اقباب او بر جای مانده بود خراب کرده به باد غارت داد. سپس به جانب امرا و شاهزادگان ترك مسلمان از اقباب چنگیز خان که در سرزمین روسیه حکومت میکردند ناخته يك يك آنان را منکوب و معدوم ساخت و از آنجا به جانب مسکو رفت و در این شهر از هیچگونه خرابی و کشتار مضایقه ننمود (۱۳۷۵). اسلاوها به رهبری امیر بزرگ مسکو دیمتری، موفق شدند پس از رفتن تیمور مجدداً به کار خود سر و صورتی بدهند. تأسیس و ایجاد روسیه مسیحی بوسیله تزار ایوان سوم (۱۵۰۵-۱۴۶۲ میلادی) از نتایج و عکس العملهای هجوم و مداخله تیمور شد. چهارمین پیروزی بزرگ تیمور در آسیای صغیر بود که در جنگ آنکارا اساس امپراطوری عثمانی را متزلزل ساخت.

آخرین فتح تیمور در چین (سرزمین کفار) بود که مقارن مرگش در سال ۱۴۰۵ سراسر آن را به تصرف درآورد.

در مدت صد سال آسیای مرکزی موفق شد قوای خود را تجدید کند و دیگر نگذاشت دستخوش انقلابات و تظاهراتی بشود. که دائماً گریبانگیر آن بود، بابر یکی از اخلاف تیمور رهبر و بانی این نهضت گردید.

بابر آخرین فرد نهضت بزرگ، رهبری نابغه و بلند نظر و حادثه جو و ضمناً شاعر

نیز بود. خاطرات و نوشته‌های او همه حاکی از شخصیت و بزرگی روح او می‌باشد. اشعارش که حتی در ضمن جنگ، سروده است عشق او را به طبیعت نشان می‌دهد. فتوحات و لشکر کشیهای او با اینکه به پای فتوحات و لشکر کشیهای چنگیز خان و تیمور نمی‌رسد ولی دارای مزایا و امتیازاتی است که هیچیک از اخلاف سلجوق تا آن زمان نتوانسته بودند با آنها برابری و رقابت نمایند. با برپس از گذراندن زندگی بسیار پریچ وخم و سراسر مشحون از حوادث برای بنیانگذاری امپراطوری مغول در سال ۱۵۲۶ بدرود حیات گفت.

صنعتی شدن دنیای آن زمان امید تجدید حیات امپراطوری جهانی را از صحرای گردان آسیای مرکزی برای همیشه قطع کرد. زیرا قدرت و توانائی این صحراگردان اصولاً مبتنی بر مقاومت خارق‌العاده جسمانی ناشی از سختی آب و هوای سرزمین اصلی و شرایط زندگی و مزیت آنان در سوار کاری و قدرت تحرک بود. آسیای مرکزی دارای جمعیت کم ولی آنچه را که داشت عموماً جنگجو بودند. همین روحیه جنگجویی باعث شد در وضع و روحیه کشاورزان و یاطبقه دوم (بورژوا) آن سرزمین اثرات خاصی بر جای بگذارد. بعلاوه اسلام وضع زندگی اجتماعی ترکان را بطور محسوسی تغییر داد و مغولان که خود را در بست تحت تأثیر مذهب بودائی لامائیك قرار داده بودند، نتوانستند طبقات مذکور را در راه فعالیت و جنگ سوق دهند.

چینی‌ها و مخصوصاً روسها درست به عکس ترکان و مغولان قدم برداشتند باین معنی که خود را آماده تسلط و فتح آسیای مرکزی کرده در این راه به عمل پرداختند. زمانی که روسها اساس دولت نیرومندی را بنانهادند نهضتی که قسمتی از آن خواه و ناخواه و قسمت دیگر با نقشه عملی گردید، که تعدادی از دسته‌ها از کوههای اورال گذشته وارد سیریه شده تا حدود کرانه‌های اقیانوس کبیر پیش بروند. ایجاد شهر توبولسک در سال ۱۵۸۶ و یاکوتسک در سال ۱۶۴۳ نشانه این پیشروی به طرف

مشرق بود. برهم ریخته شدن اساس حکومت خانات ترك دراروپا که از مدت‌ها پیش آغاز شده بود، در این زمان به صورت قطعی درآمد. در سال ۱۵۵۲ روسها شهر غازان و در سال ۱۵۵۵ شهر حاجی طرخان را در کنار دریای خزر به تصرف درآوردند. عقب نشینی امپراطوری عثمانی در قرون بعد بسیاری از ترکان را زیر سلطه و قیومت تزارهای روسیه درآورد. آخرین حد پیشروی اروپائیان با الحاق تاتارهای کریمه در سال ۱۷۸۳ و مبارزه و جنگ با چرکس‌های قفقازیه به فرماندهی شاهمیل^۱ در فاصله سالهای ۱۸۳۰ و ۱۸۵۹ عملی گردید.

روسها در قرن ۱۹ میلادی موفق شدند مقاومت ترکان را که قسمتی از جنوب سیبری را در اشغال داشتند، درهم شکسته به طرف ترکستان پیشروی نمایند. در منتهی الیه قسمت شمالی ترکستان صحراگردان قرقیز و باقی مانده طوایف مختلفی را که پیوسته مراکز شهرهای اورنبورگ^۲ و یاتمسک^۳ را مورد تهدید قرار میدادند، سرکوب و مطیع کردند (۱۸۴۵).

بیست سال پس از رخنه در ترکستان، روسها شهر تاشکند را اشغال کردند (۱۸۶۵). با اشغال شهر تاشکند شهرهای خجند و سمرقند، دوشهر باستانی و مراکز تمدن مشرق زمین، یکی پس از دیگری به تصرف روسها درآمد. خان بخارا با وجود پایداری سرسختانه و دلیرانه، مجبور شد سر تسلیم فرود آورد. در سال ۱۸۷۲ و ۱۸۷۵ خیمه و خوقند بدست دولت تزاری افتاد. اشغال مرو و سرخس حدود پیشرفت و فتوحات روسها را در این منطقه تکمیل نمود. تنها افغانستان بود که توانست جلو پیشرفت روسها را بگیرد.

در خلال این مدت چینی‌ها سرزمین مغولستان را که ساکنین آن را فقط مغولان تشکیل میدادند، به زیر نفوذ و تبعیت خویش درآوردند (۱۶۹۶) و با درهم

شکستن انقلابات مسلمانان در سال ۱۸۲۸ و بخصوص نهضت یعقوب بیگ که مدت هفت سال سرسختانه می جنگید (۱۸۷۸ - ۱۸۷۱) قدرت و نفوذ خود را بر جای استوار ساختند.

اقوام ترك در اتحاد جماهیر شوروی

انقلاب شوروی در سال ۱۹۱۸ برای تمام دولتهای قدیمی ترك آسیای مرکزی و تمام اقوام صحراگرد و یاشهرنشین که در سراسر منطقه استپ روسیه پراکنده بودند مبدأ تاریخ مهمی بشمار آمد. اساس و اصول سیاست تزاری بر روسی کردن اقلیتها و مستهلك کردن آنها در نژاد روسی قرار گرفت. از این پس طبقات روشنفکر با زبان و خط روسی تکلم کرده و می نوشتند. اسامی خانوادهها هم به همین سر نوشت دچار شد و تمام نامها از زبان اسلاو اقتباس گردیده و به اوف^۱ ختم می شد.

زمانی که کمونیستها اصل ملیت را پذیرفتند سیاست توجدها اصول محلی را مورد نظر قرار دادند و با صرف نظر کردن از اساس سیاست روسی کردن، زبانهای محلی و بومی را تشویق کرده بدانها احترام گذاشتند و به توسعه و پیشرفت فرهنگ عامه پرداخته به تأسیس مدارس و ایجاد روزنامههای متعدد به زبان ترکی اقدام نمودند و چون با فرهنگ اسلامی مخالف بودند الفبای لاتین و سپس الفبای روسی را جانشین الفبای عربی کردند و به جای این که اختلافات زبانی و لهجهای را از میان ببرند و يك زبان ادبی ترك و شرقی بوجود آورند به عکس بادقت هر چه تمامتر در حفظ لهجههای محلی کوشش کردند. و به پیروی از این فکر از ایجاد يك دستگاه ائتلافی ترك و تاتار در اتحاد جماهیر شوروی خودداری نمودند بخصوص که در این زمان مهمترین دستههای ترك، دولت و حکومت مستقلى که عملاً هر زمان میتواند خود را از اتحادیه کشورهای روسیه جدا کند، تشکیل داده بودند.

جمهوری‌های مزبور دارای حکومت محلی و تمدن و فرهنگ مخصوص به خود شدند و با وجود بعضی عقب‌افتادگی‌های اقتصادی و اجتماعی، ترکان آسیای شوروی از بسیاری از امتیازات حقوقی روسها برخوردار و با آنان در این موارد یکسان بودند. ملت‌های پراکنده و یاکم جمعیت اتحاد جماهیر شوروی روسیه مناطق خود مختاری جمهوری کنفدراتیوی تشکیل دادند (R.S.F.S.R) در اتحاد جماهیر شوروی پنج جمهوری با اکثریت ترک (جمهوریهای ترک) وجود دارد:

آذربایجان - ترکمنستان - ازبکستان - کازاخستان - قرقیزستان.
آذربایجان جمهوری ماوراء قفقاز است که پایتخت آن بادکوبه، شهر نفت، درکنار دریای خزر می‌باشد و جمعیت آن در حدود سه میلیون نفر است.
ترکمنستان به وسعت ۵۰۰۰۰۰ کیلومتر از طرف باختر به دریای خزر و ایران و از سمت جنوب به افغانستان و از سوی شمال و شرق به جمهوری کازاخستان محدود بوده و پایتخت آن عشق‌آباد است.

ازبکستان واقع میان افغانستان از جنوب و سایر جمهوریهای شوروی است و تاشکند پایتخت آن می‌باشد.

کازاخستان وسیع‌ترین جمهوری‌های ترک اتحاد جماهیر شوروی با ۲۸۵۲۰۰۰ کیلومتر مربع مساحت می‌باشد. قسمت اعظم آن از سمت مغرب به دریای خزر و دریاچه آرال و از طرف جنوب بسایر جمهوری‌های شوروی و از سوی مغرب به ترکستان چین محدود است. پایتخت آن آلماتا^۱ می‌باشد. جمهوری کازاخستان در حدود هفت میلیون جمعیت دارد.

قرقیز یا قرقیزستان بین کازاخستان و ازبکستان در مرز ترکستان شرقی واقع

است. فرونز^۱ (پیشک قدیم) پایتخت آن است و یک میلیون ونیم جمعیت دارد. جمهوری سوسیالیستی ائتلافی شوروی روس (روسیه) (R.S.F.S.R.) شامل نواحی خود مختار ترك باین قرار است: کریمه (دولت خود مختار کریمه تاتار) اراضی تاتارهای غازان، اراضی چوواک، اراضی باشگیر، جمهوری خودمختار یاکوت (یاکوتها دسته‌های شرقی‌ترین ملت‌های ترك را تشکیل می‌دهند که هیچگاه به مذهب اسلام نگرویدند). در سرزمین‌های سیبری نیز تعدادی از دسته‌های ترك سکونت دارند. در اواخر آخرین جنگ‌ها سه جمهوری خودمختار روسیه از میان رفتند و مردم آن در سراسر کشور جماهیر شوروی پراکنده شدند. جمهوری ترك تاتارهای کریمه یکی از این دسته‌هاست تعیین تعداد سکنه ترك جماهیر شوروی بسیار مشکل می‌باشد، بطوریکه آمار کنونی جمهوری‌های خود مختار نیز تقریبی و نمی‌توان آن را قطعی دانست. پس از جنگ نفوذ و رواج صنعت شوروی در سراسر آن کشور بطور قطع درازد یاد جمعیت جمهوری‌های دور افتاده تأثیر به سزائی کرد و وسیله شد که اوضاع اقتصادی و فرهنگی آن پیشرفت نماید. در جمهوری‌های ترك اتحاد جماهیر شوروی علاوه بر ساکنین ترك که اکثریت را تشکیل می‌دهند، تعدادی هم از روسها اقامت دارند. بنابراین نمی‌توان بطور کامل و روشن معین کرد که از کجا دنیای اسلاو شروع میشود و به کجای دنیای آلتائی خاتمه می‌یابد. این نکته را نیز باید اضافه کرد که جمعیت جمهوری تاجیکستان را نصف ایرانی و نصف ترك تشکیل می‌دهد و ضمناً به نظر نمی‌آید که انقلاب مارکسیست توانسته باشد روحیه و اثرات مسلمانی را از میان ترکان بکلی از بین برده باشد و باینکه دین اسلام تقویت نمی‌شود معذک مشاهده می‌گردد که هنوز این عقیده رواج داشته پیروان زیادی دارد. در میان مردمان آلتائی و یاکوت‌ها^۲ هنوز عقیده بت پرستی ترکان سابق رواج دارد.

سایر ترکان

ترکها در چین در ایالات ترکستان چین (ترکستان شرقی) و قسمتی در کان سو^۱ و کونور^۲ و نواحی غربی تبت سکنی دارند. منطقه سکونت آنان تا نواحی مغولستان در ارتفاعات آلتائی و تارباگاتائی^۳ ادامه دارد.

در ایران اقلیتی از ترکان در آذربایجان ایران (ناحیه تبریز) زندگی میکنند که کاملاً رنگ ایرانی بخود گرفته اند.

در بالکان که در سابق تعداد سکنه ترك بسیار زیاد بود امروز از عدد آنان بسیار کاسته شده است. معارضه اقلیتهای ترك و یونان که پس از جنگ جهانی اول (۱۹۱۸) به عمل آمد سبب شد که تمام ترکان مقیم یونان از کشور خارج شده به کشور ترکیه بروند. در بلغارستان تاسالهای اخیر تعداد زیادی ترك اقامت داشتند (تقریباً ۱/۶ جمعیت بلغارستان). با وجود مراجعت عدد کثیری از آنان به ترکیه اقلیتی از آنان هنوز باقیمانده اند که توانسته اند زبان مادری و فرهنگ و روستائی خود را کماکان حفظ نمایند. در یوگوسلاوی ۲۲ تا ۱۵ درصد از جمعیت آن کشور به دین اسلام معتقدند. تعداد ترکان در صربستان جنوبی و در بوسنی^۴ و در هرزگووین^۵ و در سایر نقاط بسیار زیاد است.

فصل دوم

عثمانیها

امپراطوری عثمانی در نظر تیزبین تاریخ نویس در وهله اول با چهره‌ای که حکایت از اصالت کامل موجودیت خود میکند، نمایان میشود و در این اصالت، مختصات اساسی و عمیق نهفته است. به زبان دیگر میتوان گفت که این امپراطوری نمونه‌ای است یکتا در نوع خود و نمیتوان آن را از دریچه افسانه‌ها و اساطیری که راجع به آل عثمان در اروپا وجود دارد، نگریست یا آنکه قدرت امپراطوری عثمانی را به منزله تسلط زودگذر و ناپایدار امثال اسکندر کبیر و چنگیز خان و ناپلئون، دانست. اگر مقایسه‌ای در این مورد در نظر گرفته شود باید گفته رنه گروسه^۱ را در خصوص اطریش هنگری در آنجا که میگوید: «حکومت بین‌المللی که بریست نژاد مخالف و دشمن بایکدیگر تحمیل شده است» به خاطر آورد. گذشته از این امپراطوری عثمانی از حیث اوضاع و احوال ملل تابعه آن صورتی پیچیده ترا از امپراطوری خاندان هابسبورگ دارد.

با این حال از این امپراطوری نمی‌توان به عنوان موجودیت ملی سخن به میان آورد. به عنوان مثال اگر به تاریخ سلسله کاپسین^۲ در فرانسه مراجعه کنیم می‌بینیم که پادشاهان این سلسله از خاندانی گمنام برخاستند و با قدرت و عظمت کامل بر-

قطعه‌ای از خاک فرانسه حکومت کردند و با سعی بلیغ ملتی واحد بوجود آوردند . ملتی که غایت قصوای آن داشتن زبان و مذهب و آرزوی واحد بود. انقلاب فرانسه که خاندان سلطنتی را از میان برداشت با آنکه خود از جهاتی شکست خورد باز در روحیه ملت فرانسه اثرات عظیمی باقی گذاشت. این انقلاب مربوط به تمام ملت فرانسه بود و از ناحیه خاصی بر نخاست. همچنین حکومت جمهوری و رجعت امپراطوری در آن سرزمین روابط خود را با گذشته فرانسه قطع نکرد . در ظاهر چنین به نظر می‌آید که جمهوری و امپراطوری مجدد فرانسه جمیع پیوستگیهای خود را با تاریخ قدیم آن مملکت گسیخت. ولی در باطن اینطور نبود. بلکه حکومتهای مزبور بهر صورتی که به میان می‌آمد دنباله همان حکومت پادشاهی فرانسه بود. هیچیک از این مواضع و موارد در مورد آل عثمان صدق نمی‌کند. مسلماً این امپراطوری يك امپراطوری ترك، سلسله‌ای از نژاد ترك بود. اما بنای آن با وجود استحکام ظاهری پوششی بود بر عناصر و عوامل مردم اولیه و ابتدائی با مذاهب و زبانها و مختصات نژادی و اخلاق و آداب و عادات مختلف .

کشورها و دولتهائی وجود دارند که مردم آن به جمیع مبانی قوانین و اصول عدالت و قضاوت پای بند هستند و چون بر ملتی دیگر تسلط یابند با وجود تحمیل این قوانین بر ملت مغلوب لا اقل در حفظ وضع صوری دلبستگی و علاقه آنان به عادات و رسوم ملی این قبیل ملل می‌کوشند. قدر مسلم این است که عثمانیان به هیچ وجه با بکار بردن این شیوه در ترضیه خاطر ملل مغلوب حسن نیتی از خود نشان نمی‌دادند .

امپراطوری عثمانی اصول « قرار داد اجتماعی » را نمی‌شناسد و این امپراطوری تنها عاملی است که جمیع عناصر متشکله نامتناسب را به یکدیگر ارتباط میدهد و این عناصر از آن منشعب نمی‌شود بلکه عناصر ناموزون مزبور از

امپراطوری عثمانی انشعاب می‌یابد. از طرف دیگر امپراطوری مزبور سعی در وجود آوردن آرزوها و اختصاصات مردم امپراطوری خود که بتواند فکر «ملیت» را در آن نمو و رشد دهد نمی‌کند. حتی بر خلاف این تصور به هیچ وجه نگران تشکیل ملت واحد ترك یا تمرکز مردم ترك زبان نیست و از زمانی که روبه انحطاط و تنزل گذاشت نژاد و اصل خود را فراموش کرده منکر ملت ترك گردید. هنگامی که بساط امپراطوری عظیم عثمانی بر چیده شد تمام مللی که تحت تابعیت آن دولت بودند از زیر یوغ بندگی بیرون آمدند و به احیاء استقلال خود پرداختند. ترکیه نیز با این پیش آمدها دولتی مثل آنان مبتنی بر اساس مشروطیت و وجود نمایندگان قانونی با معنای تمام عیار اروپائی آن تشکیل داد. این مسئله غیر قابل انکار است که از لحاظ بعضی اختصاصات شباهتی بین امپراطوری اطریش‌هنگری و امپراطوری عثمانی مشاهده میشود. اما برای آنکه این تشابه صورت تکامل به خود گیرد می‌بایست امپراطور اطریش در عین حال پاپ، یعنی پاپ دوران قرون وسطی، که مخالفی در مقابل قدرت و عظمت روحانی او وجود نداشت، نیز باشد. چه فرمانروای عثمانی در حقیقت هم سلطان یعنی امپراطور و هم خلیفه جانشین حضرت محمد (ص) پیامبر عالقدر و مأمور حفظ اسلام بود. این وحدت قوا در ملتی که تعصب شدید مذهبی دارد و معتقد است که عالم روحانی از لحاظ قدرت و اهمیت، بر عالم مادی می‌چربد، باعث شد که از دولت عثمانی دولتی مسلمان بوجود آید. به این ترتیب بود که امپراطوری بزرگ اسلام عثمانی تشکیل شد.

امپراطوری عثمانی که بدینگونه تشکیل گردید، چون بکلی دور از تعصب نژادی نسبت به ملل تابعه خود بود ما را به این فکر می‌آورد که به آن عنوان

«ایالات متحده»^۱ بدھیم. البته به شرط آنکه این عنوان فکر قوانین عمومی ممالک غربی را که به صورتی دیگر توجیه میشود، بیدار ننماید. با در نظر گرفتن وجود ملل مختلف تحت تبعیت امپراطوری عثمانی بلا شك ملت ترك نقش اول را ایفا می کرد. ولی ملل تابعه نیز مقامی شامخ در اجتماع داشتند. از آن جمله مقام روحانیت از آن اعراب و تجارت و امور مالی توسط یونانیها و ارامنه و یهودیان اداره میشد و قسمتی از سپاهیان را مردم آلبانی تشکیل میدادند. وضع زندگی و آداب و رسوم ترکان فاتح با اختصاصات ملل تابعه بدون در نظر گرفتن نژادهای متفاوت تلفیق و تطبیق گردید و آثاری از خود باقی گذاشت. تا موقعی که عثمانی شوکت و عظمت خود را حفظ کرد و سپاهیان آن دولت با فتوحات نمایان روبرو شد و اقتصاد داد و ستد کشور رونق داشت، این تطابق فکری و روحی و اختلاط و امتزاج آداب و رسوم مختلف پا بر جای ماند و تقریباً صلح و صفا در سراسر شبه جزیره بالکان و خاور نزدیک برقرار بود. اما به محض آنکه سلسله آل عثمان رو به ضعف و انحطاط نهاد وضع اجتماعی در «ایالات متحده» که ذکر آن گذشت از هم پاشیده شد و سراسر بالکان و شرق نزدیک را شورش و اغتشاش فرا گرفت و می دانیم که این مناطق، مناطقی حساس و در عین حال خطرناک از جهت صلح عمومی، بود. چه مردم این نواحی اخلاق و خصایص متفاوتی داشتند بویژه که رقابت و دخالت ممالک معظم نیز در آنجا آتش اختلاف را دامن می زد.

چند سالیست بعضی ها مدعی شده اند که امپراطوری عثمانی نه فقط عظمت (که راجع به آن هیچ کس شك و تردید نکرده است) داشت بلکه دارای اهمیت خاصی بوده و عنصر با فایده ای در جامعه انسانی بشمار می رفت. این امر را امروز اهل نظر به خوبی درك کرده اند. به علت آنکه تمایل بشر به اتحاد بین الملل بیش از هر وقت

طرفدار دارد. لوفرض که عثمانیان مرتکب خطایائی شده در قرن نوزدهم در مقابل ایفاء نقش خود در تاریخ قرون جدید صلابت و خشونت یا ضعف و سستی نشان داده باشند، این امر دلیل نمی‌شود که نباید اطراف امپراطوری قدیم قسطنطنیه، امپراطوری جدیدی باشوکت و عظمت تمام بوجود آورند. شاید این پیش‌آمد مربوط به سرنوشت این مدینه فاضله بوده باشد.

قراردادهای متعدد پیش‌بینی شده و به‌مورد اجراء گذاشته مربوط به شبه جزیره بالکان از ۱۹۱۸ به این طرف که ترکیه در آن نقش اولیه را ایفا کرده است به‌ما اجازه میدهد که شاید لازم باشد در اروپای شرقی دولتی سیاسی مشید و مستحکمی بر اساس جغرافیائی آسیای صغیر و بغازهای سفر و داردا نل برقرار گردد. امپراطوری عثمانی امروز وجود ندارد که این نقش را ایفا کند. این امپراطوری کاملاً مربوط به دوران گذشته است. دولت عثمانی در قرن سیزدهم میلاد مسیح نطفه گرفت و در قرن بیستم مضمحل شد. این دولت اکنون جز یک پدیده تاریخی چیز دیگریست که مسیر خود را بطور کامل پیموده و به‌انتهای رسید و تشکیل دایره‌ای طبیعی داده است بدین شکل که نمو گردد و به‌حد رشد رسید و دوران ضعف و اضمحلال را طی کرد و سرانجام رو به زوال رفت.

اصل امپراطوری عثمانی

حیات سیاسی عثمانیان در آناتولی (آسیای صغیر) یعنی در مراکز امپراطوری سلجوقیان روم، پایه‌رسته وجود گذاشت. آنان یکی از شعب متعدد طایفه غزترکستان (غزهائی که در عالم اسلام سلسله سلجوقی را بوجود آوردند) بودند که در سال ۱۲۲۴ تحت رهبری رئیس خود سلیمان شاه زمینهای آبا و اجدادی خویش را ترک گفتند و از حیچون و ایران گذشته و به ارمنستان آمدند و در آنجا مستقر شدند.

این جماعت از همان آغاز ورود به آسیای صغیر تحت تبعیت سلطان سلجوقی

آن سرزمین درآمدند عده‌ای از آنان به ریاست اترگول^۱ سر نوشت نیکوئی داشتند چه به سلطان علاءالدین ایوبی پیوستند و در جنگهایی که آن سلطان کرد، به وی مساعدت مؤثر نمودند و همین امر باعث شد که سرزمینهایی را به عنوان تیول بدست آورند (۱۲۳۱). اترگول و فرزندش عثمان که جنگجویانی کارآزموده و سیاستمدارانی لایق و کافی بودند در نتیجه حسن خدمت به سلطان علاءالدین متدرجاً بر وسعت تیول خویش افزودند. چون در سال ۱۲۸۸ عثمان شهر قراحصار یونانی را تصرف کرد به لقب بیک ملقب گردید و از آن پس سکه بنام خود زد و امیری بنام شد.

حمله مغول در سال ۱۳۰۰ موجب بالا گرفتن کار شاهزاده عثمان گردید. به این ترتیب که سپاهیان چنگیز خان چون سلاجقه آسیای صغیر را از میان برداشتند به تقویت بیکها و حکام محل پرداختند و آنان را تشویق به تشکیل دولتهای کوچک مستقل کردند و با این سیاست کاراداره متصرفات وسیع خویش را که بین چین و مدیترانه قرار داشت، آسان نمودند و به دستیاری حکومتهای مزبور دیگر احتیاجی به فرستادن پادگان در سرزمینهای اشغالی نداشتند. عثمان که از قید رقیب ترکان سلجوقی رهایی یافته بود در عداد حکام محلی که توسط مغول بال و پری به آنها داده شده بود درآمد و بخود نام پادشاه عثمانیها را داد. اگر سلاجقه آسیای صغیر توسط مغول از میان نرفته بودند معلوم نبود سر نوشت دولت عثمانی چمدی شد؟ به محض آنکه لشکریان چنگیز آسیای صغیر را ترك گفتند عثمان دیگر در مقابل خود دولت ترك مستقلی جز دولت خود نیافت. چه در برابر دولت عثمانی جز حکام ضعیف که پیوسته روزگار خود را به جنگ و نزاع و اختلافات خانوادگی میگذرانند، دولت دیگری وجود نداشت و عده کثیری از این قبیل دولتها خود مایه اضمحلال آنان گردید. بلا شك دولت جدیدی را که عثمانیها تشکیل داده بودند، دوام چندانی نمی کرد. اگر موقع مساعد و مناسبی پیش نمی آمد،

به این معنی که پایتخت کوچک آل عثمان «ینی شهر»^۱ بین سرزمینهای اسلامی و یونانی قرار داشت به همین مناسبت ترکان عثمانی به منزله پاسداران اسلام در مقابل عالم مسیحیت شدند. با آنکه موقع جغرافیائی پایتخت عثمانیها به نظر خطرناک می آمد باید آن را مقدمه نخستین موفقیت های عثمانیها در ایجاد امپراطوری خود بشمار آورد.

ترکان از هر طایفه ای که بودند جنگ با رومیان (یونانیان) را سنت باستانی خود میدانستند. چه آنان قانون اسلامی را که جهاد بر ضد کفار را اشاعه میداد از جان و دل پذیرفته بودند و جنگ با رومیان (یونانیان) می بایست از طریق سرزمین عثمانی نشین صورت گیرد. وضع جغرافیائی مزبور به نفع عثمانیان تمام میشد و عثمان بخوبی میدانست چه منافعی از این راه بدست می آورد. وی برخلاف روش حکمرانان دیگر ترك آسیای صغیر که به تقویت امپراطوری می پرداختند به هیچ وجه قوای نظامی خویش را در این طریق ضعیف نکرد و مستقیماً به متصرفات روم شرقی حمله آورد. با این رویه ماجراجویانی که صیت اشتها ثروت امپراطوری روم را شنیده و منتظر فرصت جهت بدست آوردن غنائم جنگی بودند وارد سپاهیان تازه نفس عثمانی شدند و مسلمانان متعصب که میخواستند به جهاد با کفار بپردازند نیز از اطراف و اکناف آسیای صغیر به سلطان عثمانی پیوستند. از آن پس جنگهای آل عثمان آغاز گردید و ضمن این محاربات یونانیان و جمیع مسیحیان متوجه نقش مهمی که سر بازان ترك در راه ایفاء آن بودند، شدند. در سال ۱۳۲۶ میلادی موقعی که عثمان چشم از دنیا پوشید لشکریان وی موفق به تصرف دو شهر بزرگ امپراطوری روم یعنی نیکومدی و^۲ وبروسه^۳ گردیدند. اورخان^۴ تنها حکمرانی بود از آل عثمان که یکی از اسامی ترك را به خود داده بود و با وجود آنکه سلاطین عثمانی جمیعاً مسحور آداب

و سنن اسلامی بودند، این امر به نظر عجیب می آمد. و حال آنکه تمام پادشاهان سلسله مزبور نام عرب داشتند.

در دوران سلطنت این پادشاه بود (۱۳۲۶ - ۱۳۶۰) که امپراطوری عثمانی، چنانکه تاریخ ثبت کرده است و تصویر آن در طول قرون متمادی باقی مانده، به اولین شکل خود درپهنه روزگار متشکل گردید. عثمانیان چون شهر زیبای بورسه واقع در ساحل دریای مرمره نزدیک خلیجی به همان اسم و در مقابل اروپارا، به پایتختی برگزیدند، در آنجا به ایجاد ابنیه فراوان خاصه مساجد دست زدند و از آن پس در تشیید مبانی مذهب اسلام سعی بلیغ کردند و این اقدام در مقابل فرق مختلف و مذاهب متعددی که در قلمرو حکومتی آنان وجود داشت لازم به نظر می آمد. در حوزه متصرفی عثمانیان جمعی به مذهب اعتقاد نداشتند و برخی دیگر آداب و عادات ملی و مذهبی قدیم خود را وارد اساس اسلام کرده بودند و بعضی به طرفداری تصوف که از ایران به آنجا نفوذ کرده بود، برخاستند. از اینها گذشته دو فرقه بسیار معتبر که در تمام دوران تاریخ آل عثمان آثار مهمی از خود به یادگار نهادند، به تدریج نضج می گرفت. این دو فرقه یکی بکتاشیه و دیگری مولویه (دراویش یا به عبارت بهتر دراویش مرقی) نام داشتند. اینان هواداران مولانا جلال الدین رومی صوفی نامدار ایران بودند که در قونیه مسکن داشت.

موضوع جنبش و نهضت مذهبی ترکیه عثمانی به موازات شکوفا شدن تمدن مربوط به صنایع ظریفه مملو از معنای حقیقی هنر و روح شناسائی فنی، پیش می رفت. اطلاعات فنی آن زمان عثمانی به هیچ وجه قابل مقایسه با ملل دیگر نبود. از طرف دیگر در آن تاریخ مردم سایر ممالک جهت تأسیس نظام خود به طرز متداول در قدیم یعنی جمع آوری سپاهیان چریک، استفاده می کردند. عثمانیان در دوران سلطنت اورخان نظام جدیدی را به وجود آوردند که اساس آن بر ایجاد سپاهیان دائمی و

طبق اصول تازه منطبق می‌شد. این لشکریان را برای جنگ‌های حقیقی آماده می‌ساختند و میتوان گفت که نظام جدید عثمانی عامل بزرگ عظمت و انحطاط ترك بود. این سپاهیان را ینی چری می‌گفتند یعنی قشون جدید. چون قوای ترك به رفاه و آسایش خو گرفته و ایلات و عشایر نیز با تمدن و اصول فنی نظام عثمانی آشنا نشده بودند اورخان برای آنکه جانب آنان را مراعات کند، در جمع آوری سپاهیان جدید راه خاصی را درپیش گرفت که موجب توفیق او گردید. به این معنی که فرزندان مردم مسیحی را می‌ربود و آنان را با سنت و آئین اسلام تربیت می‌کرد و از وجود آنان در نظام استفاده می‌شد. در طول تاریخ عثمانی شاید این تنها کار مهمی بود که عثمانیها برای تحمیل آداب و رسوم ترك بر ملل تابعه اتخاذ نمودند. از قضا این عمل به نفع عثمانی تمام شد. چه افراد سپاه ینی چری به آسانی اصل و نژاد و قومیت خود را فراموش کردند و اسلام آوردند و آئین و آداب ترکی را پذیرفتند و در محاربات با تعصب شدید به پادشاه خویش که موجب انتخاب آنان گردیده بود، از جان و دل خدمت می‌نمودند. دوران سلطنت اورخان و جانشینان وی سلطان مراد اول (۱۳۸۹) معروف به خداوندگار و بایزید اول (۱۴۰۲-۱۳۸۹) دورانی بود که ترکان پیوسته شاهد فتح و ظفر را در آغوش می‌گرفتند. عثمانیها فتح نیسه (قدیمترین شهر مسیحیان که نخستین کلیسا در آنجا بنا شد) و حمله به اروپا را مدیون سلیمان پاشا فرزند رشید اورخان بودند که در حیات پدر خویش بدرود زندگی گفت و فرصت آنکه بر تخت سلطنت جلوس کند نیافت. همچنین تصرف گالیپولی^۱ از افتخارات نظامی سلیمان پاشا بود (۱۳۵۷). اهمیت این فتح فکر تازه‌ای بود که ترکان از آن پیروی کردند. به این معنی که ترکان چون می‌دانستند قسطنطنیه بندری است مستحکم و فتح آن دشوار است موقتاً سودای تصرف بیزانس را از سر دور کردند

وقسطنطنیه را از راه داردانل در معبری طبیعی ولی مشکل تر از معبر بسفر دور زدند و وارد قطعه اروپا شدند. از آن پس عثمانیها به هیچ وجه در صدد تعرض به متصرفات بیزانس بر نیامدند بلکه ب فکر اتحاد با آن دولت افتادند. به همین مناسبت اورخان با ژ پالاولوگ^۱ کنار آمد و با آن دولت بر ضد صربستان متحد شد. سپس به علت آنکه اساس دولت خود را مستحکم و مستحکم دید سیاست عاقلانه پدرش را پشت پا زد و جنگ با امرای مسلمان همسایه کشور خویش را آغاز کرد. تصویر این که تمایل اصلی اورخان و جانشینان بلا فصل او تشکیل دولت ترك^۲ ناطولی بود و میخواستند در توسعه اسلام در سراسر متصرفات خود بکوشند تاحدی به نظر بعید می آید. چه توجه به طرف شرق نشان میدهد که عثمانیها هدف اصلی خود، یعنی استقرار اساس دین اسلام را، در بوته فراموشی گذاشتند. از این عجیب تر آنست که تصور کنیم که پادشاهان نخستین اسلامی فکر دیگری جز تشکیل دولت ملی نداشتند، عثمانیها ممکن بود به این هدف برسند در صورتی که دولت روم شرقی جوان تر و قدرت خلاقه خود را از دست نداده بود یا آنکه این دولت با توسعه دولت عثمانی در مقام مبارزه حقیقی بر می خاست. در جانب مغرب دولتی که یارای مقاومت عثمانی را داشته باشد وجود نداشت. فتوحات کارازی (در دوران سلطنت اورخان)، تسخیر آنقره (آنسیر قدیم) و بالاخره اطاعت و انقیاد کامل امراء آسیای صغیر که در زمان بایزید جامه عمل به خود پوشیده بود حکایتی جز از جاه طلبی بدون حد و حصر شاهزادگان عثمانی در بر نداشت.

تسخیر سراسر اروپا می توانست حس جنگ جوئی این فاتحین را قانع سازد. سر نوشت مردم این سرزمین آن بود که تحت رقیب و اطاعت عثمانیها در آیند. اما اینان می بایست پشت بسرزمینهای اسلامی کنند و اسلام را در نقاط مفتوحه منتشر سازند. بدون آنکه پیوسته نگران پشت سر خود باشند و برای آنکه این آئین را

مقید به آداب و رسوم و رنگ ملی خود نمایند به عقب بازنگردند. در دوره مورد بحث عثمانیها تا حدی قدرت نظامی داشتند که از طرفی بر ضد برادران دینی و هم-نژاد خویش (مردم تمامی امیرنشینان آسیای صغیر که از طوایف غز بودند) جنگیدند و از طرف دیگر به محاربات خود در اروپا ادامه دادند. سلطان مراد اول راه ماریتزا را در پیش گرفت و آندرینوپل را در ایالت تراس در دویست کیلومتری ییزانس، و شهر فیلی پوپولی بلغارستان را تصرف کرد. سپس از ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۳ صوفیه را تحت محاصره شدید در آورد و سرانجام آنجا را متصرف شد و جنگهای خونینی با سیسمان دوبرولگاری و لازار دو صربی و شاهزادگان آلبانی نمود.

در آغاز قرن چهاردهم صربستان دولتی تشکیل داده بود که تصور میشد میتواند از پیشرفت ترکان ممانعت به عمل آورده همان نقشی را ایفا کند که دولت روم شرقی از عهده انجام آن بر نیامده بود. این دولت از ۱۳۳۱ تا ۱۳۳۵ به دست شاهزاده‌ای بنام استفان دوشان^۱ که خود را تزار لقب داده بود، اداره میشد. وی شاهزاده‌ای لایق و باشجاعت و شهامت تمام بود. صربستان در دوران حکومت این شاهزاده بر سراسر شبه جزیره بالکان تسلط داشت. اما بامرگ این حکمران صربستان به دو قسمت منقسم گردید: صربستان شمالی و صربستان جنوبی. دو قسمت مزبور پیوسته در جنگ و نزاع بسر می بردند و اختلافهای داخلی و خانوادگی مانع از اتحاد آنان با یکدیگر میشد. به هر تقدیر برای مقابله با ترکان از بلغارها و آلبانی‌ها تقاضای مساعدت کرد. سه دولت صربستان و بلغارستان و آلبانی دویست هزار سپاهی آماده ساختند و در محل کوسوو^۲ با عثمانیها که سلطان مراد در رأس آنان قرار داشت، روبرو شدند. در جنگی که اتفاق افتاد متحدین از پای درآمدند. مجاربه کوسوو که سلطان مراد در آن به قتل رسید، موجب وحشت و دهشت اروپای غربی گردید.

بازیلوس^۱ که کاملاً توسط سربازان ترك تحت محاصره درآمده بود، سیادت فاتح مسلمان را به گردن نهاد و سلطان بایزید معروف به ایلدرم، جانشین سلطان مراد، توانست باج و خراج سنگینی بر امپراطوری روم شرقی تحمیل کند و آن دولت را وادار نماید که جمعی از سپاهیان خود را تحت اختیار وی قرار دهد تا به جنگ یونانیان رود و قلاع مستحکم آنان را تسخیر کند و برای آنکه دولت مزبور از این امر شانه خالی نکند فرزندان امپراطور بازیلوس را به عنوان گروگان نزد خود آورد. از آن پس امپراطوری عثمانی با عظمت و شکوهی تمام در انظار جلوه گر شد.

فتوحات امپراطوری عثمانی با سرعتی عجیب صورت گرفت. اما پنجاه سال از این مقدمه گذشته بود که عثمانیها جمیع صفات حسنه و شهامت و شجاعت نظامی خود را بر اثر غوطه ور شدن در زندگی سراسر تجمل و آسایش از دست دادند. باج و خراجی که از ملل تابعه می گرفتند به همان اندازه گزاف و سنگین بود که مالیات امپراطوری روم شرقی بر یونانیان. سربازان دیگر در جنگها شجاعت غریزی خود را ابراز نمی کردند و غالباً از مقابله با دشمن شانه خالی می نمودند. قسمت اعظم سپاهیان عثمانی را صربیهها تشکیل میدادند. واضح است با این وصف عثمانیها از غلبه خود بر دشمن اطمینان کامل نداشتند. در محاربه نیکوپولی^۲ دولت عثمانی برای مقابله با شصت هزار نفر سپاهیان صلیبی که از اروپای غربی فرستاده شده بود، ناچار شد دویست هزار نفر به میدان جنگ بیاورد. معهذا ایلدرم بایزید پیشرفتهای نمایان کرد و در جنگ مزبور فاتح شد و به جانب بسنی و ملداوی و استیری راند و آن نواحی را قبضه کرد و وارد خاک آلمان شد. اما کوشش وی در فتح بیزانس به جائی نرسید و به همین مناسبت دستور تهیه قوای تازه نفس جهت حمله مجدد به قسطنطنیه را داد. اما این کار را نتوانست به انجام رساند. به علت آنکه امیر تیمور ترك

دیگر مسلمان ، به آسیای صغیر هجوم آورد و سلطان بایزید ناگزیر به مقابله وی شتافت و در سال ۱۴۰۲ در آنقره از تیمور شکست عظیمی خورد و به اسارت درآمد .
با این شکست تصور میرفت دوران دولت آل عثمان به پایان رسیده است .

تیمور ، بازیلوس اما نوئل دوم امپراطور روم شرقی را به حال خود باقی گذاشت و آسیای صغیر را به قطعاتی چند تقسیم کرد . باین ترتیب با وجود آنکه امیر تیمور که خود را مسلمانی متعصب می دانست ، امپراطوری بیزانس را که عالم مسیحیت نمی توانست در مقابل ترکان به آن کمک نماید ، نجات بخشید .

تجدید بنای امپراطوری

امیر تیمور با آنکه نخستین امپراطوری آل عثمان را پایه‌مال کرد ، اما قدرت توسعه طلبی و خصایص ملی آن را از میان نبرد .

هجوم این سردار ترك به متصرفات عثمانی باعث شد که عثمانیها معایب و نقایصی را که در نتیجه رفاه و آسایش زندگی داشتند تاحدی کنار گذارند . قوم تاتار که به سرکردگی تیمور از آسیای مرکزی به آسیای صغیر آمده بودند با مرگ پادشاه خویش به جانب ایران روی آوردند و دیگر در خاک عثمانی ظاهر نشدند . اما یادگار نیکی از خود باقی نگذاشتند و آثار هجوم آنان به آسیای صغیر خرابی و اختلاف بین فرزندان بایزید بود که بر سر بدست آوردن تاج و تخت بایکدیگر به جنگ و نزاع پرداختند . این دوره هرج و مرج دوره ای است که در تاریخ ترکیه معروف به دوره « فترت » شده است .

در سال ۱۴۱۳ دوازده سال که از مرگ ایلدرم بایزید گذشت یکی از پسران او محمد چلبی توانست زمام امور از هم گسیخته کشور را در دست گیرد . وی دست استعانت به جانب امپراطوری روم شرقی دراز کرد . بازیلوس که می توانست از هرج و مرج ترکان

استفاده کند و همسایه پردر سر خود را از میان بردارد، مرتکب خبط عظیمی شد و با محمد چلبی متحد گردید و این پادشاه با استعانت وی آناتولی را زیر اطاعت و انقیاد خود درآورد و نهضت شبه‌اشتراکی بهر تین^۱ را خواباند (۱۴۱۷ - ۱۴۱۶). سپس قیام یکی از شاهزادگان نزدیک خاندان سلطنت را خنثی نمود و در مقابل حملات و نیزیه‌ها مقاومت کرد. او به تشویق اهل هنر و ادب کوشید و از حیث تعصب در مذهب خود را در انظار به صورت قهرمان آئین اسلام جلوه‌گر ساخت.

جانشین این پادشاه سلطان مراد دوم دوران فتوحات مجدد آل عثمان را آغاز کرد (۱۴۵۱ - ۱۴۲۱). وی به بهانه تنبیه یزانس در مصالحه با امیر تیمور، قسطنطنیه را محاصره کرد اما کاری از پیش نبرد و برای آنکه جبران ناکامی خود را بنماید متوجه شاهزادگان خود مختار آناتولی شد و تیول آنان را تصرف کرد و چندی نگذشت که با موقعیت مناسبی که بدست آورده بود، بازیلوس را وادار به قبول پرداخت باج و خراج، مانند دوران گذشته، نمود و او را مجبور کرد خود را تابع عثمانی اعلام نماید و آنچه را که در دوران فترت حکومت آل عثمان تصرف کرده است بازپس دهد. سپس عازم اروپا شد و بدون تحمل و زحمت، قدرت خود را بر متصرفات عثمانی در آن قطعه پابرجا ساخت و تاپای دیوارهای شهر بلگراد پیش رفت. ژان هونیادی^۲ حکمران ترانسیلوانی، از طبقه اصیل زادگان اروپای غربی، جهت جهاد و جنگهای صلیبی بر ضد دشمن تقاضای مساعدت کرد. بر اثر این تقاضا مجارستانها و آلمانها و شوالیه‌های ممالک غربی برای مقابله با ترکان زیر پرچم وی گرد آمدند. ژان هونیادی با اراده قوی و شوق تمام، به جنگ مسلمانان شتافت و آنان را از خاک والاسی و صربستان راند و سلطان مراد دوم را در محل نیش^۳ از پای درآورد (۱۴۴۳) و با سپاهیان آلبانی تحت ریاست اسکندر بیگ و قوای ویزی که در ایالت اپیر^۴ پیاده شده بودند، ملحق

گردید. سلطان مراد دوم ناگزیر تقاضای مصالحه کرد.

مسلمانان در این دوره سیاست ترکان شرافتمندانه‌تر از سیاست مسیحیان بود. چه هنگامی که سلطان مراد به سپاهیان خویش استراحت داده بود، لادیسلاس پادشاه لهستان که در خفا توسط پاپ تحریک شده بود، عهد خود را زیر پای گذاشت و اصول متارکه جنگ را نادیده گرفت و هجوم خود را به مسلمانان ترك آغاز کرد. وی در رأس سپاهیان صلیب، بلغارستان را محاصره نمود. سلطان مراد با آنکه به علت هرج و مرج و اغتشاش بین‌بنی‌چریها، در زحمت بود عملیات جنگی برق‌آسایی را با نبوغ نظامی بی‌مانند شروع نمود و وارد بالکان شد و مسیحیان را در وارنا^۱ در سال ۱۴۴۴ از پای درآورد و برای دفعه دوم آنان را در محاربه کوسوو درهم شکست.

با این پیش‌آمد فکر جنگهای صلیبی و جهاد بر ضد مسلمانان که تمام نیمه اول قرن پانزدهم مسیحیان را به خود مشغول داشت، به کلی ازمیان رفت و وقتی این فکر در آنان راجع به قسطنطنیه بیدار شد دیگر کار آنها به جایی نرسید. در سال ۱۴۴۸ بایلو سزان هشتم پادشاه بیزانس مرد و کنستانتین یازدهم بجای او بر مسند امپراطوری تکیه زد. ولی قادر به مقاومت با ترکان و دفاع از شهر قسطنطنیه نبود. افتخار فتح این شهر که به جای رم ثانی محسوب میشد و گشودن آن را از هفت قرن قبل از آن تاریخ مسلمانان آرزو میکردند و سودای آن را در سر می‌پروراندند، نصیب سلطان محمد دوم گردید. این فتح با در نظر گرفتن وضع داخلی امپراطوری روم شرقی چندان عجیب به نظر نمی‌آمد. سلطان محمد مردی فعال و لایق و شجاع و دارای معلومات جدید و تربیت دیده و در آن تاریخ بیست و یک ساله بود. از طرف دیگر پایتخت روم شرقی نه فقط بدون کمک از طرف متحدین امپراطوری مانده بود، بلکه قسمتی از مدافعین آن نیز از جنگ وجدال با ترکان سرپیچی میکردند. در هر صورت شهر توسط عثمانیها

تحت محاصره در آمد و عاقبت رخنه‌ای باز شد و شهر تحت تصرف آنان در آمد. مسئله قابل ملاحظه آنست که مدت سی سال قبل از فتح آن شهر، قسطنطنیه و امپراطوری روم شرقی حالت محترضی را داشت که دست و پا می‌زد و اما در عین حال قدرت مهمی بشمار می‌آمد. قسطنطنیه در ۲۹ مه ۱۴۵۳ پس از مختصر مقاومت بدست سلطان محمد دوم ملقب به فاتح افتاد. سال ۱۴۵۳ آخر قرون وسطی و آغاز قرون جدید را در پیش داشت و با فتح قسطنطنیه چنین به نظر می‌آمد که امپراطوری روم وجود نداشت. از آن پس اروپا به قالب تمدن تاریخ معاصر در آمد.

سلطان محمد فاتح که بر قسطنطنیه تسلط یافت آنجا را به عنوان پایتخت اسلام برگزید. در دوران سلطنت او و جانشینانش از اطراف و اکناف ممالک مشرق‌زمین هنرمندان به آنجا روی آوردند و جاه و جلال و شکوه خیره‌کننده‌ای به آن دادند. توجه این پادشاهان به عظمت و جلال پایتخت خود باعث شد که با وجود از بین رفتن امپراطوری روم امتیاز و افتخار شهر قسطنطنیه زبانه‌ها را باز داشت. ترکان در حفظ ابنیه با شکوه شهر کوشیدند و با آنکه ریزه کاریهای کلیسای سنت صوفی^۱ را که مخالف آئین اسلام بود، از بین برده و روی موزائیکهای آنرا با گچ پوشانیده و آنجا را مبدل به مسجد یا صوفیه کردند، اساس بنا به حال خود باقی ماند. این امر موجب عدم رضایت هنرمندان اروپائی گردید و انعکاس آن نزد مورخین جنجال عجیبی برپا ساخت. نمی‌توان ادعا کرد که از بین بردن ریزه کاریهای سنت صوفی و تحولاتی چند در بنای آن تنها کار ناپسند ترکان باشد، ولی قدر مسلم آنست که آنان در حفظ و حراست گنجینه‌های قیمتی سنت صوفی که نسل‌های گذشته در آنجا گرد آورده بودند، سعی بلیغ بکار بستند. این ادعا با نظری به اسناد معماری آسیای صغیر و شهر استانبول به اثبات میرسد. اعتماد و اطمینانی که دولت

عثمانی با فتح قسطنطنیه در خود احساس کرد همچنین انتشار این خبر بین مردم متصرفات شرقی آن دولت که هنوز نیمه استقلالی داشتند از خواص عمده فتوحات سالهای بعد سلطان محمد دوم بشمار می آید. این سلطان در آسیای صغیر با فتح طرابوزان به دولت داوید کومنن^۱ پادشاه سلسله یونانی آن دیار، پایان بخشید (۱۴۶۴) سپس امیرنشینهای سلجوقی را که مختصر استقلالی داشتند کاملاً تحت نفوذ و انقیاد خویش درآورد. در شبه جزیره بالکان ژان هونیادی بیهوده کوشش داشت که از پیشرفت عثمانی جلوگیری کند. از سال ۱۴۵۴ جنگهایی بین وی و سلطان محمد فاتح در خاک صربستان آغاز گردید که گاهی فتح با این طرف و زمانی پیروزی با آن طرف بود. بلغراد نخست به تصرف ترکان درآمد و سپس بدست هونیادی افتاد. سرانجام این شاهزاده دلیر و جنگجو در سال ۱۴۵۶ مرد. عملیات جنگی وی مسلماً مانع نفوذ سلطان محمد در خاک مجارستان شد. ولی نتوانست این سلطان را از فتح صربستان و بلغارستان و بسنی و هرزگوین و آتن و موره^۲، باز دارد. اسکندر بیک امیر آلبانی نیز مانند هونیادی، در مقابل ترکان به شدت ایستادگی کرد. اما با مرگ وی در سال ۱۴۶۷ سرزمین او ناگزیر سر تسلیم نسبت به سلطان محمد فاتح فرود آورد.

ایتالیا با سپاهیان ونیز و ژنوناپل و رم (مقرپاپ) مدتی با سلطان محمد دوم جنگید و با وجود فتوحات متعدد ونیز و شکست سلطان در اسکوتاری، ترک بزرگ (این لقب را اروپائیان به سلطان محمد فاتح داده بودند) قوای بحری ونیز را درهم شکست و مقابل بندر پهلو گرفت. چون متحدین که پاپ مغز متفکر آن بود، دیگر قدرت مقاومت نداشتند به ناچار در خواست مصالحه کردند.

دولتهای ایتالیا با این مصالحه اسکوتاری و آمازیا مستعمره ژن در ساحل آسیای

صغیر، نگرین^۱ (اوبه)^۲ مستعمره و نیز را ازدست دادند و دولت لهستان ناچار شد از حقوق خود در شبه جزیره کریمه صرف نظر کند و آن ناحیه را به سال ۱۴۷۶ به دولت عثمانی واگذار نماید. با استقرار عثمانیها در شبه جزیره کریمه و تصرف مدخل دانوب دریای سیاه تقریباً به صورت دریاچه ای در دست دولت عثمانی درآمد.

اگر مجموع عملیات نظامی سلطان محمد فاتح را از مدنظر بگذرانیم به این حقیقت برمیخوریم که سربازان عثمانی در غالب مواردی که با سپاهیان منظم اروپائی روبرو می شدند شکست می خوردند و این امر در وهله اول به نظر بعید می آمد. در قرن شانزدهم روش نظامی عثمانیها ملایمتر شد. اما چنین به نظر می رسد که با وجود موفقیت های بزرگ در بالکان و اروپای شرقی، سربازان ترك به ذولت پیشرفت کردند. یکی آنکه اختلاف بین متحدین اروپائی وجود داشت و دیگر آنکه عده آنان چندین برابر لشکریان مسیحیان بود.

سلطان محمد دوم نخستین کسی بود که قوانین ترکیه را بنام «قانون هان» تدوین کرد. قانون هان اساس قوانین قضائی قابل ملاحظه ای بود که در قرن بعد از تاریخ توسط سلطان سلیمان کامل گردید. این مسئله قابل اهمیت است که در مملکت عثمانی که در آن دولتی اسلامی حکمرانی میکرد، از قرن پانزدهم احتیاج به تدوین قوانین پیدا شد که محققاً مأخوذ از کتاب آسمانی قرآن بود. با وجود آنکه قوانین ترکیه برخلاف اصول قرآن مجید نبود، این قوانین در خصوص وضع دولت و سلسله مراتب اعضاء دولت و اساس حیات سیاسی دستورهای لازم و مقتضی داشت.

در سالهای بین پادشاهی محمد دوم و سلیم اول سلطنت بایزید دوم معروف به ولی (مقدس) بصورت دوره ای بی فروغ و تاریک و کدر درآمد. با این حال بایزید دوم (۱۵۱۲ - ۱۴۸۱) در دوران پادشاهی خود، موفقیت هایی جهت عثمانی تحصیل کرد.

(تصرف لپانت^۱، هجوم به خاک آلمان و دشت پو^۲). ولی دربار امپراطوری در نتیجه سوء سیاست بهانه‌هایی بدست این و آن داد که قسمتی از تاریخ عثمانی را تاریک و مرموز کرده است. از آن جمله موضوع ماجراهای جم معروف فرزند محمد دوم و بالنتیجه برادر سلطان بایزید دوم بود. این جم بین اروپائیان به «شاهزاده زیزیم»^۳ شهرت یافته است.

حادثه مهمی برای دنیای ترك عموماً و برای امپراطوری عثمانی خصوصاً در قرن پانزدهم رخ داد که همان تشکیل روسیه جدید بود. این مملکت که از زیر یوغ بندگی مغول رهایی یافته بود، توسط ایوان سوم (معروف به گرد آورنده خاک روسیه) در مسکوی بوجود آمد. امپراطوری روسیه در شمال خاک عثمانی و امپراطوری اتریش دو دشمن خونین و سرسخت عثمانی بودند و وجود آنان علت غائی از میان رفتن قدرت آن دولت بشمار می آمد.

اوج قدرت عثمانی:

در قرن شانزدهم قدرت و عظمت دولت عثمانی به دوره اعتلاء خود رسید و بر تخت سلطنت قسطنطنیه لا اقل دو پادشاه بزرگ جلوس کرد: «سلطان سلیم و سلطان سلیمان ملقب به مقنن».

علاوه بر اوج قدرت دولت عثمانی، نژاد ترك نیز به اوج کمال خود رسید. هیچگاه تا آن تاریخ قومی از اقوام آلتائی به این حد از عظمت و تمدن نرسیده بود. اطراف سلطان را پیوسته برگزیدگان عالم علم و ادب مشرق زمین فرا گرفته بودند و همین امر موجب شکوه و جلال دربار او را فراهم می آورد. معماران و نویسندگان و شعرائی که گرداگرد وی تجمع کرده بودند مجذوب جلوات عظمت او شده و روح هنر و مایه علم و ادب را تا آنجا که روحیه ترك قابل پذیرش آن بود، در دربار قسطنطنیه

به اعلی درجه مقام خود رساندند و قدرت نظامی و اقتصادی به موازات علم و هنری که ترکان در نتیجه جنگهای ایتالیا (۱۵۱۷ - ۱۴۹۴) به آن آشنائی پیدا کرده بودند، پیشرفت کرد. جنگهای فرانسه با خاندان امپراطوری اطریش (هابسبورگ) کار توسعه امپراطوری عثمانی را آسان نمود.

قبل از این دیدیم که دولتهای ایتالیا در بدست آوردن سیادت بحری خود در مدیترانه شرقی پیوسته رقیب سرسخت ترکان بود. از طرف دیگر امپراطوری اطریش در مرکز اروپا، تنها دولتی بود که تشکیلات منظم و مرتب داشت. سیاست فرانسه در آخر قرن پانزدهم و در تمام مدت اوائل قرن شانزدهم موجب شد که همسایگان و رقبای عثمانی توجهی به آن دولت نداشته باشند و همین امر فراغت و آسودگی خیال ترکان را فراهم ساخت و «باب عالی» از جانب دولتهای غربی ایمن گردید و توجه خود را معطوف به طرف مشرق و ممالک مسلمان نشین کرد و از آن پس هدف اسلامی خویش را نصب العین قرار داد. چندی نگذشت یعنی در زمان لوئی سیزدهم و لوئی چهاردهم که سیاست فرانسه با اتحاد عثمانی بر ضد خاندان امپراطوری اطریش، موجبات پیشرفت های سریع دیگری را جهت عثمانیها در تصرف قسمتهائی از خاک اروپا فراهم آورد.

مهمترین حوادث تاریخی که از لحاظ وسعت عمل و اثراتی که در برداشت و تحول عظیم عثمانی را در قرن شانزدهم مشخص کرد، تصرف قسمت اعظم ممالک اسلامی بود. در دوران سلطنت بایزید جنگ بین ممالک مصر و عثمانی آغاز گردید و در ابتدای سلطنت سلطان سلیم اول بر خوردهای نظامی بین عثمانی و اغلب کشورهای مسلمان شروع شد.

محاربات بین مصر و عثمانی چندان طولانی نبود. با وجود اشتغال به جنگهای با ایران و شورشی چریها که چون سلطان سلیم را به سلطنت رسانده بودند تصور

میکردند دست آنها در امور مملکتی باز خواهد ماند و به اسم سلطان حکومت خواهند نمود، پادشاه عثمانی با قوائی عظیم سوریه را اشغال کرد و در محل دالبک^۱ با سپاهیان مماليك تحت فرماندهی کانسوآل گآوری^۲ برابر شد و در جنگی که بین طرفین اتفاق افتاد سلطان پیروز گردید و فلسطین را تحت اطاعت خویش درآورد و قوای مصریها را در راداما^۳ درهم شکست و وارد قاهره شد و سلسله مماليك را منقرض نمود. اما اداره امور داخلی مصر را در دست آنان باقی گذاشت. مماليك که از بردگان سپید بودند و بر مصر سلطنت میکردند و قسمت اعظم آنان از نژاد ترك بودند، از آن پس این جماعت به اسم باب عالی در دره نیل حکومتی تشکیل دادند که تالشگر کشی ناپلئون به مصر دوام داشت.

شهرهای مقدس اسلام از آن پس سیادت مصر را بر خود شناختند و اطاعت سلطان سلیم را که در جنگ مصر فاتح شده بود، گردن نهادند. باین ترتیب ترکان عثمان حامی اماکن مقدسه اسلام مدینه و مکه و دیگر شهرهای حجاز (عربستان غربی) شدند. سلطان سلیم با این پیشرفت به خود اجازه ازین بردن خلافت عباسی قاهره را که شباهی از آن باقی نمانده بود (چون خلافت عباسیان از هنگامی که مغول آن خاندان را از بغداد برانداخته بودند) داد. باید گفت که بازماندگان خلفای عباسی در مصر مانند سلاح تبلیغاتی روحانی و اخلاقی در دست مماليك، بودند. سلطان سلیم با وضع قانون مخصوص، خویشتن را به جای آنان خلیفه مسلمانان اعلام کرد (۱۵۱۷). این تاریخ اهمیت بسیار دارد، چه آغاز سیادت عمومی سلسله آل عثمان محسوب میشود و از طرف دیگر سنگینی مسؤولیت آن باعث نابودی آن سلسله میگردد.

جنگ بین عثمانی و ایران به سرعت جنگ عثمانی و مصر پیشرفت نکرد.

Kansu Al Gawri - ۲

Dalbek. (وی در جنگ دالبک بقتل رسید)

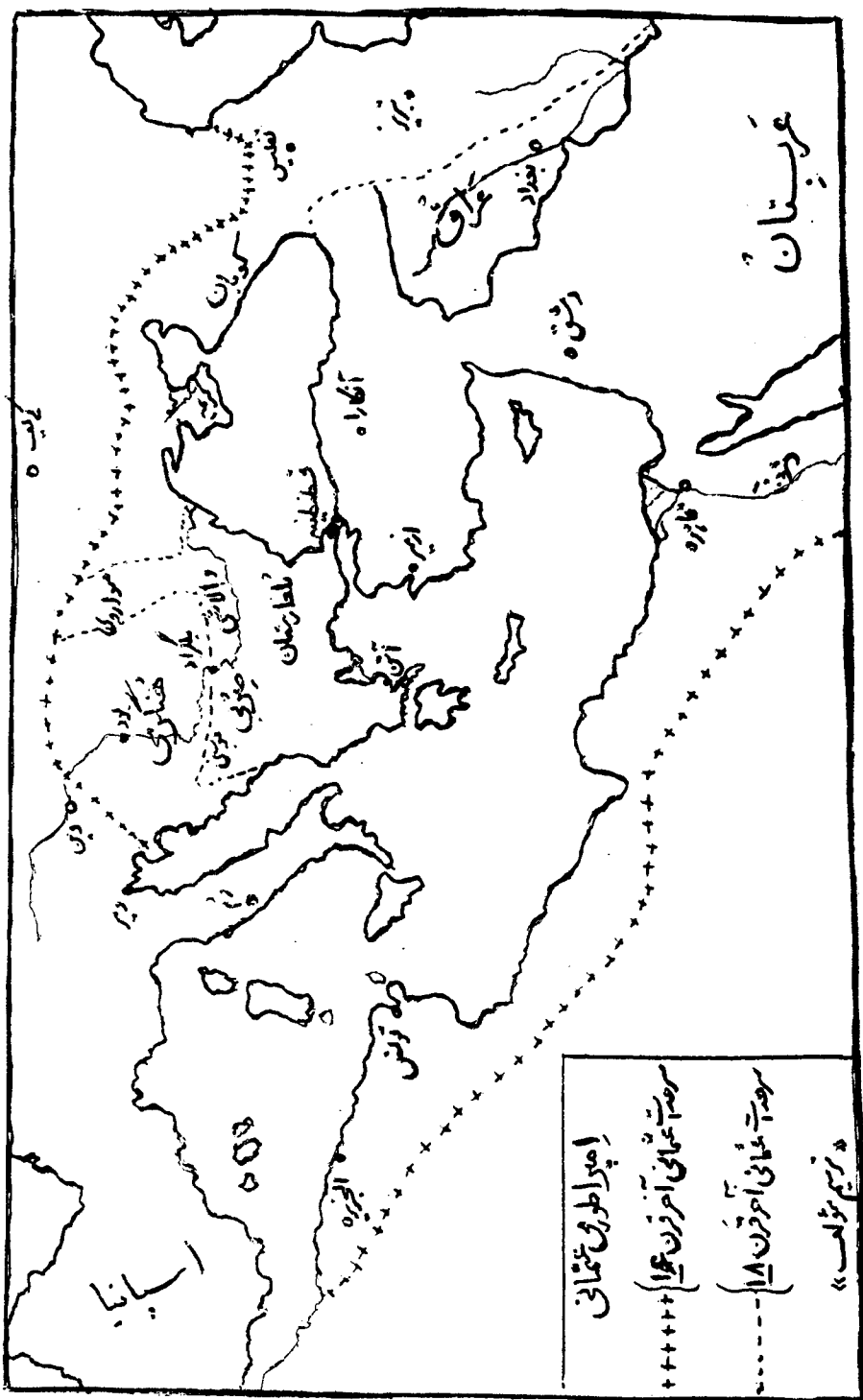
Radama. - ۳

دراستدای امر جمعی از شیعیان مقیم عثمانی بر ضد دولت قیام کردند. اما سلطان سلیم به آسانی به شورش آن خاتمه داد.

شاه اسماعیل اول شاهنشاه ایران که شیعی مذهب بود به مساعدت هم‌مذهبان خود شتافت تا با وجود سرعت عملیات نظامی سلطان سلیم در سرزمین‌هایی که توسط ایرانیان تخلیه و سوزانده میشد و همچنین با وجود فتوحی که در محل چالدران (۱۵۱۴) نصیب وی گردید و مسلماً این فتح ثمرهٔ مزیت نظامی سپاهیان او بود، سلطان عثمانی نتوانست همچنانکه سال قبل از آن تاریخ مصر را تحت اطاعت خود درآورده بود، قدرت خویش را بر ایران تحمیل نماید. تا آستانهٔ آغاز قرون معاصر ایرانیان و ترکان پیوسته برای تسلط بر عراق و آذربایجان بایکدیگر می‌جنگیدند. از آن پس با مقاومت شدید ایرانیان و پیشرفتهایی که نصیب آنان می‌گردید زمینهٔ احساسات ضد ترک در سرزمینهای مجاور عثمانی فراهم آمد. موضوع بسیار ساده و طبیعی بود: ترکان دشمنانی قوی پنجه در همسایگی خویش داشتند. در شمال روسها در مشرق ایرانیان و در مغرب اطریشی‌ها و مجارستانی‌ها.

سلطان سلیمان قانونی که در اروپا معروف به سلطان سلیمان باشکوه و درخشان شده بود در سال ۱۵۲۰ به جای پدرش سلطان سلیم اول بر تخت سلطنت عثمانی جلوس کرد. وی که متحد فرانسوای اول پادشاه فرانسه بود، پادشاهی خویش را با آزادی محکومین سیاسی بنا نهاد و در دوران سلطنت طولانی چهل و شش سالهٔ خود افتخارات فراوانی جهت امپراطوری عثمانی کسب نمود.

در سال ۱۵۲۱ یک سال پس از آنکه سلطان سلیمان قانونی براریکهٔ سلطنت تکیه زد با دولت ونیز حریف قدیمی عثمانی، متحد شد و جنگ علیه مجارستان را آغاز کرد و با محاربات تعرضی، بلگراد را قبضه نمود و در ۱۵۲۲ با دادن تلفاتی



چند، قوای بحری ترك جزیره رودس^۱ را که از مدت‌ها پیش سودای فتح آنجا را در سر می‌پخت، گرفت. در این هنگام بود که فرانسوآی اول پادشاه فرانسه باب روابط را با سلطان سلیمان مفتوح ساخت. با این حال به هیچ وجه معاهده‌ای در آن تاریخ بین آنان منعقد نگردید ولی به علت داشتن منافع مشترك هر دو حملات شدید خود را بر ضد خاندان امپراطوری اطیش شروع کردند. در همان موقعی که فرانسوآی اول بندرژن را فتح کرد، سلطان سلیمان نیز لئوی دوم پادشاه مجارستان را در محل موهاکز^۲ واقع در یوگوسلاوی، شکست داد (۱۵۲۶) و بوداپست را گرفت و پایتخت شارل‌کن را در اطیش تحت محاصره درآورد و امپراطور تحت فشار عثمانی ناگزیر با فرانسه صلح کامبره^۳ را در سال ۱۵۲۹ منعقد ساخت.

این خدمت مهمی که عثمانی به فرانسوآی اول کرد موجبات نزدیکی دولتين فرانسه و عثمانی را بیش از پیش به یکدیگر فراهم آورد.

لافورست^۴ سفیری که از جانب فرانسوآی اول به دربار عثمانی فرستاده شده بود به انعقاد قراردادی تجارتي بین فرانسه و عثمانی دست زد و سپس معاهده مربوط به اتحاد آن دو دولت را با یکدیگر به امضاء رساند. معاهده اخیر الذکر همکاری نزدیک فرانسه و عثمانی را از لحاظ قوای نظامی بین سنوات ۱۵۳۶ و ۱۵۴۷ در اروپای مرکزی و دریای مدیترانه باعث گردید. نتیجه این همکاری و اتحاد برای عثمانی فتح تونس (در سال ۱۵۳۴ نخستین اشغال آن سرزمین و سال بعد بازگشت زودگذر شارل‌کن) و گرفتن الجزایر بود. این فتوحات را باید مدیون نبوغ نظامی دریا سالاران ترك خاصه خیرالدین ریش قرمز جسورترین حریف آن‌دره دوریا امیر البحر شارل‌کن درژن و کسیکه نیروی دریائی اسپانیا را از میان برداشت، دانست.

گلوله باران کردن نیس و فتح آن توسط قوای متحد فرانسه و عثمانی در سال ۱۵۴۳ یکی از حوادث مهم این اتحاد محسوب میشود.

قرارداد اقتصادی بین دولتين عثمانی و فرانسه نتایج بسیاری داشت. به موجب آن سلطان سلیمان قانونی، که پادشاهی آزاده و باگذشت بود، انحصار تجارت امپراطوری عثمانی را به فرانسوآی اول واگذار کرد و حمایت شهرها و اماکن مقدس فلسطین را نیز به وی واگذار نمود. قدرت ترکیه در آن تاریخ تا حدی بود که فرانسه نمی‌توانست آن را بی‌مقدار و کم‌اهمیت تصور کند. معاهده مزبور تحت عنوان پیچیده و مبهم حق حاکمیت فرانسه شناخته شد. اما در آن زمان به هیچ وجه به حیثیت عثمانی لطمه‌ای وارد نمی‌آورد. چه وقتی که آن دولت رو به انحطاط نهاد نتایج وخیم این معاهده ظاهر شد و موجبات درد سر عثمانیها را فراهم ساخت. در زمان هانری دوم جانشین فرانسوآی اول به اتحاد فرانسه و عثمانی کمتر توجه شد و علت آن پیش آمدهائی از قبیل فتح نیس و جزیره کرس و تجدید قوای بحری امپراطوری در بندر تولن توسط خیرالدین سابق الذکر بود و این پیش آمدها باعث تشویش خاطر اروپائیان گردید. چه فکر جنگهای صلیبی و جهاد بر ضد مسلمانان هنوز بین آنان قوت داشت و این قبیل افکار کم و بیش تادوران روی کار آمدن لوئی چهاردهم پادشاه فرانسه ادامه پیدا کرد. مصالحه کاتوکامبرزی^۱ در سال ۱۵۵۹ جنگهای اروپائیان را به پایان رساند و همین امر باعث شد که دیگر فرانسه و عثمانی دوشادوش یکدیگر جهت نیل به يك هدف مشخص نجنگند. ولی این نکته را ناگفته نباید گذاشت که اتحاد عثمانی با فرانسه و توسعه متصرفات عثمانیها در دریای مدیترانه

۱ - Cateau - Cambrésis قرارداد میان فیلیپ دوم پادشاه اسپانیا و هانری دوم پادشاه

فرانسه، به موجب این معاهده به جنگهای ایتالیا خاتمه داده شد

فرصت مناسبی به سلطان سلیمان قانونی داد تا بتواند در سال ۱۵۳۳ بغداد را قبضه کند و جنگ با ایران را به سال ۱۵۴۸ شروع نماید.

با آنکه سلطان سلیم دوم معروف به «دائم الخمر» پادشاهی نالایق بود به دولت عثمانی از این راه لطمه‌ای وارد نیامد به علت آنکه سلطان با فطانت و کیاستی که داشت میدانست از عهده اداره امور مملکتی بر نمی‌آید و به همین مناسبت کار حکومت را به وزیر اعظم (نخست‌وزیر) سوکولی که مردی با کفایت بود واگذار کرد.

با این اقدام سلطنت سلطان سلیم دوم به عثمانیها نوید خوشبختی داد و کارهای عمده‌ای صورت گرفت. از آن جمله صلح با مجارستان و مطالعه در باره ترعه‌ای که دریای مدیترانه را با دریای سرخ ارتباط دهد (این مسئله که فقط در قرن نوزدهم به خود جامه عمل پوشید در آن مواقع از مسائل لازم به شمار می‌آمد. چه کشف راه بحری هند از جنوب آفریقا به سال ۱۴۹۷ توسط واسکو دو گاما به اقتصاد مشرق مدیترانه و مصر لطمه شدیدی وارد آورده بود).

تصرف عربستان، فتح قبرس، پیشرفت در دشت شمالی دریای سیاه و تسخیر حاجی طرخان در کنار دریای خزر که دریچه امید تشکیل دولتی عثمانی را بر روی عثمانیها به جای روسها که نتوانسته بودند به چنین اقدامی دست زنند، باز می‌کرد. انهدام قوای بحری ترك در اکتبر ۱۵۷۱ توسط نیروی دریائی متحد حریف یعنی ونیز و اسپانیا و حکومت پاپ در تنگه لیانت به هیچ وجه ارکان امپراطوری عثمانی را متزلزل نکرد و دنیای مسیحیت بدون هیچگونه علت اساسی به آن اهمیت دادند. دلیل متقن بر عدم اعتبار این فتح آن بود که دو سال پس از آن تاریخ دولت ونیز ناگزیر به ترك جنگ عثمانی گردید و سوکولی قوای بحری ترك را از نو بنیان نهاد. با این حال مسلم بود که اولین علامت انحطاط سپاهیان ینی‌چری آشکار میشد، اما هیچکس نمی‌توانست متوجه این امر گردد. عثمانی دوران سلطنت سلطان

سلیم دوم پس از جنگ لپانت ، برمدیترانه مسلط بود و پیوسته نواحی ساحلی ممالک مسیحی نشین را غارت و چپاول میکرد و موجبات تزلزل تجارت اسپانیا و ونیز را فراهم می آورد و سرنوشت « قوای بحری شکست ناپذیر » فیلیپ دوم پادشاه اسپانیا در سال ۱۵۸۸ همان سرنوشت هفده سال قبل از آن تاریخ عثمانیها در تنگه لپانت بود و عواقب وخیم آن طولانی تر .

سوکولی در سال ۱۵۷۹ دست از حکومت برداشت . سلطان مراد سوم (۱۵۹۶) - (۱۵۷۴) و جانشین وی با وجود ضعف و انحطاط داخلی در امپراطوری عثمانی ، بدون وقفه فتوحات خویش را دنبال کردند . اینان در محاربات با ایران شاهد فتح و ظفر را در آغوش گرفتند و به تصرف گرجستان و شیروان و کردستان و شهر بزرگ تبریز نائل آمدند . از طرف دیگر در جنگهای با آلمانها و مجارستانیها توفیق یافتند و آنان را در محل کرات^۱ از پای در آوردند و سرانجام پس از سیزده سال محاربه موفقیت آمیز اروپائیان را ضعیف کردند و آنان را وادار به قبول مصالحه سیتواتوروک^۲ (۱۶۰۶) نمودند . در این تاریخ امپراطوری عثمانی به دوره اعتلاء خود رسید .

شورشهای بزرگی که در اواخر قرن شانزدهم کم و بیش تقریباً در کلیه نقاط امپراطوری بروز کرد ، علائم و آثار انحطاط آن دولت را نشان میداد . ایالات متحده امپراطوری عثمانی وسعت بسیار داشت و در مدت بالنسبه قلیل تشکیل گردیده بود . در مدت دویست سال فرزندان ترکی که اجداد آنان از تیمور شکست خورده بودند امپراطوری عظیمی را بوجود آوردند که متصرفات آن در سه قاره دنیا گسترش داشت ، در موقع عقد مصالحه سیتواتوروک نواحی ذیل را شامل بود :

در آسیا : آناتولی ، ماوراء قفقاز ، سلسله جبال قفقاز ، سوریه ، فلسطین ،

قسمتی از عراق عرب و عربستان .

درافریقا : مصر ، ترابلس ، سیرنائیک ، تونس و الجزایر (لااقل مناطق ساحلی این ممالک) .

در اروپا : شمال قفقازیه ، کوبان ، شبه جزیره کریمه ، اوکرائین جنوبی ، ترانسیلوانی ، بسارابی ، ملداوی ، والاشی (چهار ناحیه اخیر الذکر تحت الحمايه بودند) . قسمت اعظم مجارستان و ممالکی که امروز یوگوسلاوی ، بلغارستان و یونان را تشکیل می دهند .

با شرحی که داده شد معلوم میشود که امپراطوری عثمانی از لحاظ وسعت و درازی سرحدات و اختلاف نژاد و مذهب ، مردم آن ، صورتی مخصوص به خود داشت و هر آن آماده انفجار بود . همانطور که اسپانیا باطلای بی حساب خود ضعیف شد ، عثمانی نیز فدای ثروت و تجملات بیرون از حد خویش گردید . قدر مسلم آنست که تشکیلاتی که این دولت عظیم بوجود آورده بود جز با لیاقت سلاطین و قدرت سپاهیان باقی نمی ماند و از قضا در اوائل قرن هفدهم این دو عامل مهم روبه ضعف و تزلزل نهاده بود . سلاطین عثمانی به عنوان جانشین بلا فصل به پادشاهی نمی رسیدند و شاهزادگان طبقه سوم روی کار می آمدند و مرسوم چنین بود که شاهزاده ای که سالخورده تر از دیگران بود زمام امور را در دست میگرفت و این سلاطین که غالباً معمر بودند بیش از چند سالی دوام نمی کردند و اساساً میل به فرماندهی قواراندا داشتند و این امر خطیر را به امراء و بزرگان سپاه می سپردند و خود در حرم خویش به عیش و عشرت اشتغال می ورزیدند . سپاهیان که قبل از آن تاریخ از بین طبقات برگزیده انتخاب میشدند به تدریج از طبقات پائین و پست که درجات نظامی خود را با پول می خریدند بوجود می آمد و به این ترتیب بی نظمی بین ینی چریها حکمروا گردید و شهادت ذاتی خود را فراموش کردند . افراد ینی چری به زندگی راحت خو گرفته بودند و صاحب

املاک شدند و دست به کسب و تجارت، که به هیچ وجه رابطه‌ای باشغل نظامی آنان نداشت، زدند و سپاهیگری را موروثی نمودند.

این وضع با عوامل دیگر جمع شد و مسئله غامض و پیچیده‌ای را تشکیل داد که باین ترتیب علل انحطاط امپراطوری عثمانی از حد و حساب خارج گردید. در سال ۱۶۱۷ بامرک سلطان احمد اول هرج و مرج در عثمانی به حد کمال رسید و این وضع تا سال ۱۶۲۳ که سلطان مراد چهارم روی کار آمد و به کار مملکت سر و صورتی داد، باقی بود.

جوانی این شاهزاده و خصایص ذاتی وی مایه امید بهبود اوضاع شد لیکن از بخت بد سلطنت این پادشاه لایق و کاردان دوام چندانی نکرد و در بیست و نه سالگی بدون آنکه بتواند به تمام مقاصد و منویات خود جامه عمل بپوشاند، چشم از دنیا پوشید و پس از آن مدت‌ها چون او سلطانی برار بکه پادشاهی تکیه نزد. شکی نیست که در تمام مدت قرن هفدهم ضعف عثمانی با قدرت سلسله وزرائی که آنها را کپر و لومیکفتند جبران گردید. درست است که حکومت این وزراء اعظم نتوانست از ضعف ترکان جلوگیری کند، اما انحطاط را به عقب انداخت و اقتصاد و تجارت بر پایه‌ای استوار مستقر شد.

جانشین سلطان مراد چهارم بنام سلطان ابراهیم اول (۱۶۴۸-۱۶۴۰) دست به يك سلسله جنگهای پيهوده‌ای برضد و نیز وروسها که به جانب جنوب روی آورده بودند، زد و سپس غرق در لذات و تجملات گشت و در مخارج به اسراف روی آورد و کار را به جائی کشاند که وضع مالی دربار نابسامان شد و مخالفت با ینی چریها را که آنها را دولتی در دولت میدانست، آغاز کرد. (جمع سلاطین عثمانی از آن تاریخ به بعد مبارزه با ینی چریها را وجهه سیاست خود قرار دادند و سرانجام یکی از آنان در آغاز

قرن شانزدهم توانست آنان را بجای خویش بنشاند). اما وی در این مبارزه ای که عدم تساوی در آن مشاهده میشد، ناتوان و عاجز ماند و همین امر موجب استعفا و مرگ وی گردید.

سلطنت طولانی سلطان محمد چهارم (۱۶۸۷-۱۶۴۸) مصادف با وزارت اولین وزیر اعظم (کپرولو) موسوم به محمد پاشا کپرولو بود که پسرش احمد پاشا کپرولو دنباله کارهای او را پس از مرگ وی در سال ۱۶۶۱، گرفت. امپراطوری عثمانی آخرین حملات مظفرانه خود را در اروپا مدیون این صدر اعظم بود. در سال ۱۶۶۳ سپاهیان ترك به اطیش حمله کرد و وارد سیلزی شد و در آلمان چنان وحشتی به وجود آورد که اروپا برای آخرین دفعه اتحاد صلیبی را بر ضد آن دولت تشکیل داد. لویی چهاردهم یکی از بهترین اسیلزادگان فرانسه را به مقابله با ترکان فرستاد و سرانجام سپاه صلیبیون مسیح لشکریان کپرولو را در محل سن گوتار^۱ (۱۶۶۴) متوقف ساخت و در سال ۱۶۶۹ عثمانیها آخرین پایگاه و نیز را در جزیره کرت بدست آوردند. وزیر اعظمی که بعد از دومین کپرولو روی کار آمد نالایق بود. قرا مصطفی در رأس سپاهیان عثمانی مدت دو ماه در سال ۱۶۸۳ وین را تحت محاصره در آورد. پایتخت اطیش در مخاطره افتاد و تا آن تاریخ با چنین خطری برای آن شهر از جانب ترکان مواجه نشده بود. قرا مصطفی مسلماً پایتخت را متصرف میشد اگر خبطهایی مرتکب نمی گردید. وین نزدیک بود بدست دشمن افتد که ژان سوبی-یسکی^۲ پادشاه لهستان به موقع فرا رسید و شهر را از تحت محاصره ترکان خارج ساخت و در کاهلنبرگ^۳ آنان را از پای در آورد. سلطان محمد چهارم با این پیش آمد وزیر اعظم را به قتل رسانید. اما این امر از بخت بد از بیداری حس جاه طلبانه اروپائیان جلوگیری نکرد.

انحطاط امپراطوری عثمانی

جنگ کاهلنبرگ در واقع نتیجهٔ اتحاد اطریش و لهستان و ونیز و روسیه بر ضد عثمانی بود که مدت سیزده سال به جنگ و ستیز با آن دولت اشتغال داشتند. دولت فرانسه با وجود آنکه در جنگ دریائی علیه عثمانی وارد شد، سعی کرد از توسعهٔ عملیات نظامی خود بکاهد. شارل دولورن در سال ۱۶۸۶ پس از محاصرهٔ شدید شهر «بود»^۱ را (که به منزله حصار در مقابل عالم اسلام بود) تصرف کرد و ونیزیها درموره پیاده شدند. سلطان محمد چهارم که نا امید شده بود از سلطنت استعفا داد. جانشینان وی نیز کار مهمی از پیش نبردند و با آنکه سلطان مصطفی دوم خود ریاست قوا را در دست گرفت ترکان در پل زنتا در جنوب زگدین از اطریشیها به سختی شکست خوردند و ناگزیر در ۲۶ ژانویه ۱۶۹۹ مصالحهٔ کارلویتز را به امضاء رساندند این مصالحه علامت نخستین عقب نشینی آنان بود. به موجب این معاهده باب عالی هنگری (مجارستان) را به اطریش واگذار کرد (جز ناحیهٔ تمسوار^۲) و ونیزیها موره را متصرف شدند و لهستانیها قسمتی از او کرن و پتر کبیر تزار روسیه بندر آزوف را بدست آوردند. روسها با بدست آوردن این بندر بر دریای سیاه راه یافتند و باینوسیله در متصرفات عثمانی رخنه و آن را به دو قسمت تقسیم کردند.

حکومت آخرین کپرولو بایک سلسله شورشهای داخلی مواجه شد و وزیر اعظم تمام هم خود را در تجدید تشکیلات امپراطوری به مصرف رساند. ولی در سال ۱۷۰۲ مرد و یکسال بعد سلطان مصطفی دوم ناگزیر از سلطنت استعفا داد.

سلطان احمد سوم (۱۷۳۰ - ۱۷۰۳) در نگاهداری صلح با روسیه سعی بلیغ کرد و در صدد برآمد از مساعدت شارل دوازدهم پادشاه سوئد که امید بسیار به کمک وی در جنگ بر ضد روسیه داشت، استفاده نماید. بنابراین در سال ۱۷۰۸ با وی اتحادیه‌ای تشکیل داد. شارل دوازدهم پادشاه سوئد در پلتاوا^۳ از پتر کبیر شکست

خورد و چون قوای پتر کاملا فرسوده شده بود در کنار رودخانه پروت از ترکان شکست خورد و اگر وزیر اعظم برای بدست آوردن مبلغی گزاف از روسیه کوشش نکرده بود روسیه مسلماً ضعیف میشد و این خیانت باعث گردید که پتر کبیر با برگرداندن بندر آزوف به عثمانی از شر ترکان فراغت یابد (۱۷۱۱).

جنگ جدید عثمانی به سال ۱۷۱۸ با طریش به عدم موفقیت آن دولت خاتمه یافت و ناگزیر عثمانیها بلغراد و تمسوار و قسمتی از صربستان را به طریش واگذار کردند. در مشرق با وجود آنکه سلطان در جنگ با ایران موفق شد ولی وی را مانع از استعفا نکرد. به این ترتیب هنگامی که روسیه به تأسیس دولت عظیم خود مشغول بود و در رأس مملکت پادشاهانی چون پتر کبیر والیزابت و کاترین داشت، دولت عثمانی علائم بیماری علاج ناپذیر خود را آشکار می ساخت. باب عالی در فکر گل و چراغانی و نمایش و عیش و عشرت و شکار بود.

این دوره دوره زندگی پر حلاوت و شیرین و با وجود فقدان عظمت و سلیقه و ذوق مملو از ظرافت که ترکان آن را به زبان شعر «لاله دوری» زمان «گلهای لاله» می گفتند، بود.

میل به لذات و خوشی و شادمانی مانع از اینکه گاهگاه زمامداران درصدد تجدید تشکیلات امپراطوری بر آیند، نشد.

سلطان عثمانی بارون دوتوت فرانسوی را برای اصلاحات نظامی استخدام کرد و چاپخانه را به عثمانی آورد. اما جمیع این اقدامات دردها را دوا نمی نمود، چه روحیه مردم سخت پوسیده و غیر قابل انعطاف شده بود و اگر درصدد ابداعاتی در شؤون اجتماعی بر می آمدند ناشیانه از آداب و رسوم مردم اروپای غربی تقلید می کردند و این تقلید منحصر به مسائل بود که کفه مضار آن بر کفه منافع می چربید.

در ترکیه باوصف آنچه گفته شد، قوه خلاقه وجود داشت. در آنجا بوده که برای

اولین باریکی از سفرای مغرب زمین طرز تلقیح واکسن (مایه کوبی) را آموخت. در طول قرن شانزدهم غالب فتوحات ترکان مدیون اسلحه جنگی خاصه توپخانه سنگین بود. اما صد سال پس از آن تاریخ ترکان از ترقیاتی که در سلاحهای جنگی حاصل شده بود، اطلاع نداشتند. مثال عمده ای که جهت اثبات این موضوع در جمیع رسالات مربوط به تاریخ عثمانی ذکر شده این است که وقتی خواستند جهت سهولت رفت و آمد ملاحان در کشتی از طول عمامه آنان بکاهند زیر این بار نرفتند و خود را با زندگی جدید وفق ندادند. باین وصف دوران انحطاط سپاهیان ترك که از نظام جدید بهره ای نداشتند، به تدریج آغاز گردید و با وجود معاهده بلگراد که مانع از پیشرفت روسها و اطریشها گردید دولت عثمانی در سال ۱۷۷۴ ناچار به امضای قرارداد قینارجی^۱ شد. به موجب این قرارداد دولت مزبور استقلال کریمه و بوکاک و کوبان (یعنی دست روسها را در این مناطق ترك نشین باز گذاشتند تا بتوانند به آسانی بر آنجا تسلط یابند) را شناخت و بندر آزوف و کرچ^۲ را به روسیه واگذار کرد و همچنین تقسیم لهستان و حمایت اقلیت اسلاو را توسط تزار روسیه قبول کرد و روسیه از آن پس حق کشتیرانی در دریای سیاه را نیز بدست آورد.

در سال ۱۷۹۲ بر اثر جنگ دیگری بین عثمانی و روسیه، باب عالی با عقد قرارداد یاسی^۳ الحاق کریمه و بسارابی را به روسیه به رسمیت شناخت. در اواخر قرن هجدهم انقلاب کبیر فرانسه که باعث فتوحاتی توسط حکومت جمهوری و امپراطوری ناپلئون گردید، در اروپا وضع جدیدی را پیش آورد که مدت بیست سال دوام داشت. چون طوفان فتوحات فرانسه سپری شد موقعیتی که روسیه در اروپا بدست آورد نتایج قابل ملاحظه ای را بیار آورد. تزار قوای بحری جدیدی در دریای سیاه تهیه کرد و از آن پس سیادت مطلق عثمانی در آن دریا از میان رفت و بر اثر حق حمایت

اسلاوها در خاک عثمانی، روسیه پیوسته به بهانه‌های مختلف در امور داخلی بالکان دخالت میکرد و سیاست روسیه مسلماً در بروز انقلاب صربستان و بلغارستان بی‌اثر نبود.

بیداری حس ملیت در نتیجهٔ بروز انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه و طرح تقسیم امپراطوری عثمانی توسط روسیه و اطریش که در نتیجهٔ جنبش غیر مترقبهٔ ترکان بی‌اثر ماند. لیکن جزء سیاست ممالک معظم باقی ماند و مسئلهٔ قطعی را بوجود آورد که به آن موضوع مسئلهٔ شرق می‌گویند.

مسئلهٔ شرق در قرن نوزدهم

در قرن نوزدهم تر کهایسی بلیغ در اصلاح و تجدید تشکیلات امپراطوری کردند و به آن نام «تنظیمات»^۱ دادند. سلیم سوم که در سال ۱۷۹۸ به سلطنت رسید دست به یک سلسله تحولات عمیق در جمیع شؤون اجتماعی کشور زد. این تحولات کم و بیش جزء سیاست اسلاف وی نیز بود. اما حزب موسوم به «ترکیهٔ قدیم» به شدت هر چه تمام‌تر بانفوذ غرب مخالفت میکرد و همین امر در سال ۱۸۰۷ موجب برکناری سلطان سلیم سوم گردید.

پس از سلطنت کوتاه سلطان مصطفی چهارم، سلطان محمود دوم (۱۸۳۹-۱۸۰۹) روی کار آمد. مدتها بود که ترکیه پادشاهی لایق چون او نداشت. وی که بسیار فعال و روشن فکر بود اقدامات مؤثری در اصلاحات کشور که ترکان به آن «تنظیمات» میگفتند به عمل آورد. قوانین جدیدی را مدوّن ساخت و سفرائی به غالب ممالک خارج فرستاد و با این اقدام خواست سیاست عدم روابط اسلاف خویش را بایگانگان ازمیان ببرد. وی بر سر گذاشتن عمامه را قدغن کرد و بجای آن فینه را معمول نمود و به تشویق روزنامه نگاری پرداخت و برای مسافرت به خارج مملکت گذرنامه را

برقرار کرد و پوشیدن البسه اروپائی و تشکیل مجالس ضیافت و رقص را متداول نمود. چندین فروند کشتی بخار ساخت و در سال ۱۸۲۶ دست به بزرگترین اقدام خویش که همانا مخالفت باینی چریها بود زد. این موضوع یعنی جنگ و مبارزه بین پادشاه و سپاهیان که اسلاف وی از آن پیروز بیرون نیامده بودند، کاری بسیار خطرناک بود. چون توپخانه‌ای به تقلید اروپائیان تعبیه کرده بود به ینی چریها دستور داد وارد آن صنف گردند. اما این جماعت زیر بار این فرمان نرفتند و سلطان آنان را وادار به ورود به قسطنطنیه کرد و جمیع ایشان را به زیر آتش توپخانه قوی و سنگین جدید - التأسيس خود گرفت و به این ترتیب سپاهیان قدیمی ترکیه که قسمت اعظم دنیا را متصرف شده بودند از میان رفت. در تاریخ ترکیه این حادثه را حادثه‌ای «نیک قدم» و «خوش آیند» نام برده‌اند. این مسئله مسلم است که سلطان محمود دوم در امر جدا کردن مذهب از حکومت پیشقدم کمال آتاتورک بود و بلاشک اگر مشکلات داخلی و خارجی وجود نداشت به این مقصود می‌رسید. اما این مشکلات از یک طرف و از طرف دیگر مرگ نابهنگام وی سلطنت را به سلطان عبدالمجید اول (۱۸۶۱ - ۱۸۳۹) سپرد. این پادشاه نیز دنباله اصلاحات سلف خویش را گرفت و توانست به بعضی اقدامات مفید دست زند. از آن جمله بود منع برده فروشی و تأسیس مدارس و تشکیلات اداری ایالات و ولایات و گرفتن حکومت از دست پاشاها و واگذار کردن آن به ولات. با این والیها که برعکس پاشاها، مسئولیت تمام در مقابل حکومت مرکزی داشتند، پیشکارانی فرستاده میشدند تا آنان بتوانند در امور مالی دخالت کنند. اعلام آزادی جمیع مذاهب نیز یکی دیگر از اقدامات سلطان عبدالمجید بود. اما مسئله آزادی مذاهب را نمی‌توان جزء ابداعات این پادشاه بشمار آورد. چه سلاطین عثمانی تا آن تاریخ مردم امپراطوری وسیع خویش را در اجرای مراسم دینی خود مطلق العنان گذاشته بودند. با جمیع اقداماتی که ذکر شد و اصلاحاتی که در نیمه اول قرن نوزدهم در ترکیه به عمل

آمد نتیجه‌ای را که باب عالی انتظار داشت، نداد. چه به موازات تنظیمات و تشکیلات جدید قدرت تجزیه امپراطوری روزافزون میشد و تمام اقوامی که تحت رقیّت عثمانی بودند پیوسته سعی در بدست آوردن استقلال وطن خویش داشتند و ملت ترك نیز با نهضت ترقی و تعالی کشور به سختی مخالفت می‌ورزید و پای‌بند سنن قدیمی خود بود. این مسئله قابل انکار نیست که خطرات خارجی که پیوسته ترکیه را تهدید می‌کرد علمی را بوجود آورد که آن امپراطوری توانست چندین قرن دوام کند. از طرف دیگر سیاست ممالك معظم اروپا راجع به سر نوشت امپراطوری عثمانی با یکدیگر توازن نداشت. در داخله مملکت تمایل ملل تحت سلطه عثمانی در تحصیل استقلال خبط بزرگی محسوب میشد. بطور کلی تجزیه امپراطوری عثمانی را نتیجه بیداری حس ملیت مردم تابع آن کشور می‌دانند. اما نهضت اقلیت مسیحیان بر ضد ظلم و ستم مسلمانان نیز تأثیری فوق‌العاده داشت. حقیقت امر را باید در موضوع دیگر جستجو کرد. به این معنی که اوضاع و احوال نشان می‌دهد که در مقابل شورش یونانیها و صربیه‌های مسیحی، شورشهای مهم و عظیم مسلمانان نیز وجود داشت و در مصر محمد علی پاشا (بزرگترین نهضت تجزیه امپراطوری عثمانی) و در بسنی، پاسوان اوغلو (۱۷۹۷-۱۸۰۷) و در آلبانی علی دوژائینا بر ضد حکومت برخاستند. اولین نهضت مهم بر ضد عثمانی در متصرفات اروپائی آن دولت، نهضت صربستان (۱۸۱۷-۱۸۰۴) بود که توسط قرائرژ و میشل اوبرنویچ^۱ رهبری می‌گردید و سرانجام به استقلال تقریبی صربستان منجر گردید. در این مورد باید متذکر شد که در این نهضت جمیع مردم ترك مقیم آن کشور از دم تیغ شورشیان گذشتند و این امر مقدمه‌ای در نهب و غارت امپراطوری عثمانی در مدت يك قرن توسط مسیحیان بشمار می‌آمد.

استقلال مصر و یونان با یکدیگر بستگی تمام داشت و در اروپا انعکاس عظیمی بخشید. لشکر کشی ناپلئون اول به مصر که موجب جنگ زود گذر بین فرانسه و باب عالی گردید به قدرت ممالیک خاتمه داد. سلطان عثمانی پس از تخلیه مصر توسط امپراطوری فرانسه، سپاهیان تحت فرماندهی یکی از مردم آلبانی بنام محمد علی به آنجا فرستاد و وی پس از چندی عنوان پاشائی یافت. محمد علی پاشا با مهارت تمام بقایای ممالیک را به آسانی از میان برد و انگلیسها را از حوزه حکومت خویش اخراج کرد. سپس قدرت خود را تا شهرهای مقدس عرب و سودان توسعه داد. با مراعات اصل اطاعت از باب عالی به تشکیل سپاهیان منظم و تعبیه قوای عظیم پرداخت و در توسعه اقتصاد مملکت کوشید و غرس درخت توت و کشت نیشکر و پنبه را معمول کرد.

مقارن آن احوال انقلاب و شورش یونان آغاز شد. یونانیان به علت عدم توجه ترکان، دودسته کارآزموده و قوی را تشکیل داده بودند. یکی متشکل از ماجرا-جویان مسلح و دیگری مرکب از جمعی از بازرگانان و ملاحانی که در کشتیهای تجارتی به کار اشتغال داشتند. این دو دسته در سال ۱۸۲۲ با یکدیگر متفق شدند و استقلال یونان را اعلام کردند. این شورشیان بین مردم جمیع ممالک اروپا هوا-خواهانی داشتند: خواه از نویسندگان رومانیک و خواه از مسیحیان. مجامع دوستداران یونان کم و بیش در نقاط مختلف تشکیل گردید و اطلاعات و معلومات نامطلوب زمان باعث شد صاحبان افکار عالی و نویسندگان و شعرای غرب نیز به آنها پیوندند. با این حال اولیای حکومت ممالکی که روشن بین بودند با شورش یونان مخالفت داشتند. ظلم و ستم و بیدادگری ترکان نسبت به مسیحیان (قتل عام کیو)^۱ تبلیغات مؤثری به نفع یونانیان کرد ولی از حیث جور و ستمگری هیچ يك از طرفین

یعنی ترك و یونانی نسبت به یکدیگر دست کم نداشتند .

وجود پایداری شدید یونانیان در مقابل نیروی دریائی محمد علی پاشا ، که به كمك عثمانی شتافته بود ، کاری از پیش نبرد . برای پیشگیری از دخالت روسیه به تنهایی به عنوان حامی مسیحیان (که چنین به نظر می آمد که به نفع روسیه تمام میشود) دولتمین انگلیس و فرانسه نیروی دریائی عظیمی را به مشرق فرستادند تا سلطان عثمانی را وادار به عقد قرار داد نماید . يك حادثه موجب بروز جنگ دریائی ناوارین^۲ [۱۸۲۷] گردید . در این جنگ نیروی دریائی عثمانی به تمامی از میان رفت . تزار روسیه نیکلای اول به باب عالی اعلان جنگ داد و قوای خود را تا قسطنطنیه فرستاد . سلطان محمود که با این پیش آمد دچار رعب و هراس شده بود حاضر به امضای عهد نامه ادرنه گردید . و به موجب آن استقلال یونان و صربستان و ملداوی و والاشی ، ایالات رومانی را به رسمیت شناخت (۱۸۲۹) .

محمد علی پاشا که در نبرد ناوارین قوای بحری خود را اذ دست داده بود از سلطان به عنوان خسارت جنگ تقاضای حکومت سوریه (شامات) و پاشائی آنجا را کرد و در مقابل جواب رد وی در صدد برآمد که به قوه قهریه آنجا را متصرف شود . فرزند او ابراهیم پاشا با قوایی عظیم وارد شامات شد و نیروی عثمانی را در آسیای صغیر در محل قونیه در هم شکست و تا دریای مرمره پیش رفت . سلطان محمود که کار را بدین منوال دید از روسیه طلب مساعدت کرد و آن دولت قوای خود را به تنگه بسفر فرستاد . محمد علی پاشا صلاح خود را در این دید که با آنچه که بدست آورده است بسازد و به موجب معاهده اوئکیار اسکاسی^۲ در سال ۱۸۳۳ سلطان عثمانی حکومت شامات را به وی واگذار کرد ولی خود تحت الحمايه روسیه قرار گرفت .

در سال ۱۸۳۹ سلطان عثمانی به تحریک انگلیسها که نمی توانستند نفوذ روسیه را بر قسطنطنیه و تسلط فرانسه را بر مصر تحمل کنند به جنگ با محمد علی پاشا قیام کرد و این بار شکست عثمانی از پاشای مصر شدیدتر بود. علی الخصوص که با هر گ که سلطان محمود دریا سالار نیروی دریائی عثمانی به خدمت محمد علی پاشا درآمد و به این ترتیب چنین به نظر می آمد که امپراطوری مصر جای امپراطوری عثمانی را می گیرد. اروپا در نتیجه این پیش آمد دچار دهشت شد. فرانسه که چند سال قبل از آن تاریخ حکمران ترک الجزایر را از آن سرزمین رانده بود و منافع مهمی در مصر داشت، جانب محمد علی پاشا را گرفت. به همین مناسبت ممالک معظم اروپا بر ضد فرانسه و مصر متحد شدند. آشفتگی داخلی در اوضاع هویدا گردید.

افکار عمومی فرانسویان با محمد علی پاشا موافق بود. اما محمد علی پاشا که میل نداشت در حوادث و ماجراها دخالت داشته باشد در نوامبر ۱۸۴۰ به اطلاع دولتهای اروپائی رساند که دست از سوریه بر میدارد و به همان موروثی بودن پاشائی در خاندان خود در مصر اکتفا میکند. انگلیسها اغتنام فرصت کردند و تسلط ترکان را بر بغازهای سفر و داردائل اعلام نمودند و همین امر موجب الغاء امتیازاتی گردید که روسیه با قرارداد اونکیار اسکلسی بدست آورده بود و از آن پس اصل تمامیت ارضی عثمانی به اثبات رسید. کنگره پاریس در سال ۱۸۵۶ به جنگهای کریمه پایان بخشید (اتحاد انگلیس و فرانسه و ترکیه) و روسها را از دریای سیاه عقب راند و این اصل را که فرانسه و انگلیس برای حفظ موازنه اروپا به هیچ وجه در صدد تجزیه امپراطوری عثمانی توسط روسها یا احیاناً توسط اطریشها نیستند، به گوش عالمیان رساند.

سلطان عبدالعزیز (۱۸۷۶-۱۸۶۱) برای آنکه وحدت عثمانی را استوار سازد «شورای مملکتی» تشکیل داد که مسیحیان نیز در آن راه یافتند و در این موقع چنین

اعلام کرد. «میخواهم به اطلاع جمیع مردم سوریه و بلغارستان و بسنی برسانم که نمایندگان آنان یار و یاور وزراء من خواهند بود.» در آن زمان که اصول ملیت با عقاید مذهبی در مبارزه بود این گفته به نظر مؤثر می آمد. باید گفت که نهضت استقلال طلبی ملل تابعه عثمانی پیوسته شدت می گرفت و در سال ۱۸۵۹ به پشتیبانی ناپلئون سوم که خود دم از فکر ملیت و استقلال ملل میزد، از مجموع ملداوی و والاشی، رومانی تشکیل شد. صربستان توانست عثمانی را وادار به تخلیه بلگراد از قوای خود کند و کورت بنای نهضت را گذاشت. اما به جایی نرسید. پس از شکست فرانسه در سال ۱۸۷۰ روسها سیاست ضد ترکیه خود را از سر گرفتند و موجب شورش و طغیان در شبه جزیره بالکان شدند. این بار ترکیه که بر اثر انقلاب داخلی جوانان ترک توسط آنان اداره میشد به سختی با صربستانی ها در بلگراد جنگیدند. اما روسیه در سال ۱۸۷۷ وارد صحنه سیاست شد و سلطان عثمانی ناگزیر حاضر به امضای معاهده سان استفانو^۱ گردید. این معاهده به تأیید کنفره برلین نیز رسید و از آن پس دیگر فکر حفظ تمامیت ارضی عثمانی از میان رفت و اروپائیان به آن دولت نام «مرد بیمار» را دادند. عثمانی هنوز قسمتی از متصرفات اروپائی خود را در دست داشت. اما تشکیل دولت بلغارستان بزرگ از دانونب تا دریای اژه تسلط باب عالی را در ماوراء ایالت تراس به صورت رؤیا در آورد.

بلاشک کمتر کسی از شخصیت های قرون معاصر شخصیت معمائی سلطان عبدالحمید را که از سال ۱۸۷۶ تا سال ۱۹۰۹ در عثمانی سلطنت کرد، داشت. برای قضاوت این شخصیت باید به وضع بسیار دشوار ترکیه در آخر قرن نوزدهم که در واقع دوران دردناک آن دولت بین عظمت داستانی و نهضت لازم و درعین حال به ثمر نرسیده جوانان ترک بود، نظر افکند. سلطان عبدالحمید زمانی فرمان حکومت مشروطه را صادر می کرد

و خود را آزادیخواه نشان میداد و زمانی دیگر مشروطه را از بین می‌برد و مانند جباران حکومت می‌نمود و مأمورین مخفی را در جمیع شئون مملکتی وارد میکرد. و هر چند میکوشید که موازنه‌ای در طرز حکومت بدست آورد، میسر نمیشد. وی را بربر و وحشی نامیدند و القاب ناروا به او دادند. مثلاً به جای عنوان «خداوندگار بزرگ»^۱ به وی عنوان «خون آشام بزرگ» دادند و به اوسلطان سرخ که غرض پادشاه خونخوار باشد، میگفتند. بطور خلاصه باید گفت که دوران سلطنت وی دوره بیداری تعصب مذهبی و قتل عام بود. از آن جمله بر اثر نهضت ارمنستان در آسیای صغیر در سنوات ۱۸۹۵ - ۱۸۹۴ و ۱۸۹۶ چنان قتل عامی در آن سرزمین به راه انداخت که از آن پس نظیر آن دیده نشده است. در این واقعه دویست و پنجاه هزار نفر از ارمنه کشته شدند.

سلطان عبدالحمید شاید در این قبیل اعمال کاملاً مسؤولیت نداشت. این پادشاه مردی باهوش و باذکاوت و مکار و محیل و فاسد و ناچار بود که با تقاضاهای سیاست داخلی و تحریکات مخفیانه ممالک معظم اروپا و عقاید اسلامی و اصل «قبول تمدن مغرب زمین» کجدار و مریز رفتار کند. ترکان بطور کلی مجبور بودند این مسئله واضح و روشن را که سیاست مسالمت آمیز و آرام آنان در خصوص آزادی ملیت و مذهب ملل تابعه خود ظرف چهار قرن نتیجه‌ای را که می‌خواستند و با کمال سادگی انتظار آن را داشتند، نصیب ایشان نگردید. بنابراین در صدد برآمدند که ملل تابعه را یا مجبور کرده به قبول اسلام در آورند و یا وادار به پذیرفتن آداب و رسوم خود، بنمایند. اینان متوجه نبودند که زمانه جهت اقدام به پیشرفت این دو مقصود مساعد نبود و در آنان را دوا نمی‌کرد. برعکس با بکار بردن این فکر بر هیجان مردم ساکن متصرفات عثمانی، می‌افزودند. یکی از ایرادهائی که به عبدالحمید می‌گرفتند این بود که فقط

در صدد دوام مقام خویش است.

با اینکه امیدی دیگر نداشت معذک درپیش بردن سیاست خود به حد کافی فائل آمد. چه ممالک اروپائی چنین به نظر می آمد که دیگر به فکر مسئله شرق نیستند و جز استقلال یونان که در سال ۱۸۹۶ به رسمیت شناخته شد، امپراطوری عثمانی در مقابل تقاضاهای دول معظم اروپا، سر تسلیم فرود نیاورد. البته بامقتضیات سیاسی و گذشت زمان عثمانی در سال ۱۹۰۸ استقلال بلغارستان را نیز پذیرفت. عبدالحمید پادشاهی کاملاً مذهبی و متعصب و عاری از هر گونه مفاسد اخلاقی بود و در تمام دوران سلطنت خویش در راه توسعه اسلام با وسائل و عوامل عادی و معمولی می کوشید و بر اثر اختلافاتی که دول معظم اروپا بایکدیگر داشتند لاقلاً در حفظ قدرت عثمانی در آسیا سعی کرد. از طرف دیگر به محض آنکه متوجه شد که قدرت حکومت او روبه ضعف نهاده است در تقویت اساس مذهبی (خلافت) از هیچگونه اقدام لازم خودداری ننمود. با آنچه گفته شد معلوم می گردد که سلطان عبدالحمید آنچه را که میتواند جهت مملکت خویش انجام داد و حقیقتاً مساعی خود را در نجات امپراطوری بکار برد، فقط راجع به اصلاحات داخلی کار مهمی نکرد.

انقلاب جوانان ترك در سال ۱۹۰۸، شاید به علت آنکه بیش از سلطان در فکر اصلاحات اجتماعی بود، مؤثر واقع شد و اشاعه آداب و سنن ترك را بین ملل تابعه باجبر و قهر تمام به مورد اجراء گذاشت. چندی از اعلان مشروطیت عثمانی

۱ - بموجب این فرمان کلیه حقوق و امتیازات ملت از قبیل: آزادی شخصی و آزادی عقاید و آزادی مطبوعات و بازرگانی و صنعتی و آزادی آموزش و وحدت در برابر قانون و دادگاهها و اشتغال به مناصب و مشاغل و دادن مالیات و اختیار مال و ملک و غیره تصریح شده بود.

قوه مجریه در دست سلطان و وزیران او بود، سلطان غیر مسئول شناخته شده بود. عزل و نصب وزیران، اعطاء رتبه و نشان و منصب، ضرب سکه، انعقاد معاهده با دولتهای خارجی، اعلان جنگ، پیمان صلح، ریاست نیروی دریائی و زمینی، صدور فرامین برای عملیات نظامی

نگذشته بود که سلطان محمد پنجم بجای عبدالحمید به سلطنت رسید و مقارن آن احوال دولت ایتالیا بدون آنکه نظر خود را راجع به تصرف ترابلس پنهان سازد، به ترکیه اعلان جنگ داد و باوجود آنکه این ایالت دور افتاده باشجاعت تمامی از خود دفاع کرد عثمانی ناگزیر به عقد قرارداد گردید و در سال ۱۹۱۳ ترکان در مقابل اتحادیه یونان و صربستان و بلغارستان واقع شدند و جمیع متصرفات اروپائی خود حتی ادرنه را از دست دادند. چند ماهی پس از آن تاریخ متحدین مزبور برای تقسیم این متصرفات به جان یکدیگر افتادند و عثمانی توانست ادرنه را پس بگیرد. چندی بیش نگذشت که عثمانی در کنار ممالک معظم مرکزی اروپا در جنگهای بین الملل اول دخالت کرد و از آن پس امپراطوری عثمانی خاموش شد و دنیای عرب به دنبال سر نوشت خود رفت و از امپراطوری عثمانی فقط ملت ترك باقی ماند.

عظمت و انحطاط امپراطوری عثمانی

ما تا اینجا سعی کرده ایم بعضی از علل داخلی و مشخص عظمت و مخصوصاً

و احکام شرعی و عرفی، تخفیف یا بخشیدن مجازات مطابق قانون، تشکیل هیئت مقننه و هنگام لزوم انحلال آن بشرط تجدید انتخابات، تعیین رئیس و نواب رئیس مجلس مبعوثان، از وظایف سلطان بود. مسئولیت وزیران نیز در قانون اساسی عثمانی تصریح شده بود و در صورت اختلاف بین قوه مجریه و قوه مقننه و یا رأی عدم اعتماد به هیئت دولت، وزیران مجبور نبودند فوراً استعفا دهند بلکه اختلاف باین قرار حل میشد: قوه مقننه در موضوع مورد اختلاف دوباره گفتگو و بررسی می نمود در صورت تغییر رأی و موافقت با سیاست دولت اختلاف مرتفع میشد اما چنانچه دوباره هیئت مقننه در رأی سابق خود اصرار می ورزید موضوع اختلاف به سلطان احواله میشد و سلطان مختار بود که مطابق میل خود یا هیئت وزیران را تغییر دهد و یا مجلس مبعوثان را منحل کند.

پارلمان امپراطوری عثمانی از دو مجلس تشکیل میشد: مجلس مبعوثان - مجلس اعیان مجلس مبعوثان و اعیان در تمام شئون بایکدیگر برابر بودند ولی فقط مجلس مبعوثان میتوانست وزیری را مورد استیضاح قرار دهد.

(نقل از ترکیه امروز تألیف دکتر عباس نرسی، چاپ تهران ۱۳۲۰، صفحات ۷۸)

بیمد.)

انحطاط امپراطوری عثمانی را بیان نمائیم. اما این عوامل و علل برای تشخیص کامل انحطاط امپراطوری مزبور کافی نبود. برای آنکه ترکیه قربانی حوادث و عوامل عمومی که با آنها بیگانه بود، شد. انهدام این امپراطوری بطور وضوح تشابه نامی با از بین رفتن امپراطوری‌های شرقی، خاصه امپراطوری‌های اسلامی، داشت. مانند امپراطوری هند و امپراطوری ایران و امپراطوری مراکش. در انجام این امر تشابه و تطابق ساده مشاهده نمی‌شود و عقیده نژاد شناسان انگلوساکسون، که نژاد شمالی را به دیگر نژادها مزیت میدهند، در این مورد به هیچ وجه اساس ندارد. اینان میگویند که نژادهای شمالی راجحان چشم‌گیری نسبت به نژادهای مدیترانه‌ای دارند. اما با وجود افضلیت اقتصادی شمالی‌ها که اکنون مخصوص آنان است، این عقیده دلیل علمی ندارد و قابل قبول نیست. از لحاظ مشخصات تاریخی دنیای اسلام حد فاصلی است بین دنیای قدیم [که دنیای مدیترانه‌ای بود] و دنیای جدید. دلایل و براهینی که موجب انحطاط امپراطوری‌های اسلامی شده و سرنوشت آنان را مشخص کرده است به نظر ما دوره محور ذیل می‌گردد:

۱- ممالك اسلامی که کاملاً با الهامات الهی قرآن زندگی میکردند، همواره در معرض مخاطرات فلیح شدن و ازپای افتادگی علمی و فکری بودند. توجه به صرف و نحو و الهیات و تصوف که به تدریج در مردم این چنین ممالك رخنه کرده بود، به آنها میدانی جهت تفکرات دیگر نمی‌داد. این نوع تفکر فقط در خور روزگاری بود که یا فتوحاتی میکرد تا افکار مخالف و معارض تخیلات خود را پایمال سازد و یا آنکه افکار خویش را با تخیلات ملل تابعه تلفیق نماید. نفوذ شدید عقاید مذهبی آنان را مانع از این میشد که دست به افکار جسورانه، علی‌الخصوص افکاری که زمان و مکان و اوضاع و احوال در اختیار آنها نمی‌گذاشت، بزنند. دوران فتوحات

عرب و تأسیس امپراطوری عثمانی دوره‌ای بود که می‌توانست جنبش تفکرات شرقی را توسعه دهد. اما به محض آنکه قدرت آن دوامپراطوری برقرار گردید تعاطی افکار جز در خارج سرحدات آنها نمی‌توانست جامه عمل به خود پیوشد. از طرف دیگر فکر جنگهای صلیبی و جهاد مذهبی نهضت فکری را همانطور که درامپراطوری عرب از بین برد در امپراطوری عثمانی نیز در هم شکست.

۲- ثروت اقتصادی ممالك اسلامی شرقی مدیون موقع جغرافیائی کشورهای اسلامی مدیترانه‌ای که بر سر راه بازرگانی شرق دور قرار داشتند، بود. راه ادویه و ابریشم - سفر و اسکودوگاما و کشف دماغه امیدنیک باعث انحراف ممالك خاور نزدیک به طرف افریقا گردید. یکی دیگر از علل توسعه اقتصادی این قبیل ممالك توجه مردم آن به کشت بعضی از محصولات ممتاز مورد نیاز خارجیان بود. کشف امریکا علاوه بر عدم تعادلی که از حیث قدرت اقتصادی در دنیا بوجود آورد به مردم مغرب زمین اجازه داد که طرز کشت این نوع نباتات را به آن سرزمین انتقال دهند و احتیاج آن به ممالك شرق نزدیک کمتر بشود. در این انحطاط علت بزرگ دیگری نیز مشاهده میشود. به این معنی که در طول تاریخ خود مسحور و پابند قوانین و دستورهای اصیل مذهبی که آنها را از بکار انداختن پول یعنی تأسیس بانک و گرفتن بهره ممانعت میکرد دلیل محکمی بر ضعف اقتصادی این قبیل کشورها به شمار می‌آید و حال آنکه مسیحیان از خیلی قدیم بیم و هراسی از بکار انداختن سرمایه نقدی خود نداشتند. به این همه کار زنجیری که موجب پیدایش متخصصین می‌گردد نیز افزوده میشود. کار زنجیری و به عبارت دیگر صنعت متراکم موجب توسعه انسان شناسی و علم الاجتماع گردید. فکر مردم مسلمان که میگفتند کار صحیح و درست باید انجام داد و قیمت عادلانه منظور داشت مانع از آن شد که به فکر صنعت افتند. شکی نیست که این مردم کارهای دستی مانند قالی بافی و سفال سازی و تهیه ظروف مسی و اسلحه معمول آن زمان مانند

اسلحه و منسوجات داشتند. نام شهرهای معروف به بعضی از محصولات بسته بودمانند اسلحه طلاکوب یا نقره کوب و پارچه های دمشق و غیره ولی صنایع اروپائی که بزودی مورد قبول اروپائیان قرار گرفت و توانستند به برکت آن بر سرمایه خود بیفزایند وقتی به مشرق زمین آمد صنایع دستی را فلج کرد و بالتیجه قسمت اعظم درآمد حکمرایان را از میان برد.

۳- اروپا که در راه اختراع و صنعت گامهای سریع برمی داشت و در توسعه اصول انسانیت و مردم دوستی و توجه به اجتماع سعی و کوشش میکرد و افکار مردم آن قطعه بر خلاف عقاید مذهبی خویش به تحقیقات علمی روی آورده بود، يك باره در صدد تسلط بر دنیا برآمد و این فکر پلید که نتیجه مستقیم جنگهای صلیبی بود، هدف خود را ملل غیر مسیحی قرارداد. در این میان مسلمانان نخستین هدف آنان بودند. به این ترتیب تقریباً جمیع سرزمین های مسکونی مسلمانان آزادی خود را از دست دادند و امپراطوری عثمانی خاموش شد. اما نبوغ جبلی ترکان که از انقلاب ملیت و جنگ استقلال سرچشمه میگرفت وسیله شد که حکومت جمهوری ترکیه را بوجود آورد و این جمهوری توانست ترکیه را از چنگ استعمار اروپائیان رهائی بخشد.

فصل سوم

جمهوری ترکیه

جنگ بزرگ - جنگ ۱۹۱۸-۱۹۱۴ باعث انقراض امپراطوری عثمانی گردید که تحت فشار آلمان وارد جنگ شده و توسط سپاهیان انگلیس در فلسطین و سوریه شکست خورده بود، . باوجود مقاومت شجاعانه ترکان در بغازدارانل که متفقین بیهوده و بدون نتیجه در ماه مارس ۱۹۱۵ به آنجا هجوم آوردند و موجب ابراز شهامت و اشتها زمامدار آینده ترکیه مصطفی کمال شد. همچنین باوجود بروز انقلاب روسیه که آن دولت پای خود را از جبهه قفقازیه در مقابل ترکان کنار کشید و موفقیت های آلنبی^۱ ژنرال انگلیسی در عربستان و ضعف امپراطوری، سلطان را وادار به امضای متارکه جنگ در مودروس^۲ (۳۰ - اکتبر ۱۹۱۸) کرد. به موجب این متارکه تقریباً تمام متصرفات «باب عالی» بدست فاتحین افتاد.

مقاصد فاتحین جنگ که عبارت بود از اعطای استقلال بنام حفظ اساس ملیت به ایالات و ولایات مسکونی توسط ملل غیر ترک از لحاظ قسطنطنیه و آسیای صغیر، پیچیده و مبهم بود. با این حال متفقین پایتخت امپراطوری عثمانی را قبضه کردند و یونانیان در از میر و ایتالیائیها در آدالیا و فرانسویان در آدنا مستقر گردیدند و کردها و ارمنه با شورش و طغیان خواستار تشکیل دولتهائی مستقل بودند و مقارن این گیرودار گفتگو از تأسیس امپراطوری یونان در پونت^۳ که پایتخت آن طرابوزان باشد به میان

آمد و از طرف دیگر قصد بوجود آوردن یونان بزرگ تحت نفوذ انگلیس، داشتند که وسعت آن می‌بایست شامل تمام قسمت‌های غربی آناتولی گردد. از این شدت عمل که محلی در پهنه سیاست جهت ملت ترك باقی نگذاشت، عکس‌العمل پیدایش حس ملیت ظاهر گردید. حس ملیتی که تا آن تاریخ قدرت امپراطوری آن را پوشانده بود. در سال ۱۹۱۹ کمیته ملی در سیواس تشکیل شد و تلگرامی به مضمون ذیل به سلطان که در قسطنطنیه تحت رقیب متفقین بود، فرستاد: «ترکان اجازه نمی‌دهند و هرگز نخواهند داد که استقلال آنان محدود گردد و به هر نحوی که باشد نمی‌گذارند کوچکترین ولایت ترك نشین از سرزمین آنها مجزا شود.» با وجود این تلگرام سلطان عهدنامه «سور»^۱ را که موجب انقراض امپراطوری عثمانی بود امضاء کرد و به موجب آن ترانس به یونان واگذار شد و فلسطین و ماوراء اردن و عراق عرب تحت قیمومت انگلیس و سوریه تحت قیمومت فرانسه قرار گرفت.

جنگ استقلال

مصطفی کمال که اقامت وی در قسطنطنیه موجب جنجال و آشوب میشد حکومتی را که بعد از متار که جنگ توسط سلطان در آنجا تشکیل شده بود وادار به فرستادن او با اختیارات تام به سرپرستی سپاهیان ترك مقیم مرکز و مشرق ایالت آناتولی بوسیله کشتی در ۱۹ مه ۱۹۱۹ به سامسون شد. وی به نظم و ترتیب قوا پرداخت و بلافاصله برضد سلطان قیام کرد. مصطفی از جمیع مشاغل رسمی دولتی خویش دست برداشت و حتی مقام وزارت عظمی را نپذیرفت. دربار سلطان که در وحشت و اضطراب بسر می‌برد و از فعالیت توأم با انقلاب مصطفی کمال می‌ترسید، پیشنهاد خود را راجع به قبول شغل وزارت بارها به وی داد. ولی این سردار زیر بار نرفت و از آن پس مغز متفکر کنگره ملی شد که گاهی در سیواس و زمانی در ارزروم تشکیل می‌گردید.

و از طرف ملت به عنوان رئیس حقیقی حکومت انقلابی انتخاب گردید. وی آنقره را به پایتختی برگزید و بنام سیادت ملت ترک مجلس مبعوثان ترکیه را تشکیل داد. این مجلس یک سلسله قوانین به تصویب رساند و به مصطفی کمال رئیس خود فرماندهی عالی کل قوای ترکیه را اعطاء نمود. از آن پس مصطفی به مثابه دیکتاتوری پر قدرت در مقابل حکومت متزلزل ترکان در قسطنطنیه قدامت کرد. مصطفی کمال که اعتقاد تمام به تأسیس حکومت جمهوری داشت با مهارت فوق العاده مبارزه خود را با دربار آغاز کرد. اما در این مبارزه می بایست احساسات همکاران خود را که طرفدار سلطان بودند، در نظر گیرد و حتی متوجه افکار عمومی که سلطان را خلیفه اسلام نیز می دانستند باشد. بنابراین تحت رهبری خویش مجلس مبعوثان را وادار به صدور فرمانی نمود به مضمون اینکه چون سلطان زندانی متفقین است فرامین وی چه از لحاظ سیاست و چه از لحاظ مذهب ارزشی نخواهد داشت، در عین حال دستور داد از اجراء مراسم احترام نسبت به سلطان خودداری نکنند.

فتوحات مصطفی کمال در جنگ با ارامنه که در ماه مه ۱۹۲۰ استقلال خود را اعلام کرده بودند و منجر به صلح گومرو^۱ گردید و همچنین شکست عظیم یونانیان در محل اینونو^۲ توسط عصمت پاشا که با جنگهای تعرضی به طرف مشرق پیشرفت نموده بودند در ماه ژانویه ۱۹۲۱، به وی اجازه داد که اساس حکومت ملی را در ترکیه بریزد. جنگ ماهرانه این سردار با یونانیان و شکست آنان باعث شد که مبارزه خود را با حکومت امپراطوری آغاز نماید.

پس از شکست اول یونانیان در اینونو، آنان جنگهای تعرضی خود را از سر گرفتند. در ۲۱ مارس ۱۹۲۱ دو باره در محل اینونو توسط عصمت پاشا از پای درآمدند. با این حال یونانیان از پای نشستند و این بار با قوای عظیم استحکامات

ترکان را در ماه اوت مورد حمله قرار دادند و به نزدیکی اسکی رسیدند. قوای ترك در معرض مخاطره افتاد. عده آنان نصف عده دشمن بود و اسلحه کافی نداشتند. بویژه که یونانیان راه آنکارا پایتخت ملیون را در پیش گرفته بودند. مقارن آن احوال روسیه از طریق دریای سیاه آذوقه و مهمات جهت ترکان میفرستاد. زنان ترك این محمولات را به مقصد می‌رساندند. مصطفی کمال بامهارت مخصوص خویش در نبرد ساکاریا حلقه محاصره یونانیان را درهم شکست و دشمن را در بیست و دروز و بیست و دو شب از پای درآورد. یونانیان چون این بدیدند در ۱۳ سپتامبر ۱۹۲۱ عقب نشینی کردند و به این ترتیب ترکیه نجات یافت. انجمن بزرگ ترك، مصطفی کمال را در مقابل این فداکاری به بزرگترین القاب نظامی یعنی «غازی» ملقب ساخت. این لقب جزء القاب قدیمی عثمانی و جز به قهرمانان به کسی دیگر اعطاء نمی‌شد.

اروپا به هیچ وجه نمی‌توانست مصمم به شناختن فتوحات ترکیه شود. خاصه انگلیس که در سرسودای تسلط بر خاور نزدیک را با تشکیل پادشاهی یونان می‌پخت، حاضر به قبول این مسئله نبود. دولت فرانسه اولین دولتی بود که در ۲۰ اکتبر ۱۹۲۱ با عقد «قرارداد آنقره» با حکومت انقلابی ترکیه حاضر به عقب نشینی قوای خود تاسرحد سوریه گردید و مصطفی کمال به این ترتیب توانست قوای متفرق خود را به جبهه جنگ یونان بفرستد. وی که سپاهیان ترك را متشکل کرده بود در ۲۵ اوت سال بعد یونانیان را در محل دوملوپونار^۱ از پای درآورد و به طرف مدیترانه راند. در چهاردهم ماه سپتامبر ۱۹۲۲ آخرین دسته سربازان دشمن که در خاک ترکیه بودند بوسیله کشتی از میر را ترك گفتند و غازی با فتح و ظفر وارد آن بندر شد.

جمهوری

عهد نامه سور^۲ به نظر عهد نامه ای موقت می‌آمد و می‌بایست نسبت

به تجدید نظر آن تصمیم گرفته شود. اروپا تصمیم گرفت برای رسیدگی به مسئله ترکیه در لوزان کنفرانسی تشکیل دهد. مصطفی کمال معتقد بود که فقط حکومت ملی انقلابی ترکیه باید در آن کنفرانس نماینده داشته باشد. در مقابل متفقین که می خواستند در کنفرانس مزبور نمایندگان ملیون و امپراطوری عثمانی را دعوت کنند حکومت آنقره اعلامیه ای صادر کرد که اگر نماینده سلطان در آنجا حضور یابد نمایندگان خود را نخواهد فرستاد. در تعقیب این اعلامیه و محض جوانب احتیاط، در سیام اکتبر ۱۹۲۲ مجلس ملی تشکیل شد و مصطفی کمال در آنجا به اطلاع نمایندگان رساند که تصمیمات متخذه توسط دولت باید مورد قبول آنان قرار گیرد و سپس مراتب ذیل را در مجلس اعلام کرد:

۱- امپراطوری عثمانی که بر اساس حکومت مطلقه است نابود و سرنگون گردیده است.

۲- حکومت حقیقی حکومتی است که پس از نهضت ملی بوجود آمده است.

۳- تنها همین حکومت است که میتواند خود را جانشین امپراطوری عثمانی اعلام کند.

۴- حق حاکمیت به موجب اصول مشروطیت از آن ملت است و امپراطوری و سلطنت عثمانی نقش صفحات تاریخ میشود.

۵- در قسطنطنیه به هیچ وجه حکومت قانونی وجود ندارد و پایتخت قدیمی تحت انقیاد مجلس ملی در می آید.

۶- حکومت ترکیه خلیفه را که در اسارت بیگانگان است رهائی می بخشد. در روز دوازدهم نوامبر محمد ششم آخرین سلطان از آل عثمان که بر جان خود می ترسید به کشتی جنگی بریتانیا پناهنده شد. با این پیش آمد مجلس بزرگ ملی ترکیه بر کناری آن سلطان را اعلام کرد و یکی از شاهزادگان عثمانی را که افکار

آزاد یخواهانه داشت و به وطن پرستی مشهور بود بعنوان خلیفه اسلامی شناخت. به این ترتیب می بینیم که کنفرانس لوزان بدون هیئت نمایندگی امپراطوری عثمانی تشکیل گردید. رئیس هیئت نمایندگان، ترکیه عصمت پاشا در این کنفرانس، همانطور که در جنگ اینونو خود را بزرگترین سردار نشان داده بود، در سیاست نیز مهارت تام و تمام ابراز داشت. کنفرانس لوزان کارهای خود را در ۲۴ ژوئیه ۱۹۲۳ با تمام رساند و استقلال ترکیه را به رسمیت پذیرفت و حق حاکمیت خارجیان را ملغی ساخت و قسمتی از آسیای صغیر را تاسرحدات ایران و شوروی و ایالت ترانس شرقی و قسطنطنیه که نام استانبول بخود گرفته بود، و همچنین ادرنه را به آن دولت واگذار نمود و طبق مفاد قرار داد دیگر مسئله بغازها را به ترتیبی که باید غیر نظامی باشد و مبادله اقلیت ترکیه و یونانی توسط یونان و ترکیه حل شد.

در ششم اکتبر سپاهیان ترك وارد استانبول شدند. از میان رفتن مسئله سلطنت و اصول حکومت ملی همان جمهوری بود که هنوز به آن، این اسم داده نشده بود. در دريست و نهم اکتبر با تصمیم قطعی و سریع که جزء خصایص مصطفی کمال بود و هیچگاه در مقابل مقاصد خویش به دسته مخالف فرصت عمل را نمی داد، جمهوری ترکیه در مجلس بزرگ ملی با سروصدای فراوان اعلام گردید و يك سلسله قوانین مربوط به حکومت مشروطه که اساس قوانین مشروطه دولت ترکیه را تشکیل داد به تصویب نمایندگان مجلس بزرگ ملی رسید و مصطفی کمال به عنوان رئیس جمهوری برگزیده شد.

الغاء خلافت

مسئله خلافت نقش بسیار مشکلی را بر عهده عبدالمجید واگذار کرده بود. میزان قدرت و اختیارات او در این مقام مشخص و معلوم نبود. از طرف دیگر میزانی جهت کردار و گفتار خود از لحاظ قانون نداشت و چون نفوذ قرآن در جامعه اسلامی

فوق العاده بود او نمی توانست به آسانی تصمیم به انجام امور مذهبی بگیرد. قوانین جدید ترکیه نیز در این مورد پیش بینی هائی نکرده بود و با وجود آنکه عبدالمجید حسنیت داشت اطراف او را عناصر مخالف فرا گرفته بود. مصطفی کمال به آسانی میتوانست اغتنام فرصت کند و خلافت را ملغی سازد و دیکتاتور ترکیه از مدتهایش این قصد را داشت و موقع را جهت انجام این مقصد مناسب دید.

قدرت خلیفه در طول تاریخ امپراطوری عثمانی به منزلهٔ سلاحی بود که ترکان میتوانستند از آن به نفع خویش استفاده کنند با این سلاح بدون چون و چرا عثمانیها در رأس ملل مسلمان قرار می گرفتند.

اما متأسفانه علاوه بر آنکه از قدرت خلافت نتوانست استفاده کند کاری کرد که به ضرر آن دولت تمام شد. خلیفه نفوذ ناچیزی در امور کشوری داشت و جنگی که به پایان رسیده بود بزرگترین شاهی بود بر این مدعا. با وجود اعلان جهاد، اتباع مسلمان فرانسه و انگلیس بر ضد ممالک مرکزی امپراطوری وارد جنگ و ستیز شدند و حتی اعراب ساکن امپراطوری عثمانی بر ضد حکومت مرکزی قیام کردند. با آنچه گفته شد معلوم میگردد رفتار و کردار خلیفه ترکان را در انجام امیال و مقاصد دور از مقاصد و امیال خود آنان می کشاند و این مسئله واضح بود که ترکان می دانستند خلافت جهت دفاع اسلام بوجود آمده بود. اما خلفا در قرون معاصر نتوانستند این وظیفه را انجام دهند. از طرف دیگر به این امر نیز پی برده بودند که سلطان بدون اختیارات مادی نمی تواند کاری از پیش ببرد و ترکان نیز نمی بایست خود را همیشه فدائی اسلام بدانند. چه این مسئله به نظر آنان غیر طبیعی می آمد. بنابراین مجلس ملی ترکیه در سوم مارس ۱۹۲۴، الغاء خلافت را رسماً اعلام کرد و به مصطفی کمال پیشنهاد نمود که امور مربوط به خلافت را تحت اختیار خویش در آورد. اما اعلامیهٔ رئیس جمهوری بطور وضوح و آشکار نشان داد که عقیدهٔ او در این باره چیست. وی

چنین اعلام کرد: «کسانی که با مسائل رویائی و بی اساس عالم اسلام را به گمراهی و ضلالت می کشانند جز دشمن اسلام نیستند و این عمل بالاخص برضد دولت ترکیه است.»

در شب همان روز عبدالمجید از تصمیم دولت اطلاع یافت و دانست که به موجب تصویب نامه مخصوص می خواهند خاندان امپراطوری عثمانی را تبعید کنند. بنا بر این ترکیه را ترك گفت. اما خروج او از ترکیه به هیچ وجه قابل مقایسه با فرار سلطان محمد ششم، آخرین عضو خاندان عثمانی، نبود و ترك کشور خویش با عظمت روح همراه بود. با این واقعه جمعی کثیر از علماء دین اسلام برضد تصمیم مصطفی کمال اعتراض کردند. اما جای بسی تعجب و حیرت بود که این اعتراض در میان عامه خریداری نداشت. چه قدرت خلافت خاصه حکومت ملی ترکیه (آنقره) یا حکومت ممالک دیگر اسلامی نبود، این امر زائیده حقوق الهی مربوط به جمیع کشورهای اسلامی بود. شاهد صادق بر این مدعا این بود که هیچ يك از ممالك اسلامی از بین شاهزادگان خود جهت مقام خلافت کسی را نامزد نکردند و حتی در صدد برنیامدند که خلیفه بر کنار شده را به مملکت خویش بخوانند. در تعقیب الغاء خلافت، مجلس بزرگ ملی ترکیه موقوفات را از میان برد و مدارس اسلامی را ملی اعلام نمود و به این ترتیب جمهوری را غیر مذهبی کرد.

مشروطیت دولت ترکیه

مشروطه دولت ترکیه بصورت قطعی آن در ماه مه ۱۹۲۴ مورد قبول واقع شد و در سال ۱۹۲۸ بود که با اصلاحاتی چند در ماده دوم آن گویای این مطلب شد که مذهب رسمی آن دولت، اسلام است.

این موضوع را باید خاطر نشان کرد که امپراطوری عثمانی در ماه دسامبر ۱۸۷۶ به صورت دولتی مشروطه شناخته شده بود. اما این مشروطه در سال ۱۸۷۷ ملغی

گردید و برای دفعه دوم در سال ۱۹۰۸ بر اثر نهضت جوانان ترك بوجود آمد. مشروطه سال ۱۹۲۴ ترکیه به اسم تشکیلات اساسی قانونی نامیده شد که بیست و دو ماده دارد. شش ماده نخستین آن با اصلاحات سال ۱۹۲۸ به قرار ذیل است:

۱- دولت ترکیه جمهوری است.

۲- زبان ترکی زبان رسمی دولت ترکیه و پایتخت آن «آنکارا» است.

۳- سیادت بدون قید و شرط از آن ملت است.

۴- مجلس بزرگ عمومی ترکیه تنها نماینده حقیقی ملت است و بنام سیادت ملت به انجام وظیفه می پردازد.

۵- قوه قضائی و قوه مجریه مخصوص و متمرکز در دست مجلس بزرگ عمومی است.

۶- قوه قضائی تنها توسط مجلس عمومی بزرگ به مورد اجراء گذاشته می شود.

پایتخت قدیمی (پایتخت امپراطوری عثمانی) قسطنطنیه بود و آنکارا بجای آن توسط آتاتورك انتخاب شد. آنکارا شهری کوچک با پانزده هزار نفر جمعیت بود که در مرکز آناتولی قرار دارد و توسط راه آهن به قسطنطنیه ارتباط میابد.

چون این پایتخت در قلب خاک ترکیه قرار داشت از فشار متفقین که قسطنطنیه را اشغال کرده بودند ایمنی داشت (آنکارا شهر آنسیر^۱ قدیمی است). مجلس کبیر به خود نام مجلس ملی بزرگ ترکیه (تورکیه بیوک ملت مجلسی)^۲ داد و حروف اختصاری آن T.B.M.M. است.

اصول عمده مشروطه ترکیه از این قرار است:

مجلس قدرت را در دست دارد.

این مجلس تنها مجلس ترکیه است که اعضاء آن برای مدت چهارسال انتخاب میشوند.

هیچگاه مجلس منحل یا مدت آن تمدید نمی‌شود. جميع همشهریانی که به سن بلوغ یعنی هجده سالگی برسند حق انتخاب نماینده را دارند.

همشهریانی که سن آنان متجاوز از سی سال باشد بدون در نظر گرفتن جنسیت آنان میتوانند به نمایندگی مجلس انتخاب شوند (حق انتخاب به عنوان نماینده مجلس در سال ۱۹۳۵ به زنان داده شد).

برای هر بیست و پنج هزارتن از مردم ترکیه يك نفر وکیل به مجلس می‌رود.

رئیس جمهور که حتماً باید از اعضاء مجلس ملی بزرگ ترکیه باشد، برای چهارسال توسط نمایندگان آن مجلس برگزیده میشود. او معرف مملکت است و نمایندگان و سفرای خارجی را می‌پذیرد و مأمورین دولتی را به مشاغل آنان منصوب میکند و قوانین را صحه می‌گذارد. اما حق بخشش مجرمین و اعلان جنگ و امضای صلح را ندارد.

وقتی که مجلس قانونی را به تصویب رساند رئیس جمهور فقط ده روز فرصت دارد که یا آن را صحه گذارد یا به مجلس بازگرداند. اما پس از تصویب و تأیید در دومین بار در مجلس موظف است که فوراً آن را به امضاء برساند. مهمترین مأمور دولت پس از رئیس جمهور رئیس مجلس است که در موارد غیر مترقبه و فقدان رئیس جمهور می‌تواند جایگزین او گردد.

سازمانهای اداری

خاك جمهوری ترکیه به ۶۳ ولایت تقسیم شده و در رأس هر يك از این ولایات

يك نفر به اسم «والی» قرار گرفته است. ولایت بنا بر پیشنهاد وزارت کشور و فرمان رئیس جمهور انتخاب میشوند. والی معرف قدرت مرکزی است. هر ولایت به چندین شهرستان (کازاس) منقسم میگردد و حاکم آنها را که وزیر کشور معین میکند «قائمقام»^۱ مینامند. عدۀ کازاسها ۴۱۹ است و هر کازاس بصورت تقسیمات جزء درمیآید که به آنها اسم ناحیه را داده اند. حاکم این نواحی را والی انتخاب میکند. ۹۴۰ ناحیه وجود دارد و عدۀ روستاها و شهرستانها و کازاسها به ۴۸۲ میرسد و بطور کلی ۳۵۰۲۳ دهکده درسراسر ترکیه یافت میشود. شهرها توسط هیئت شهرداری که در رأس آن رئیس شهرداری انجام وظیفه میکنند اداره میشود و این رئیس را شورای شهرداری انتخاب می نماید. دوشهر آنکارا و استانبول بوسیله شهر دار کل که احکام آنان به امضای رئیس جمهور رسیده است اداره می شود.

سازمان قضائی

در سال ۱۹۲۰ (تاریخ انتهای حکومت قدیم) تشکیلات قضائی منطبق بر دو صورت میشد: یکی مذهبی (شرعی) و دیگری عرفی. این تشکیلات شامل ۳۸۷ محکمه قضائی (قضائی که در عین حال وظائف شرعی و عرفی را انجام میدادند) و ۳۷۵ محکمه بدایت و ۷۶ محکمه استیناف. اختلافات تجاری و عمومی بین خارجیان توسط محاکم کنسولی رتق و فتق میشد. محاکم اخیر الذکر توسط قرارداد لوزان ملغی گردید و چون در سال ۱۹۲۴ قوه قضائی حاکم مذهبی به محاکم عرفی واگذار شد اتحاد قضائی درسراسر ترکیه مستقر گردید.

باقوانین مدنی که در اکتبر سال ۱۹۲۶ مورد اجراء گذاشته شد ترکیه حق انجام اعمالی قضائی را بدست آورد (مشاورین قضائی خارجی که به مدت پنج سال ۱۹۲۳ -

۱۹۲۸ به موجب قرارداد لوزان بر ترکیه تحمیل گردیده بود.) همانطور که قانون مدنی از سوئیس آغاز گردید، اساس قوانین دیگر نیز اروپائی بود. به این معنی که به تدریج قانون تجارت را از آلمان و قوانین دعاوی عرفی را از فرانسه و قوانین جزائی را از ایتالیا و قانون بازرگانی دریائی و همچنین قانون تعقیب و ورشکستگی و قانون قضائی مربوط به اشخاصی که در حین ارتکاب جرم توقیف میشدند و قوانین محاکم و محاضر (۱۹۳۸) را از ممالک دیگر اروپا وارد محاکم خود کردند.

به موجب قانون شماره ۳۲۰۱ وزیر کشور عهده دار نظم کشور است. با این تحولات پلیس ترکیه نیز به صورت جدید درآمد. ولی مانند دوران امپراطوری، پلیس شکنجه و زجر مردم را شیوه خود و موجب پایداری قدرت خویش قرار داده بود. به موازات تشکیلات مربوط به عوامل امنیت عمومی، ترکیه به ایجاد مؤسساتی جهت تربیت متخصصین فنی و حرفه‌ای (طرز بکار بردن اسلحه آتشین و شناسائی طرز عمل آنها و تبدیل لباس و چهره بصور مختلف) پرداخت.

تشکیلات جدید قضائی ترکیه اکنون شامل: ۸۶ دیوان جنائی و هفت محکمه تجارت و ۴۱۰ محکمه بدایت جهت رسیدگی مراحل اولیه جرائم و کارهای عمومی و ۱۹۸ محکمه که دارای یک قاضی در رأس هر یک از آنها است و ۲۶۷ محکمه صلح به صورت کدخدامنشی و ۱۴ محکمه مربوط به مساحی املاک و ۸ محکمه سیار، میشود. مجموع این محاکم بالغ بر ۹۹۰ دستگاه است. ترکیه یک محکمه تمیز دارد که دارای ۱۲ شعبه است.

عده اعضاء قضائی روز بروز در افزایش است. اکنون (۱۹۴۹) ۲۳۶۰ قاضی و ۴۹۰ قضات کارآموز و ۴۷ (منشی) در ترکیه وجود دارد و از این عده ۱۵۰ نفر زن هستند که در مشاغل مختلف به کار اشتغال دارند.

در سال ۱۹۲۶ مجلس کبیر ملی ترکیه برای انتخاب قضات، قانونی گذراند

که به موجب آن می بایست قاضی بوسیله هیئتی مرکب از نه عضو برگزیده شود. این تصمیم که به صورت قانون در آمده بود بلافاصله به امضای وزیر مربوط و رئیس مجلس و رئیس جمهوری رسید. دیوان عالی تمیز به روی جمیع قضاتی که درجات شش گانه قضاوت راطی کرده اند، بازاست. در هر درجه سه سال توقف و تجربه لازم است. قبول عضو در دیوان عالی تمیز به صورت ذیل انجام میگیرد:

وزیر صورتی از اسامی شش نامزد ورود به دیوان عالی تمیز را که از درجات شش گانه گذشته اند به آن دیوان میدهد و دیوان عالی از بین آنان یک نفر را برمیگزیند و وزیر دادگستری خود دادستان کل را از بین اعضاء دیوان تمیز انتخاب میکند و رئیس کل دیوان از بین سه نفری که توسط دیوان اسامی آنان داده شده است یک نفر را به عنوان نایب رئیس به کار می گمارد.

طریقه مجازات

در دوران امپراطوری عثمانی در مقابل جرائم مجازات بدنی مانند قطع اعضاء، قتل و جراحت وجود داشت و وضع زندگی محبوسین در زندان صورت خوشی نداشت و به هیچ وجه به وضع روحی زندانیان توجهی نمی کردند. حکومت جمهوری سعی کرد برای محبوسین شخصیت انسانی قائل شود و آنان را برای زندگی اجتماعی تربیت کند و بعلاوه از میزان مجازات کاست. و در عوض در زندان ها برای کار دسته جمعی زندانیان مراکز مخصوص تعبیه کرد. در این مراکز نجاری و خراطی و صنعت چاپ و کفافی و بافندگی و امثال آن حرفه ها را آموختند و با این عمل معلوم میشود که حقیقتاً در ترکیه میخواستند از وجود زندانیان در توسعه صنایع استفاده نموده آنان را برای کار در اجتماع آماده سازند و در دوران زندانی بودن سعی داشتند ذوق کار و معاش شرافتمندانه را در آنها تهییج نمایند. این عمل درست همان کاری است که جمهوری ترکیه میخواست جمیع قوا را در راه استفاده جامعه بکار اندازد.

اصلاحات مهم مصطفی کمال

بر انداختن خلافت سلاطین در ترکیه موجب تجزیه حکومت و مذهب از یکدیگر گردید. در واقع جمهوری، آن سرزمین را به صورت غیر مذهبی درآورد. اصلاحات مهم مصطفی کمال برخلاف آنچه تصویری شد بر ضد مبانی اسلامی نبود بلکه این اصلاحات را باید ناشی از مخالفتی که در مقابل نفوذ اسلام بر ملت صورت گرفت، بشمار آورد. اقدامات مزبور مربوط به وضع مذهب و اجتماع و آداب و سنن ترکان میشد و چون گفتگو از مملکتی است اسلامی که در معتقدات مردم آن ابهامات پیچیدگیهای فراوان دیده میشود، بهتر آن است مختصری راجع به مذهب ترکیه در اینجا سخنی به میان بیاوریم. پس از بستن مدارس مذهبی و گرفتن انحصار تعلیمات عالیّه توسط آنها، مصطفی کمال مدارس را به صورت غیر مذهبی و ملی درآورد و به موجب قانون مخصوص، آموزش و پرورش را عمومی و اجباری اعلام کرد.

در دوران امپراطوری عثمانی روحانیون مسلمان طبقه ممتازی را تشکیل میدادند که به آن علما یا «حجاس» میگفتند. این جماعت از دارالعلوم اسلامی فارغ التحصیل و توسط شیخ الاسلام که بعد از خلیفه، شخص اول عالم اسلامی بود، به حکومت معرفی میشدند. در زمان مصطفی کمال امور مربوط به شیخ الاسلام از وی بازگرفته و به جمعی از مفتیان واگذار شد و انجمنی را در آنکارا برای رسیدگی به فرق مختلف مذهبی به وجود آوردند که هم اکنون به این قبیل کارها رسیدگی میکند. روحانیون مسلمان (که بهتر است آنان را به اسم کارمندان مذهبی مانند مفتی و امام و حجاس نامید) با وضع جدید، آزادی عمل در اجرای مراسم دینی خود بدست آوردند. بر عکس صوفیگری و درویشی مخصوصاً فرقه دراویش مولویه و بکتاشیه، متروک گردید و همانطور که دیدیم از سال ۱۹۲۴ محاضر و دفاتر مذهبی از میان رفت و جای خود را به محاضر عرفی رسمی واگذار نمود.

در سال ۱۹۲۵ تقویم ترکیه که اساس آن بر هجرت حضرت رسول از مکه به مدینه مستقر و سالهای آن قمری بود به صورت تقویم اروپائی (تقویم گرگورین و بر اساس سال شمسی میلاد مسیح) درآمد و ساعت ترکیه که از طلوع آفتاب آغاز میگردد صورت ساعت بین‌المللی را به خود گرفت. در همین سال به موجب قانون مخصوص که به آن اهمیت بسیار داده و اروپائیان به علت تحولات بزرگ در ترکیه به این اهمیت توجه نکرده‌اند، مصطفی کمال گذاشتن فینه را بر سر توسط ترکان غنغن نمود: فینه کالپاک است سرخ رنگ و به صورت مخروط که اجازه بر سر گذاشتن آن را سلطان محمد دوم در سال ۱۸۲۹ بجای عمامه به ترکان داده و به این ترتیب تحولات را آغاز کرده بود و از آن پس عمامه رافقط به جماعت روحانیون اختصاص داد. فینه در آن تاریخ یکی از اسباب و علامات ترقی در کشور به شمار می‌آمد. اما پس از یک قرن معنای اصلی مربوط به ترقی و آشنائی به تمدن جدید را از دست داد و آلت دست محافظه کاران شد و میگفتند فینه علامت مخصوص مسلمانان در مقابل مسیحیان است. چندی بعد بر خلاف این سنت تمام کارمندان دولت عثمانی، که بین آنان عده بسیاری از مسیحیان دیده میشد، فینه بر سر گذاشتند و مسلمانان بعد از انقلاب جوانان ترکیه کالپاک^۱ را که نوعی شبکلاه از پوست بره حاجی طرخان بود بر سر نهادند تا وجه ممیزه‌ای با مسیحیان داشته باشند. در واقع میتوان گفت که فینه علامت مشخصه امپراطوری عثمانی و کارمندان آن و مخصوصاً مسلمانان بشمار می‌آمد و در نظر ترکان و حتی خارجی‌ان فینه و کالپاک برای تشخیص مردم ترکیه از مردم مغرب زمین بر سر نهاده میشد.

از میان برداشتن فینه و تبدیل آن به کلاه فرنگی یا کاسکت دلیلی قاطع بر آن بود که ترکان به اختلافات مذهبی و اجتماعی داخله مملکت خود پشت پا زده و

بیش از پیش می‌خواستند با اروپائیان در آداب و مراسم زندگی هم‌آهنگ شوند. اصلاح‌القباء و زبان ترك همین تمایل نزدیک شدن ملت ترك را به اروپائیان می‌رساند و در این تغییرات و تبدلات توجه بیشتر به اصل ملیت داشتند تا به اساس اسلام. هنگامی که ترکان قبول آئین اسلام را کردند القباء عرب و همچنین قسمتی از لغات و اصطلاحات آن قوم را اتخاذ نمودند. می‌دانیم که حروف عربی از راست به چپ و از بالا به پایین نوشته میشود و در این القباء حرکات طولانی حروف در نظر گرفته میشود. در صورتی که حرکات کوتاه را ملاحظه نمی‌کنند. از طرف دیگر القباء عرب تمام حروف لازم را جهت نوشتن زبان ترکی ندارد. ترکی اهمیت فوق‌العاده به حرکت حروف میدهد و در این حرکت و صداها تغییرات فراوان وجود دارد که امکان آن در حروف عربی متصور نیست. باید متذکر شد که فراگرفتن زبان ترك با حروف عربی کار دشواری بود. ولی سالخورده‌گان و قدیمیان با تغییر خط به سختی مخالفت می‌ورزیدند. به علت تماس طولانی ترکان با تمدن عرب و ایران و برتری مکاتب ادبی ایران و ممالک عرب و عرب زبان و اهمیتی که به فراگرفتن الهیات و علم‌القرآن میدادند بالطبع اصطلاحات فراوان عربی و ایرانی را وارد زبان ترکی کردند و این لغات خارجی اصول دستور زبان خود را در ترکی حفظ کرده بود و برای آموختن چنین زبانی می‌بایست اهل ادب به مبانی السنه ممالک اسلامی آشنائی کامل داشته باشند. اصلاح مصطفی کمال در مورد القباء تحول عظیمی را که بیش از تحول برداشتن فینه از سر مردم ترکیه بود، به وجود آورد و کار تعلیم و تربیت کودکان آن سرزمین را آسان ساخت.

حکومت ترکیه به موجب قانون مصوب سوم نوامبر ۱۹۲۸ حروف لاتین را در نوشتن زبان ترکی پذیرفت. این القباء برای یاد دادن و یاد گرفتن بسیار آسان است و با آنکه نوشتن آن به‌کندی صورت می‌گیرد خواندن آن دشوار نیست. چون تغییر القباء ترکی جزء اصلاحات جدید آنی بود بدون اشکال بازبان تکلم روزمره توافق یافت. هر یک

از حروف آن با صدائی تطابق دارد و به همین لحاظ مسئله لاینحل از میان رفته است. با این حال مردم با سواد و دانشمندان و اهل ادب ترکیه مدتی لازم داشتند تا بتوانند با الفباء جدید آشنائی پیدا کنند. از طرف دیگر وزارت فرهنگ ترکیه سعی بلیغ در بر گرداندن کتب ادبی قدیم به حروف لاتین کرد و ناگزیر کتابهای متعددی در لغت و رسالات لازم تدوین نمود. اما قدر مسلم این بود که توجه اولیاء ترکیه به تهیه کتب قدیمی به صورت حروف لاتین مانع از پیشرفت مبارزه بر ضد بی سوادی گردید. برای دفاع از اصول زبان ترکی به موجب قانون مصوب اول سپتامبر ۱۹۲۹ تدریس زبان عربی و فارسی در جمیع مدارس ترکیه ممنوع شد و جمعیتی از طرف دولت مأمور پاک کردن زبان از لغات و اصطلاحات فارسی و عربی گردید. به موازات این اقدام جمعیت مزبور مأموریت یافت که لغات جدیدی را تدوین کند و به همین مناسبت از لغات قدیمی متروک زبان ترکی نیز استفاده نمودند و حتی از آوردن کلماتی از زبان های اروپائی مخصوصاً فرانسه و انگلیسی که مبین مقاصد ترکان در تکلم بود یا قبول آن الفاظ به علت اختراعات جدید، خودداری نمودند.

مخالفت و اکراه فوق العاده مصطفی کمال با زبان عرب تا حدی بود که به موجب فرمان جاری در سال ۱۹۳۲ دستور داد مؤذنین در مناره ها به جای زبان عربی اذان را به زبان ترکی بخوانند و با این عمل با زبان اسلام و مذهبی مخالفت کرد و از آن پس به جای الله عرب کلمه ترکی «تائی»^۱ را بکار بردند.

اما در این اواخر ترکیه متوجه این امر شد که تعصب در مورد ایراد ادعیه و اذان لزوم چندانی ندارد و اجازه داد مؤذنین به زبان عربی به اقامه اذان بپردازند. یکی دیگر از مظاهر تحولات زندگی ترکیه قبول قوانین مدنی بود و چون با اساس مذهب اسلام مغایرت تام داشت این موضوع را باید یکی از مواضع مهم اصلاحات

ترکیه بشمار آورد. ما در اینجا نمی‌خواهیم راجع به روابط جنس مخالف بایکدیگر گفتگو به میان آوریم. اما این مسئله را نباید ناگفته گذاشت که مسلمانان اریتره را به موجب قواعد مسلمة قرآن برای فرزندان خود باقی می‌گذاشتند و در خصوص روابط خانوادگی مانند روابط پدر و پسر یا برادر و خواهر مسلماً باید به قوانین مدنی مراجعه کرد و نمی‌دانیم که در چنین مملکتی مسلمانان تا چه اندازه بایکبار بردن این قوانین می‌توانند تعصب خود را نسبت به مذهب اسلام حفظ نمایند.

قانون مدنی ترکیه

قانون مدنی مصوب سال ۱۹۲۶ همان قانون مدنی نوشتال (سوئیس) است که دولت ترکیه تمام آن را از کشور سوئیس اتخاذ کرد و تنها تغییری که در آن داد مربوط به طریقه ازدواج قانونی است. سوئیس اشتراك اموال زوجین را قبول دارد. اما ترکیه در این مورد به تجزیه و جدائی اموال طرفین ازدواج اعتقاد دارد. نقش مهم قانون مدنی ترکیه متخذ از قانون سوئیس از بین بردن تعدد زوجات مسلمانان و برابری مرد و زن بایکدیگر بود. پیداست که طبق گفته قرآن هر مرد می‌تواند در آن واحد چهار زن عقدی و عده نامحدود صیغه داشته باشد. از طرف دیگر قوانین اسلامی در زندگی اجتماعی جدا بودن زنان و مردان را به سختی توصیه کرده است. به این معنی که خانه به دو قسمت تقسیم میشود. یکی سلامیک (بیرونی) یا خانه مخصوص مردان و دیگر حرم یا مسکن «اندرونی» زنان. زنان باید چهره خویش را جز محارم و اعضاء نزدیک خانواده از مردان دیگر پوشیده نگاه دارند. زنان پوششی بنام چارچاف^۱ بر سر دارند و تمام بدن خویش را با آن می‌پوشانند.

ازدواج آنان بنابه تصمیم پدر و مادرشان صورت می‌گیرد. اینان ازدوازده سالگی حق ازدواج را دارند اما فقط با مرد مسلمان. جدائی زن و مرد بامسئله طرد و عدم

تمکین یا نشوز انجام می‌پذیرد. ولی این امر دوجانبه نیست و زن نمی‌تواند و حق ندارد از مرد خود جدا شود. حق طلاق را زن نیز ظاهرأ دارد. اما کمتر اتفاق می‌افتد که محاضر شرعی به این درخواست ترتیب اثر دهند. زنی که از شوهرش طلاق گرفت به خانه والدین خویش برمیگردد و دوباره تحت نظارت و اطاعت آنان قرار میگیرد. شوهر می‌تواند هر وقت که بخواهد مجدداً با زن خویش ازدواج کند (مگر در صورتیکه این زن با مرد دیگر ازدواج کرده باشد و این امر سه نوبت متوالی قابل اجراست). زن در مقابل ارث با مرد مساوات ندارد. چه او فقط از ارثیه نصف سهم خود را می‌برد. این مسئله را باید یادآور شد که قوانین مزبور با وجود آنکه در جمیع ممالك اسلامی به‌مورد اجراء گذاشته میشود ترکیه نیز از آن تقلید میکرد کاملاً و مو بمو در امپراطوری انجام نمی‌پذیرفت و این اصل مطابقتی با اساطیر قدیمی ترکان نداشت. اگر در آغاز سلطنت آل عثمان حرمهای ترکان مملو از زنان صیغه بودند نفوذ اروپائیان و فقر مملکت در اواخر آن امپراطوری باعث شد که توجه چندانی به این امر نداشته باشند. در قراء و قصبات اساساً این عادت متداول نبود. زنان روستائی جز برای رفتن به شهر چادر به‌سر نمی‌کردند و مقید و محبوس زندگی نمی‌نمودند. حرم یکی از خصوصیات یونانیان بود و سلجوقیان از آن اطلاعی نداشتند.

امروزه در ترکیه اثری از حرم و چادر و طرد زنان توسط مردان وجود ندارد طلاق حق زن و مرد هر دو هست. در ترکیه چنانکه اشاره شد زنان نیز می‌توانند مشاغل مردان را داشته باشند و حتی به کارهای سیاسی گمارده گردند (زنان ترك حق انتخاب شدن به نمایندگی را قبل از زنان فرانسه بدست آوردند). در تمام امور زنان با مردان یکسان‌اند. زنان همان حقوقی را دارا هستند که زنان سوئیس دارند. اما این مطلب را باید گفت که عملاً مساوات زنان با مردان در جمیع جهات جامعه عمل را به خود نمی‌پوشد. از آن جمله در روستاهای آناتولی مردان نوعی سیادت روحی و مادی

نسبت به زنان دارند و طبق آمار سال ۱۹۳۵ این مسئله به حقیقت پیوسته است که عده زنانی که خواندن و نوشتن را می دانند $\frac{۱}{۴}$ عده مردان باسواد است همچنین این موضوع قابل تذکار است که این نسبت در مردمی که کمتر از بیست سال دارند ضعیف تر و در مردمی که بیش از چهل سال دارند قوی تر است. مجامع متشکله توسط زنان پیوسته مشغول مبارزه است که عملاً عدم مساوات بین زن و مرد را از بین ببرد.

تمایل نسبت به استقرار اصل مساوات در مسئله ملیت ترك نیز مشاهده میشود. به موجب معاهده لوزان قرار شد که ترکیه بعضی از قوانین مربوط به اقلیت های غیر- ترك مخصوصاً قوانین خانوادگی را بر جای گذارد. اما بعد از تصویب قانون مدنی همین اقلیتها تقاضا کردند که از حیث قانون تابع اکثریت ترك شوند. این عمل باعث ایجاد قوه قضائی واحد در سراسر خاک ترکیه گردید. حکومت به موجب قانونی که در ماه مه ۱۹۲۸ گذراند اعلام کرد جمیع کسانی که از اول ژانویه ۱۹۲۹ در خاک ترکیه از والدین خارجی متولد شوند و آنها نیز در آن سرزمین پابهر صه وجود گذاشته باشند، ترك هستند. اما این تصویب نامه شامل حال فرزندان نمایندگان خارجی نمی شود. فرزندانیکه پس از تصویب این قانون به دنیا آمده اند چون به حد رشد رسیدند در قبول مذهب پدر یا مادر خویش مختارند. حد رشد برای مردان هجده و برای زنان شانزده سال است. در موقع بلوغ هر هم شهری در انتخاب هر مذهبی که بخواهد آزاد است و مذهب فرزندان غیر بالغ، مذهب اقوام اوست. قانون ترکیه شناسنامه را برقرار ساخت. در دوران امپراطوری موالید و متوفیات و تاریخ ازدواج راثبت نمی کردند و نام خانوادگی وجود نداشت. ترکان اسم کوچک که غالباً نامی عربی بود داشتند و همچنین دارای القاب بودند. به همین مناسبت غالباً هم مردم را بانام پدر آنان (فلانی پسر فلانی) می نامیدند. القاب آنان ارتباط با حیثیت مذهبی یا مدنی آنان داشت. جمهوری ترکیه نام خانوادگی را متداول کرد. مصطفی کمال با انتخاب کلمه آتاتورک در این کار پیشقدم شد و عصمت

بيك (پاشا) نام فتوحات خود را در محل اينونو به عنوان نام خانوادگی برگزید.

ترکان قبلا به اسم کوچك خویش القابی مانند پاشا، مخصوص افسران عالی رتبه که كاملا جنبه نظامی داشت، می افزودند. در سال ۱۳۳۴ این لقب مبدل به درجه سر تپیی شد. القاب بيك و افندی نیز که به مردم غیر نظامی اطلاق میشد، از میان رفت و به جای «بيك» کلمه بای را برای مردان و کلمه بایان را جهت زنان آوردند که همان آقا باشد و بر عکس سابق بای و بایان در ابتدای اسم در می آمد و این دو کلمه به هیچ وجه مبین مقام یا شغلی نیست. افندی را هنوز در موقعی که کسی را مورد خطاب قرار می دهند به کار می برند و حاکی از ابراز احترام است. جمهوری ترکیه احترام اموال شخصی را اصول و اساس حکومت خود قرار داده است.

حزب جمهوری خواه مردم

آتاتورك با اتكاء بر حزب واحد ملی قادر به حقیقت پیوستن اصلاحات اجتماعی خود گردید. این حزب که در رأس آن رئیس مقتدری چون آتاتورك داشت، دیکتاتوری واقعی را به وجود آورد. وضع اجتماعی ترکیه در دوران انقلاب به هیچ وجه من الوجوه با حکومت های معاصر خود در مغرب زمین شبیه نبود. در ترکیه طبقات مشخص اجتماعی وجود نداشت و قاطبه مردم از اظهار عداوت و دشمنی با طبقات ممتازة نجبا (بی ها) و روحانیون (علما) خودداری نمی کردند. دو طبقه ممتازة اخیر الذکر در اجتماع ترکیه اصول کهنه پرستی را حفظ میکرد. طبقه متوسط و دهاقین و روشن فکران و کارگران از حیث وضع اجتماع و زندگی با یکدیگر اختلافی نداشتند و در يك سطح واقع بودند. انقلاب این طبقه با آنکه در مقابل حکومت مطلقه امپراطوری عثمانی بیار آمد غرض انقلابیون مبارزه بانجبا و علما بود چون عامه از علم و سواد بهره ای وافی نداشتند و در سیاست بی تجربه بودند نتوانستند احزاب مختلف را بوجود آورند. از طرف دیگر موقع اسفانگیز مملکت، اتحاد جمیع قوای

ملی را جهت دفاع از يك هدف عالی که آزادی ترکیه بود، لازم داشت. به همین ملاحظه ترکیه تا سال ۱۹۴۶ به علت و جوب مبارزه بر ضد عکس العمل کور دلان ناگزیر از این شد که فقط حزبی واحد را بوجود آورد. یعنی حزب جمهوری رسمی تحت رهبری آتاتورک بود. این حزب را حزب جمهوری خواه خلق (جمهوریت خلق پارتیسی) می نامند. دور از عقیده کاملاً ملی و نظامی و همچنین عاری از فکر استبدادی، کمیته انقلابی حکومت قدیم که به اسم انجمن اتحاد و ترقی خوانده میشد آتاتورک در حزب جمهوری خواه خلق مراجعه به جمیع طبقات اجتماعی ترکیه کرد و اختلاف طبقاتی را در حزب از میان برد.

ترقی ترکیه با گماشتن حکام لایق در سراسر کشور و توجه این حکام به آشنا کردن مردم با تمدن مغرب زمین و ایجاد شبکه مهم خط آهن و ایجاد طرق و شوارع و توسعه صنایع سنگین نساجی و تغذیه و استخراج معادن و اقداماتی مانند آن، مملکت را در مقابل مسائل جدید اجتماع قرار داد. این قبیل امور مانع شد که حزب جمهوری آن طور که شایسته و بایسته بود به موضوعات اجتماعی بپردازد. اما در موقع جنگ ساکارا سربازان و زنانی که تجهیزات و مهمات را به میدان جنگ می بردند از مختصر رفاه و آسایش یا از حداقل وسائل زندگی بهره مند بودند فکر آنان فقط غلبه و فتح بود. در جنگ و مبارزه به منظور جهت تجدید حیات کشور همین مسئله در نظر جمهورینخواهان جلوه گرمیشت. آنان نیز می خواستند فاتح بشوند.

تنها مسئله اجتماعی که در دوران حکومت آتاتورک به خود جامه عمل پوشید احداث خانه های مردم (خلق اولری)^۱ بود.

اولین کنگره مردم ترکیه در سال ۱۹۳۱ تشکیل خانه های مردم را در دستور

کار خود قرار داد. در این خانه‌ها در باره توسعه اطلاعات مردم و تعلیم و تربیت آنان اقداماتی به عمل می‌آمد. این خانه‌ها بصورت باشگاه بود و در آن به روی جمیع طبقات مردم باز بود. هیئت اداری آن به تشکیل مجالس نطق و خطابه و نمایش قطعات و ایجاد مجالس موسیقی پرداخت. خانه‌های مردم وسیله بسیار مناسبی جهت تبلیغات جمهوری و اختلاط و امتزاج مردم با یکدیگر از راه مبادله نظرات و عقاید گردید و در این خانه‌ها در توسعه آداب و سنن ملت ترك سعی وافیه بعمل آمد. عده آنها که در سال ۱۹۳۲ چهارده باب بود روز به روز افزایش یافت. برای رفع احتیاجات روستائیان و آشنا کردن آنان به نوشتن و خواندن در قصبات و دهات، کانونهای مخصوص ایجاد شد.

مسئله بغازها

واقعیت سیاسی ملت جوان ترك فرصتی بدست آورد تا موجودیت خویش را در انجام دادن دو موضوع مهم یعنی پرداخت قروض امپراطوری عثمانی و مسئله تریاک ظاهر سازد. حکومت جمهوری ترکیه به هیچ وجه منکر قروضی که دولت سابق داشت، نشد و با فراهم آوردن تسهیلاتی از قبیل تمديد اقساط و گرفتن تخفیفات لازم جمیع آنها را پرداخت. کشت خشخاش و فروش تریاک که یکی از منابع اساسی اقتصاد ترکیه را تشکیل میداد به نظر مجمع اتفاق ملل طبق قوانین و اصول بین الملل صحیح نبود. به همین مناسبت دولت ترکیه تریاک را در انحصار خود در آورد و قرارداد لاهه و ژنو را بسال ۱۹۳۲ به همین منظور به امضاء رساند.

اما مسئله مهمی که ترکیه را بخود مشغول میداشت موضوع بغازها بود. در این راه ترکیه مصطفی کمال نهایت راستی و درستی و فعالیت و سیاست شرافتمندانه را بکار برد.

تجدید حیات نظامی ترکیه که از نظر سپاهی و تجهیزات، با آنکه به مقام

ممالك اروپائی نمی‌رسید، از هر جهت قابل ملاحظه و ستایش بود از طرف دیگر دوستی بین‌المللی آن دولت و خطر روزافزون جنگ جدید، به ترکیه اجازه داد تا تقاضای تجدید نظر در معاهده لوزان راجع به مسئله بغازهای بسفر و داردانل را بنماید.

این دولت که از سال ۱۹۳۲ به عضویت مجمع اتفاق ملل درآمده بود، در آغاز ماه آوریل ۱۹۳۶ توسط نماینده خود در مجمع، یادداشتی فرستاد و به موجب آن تقاضا نمود که مجمع مزبور آن دولت را از لحاظ تعهداتی که تحت فشار قرار داده‌است، آزاد کند. در ماه ژوئن همان سال در مونتر و^۱ (سوئیس) کنفرانسی تشکیل گردید و چون طرز حکومت ترکیه برخلاف حکومت هیتلر که ساحل چپ رود رن را مستحکم کرده بود، با آرامش و سکون و درستی موافقت داشت و از طرف دیگر معاهده لوزان پس از جنگهای اول بین‌الملل نخستین معاهده‌ای بود که قانوناً میخواستند در آن تجدید نظر کنند، در کنفرانس مزبور ترکیه موافقین بسیار تحصیل نمود و کنفرانس مونتر و در بیستم ژوئن به ترکیه اجازه تجدید استحکامات را در سواحل بسفر و داردانل داد.

مرگ آتاتورک

کمال آتاتورک بر اثر کار طاقت فرسا و انجام تکالیف سنگینی که بر عهده داشت دو سال پس از آخرین پیروزی او در کنفرانس مونتر و در دهم نوامبر ۱۹۳۸ به سن پنجاه و هفت چشم از این دنیا پوشید. او سلسله جنیان انقلاب و جنگ استقلال ترکیه بود. بر اثر اراده خلل ناپذیر خود ملتی را که روبه نیستی می‌رفت حیاتی جدید بخشید. وی ملت ترکیه را با دستهایش جان داد و مافند پیکر تراشی چیره دست چهره آن را بیاراست و امید آینده را در قلب ملت ترك زنده کرد. قبل از

آتاتورک بعضی از سلاطین عثمانی در مدت دوقرن تلاش بیهوده‌ای در جان بخشیدن به ملت ترك نموده بودند و با آنکه دنباله آن کار توسط وی گرفته شد به هیچ وجه از قدر و منزلت او کاسته نشد. پیش از آتاتورک تخم این نهال کاشته شده بود و مصطفی کمال قدرت بهره برداری از آن را نشان داد. با آنکه آتاتورک مرده بود حکومت ترکیه دنباله کارهای او را گرفت و چنین به نظر می‌آمد که منجی ترکیه هنوز حکومت میکند. ریاست جمهور و همچنین ریاست حزب جمهوریخواه پس از مصطفی کمال در کف با کفایت بزرگترین همکار وی فاتح جنگهای یونان و امضاء کننده صلح با متفقین در قرارداد لوزان در سال ۱۹۳۳، عصمت اینونو قرار گرفت. طرز حکومت ترکیه به قسمی مسیر خود را طی میکرد و به هدفهای لازم نزدیک میشد که گوئی آتاتورک نمرده است.

معاهده بالکان

در سال ۱۹۳۰ فکر عقد قرار داد بالکان به منصه ظهور رسید. قراردادی که به موجب آن مقصود عمده بر قراری صلح در شبه جزیره بالکان و اجتناب از بروز اختلافات بین المللی و رقابتهای دولتهای مختلف، که هر لحظه ممکن بود در این منطقه آتش جنگ و ستیز را برافزود، بود. اما این قصد فقط در ماه فوریه ۱۹۳۴ جامه عمل به خود پوشید و معاهده‌ای به این منظور در آتن به امضاء رسید. این معاهده بنام موافقت نامه بالکان بین رومانی و یوگوسلاوی و یونان و ترکیه معروف شده است. این قرار داد حدود معینی نداشت و از نظر عاقدین آن میتوانست لدی الزوم شامل حال بلغارستان نیز بشود. ترکیه در آن نقش رهبر را بر عهده داشت. در معاهده مزبور لزوم کمک تدافعی و تعرضی فقط دو فرضیه وجود داشت که اگر یکی از دول شبه جزیره بالکان به دولتی دیگر در آن ناحیه اعلان جنگ دهد یا مورد حمله قرار گیرد و فرضیه دیگر اینکه ممکن است این دولتها مورد حمله

دولتهای خارج از شبه جزیره، مخصوصاً آلمان و روسیه، قرار بگیرند اساساً مورد توجه نبود و همین امر از قوت آن معاهده میکاست. در واقع با معاهدهٔ بالکان فقط امنیت قسمت شرقی مدیترانه ملحوظ شده بود. به نظر می آمد که دولت آلمان به کرات کوشیده بود تا این موافقت نامه را که موجود حدت و اتفاق سیاست انگلیس و فرانسه میدانست، از میان ببرد. چون در دوران جنگ بین الملل دوم یونان و یوگوسلاوی به ترتیب مورد تهاجم ایتالیا و آلمان قرار گرفتند موقعی جهت ایفاء وظیفهٔ خود نیافت.

موافقت نامه بالکان با قرارداد سعدآباد بین چهار دولت ایران و ترکیه و عراق و افغانستان تأیید شد و دولت مصر نیز غیر مستقیم در آن سهم بود. اما این معاهده نیز مانند معاهدهٔ اول در دوران جنگ نتایج مطلوب بدست نیاورد. در بهار ۱۹۳۹ موافقت نامهٔ بالکان با قرارداد بین سه دولت انگلیس و فرانسه و ترکیه در مدیترانه که نتیجهٔ قرارداد فرانسه و ترکیه در موضوع آلکساندرت (اسکندرون) بود، بصورت عمل درآمد.

قرارداد سه جانبهٔ فرانسه و انگلیس و ترکیه

در دوازدهم ماه مه ۱۹۳۹، انگلیس و ترکیه اعلامیهٔ مشترکی را در خصوص توافق خود در بارهٔ مذاکراتی که به عمل آمده بود، منتشر کردند و در بیست و دوم ماه ژوئن همان سال فرانسه و ترکیه نیز اعلامیه‌ای شبیه اعلامیهٔ انگلیس و ترکیه انتشار دادند که به موجب آن می بایست تصمیماتی راجع به خط سرحدی سوریه و ترکیه گرفته شود. پس از عقد قرار داد لوزان تنها اعتراضی که ترکیه کرده بود مربوط به خط سرحدی بین آن مملکت و سوریه، ایالت قدیمی ترکان، میشد. این خط بعد از معاهدهٔ مزبور به هیچ وجه به صورت مشخص در نیامده بود. پس از

مذاکرات طولانی سرانجام آلکساندرت (اسکندرون) تحت تسلط ترکیه درآمد. دو توافق نامه مزبور دو معاهده قطعی را بوجود آورد. اما امضای این عهد نامه چندی بطول نینجامید، به علت آنکه ترکیه و فرانسه و انگلیس سعی داشتند جمهوریهای اشتراکی روسیه را نیز با خود در این مورد دمساز سازند. سراج اوغلو وزیر امور خارجه ترکیه بعد از مذاکرات بیهوده در ۱۷ اکتبر ۱۹۳۹ مسکورا بدون نتیجه ترك گفت. مقارن آن احوال ژنرال ویول^۱ و ژنرال ویگان^۲ که به ترتیب فرمانده قوای انگلیس و فرانسه در خاور نزدیک بودند در هجدهم اکتبر وارد آنکارا شدند و عهد نامه مودت بین سه دولت ترکیه و فرانسه و انگلیس در ۱۹ اکتبر همان سال منعقد گردید. عهد نامه سه جانبه مزبور جای توافق نامه هائی را گرفت که دولت ترکیه از يك طرف با فرانسه و از طرف دیگر با انگلیس برقرار ساخته بود و امضای آن موقعی تحقق یافت که بریتانیا و فرانسه وارد جنگ با آلمان شده بودند. این مطلب را باید اشاره کرد که عهد نامه مزبور حدودی داشت و فقط مربوط به جنوب شرقی اروپا میشد. فرانسه و انگلیس متعهد شدند که هر وقت ترکیه توسط یکی از ممالک معظم مورد حمله قرار گیرد بدون قید و شرط به آن دولت مساعدت کنند. اما در قبال این امر ترکیه تعهدی جز در مورد حمله به دو دولت متحد خود در مدیترانه شرقی یا مسئولیتی که راجع به دولتین یونان و رومانی داشتند، نداشت. در موارد دیگر دولت عصمت اینونو فقط مجبور به مشاوره با متفقین خود بود. از طرف دیگر در این عهد نامه شرط شده بود که اگر ترکیه ناگزیر از جنگ با روسیه شود، عهد نامه مزبور کأن لم یکن خواهد شد.

فن پاپن^۳ سفیر آلمان پس از امضای این معاهده توسط دولتهائی که ذکر شد آنکارا را با عجله هر چه تمامتر ترك گفت و به این ترتیب ترکیه توانست خارج از

صحنه جنگ قرار گیرد.

ترکیه در زمان جنگ

این مسئله را هیچگاه نباید از نظر دور داشت که ترکیه در نتیجه جنگ اول جهانی خسارات فراوان دید. نخست در جنگهای بالکان و جنگ با ایتالیا و سپس در جنگ بایونان (در واقع ترکیه از سال ۱۹۱۱ تا سال ۱۹۲۳ رسماً در جنگ بود). اگر بخواهیم سیاست بی طرفانه ترکیه را در جریان سنوات ۱۹۴۵ - ۱۹۳۹ به خوبی درک کنیم باید به این مسئله اذعان نمائیم که این دولت با وجود قدرت نظامی خود در مقابل دو همسایه مهیب و بزرگ آلمان ۱۹۴۲ و روسیه پس از آن تاریخ، بسیار کوچک و ناچیز بود. از بهار سال ۱۹۴۰ به بعد تا پایان جنگ دوم جمهوری ترکیه پیوسته خود را تحت فشار دو طرف متخاصم که هر یک میخواست آن دولت را با خود متحد سازد، می دید. به همین مناسبت با وجود آنکه سپاهیان خود را تحت السلاح و مهیا نگاهداشته بودند ناگزیر از امضای قرار داد دوستی و مودت با طرفین متخاصم گردید. از آن جمله در سال ۱۹۴۱ با بلغارستان و سپس با روسیه معاهده عدم تهاجم را امضا کرد و با آلمان در سال ۱۹۴۲ (۱۱ ژوئن) قرارداد مودت را منعقد ساخت. ترکیه مانند جمیع دول بیطرف به محض آنکه آلمان در آستانه شکست و تسلیم قرار گرفت به آن دولت اعلان جنگ داد. بی طرفی ترکیه از لحاظ اقتصادی نتیجه خوب اما موقت را در برداشت و به علت احتیاجی که دول متخاصم داشتند تمام محصولات خود را به آنان فروخت و از این راه منافع سرشار حاصل کرد.

کمک آمریکا به ترکیه

پس از خاتمه جنگ اهمیتی که امریکا با فتوحات خود در سال ۱۹۴۵ بدست آورده بود و همچنین توسعه مبادلات تجاری بین آن دولت و ترکیه باعث شد که دولت اخیر الذکر در شبکه سیاسی ملل آنگلو ساکسون قرار گیرد. این مسئله مسلماً به

نفع ترکیه تمام شد. شکی نبود که این دولت قسمتی از آزادی خود را از دست داد، اما منابع مهم کمک امریکاموجب گردید که ترکیه تشکیلات صنعتی و فلاحی خود را وسیع تر سازد و بتواند موقع مناسبی در مقابل جماهیر شوروی تحصیل کند. عقیده اشتراکی تا آن زمان از دایره سیاست ترکیه مطرود شده بود، اما احساسات مردم با روسیه که آن را دولتی دوست میدانستند، موافقت تمام داشت. درهم شکسته شدن قدرت آلمان و بوجود آمدن و توسعه شبکه ممالک اشتراکی مردم ترکیه را بر آن داشت که مودت و دوستی روسیه را فراموش کنند و خطر کمونیسم را خطری بزرگ جهت کشور خویش بدانند و از طرفی اقدامات شوروی راجع به تجزیه قسمتهای مورد ادعای خود از ترکیه و ایران رفت، و آمد آزاد در بغازهای بسفر و داردانل و از طرف دیگر اتکائی که دولتین اخیر الذکر در واشنگتن بدست آوردند ترکیه را به شاهراه سیاست جدید کشاند و از آن پس حکومت ترکیه مرام اشتراکی را غیر قانونی دانست و در جرگه O.N.U. وارد شد و از سیاست بی طرفی دست کشید و به موجب طرح «مارشال» تقاضای کمک از امریکا کرد. این کمک که در سال ۱۹۴۷ بتصویب کنگره امریکا رسید، مسلماً کمتر ازمیزانی بود که امریکامی بایست در دفاع ترکیه و تجدید حیات صنعتی آن دولت بکار برد. به این ترتیب ترکیه در سیاست اقتصادی و اجتماعی خود تجدید نظر کرد و با تصمیمات لازم سرمایه های خارجی را به کشور کشاند. و با اتخاذ روش حمایتی مرزهای خود را بروی کالاهای وارداتی گشود.

ترکیه دموکرات

شکست دولتهای فاشیست و نفوذ شیوه دموکراسی غرب بالا جبار ترکیه را در راه دموکراسی رهنمون شد. این دولت حقیقتاً تصور میکرد اقدامات آتاتورک چنان با استحکام و قدرت تمام در سراسر کشور برقرار شده است که موجبی جهت نگرانی وجود ندارد. از طرف دیگر عوامل و افکار جدیدی در مردم ترکیه به منصه ظهور

رسیده است که با وجود اختلاف عقاید مسلکی دولت میتواند مملکت و مردم را اداره نماید. بنابراین روش خود را تغییر داد و مردم را در تهیه و انتشار فهرست اسامی نامزدهای انتخابی آزاد گذاشت. این اقدام به هیچ وجه مخالف حس ملیت نبود و دولت در نظر نداشت در مقابل کارهای انجام شده دست به مبارزه زند. احزاب جدید (حزب دموکرات و حزب ملت) خواهان حکومت دیکتاتوری بودند. چه این احزاب توسط همکارانشان اداره میشدند و قصدی جز تمدید این نوع حکومت نداشتند. اولین آزمایش سیاسی و دموکراسی در انتخابات سال ۱۹۴۶ به مورد اجراء گذاشته شد. اما چون این احزاب و فکر دموکراسی بسیار تازه بود، نتوانست نتیجه کامل در موفقیت آنان بوجود آورد. حزب جمهوریخواه قدرت را در دست گرفت و اکثریت چشم گیری را حاصل کرد و تقریباً جمیع کرسیهای مجلس را از آن خود نمود. عده کرسیهای مجلس این ادعا را به اثبات می رساند. از این قرار:

۴۰۰	حزب جمهوریخواه مردم
۴۰	حزب دموکرات
۷	حزب ملت
۳	مستقل (منفرد)

چون دو حزب اصلی شکست خوردند حزب دموکرات از آن پس بدون رقیب اهمیت بسیار بدست آورد. حزب دموکرات توسط جلال بایار، همکار آتاتورك، وزیر نخست وزیر سابق، تشکیل شده بود. وی رجال و شخصیت های متنفذ را گرد خویش جمع آورد و عقیده خود را راجع به دموکراسی که طرف توجه مردم بود و رنگ آزادی در عالم اقتصاد داشت و از بعضی اصلاحات اجتماعی حکایت میکرد، منتشر نمود. مرام سیاسی او متکی بر این مسئله بود که در ترکیه رجال سیاسی و حتی احزاب باید در مقابل دولت سایه ای بیش نباشند و چون جمهوریخواهان در انتخابات موفق

شدند ریاست جمهور در کف با کفایت عصمت اینونو و حزب «خلق» قرار گرفت و حال آنکه اگر دموکراسی توفیق مییافت محال بود حکومت انفرادی یا دیکتاتوری به دست جلال بایار و حزب دموکرات افتد. بنابراین از آن پس فکر دیکتاتوری در ترکیه پایان پذیرفت. حزب خلق که از میدان انتخابات موفق بیرون آمد میبایست ارزش واقعی خود را نشان دهد. به همین مناسبت عصمت اینونو خود را آزادینخواه معرفی کرد و در سال ۱۹۴۷ به دو اصلاح مهم در حیات سیاسی و اجتماعی ترکیه دست زد:

۱ - با گذراندن قانونی از مجلس که متمم قانون سال ۱۹۳۶ بود، تشکیلات کارگری را بوجود آورد و به موجب این قانون مجلس ملی به کارگران حق (امانه بالاجبار) میداد سندیکای کارگران را تشکیل دهند و کارفرمایان را از دخالت در سندیکا و امور مربوط به کارگران ممانعت میکرد. با اجرای این قانون بلافاصله ۷۸ سندیکا که سیصد هزار نفر عضو داشت بوجود آمد و این سندیکاها بیشتر در شهرهای بزرگ تشکیل گردید. از طرف دیگر به موجب همین قانون سندیکاهای کارگران میتوانند با یکدیگر سندیکای بزرگی را تشکیل دهند. امامان سندیکا - های ممالک متحده باید از دخالت در امور سیاسی خودداری کنند و به هیچ وجه از حق اعتصاب استفاده ننمایند. چون در سال ۱۹۵۰ در قانون کارگری تجدید نظر بعمل آمد مسئله اعتصاب دوباره جزء مسائل روز قرار گرفت. احزاب مخالف خواهان حق اعتصاب بودند. اما خود کارگران اعلان کردند که این مطلب در فهرست تقاضا - های آنان نیامده است و به این ترتیب معلوم شد که حتی طبقه کارگر میخواهد آرامش و امنیت در ترکیه برقرار باشد.

۲ - ترکیه که از انتشار و توسعه عقاید اشتراکی بیم و هراس داشت با آنکه این عقیده جز مظاهر خشن و نادرست در افکار مردم بوجود نیآورده بود، اطمینان

یافت که بهترین وسائل و عوامل برای مبارزه با آن اسلام است که در روحیه مردم اثر عمیق داشت و متوجه این مطلب شد که توسل به قوانین و اصول این مذهب که مدتی بود ترکیه پشت پابه آن زده بود، تنها علاج این بلیه است. از طرف دیگر به علت آشنائی مردم با تمدن اروپائی و وسایل آن دیگر مانعی جهت توجه به عامل تفکر و تعقل که مایه عظمت ترکیه بود، وجود نداشت. این بود که بعضی اقدامات مؤثر در بازگشت مردم به اصول دین اسلام به عمل آمد و نتیجه این عمل آن بود که در سال ۱۹۴۷ حزب خلق تعلیمات مذهبی را در مدارس ابتدائی به صورت اجباری درآورد. دوماه مهم قانونی مزبور که توسط حکومت حزب خلق به مورد اجراء گذاشته شد آن حزب را دارای وجهه بهتری در موقع انتخابات دموکراسی ماه مه ۱۹۵۰ کرد. با این حال باید گفت که احزاب رقیب حزب جمهوریخواه تا حدی به تثبیت موقع خود پرداخته بودند. این احزاب که در سال ۱۹۴۶ مرام خود را به مورد آزمایش در انتخابات گذاشته بودند وقتی کافی داشتند که افکار مردم را در انتخابات ۱۹۵۰ مهیا سازند و برنامه خود را به آنان بشناسانند. از طرف دیگر بعضی مشکلات، محیط سیاسی ترکیه را تاریک ساخته موجب عدم اطمینان ملت نسبت به رهبران حزب شده بود. این مشکلات عبارت بودند از افزایش فوق العاده مخارج زندگی و وضع خراب اقتصادی کشور. از آن جمله نقصان عایدات بامقایسه مخارج که در سال ۱۹۴۸ به ۲۲۰,۰۰۰,۰۰۰ لیره ترک میرسید و در سال ۱۹۴۹ بالغ بر رقم ۱۱۸,۰۰۰,۰۰۰ میشد.

انتخابات ۱۴ مه سال ۱۹۵۰ با آزادی تمام (جز حزب کمونیست که نتوانست نامزدی اعلام دارد) انجام پذیرفت و در میان تعجب عمومی حزب دموکرات موفقیت کامل یافت. بطوری که ۸۹ درصد کرسیهای مجلس از آن اعضاء حزب مزبور گردید، در واقع حزب دموکرات غالب شد. ولی این غلبه و توفیق از راه بدست آوردن آرا

که فقط ۵۴ درصد مجموع آراء ترکیه را تشکیل میداد ، نبود بلکه باید عده نمایندگان را که از طرف آن حزب به مجلس رفتند در نظر گرفت . به این ترتیب :

۶۹

حزب جمهوریخواه مردم.

۴۰۸

حزب دموکرات

۱

حزب ملت

چندی نگذشت که اقدامات اولیه توسط حکومت جدید یعنی حکومتی که در آن جلال بایار رئیس جمهور و عدنان مندرس نخست وزیر بودند (هیئت وزراء فقط از نه تن وزیر تشکیل شده بود .) به مورد اجرا گذاشته شد : مالیات فان از میان رفت و مالیات مربوط به حیوانات اهلی نقصان یافت . اما می بایست هر چه زودتر موجبات ارضاء افکار عمومی را فراهم آورد و در این راه حکومت حتی لحظه ای کوتاهی نکرد و سعی نمود که از فقر و فاقه و فلاکت ملت بکاهد. به همین مناسبت چند روز پس از روی کار آمدن این حکومت ، قانون مربوط به عفو مجرمین سیاسی را به مجلس پیشنهاد کردند. در روز نهم ژوئن وزیر صنایع ترکیه اعلام داشت که جز صنایع عمومی و کارخانه های اسلحه سازی جمیع فعالیت صنعتی دولت به مؤسسات خصوصی واگذار میشود . از آن پس بابکار افتادن سرمایه های خارجی حکومت دموکرات نسبت به اوضاع و احوال تا اندازه ای خوشبین شد و حکومت جلال بایار راجع به امور مالیة کشور سیاست حکومت جمهوری را دنبال کرد . از اقدامات مهم در این مورد وضع قوانینی راجع به خزانه و مالیة کشور طبق قوانین خارجی و وضع مالیات بر عواید عمومی بود . اما به موجب یکی از مواد مربوط به قانون خزانه و مالیة ، کارگران روستائی موقتاً از پرداخت مالیات معاف شدند.

چندی از انتخابات جدید نگذشته بود که حزبی سیاسی با تمایلات اشتراکی بوجود آمد . اما دولت اقدامات قاطع را در خصوص کمونیست ها و طرفداران صلح

و اعضاء احزاب شبیه به آن ، به مورد اجراء گذاشت . این مسئله نیز قابل تذکار است که تغییر حکومت با مشکلاتی عظیم روبرو شد . به این معنی که در مارس ۱۹۵۱ بحران شدیدی در مجلس ملی ترکیه بوجود آمد و ظرف چهار ماه هیئت دولت آن کشور سه بار ترمیم شد تا سرانجام وضع ثابت به خود گرفت . افزایش عدۀ بیکاران که موجب ورشکستگی غالب مؤسسات میشد یکی دیگر از این مشکلات بود و به همین مناسبت این سؤال پیش می آید که آیا غلبۀ حزب دموکرات همان نتایج دردمندی را دربرداشت که انتظار آن را می بردند ؟ بعضی راجع به انحلال حزب گفتگومی کردند اما این امر صورت نگرفت و چند ماه بعد اوضاع به حالت عادی برگشت . دموکراتهایی که در رأس قدرت قرار گرفتند قوۀ شدید محرکه ای را در ترکیه بکار انداختند . نخست وزیر جدید بدون هیچگونه کنترلی سیاست جدید را رهبری نمود و کوشش کرد که کشور را از سیاست آتاتورک ، که شهرت و محبوبیت او بشدت هر چه تمامتر در سراسر ترکیه باقی بود ، دور کند .

طرح اصلاحات جدید فراوان بود ولی وعده هایی که داده میشد هیچیک به نتیجه مطلوب نمیرسید . دولت مرتکب اشتباهات زیادی گردید . در پیچهای استفاده های نامشروع روز بروز گشوده تر میشد و متعصبین که جرأت کرده بودند پشت پاباصول آتاتورک بزنند ، از آن بهره های فراوان می بردند . طولی نکشید که يك حالت ارتجاعی خطرناك بمنصۀ ظهور رسید . ثروتمندان از راههای معاملات نامشروع به ثروشان افزوده میگردید و باوجود کوششی که دولت برای رفاه حال طبقه کشاورز از خود نشان میداد معدلك آنان فقیرتر و بیچاره تر میشدند . بحران اقتصادی بطور وحشتناکی بوجود آمد . مخارج ارتش نوین بحداعلا و طاقت افزایش یافت . وضع سربازانی که در جنگ کره با شجاعت و تهور و دلاوری می جنگیدند و بذاك و خون می افتادند ،

افکار عامه را بخود مشغول کرده بود. در دانشگاهها و سر بازخانه‌ها همگی دولت را به سوء استفاده و انحراف متهم میکردند. کار عدم رضایت بجائی کشید که سرانجام در ۲۸ آوریل ۱۹۶۰ دانشجویان اعتصاب عمومی اعلام کردند و به تظاهرات خیابانی پرداختند ولی دولت باتمام قوا برای برانداختن تظاهرات و اعتصاب دانشجویان به يك سلسله اقدامات خشونت آمیز دست زد، همین امر بیشتر بر عدم رضایت عمومی افزود. هنوز يك ماه از این واقعه نگذشته بود که در تاریخ ۲۷ ماه مه ارتش با کودتائی، که آنرا « انقلاب نوین ملی » نامیدند زمام امور را بدست گرفت و تمام وزیران و نمایندگان مجلس دموکرات را بزندان انداخت و در دادگاههایی که شهر یاسی آوا تشکیل داد آنان را محاکمه کرد و جمعی به زندان و عده‌ای را به اعدام محکوم نمود، از جمله عدنان مندرس و بعضی از یاران او اعدام شدند.

تمام این اقدامات بعمل آمد که بلکه بتواند کشور را به وضع قانونی سابق برگشت دهد. ژنرالهای ارتش بهیچوجه مایل نبودند قدرت مملکتی را در اختیار نگاهدارند. تنها در نظر داشتند به مملت بفهمانند که دولت سابق نسبت به آنان خیانت کرده است بنابراین قانون اساسی جدیدی پیشنهاد نمودند. مدت چهارده ماه بطول انجامید تا با تبلیغات دقیق و دامنه دار واتخاذ راههای قانونی به مقصود خویش نائل آیند. متن و مفاد قانون اساسی بطوری بود که خواه ناخواه رضایت عمومی را جلب میکرد. طبق این قانون حق اعتصاب و آزادی اصناف و مطبوعات و افکار بر رسمیت و قانونی شناخته شد و با مرخصی با استفاده از حقوق کارگران موافقت بعمل آمد. دولتی ملی و دموکراتیک و غیر مذهبی و اجتماعی در قانون اساسی جدید پیش بینی گردید. قوه قانونگذاری به مجلس کبیر با ۴۵۰ نماینده که با انتخابات عمومی برای چهار سال انتخاب میشدند و ۱۵۰ سناتور که ثلث آنان پس از دو سال تجدید انتخاب میکردیدند، واگذار شد. قوه مجریه به ریاست رئیس جمهور برای مدت

هفت سال بدون تجدید انتخاب محول گردید. رئیس جمهور حق انتخاب نخست وزیر را داشت. قوه قضائیه استقلال کامل بدست آورد. با این تفصیل قانون اساسی جدید در ۹ ژوئیه ۱۹۶۱ فقط با ۶۲ درصد آراء بتصویب رسید.

ارتش بنا بوعده‌ای که داده بود به انتخابات عمومی اقدام کرد ولی در ضمن هم نتوانست تمایل خود را نسبت به جمهوریخواهان مخفی کند. اقدام ارتش با مخالفت های شدید برخورد کرد. احزاب جدیدی که سرعت تشکیل گردید عموماً تمایل خود را نسبت به دموکراتهای کنار رفته، اعلام داشتند (حزب کمونیست مانند سابق غیر قانونی و حزب کارگر هنوز در میدان داخل نشده بود). حزب ملی، حزب دهقانان، حزب ترکیه جدید و مخصوصاً حزب عدالت در مجلس جدید اکثریت پیدا کردند. با این ترتیب بود که ناگهان تجزیه عمیقی در کشور پیش بینی شد. از یک طرف طبقه دوم (بورژوازی) و توده های عظیم دهقانان و کشاورزان و متعصبین در مذهب موضوع کودتا را محکوم کرده در صدد برآمدند جداً با آن مخالفت نمایند. از طرف دیگر روشنفکران و ارتشیان منافی از کودتا انتظار داشتند، چون وضع را بقرار سابق دیدند آنان نیز ناراضی و متغیر شدند. تمام راههای حل غیر ممکن و جنگ داخلی حتمی الوقوع بنظر آمد، تا سرانجام کار بجائی رسید که در سال ۱۹۶۳ برای بار دیگر سرهنگهای ارتش تصمیم گرفتند کودتای ژنرالها را تجدید نمایند ولی اقدامات آنان بی نتیجه ماند و انتخابات سال ۱۹۶۵ اوضاع سال ۱۹۶۱ را تثبیت و تأیید نمود. پیش آمدی که قاطبه ملت ترکیه برای پیدا کردن راه حل و رهائی از بن بست بدان رضایت دادند.

به مسائل سیاسی موضوعات نژادی و مذهبی اضافه گردید. بنظر آمد که مسئله اقلیت در ترکیه پس از اخراج ارامنه و یونانیان حل و فصل شده است ولی با وجود دومیلیون کرد در مناطق شرقی مسئله مزبور مجدداً مورد بحث و مبتلا به سیاست

کشور قرار گرفت. شناسائی تمام حقوق افراد ترك نتوانست رضایت خاطر کردها را فراهم آورد. پیروان مذهب شیعه بر اثر امتیازات زیادی که به سنی‌ها داده شده بود مدعی بودند از نظر اهمیت تعداد و دارا بودن شخصیت به آنان نیز همان اهمیت را بدهند.

در همین زمان بحران بود که مسئله قبرس بمیان آمد. با اینکه ترکیه بهیچوجه سبب بروز چنین حادثه‌ای نشد ولی مصمم شد که با اتکاء به افکار عمومی و وحدت ملی، نگذارد منافعی در مخاطره افتاده آلت دست قرار بگیرد. ولی این موضوع بدون حادثه و دردرس بجریان نیفتاد. ترکیه هیچگاه ادعای ارضی نداشت و در نهایت اخلاص طالب صلح بود و با وجود اینکه دولتی عرب نبود معذلك در مبارزه میان اعراب و اسرائیل دخالت نکرد و با نهایت دقت کوشش نمود که روابط و مناسبات خویش را با همسایگان و با ایران^۱ و کشورهایی که سابقاً در

۱- همکاری عمران منطقه‌ای

هنگامیکه وزرای خارجه ایران و پاکستان و ترکیه در روزهای دوازدهم و سیزدهم تیرماه ۱۳۴۳ شمسی در شهر آنکارا تشکیل جلسه دادند به این امر پی بردند که برای همکاریهای اقتصادی و فنی و فرهنگی این سه کشور هنوز امکانات تازه و فراوانی وجود دارد که می‌تواند خارج از چارچوب همکاریهای دوجانبه یا چندجانبه موجود بین آنان توسعه یابد. لذا تصمیم گرفته شد که کارشناسان و مأموران عالیرتبه سه کشور تشکیل جلسه دهند و طرحهای خاصی تدوین کنند تا مساعی ملی جهت پیشرفت وضع اقتصادی آنان از طریق همکاری عملی و منطقه‌ای تحکیم و تقویت شود.

در تاریخ بیست و نهم و سیام تیرماه ۱۳۴۳ کنفرانس عالی سران کشورهای ایران و پاکستان و ترکیه در کاخ دلمه باغچه استانبول تحت ریاست شاهنشاه آریامهر تشکیل گردید. سران سه کشور ضمن تأیید ایمان راسخ خود باینکه همکاری منطقه‌ای عامل مؤثری برای فراهم نمودن موجبات پیشرفت سریع اقتصاد ملی میباشد و در تقویت ارکان صلح و ثبات

خاور نزدیک و یا در بالکان تابع امپراطوری بودند و بایونان دوستانه و محبت آمیز نگاه دارد ولی قبرس به این دوستی ناپایدار و قعی نگذاشته در پی دوستیهای محکمتر و پایداری افتاد.

جزیره قبرس که از متعلقات قدیمی امپراطوری عثمانی بود استقلال یافت ،

→ نقش اساسی دارد تصمیم گرفتند که همکاریهای موجود بین آنها جهت حفظ مصالح مشترك مردم در سراسر این منطقه بیش از پیش تقویت و توسعه یابد .

سران سه کشور پس از بررسی اقداماتی که بوسیله وزرای خارجه در راه پیشرفت همکاری بین سه کشور بعمل آمد ، پیشنهادهای مذکور در گزارش کنفرانس وزیران را تأیید کردند و بعلاوه تصمیم گرفتند که اقدامات مربوط باین طرح تازه همکاری تحت عنوان « همکاری منطقه ای برای عمران » صورت پذیرد ،

همکاری منطقه ای برای عمران رشته های نیرومند فرهنگی و تاریخی سه کشور ترکیه ایران و پاکستان را بیشتر بیکدیگر پیوند داد و اساس محکمی را برای همکاری میان آنان بوجود آورده است که بیش از پیش بشفع مشترك مردم تمامی منطقه مزبور است. همکاری میان سه کشور ایران و ترکیه و پاکستان یکی از خصوصیات بارز عصر حاضر بمنظور تکمیل مساعی روزافزون ملی ، برای تأمین رشد سریع اقتصادی بشمار میرود .

موارد اصولی که در این همکاری مورد توجه سران کشورهای ایران و ترکیه و پاکستان قرار گرفته است عبارتند از :

۱- ایجاد مبادله آزاد یا آزاد تر کالاها و وسائل عملی گوناگون از قبیل انعقاد قرارداد های بازرگانی .

۲- برقراری همکاری بیشتر میان اطاقهای بازرگانی و احیاناً ایجاد اطاقهای بازرگانی مشترك .

۳- تنظیم و اجرای برنامه هایی که بمنظور تأمین منافع مشترك طرح می گردد .

۴- تقلیل نرخهای پستی میان سه کشور بمیزان تعرفه های داخلی .

۵- بهبود خطوط حمل و نقل هوایی داخل در منطقه و احیاناً ایجاد يك خط هوایی بین-المللی مجهز بین سه کشور که توانائی رقابت با سایر خطوط هوایی را داشته باشد .

۸۰ درصد جمعیت این جزیره را یونانیان و ۲۰ درصد آنرا ترکان تشکیل میدهند. سکنه یونانی جزیره بنام روش دموکراسی به الحاق به یونان علاقمندند ولی دولت آنکارا وسکنه ترك نشین قبرس به نام حقوق ملتها و آزادی عمل در محل سکونت خود، با عقیده و تمایل سکنه یونانی نشین مخالفت کامل دارند. اتحاد ترکیه و کشور های متحده امریکا درباری امر به موضوع قبرس لطمه وارد آورد، زیرا کشورهای

→

۶- مطالعه درباره امکانات تأمین يك همکاری نزدیک در امر کشتیرانی ومنجمله تأسیس يك خط مشترك دریائی ویا تشکیل يك کنفرانس کشتیرانی منطقه ای.

۷- انجام مطالعات و بررسیهای لازم برای ساختمان و بهبود وضع ارتباطی راه و راه آهن بین سه کشور.

۸- انعقاد قرارداد بمنظور جهانگردی در منطقه.

۹- لغو تشریفات مربوط به روادید عبور بین سه کشور بمنظور تسهیل مسافرت.

۱۰- کمک ومعاذت فنی بیکدیگر از راه اعزام کارشناس و ایجاد تسهیلات مربوط به تعلیم و پرورش کادرهای فنی.

۱۱- مطالعه و بررسی کلیه امکانات موجود بخاطر توسعه همکاری در امور فرهنگی بین سه کشور بمنظور ایجاد حسن آگاهی در توده های مردم نسبت بمیراث فرهنگی مشترك واشاعه اطلاعات لازم درباره تاریخ و تمدن وفرهنگ ملل منطقه.

در اجرای این هدف ها طی مدت کوتاهی که از عمر همکاری میان سه کشور ایران و ترکیه و پاکستان میگذرد موفقیت های درخشانی نصیب مردم این کشورها گردیده است. برای توسعه صنایع ملی و ایجاد کارخانه های جدید در کشورهای عضو سازمان همکاری عمران منطقه ای طرح های وسیعی تهیه شده که در کمیته طرح های مشترك مورد بررسی قرار گرفته است.

بر اساس طرحی که کمیته راه و راه آهن تنظیم کرده است پروژه ساختمان شاهراه زمینی بین آنکارا و تهران و کراچی تا سال ۱۳۴۷ و برنامه اتصال خطوط آهن سه کشور بیکدیگر تا سال ۱۳۴۸ خاتمه پذیرفته.

←

متحدہ امریکا بواسطہ دوستی و اتحاد با یونان و ترکیہ در حال بالاتکلیفی و تردید باقیمانده نمی توانست در حل مسئلہ تصمیم قاطع بگیرد، امری کہ سبب رنجش و کدورت دولت ترکیہ گردید. دولت آنکارا با وجود وفادار ماندن بہ اتحادیہ آتلاتیک احساس کرد کہ بہتر است جانب بی طرفی را رعایت نماید. بنابراین تصمیم گرفت بہ تدریج خود را از مرکز دور نگاہ دارد و ضمناً در صدد برآمد روابط خود را با اتحاد جماہیر شوروی حسنه نماید.

ترکیہ و وحدت اروپا^۱

وحدت اروپا یکی از مسائل بسیار جدید زمان حاضر است کہ آیندہ اروپا بدان بستگی کامل دارد. فکر ایجاد یک اروپای متحد از مدتہا پیش بہ منصہ ظہور رسیدہ است ولی در فاصلہ دو جنگ این فکر مورد بحث قرار گرفت و پس از جنگ جهانی دوم بہ ثمر رسید. در حال حاضر روزی نیست کہ این موضوع مورد بحث قرار نگیرد و بسیاری از سازمانہای اروپائی بہ فکر عملی کردن نقشہ وحدت اروپا باشند.

→ کمیٹہ نفت سازمان ہمکاری منطقہای پس از مطالعات بسیار بشورای برنامہ ریزی پیشنهاد کرد کہ کشور فعالیت مشترکی را برای بہرہ برداری از معادن نفت منطقہ مغان (شمال آذربایجان) انجام بدهند. این پیشنهاد تصویب شد و ہم اکنون کارشناسان برای اجرای این برنامہ مطالعات عمیقی را آغاز کردہ اند.

توسعہ صنعت کشتی سازی در شمار طرحہای مشترکی است کہ کارشناسان سہ کشور مطالعات عمیقی را دربارہ آن انجام دادہ اند.

مبادلہ کارآموز و کارشناس برای بالا بردن میزان اطلاعات کارکنان فنی سہ کشور در شمار برنامہ ہائی است کہ اجرای آن از سال گذشتہ آغاز شدہ است.

سہ کشور برای بسط بازرگانی کوششہای مشترکی را آغاز کردہ اند. براساس طرح استاندارد کردن کالاہای مشترک ہرگونہ رقابت کہ بزیان اقتصاد کشورہای عضو باشد در آیندہ از بین خواہد رفت.

سازمانهای بین‌المللی در اروپای پیش از جنگ ناشناس نبودند ولی سازمانی که برای عملی شدن این طرح بوجود آمد بسیار جدید است و تازه‌گی دارد.

دخول ترکیه در سازمانهای مختلف اروپائی در هنگام تشکیل کنفرانس بین‌الملل مورد بحث و گفتگوهای فراوانی گردید. سؤالهای بی‌شماری در مجامع عمومی فرهنگی مطرح مذاکره قرار گرفته است از این قرار: از نظر جغرافیائی آیا ترکیه جزء کشورهای اروپائی محسوب میشود؟ اروپای متحد نباید منحصرأ از کشورهای مسیحی تشکیل شده باشد؟ در موضوعهای نژادی و اجتماعی آیا میان ترکیه و ملت‌های اروپا وجه تشابهی بنظر میرسد؟ آیا ترکیه دارای نظام دموکراسی هست؟ برای پاسخ دادن به سؤالات مزبور ناچار باید به گذشته این کشور توجه نمود. در قرن هیجدهم یلیفیلد^۱ چنین گفت «حقوق عمومی بر اساس اعمال انجام شده^۲ پایه گذاری شده و برای شناسائی آن باید تاریخ دانست». «تهاجم ترکان، ورود آنان به قاره اروپا مانند آخرین تحریک نژادی است که بلافاصله پس از دوران (مهاجرت ملت‌ها) در فاصله قرون دوم و ششم میلادی، انجام شده است». آسیای مرکزی سرزمین اصلی تمام ترکان است. ترکان از گروه «آل‌تائی» هستند که نفوذ ورخنه آنان از دوراه به اروپا انجام گردید.

دسته‌ای پس از عبور از شمال دریای خزر در فنلاند و هنگری و بلغاری مستقر شده به دین مسیح گرویدند. دسته‌های دیگر از جنوب دریای مزبور گذشته در سال ۱۰۷۱ در آسیای صغیر سکونت اختیار کردند و با تماس با ایرانیان دین اسلام را پذیرفتند.

جمهوری ترکیه جانشین امپراطوری عثمانی گردید. موجودیت آن در سال ۱۹۲۳ اعلام و مبنای نظام حکومت آن بروش اجتماعی و سیاسی مغرب‌زمین استوار

شد. دولت جمهوری مسائل مذهبی را که عامل مؤثر در سیاست و اجتماع امپراطوری عثمانی بود کنار گذاشت. ترکیه کنونی مانند پلی آسیا و اروپا را بیکدیگر مرتبط میسازد.

از زمانهای بسیار قدیم فیلسوفان و نویسندگان و زمامداران و رهبران دولتها و کلیسا موضوع وحدت اروپا را مورد مطالعه قرار داده روی آن کار کرده اند. نظرات و عقاید آنان در این باره بسیار متفاوت است. برخی معتقدند که وحدت اروپا میسر نخواهد شد مگر اینکه تمام کشورها در زیر ریاست یک رهبر و یا یک کشور قرار بگیرد. بعضی دیگر اعتقاد دارند که باید میان تمام حکومتها و بخصوص میان پادشاهان وحدت حقیقی و کامل وجود داشته باشد. در قرون وسطی فکر وحدت با بروز جنگهای صلیبی که از فکر دستگاه روحانیت کاتولیک سرچشمه میگرفت، خودنمایی نمود. جنگهای صلیبی جنگهایی بود که در قرون ۱۱ و ۱۲ میلادی میان اروپای مسیحی با دنیای مسلمان مشرق زمین در گرفت. اگر در آغاز، جنگهای مزبور بوسیله کلیسا رهبری میشد در اواخر قرون وسطی پایها اجازه دادند تا سلاطین مستقیماً در این کار دخالت نمایند.

پی.یردوبوآ^۱ قاضی فرانسوی در قرن چهاردهم ایجاد یک هیئت ائتلافی از کشور های مسیحی را زیر اداره شورائی که اعضای آن از غیر مذهبی های محتاط و بصیر تشکیل شده و تحت نظارت پاپ باشد، به بهانه جنگ دیگر صلیبی، علیه تهدید ترکان توصیه کرد.

ژرژ پودیراد^۲ پادشاه بوهیم در قرن شانزدهم، پس از تصرف قسطنطنیه بوسیله ترکان در سال ۱۴۵۳ به دولتهای غربی پیشنهاد نمود که اتحادیه ای از مجمع پادشاهان و امرای مسیحی بمنظور تأمین و استقرار صلح و مبارزه علیه تضعیف مسیحیت در

برابر امپراطوری عثمانی تشکیل شود. طرح وی شامل اتحادیه‌ای از دولتها یاهیت ائتلافی بود که کلیه ارتش و اعضای اداری اعتبارات مالی مخصوص بخود داشته باشد. ژان بودن^۱ یکی از متفکرین عالیقدر قرن شانزدهم تشکیل اتحادیه اروپائی شامل دولتهای مسیحی و ترکان و دولت مسکوی را پیشنهاد نمود. به عقیده وی روسها و ترکها به مناسبت نحوه تمدنی آنها جزء اروپا محسوب شده بتاریخ جهانی ارتباط دارند. امرک کروسه^۲ کشیش فرانسوی قرن ۱۷ با الهام از عقیده پی‌یر دو بوآ لزوم يك تشکیلات مفید بین الملل جهانی را توصیه نمود. کروسه یکی از اولین کسانی بود که بپیشنهاد خود منافع اقتصادی را در نظر گرفت و آنرا بکشورهای دوردست آن زمان ترکیه و چین سرایت داد و اعضای این تشکیلات را ضمن طبقه بندی به این قرار تعیین نمود: ۱- پاپ، ۲- سلطان، ۳- امپراطور، ۴- پادشاه فرانسه و غیره. در سال ۱۶۹۳ ویلیام پن^۳ انگلیسی در کتاب خود «کوشش در راه صلح حال و آینده اروپا بوسیله دیت مجلس شورای دولتها»^۴ از تشکیل اتحادیه‌ای از پادشاهان اروپائی که بوسیله قرارداد دائمی به یکدیگر پیوسته شوند، صحبت میکند و تعداد اعضای اتحادیه را بر حسب اهمیت اقتصادی و تعداد جمعیت معین مینماید. هیئت ائتلافی پن دارای تشکیلات وسیعی است که در آن روسیه و ترکیه نیز منظور گردیده است و تعداد اعضای آنرا به این قرار متذکر میشود: امپراطوری ۱۲ نفر، فرانسه ۱۰ نفر، ترکیه ۱۰ نفر، روسیه ۹ نفر، اسپانیا ۱۰ نفر، ایتالیا ۸ نفر، انگلیسی ۶ نفر و غیره.

دوک دوروهان^۵ ژنرال فرانسوی در قرن ۱۷ در یکی از آثارش از لزوم

William Penn - ۳

Emerc Crucé - ۲

Jean Bodin - ۱

« Essay towards the present and future peace of Europe by
the establishment of an European Deyet parliament States of »

Duc de Rohan - ۵

استقرار نوعی نظام سیاسی اروپائی که ترکیه در آن شرکت داشته باشد، سخن میراند. از نظر او ترکیه دشمن دولت و نیز و امپراطوری (هابسبورگ) است نه مسیحیت. در قرن هجدهم طرح اتحادیه اروپائی مورد توجه نویسندگان و فیلسوفانی مانند ولتر و مونتسکیو و کانت قرار گرفت.

دانشمندان مذکور در درجه اول بیشتر به استقرار صلحی دائمی معتقد بودند تا به اتحادیه اروپائی. در سال ۱۹۰۰ در هنگام برگزاری جشن بیست و پنجمین سال تأسیس آموزشگاه آزاد علوم سیاسی، کنگره ای بوسیله دانشجویان قدیمی این آموزشگاه تشکیل گردید. آناتول لوروآ بولیو^۱ استاد آموزشگاه مزبور نظر خود را مبنی بر ایجاد اتحادیه ای از دولتها در کنگره اظهار داشت. این اتحادیه شامل تمام کشور های لاتین و ژرمن و مستعمرات ماوراء بحار میشد. ترکیه در اتحادیه در مقام درجه دوم بود. بریتانیای کبیر و روسیه، به علت برهم زدن تعادل نباید در این اتحادیه شرکت نمایند (بریتانیای کبیر به سبب منافی که در تمام دنیا دارد و روسیه به مناسبت اینکه هیچگاه در جرگه دولتهای اروپائی نبوده است).

در حقیقت باید گفت که امپراطوری عثمانی با اینکه قدرت زیادی در تمام شبه جزیره بالکان داشت هیچگاه عضویت آنرا در طرح های اتحادیه اروپائی منظور نکردند و در بسیاری مواقع دولتهای مسیحی اروپا مجبور شدند تمام قوای خود را علیه تهدید ترك متمرکز سازند.

امروزه ترکیه کشوری است غیر مذهبی که قوانین آن بر اساس قوانین اروپائی مبتنی شده است. مذهب عملاً هیچ گونه قدرتی در سیاست ندارد و اگر گاه اثری از آن مشاهده شود در نتیجه وجود نسلی است که از سابق باقی مانده که آن هم در حال اضمحلال است. در اولین اجلاس مجمع بزرگ ملی (۲۳ آوریل ۱۹۲۰)

مصطفی کمال پاشا نظرات سیاسی خود را از این قرار تشریح کرد: «تضمین امنیت دولت و بسر بردن در مناسبات دوستانه با تمام دولتها بخصوص با دولتهای همسایه» ترکیه از این پس تمام نیروی خویش را برای عملی کردن نظرات رهبر خود به کار انداخت. پس از انعقاد معاهده لوزان با اصلاحاتی که در ترکیه بعمل آمد، این کشور را در ردیف شخصیتهای غربی قرار داد. وقایع بزودی تأثیر این کشور را در مسائل خارجی نمایان ساخت. ترکیه دعوت شد تا در مجمع بین الملل شرکت نماید (۱۹۳۲). جمهوری ترکیه در ژوئیه ۱۹۳۲ برای نشان دادن تمایلات صلحجویانه با وجود اختلافاتی که در داخل مجمع بین الملل بوجود آمده بود، رضایت خود را در شرکت مجمع اعلام داشت. روزی که نماینده ترک برای اولین بار در جلسه شرکت کرد تمام اعضای مجمع به وی و جمهوری جوان ترکیه تبریک گفتند. رئیس مجمع بیاناتی به این شرح ایراد کرد «ترکیه در منتهی الیه اروپا در صورت و فکر و تمدنی مخصوص تشکیل شده است...».

نماینده ایتالیا در تعقیب سخنان رئیس مجمع چنین گفت «جای ترکیه چون عنصر اصلی در صحنه منافع سیاسی اروپا تا کنون خالی مانده بود.» از طرف دیگر قبل از پذیرش ترکیه در مجمع بین الملل چنانکه سابقاً مذکور شد، اقداماتی برای پذیرفته شدن در اروپای متحد بعمل آمده بود. بسیاری از کشورهای ساحلی مدیترانه بالکان برای دخول ترکیه در اتحادیه اروپائی به اقداماتی متوسل شده بودند. پاسخ-هائی که دولتها به اعلامیه بریان در این موضوع داده شده بود بسیار قابل ملاحظه بود.

ترکیه پس از ورود به مجمع بین الملل به عضویت کمیسیون که از سوی دولت برای مطالعه درباره اتحادیه اروپائی تشکیل شده بود، پذیرفته شد. ترکیه که مدت دو قرن کوشش میکرد خود را در جمع کشورهای اروپائی درآورد، در این زمان به

مقصود و آرزوی خود رسید. باید اذعان کرد که جمهوری ترکیه برای اینکه سازمانهای اداری و اقتصادی خود را بشکل و ترکیب مغرب زمین در آورد زحمات طاقت فرسایی را متحمل گردید. پس از اعلام جمهوری در سال ۱۹۲۳ ترکیه مصممانه به جانب اروپا روی آورد و با کوشش و ژرف بینی کمال آتاتورک موفق شد در جمع کشورهای اروپائی درآید هم اکنون دولت جمهوری برای اینکه بیشتر خود را با روش جدید تطبیق بدهد از هیچ گونه مجاهدتی دریغ نمیکند.

پس از جنگ جهانی دوم اروپا بیش از پیش خود را محتاج دید که به بنیان وحدت استحکام بخشد و برای انجام این مقصود لازم دید در مسائل اقتصادی و سیاسی و اجتماعی تجدید نظرهایی بعمل آورده در تثبیت و استحکام آن بکوشد.

در موضوع اقتصادی همبستگی خود را با امضای قراردادی که منجر به ایجاد O. E. C. E. شد، ثابت نمود. آخرین اقدام برای اثبات وحدت اقتصادی ایجاد سازمان بازار مشترک بود. طی قرون سابق سازمانهای متعددی بنام بازار مشترک در اروپا بوجود آمد که در وحدت و حتی ایجاد دولتهای جدید بسیار مؤثر بود. از جمله در قرن ۱۷ در فرانسه الغاء سدهای گمرکی بوسیله کولبر و در قرن ۱۸ در انگلیس با اعمال روش آدام اسمیت و در قرن ۱۹ در سوئیس با حذف مالیاتهای سرانه در ایالات مختلفه آن کشور، تماماً شواهدی بر این مدعاست. وحدت سیاسی ایالات متحده امریکا با وحدت اقتصادی قدرت و نیرو گرفت ولی شاهد بارزتر را باید در وحدت آلمان دانست. در قرن ۱۹ آلمان از تقریباً پنجاه دولت خودمختار تشکیل میگرفت که با این وحدت دواتی مقتدر و توانا بوجود آمد. معاهده ای که کشورهای اروپائی را با یکدیگر متحد و همدستان ساخت در ۲۵ مارس ۱۹۵۷ در رم به امضاء رسید و در اول ژانویه ۱۹۵۸ بمورد اجرا گذاشته شد و هدف آن گرچه ائتلافی از کشورهای اروپائی بود ولی در اصل از راه اقتصاد بود که به این هدف عالی رسیده شد.

بدبختانه اروپای آزاد از نظر اقتصادی با ایجاد A.E.L.E به دو قسمت متمایز تقسیم گردید. بیشتر محصولات ترکیه بطرف کشورهای عضو بازار مشترک سران بر گردید. در خصوص واردات نیز وضع بهمین منوال در آمد.

بنابراین طبیعی بنظر می آید که ترکیه بیشتر بجانب بازار مشترک (C.E.E) متمایل است تا بجانب A.E.L.E بخصوص پس از اینکه یونان به عضویت اولین سازمان اقتصادی پذیرفته شد.

ترکیه در سال ۱۹۶۴ شرکت خود را در بازار مشترک (C.E.E) اعلام داشت. اقتصاددانان و بازرگانان و سیاستمداران ترکیه از همان آغاز کار رضایت خود را برای عضویت بازار مزبور اظهار کردند. ولی نظرات آنان در نحوه عمل با یکدیگر متفاوت بود. برخی معتقد بودند که عضویت ترکیه بسیار لازم و ضروری است زیرا که از این راه میتواند از بانک سرمایه گذاری اروپا استفاده نماید، بعضی اعتقاد داشتند که اتحاد گمر کی سبب خواهد شد که محصولات ترکیه روبه پیشرفت گذاشته از جهات نوع و مرغوبیت بازارهای زیاد و خوبی بدست خواهد آورد. در نظر بعضی دیگر عضویت در بازار مشترک تغییر غیر قابل انکار و حتمی سیاست اروپائی است. در حقیقت باید گفت که این سه نظریه از یکدیگر جدا نبود یکی مکمل دیگری است. بعلاوه اروپا در برابر موضوعات اقتصادی مجبور است که در برابر دودولت نیرومند یعنی کشورهای متحده امریکا و اتحاد جماهیر شوروی ایستادگی کرده با آنها دست و پنجه نرم نماید.

بخش سوم

تمدن و فرهنگ

فصل اول

اندیشه و تمدن

تحولات و تغییرات در مذهب و گرایش به سوی غیر مذهبی شدن و روش تجدد - خواهی در ترکیه مانع از این نشد که ترکان را از راه و رسم و تمدن اسلامی منحرف سازد. تغییر وجهه ترکیه در اصول فکری و فرهنگی نتوانست نقاب گذشته را از چهره آن برداشته یا آنرا دستخوش تغییرات اساسی بنماید. روحیه و وجدان ملیت عمیقاً از جنگ استقلال و انقلاب ملی متأثر شده در آن تأثیر بسزائی بخشید. گرایش به سوی غرب جداً تعقیب گردید و از حرف یا طرح و یا خوش آیند توده خارجیان مقیم ترکیه، خارج شده با دقت و نظم و اطمینان به خود آمیخته به قدرت حقیقی و معنوی به مرحله عمل آمد.

گرایش به سوی غرب با اینکه در ارکان گذشته های ملت ترك تزلزل انداخت ولی نتوانست بکلی آن را مضمحل و نابود سازد و قدرت تأثیر و تخریب انقلاب

فکری ترکیه بطور قطع از انقلاب سال ۱۷۸۹ فرانسه شدیدتر بود ولی انقلاب کبیر نتوانست روحیه مردم فرانسه را تغییر داده به صورت دیگری درآورد. در حالی که در ترکیه انقلاب مزبور بکلی روحیه مردم آنرا تغییر داد و به وضع تازه‌ای درآورد. سی سال اتخاذ نظام جدید نمیتواند يك باره به هشت یا نه قرن گذشته پشت پازده آن را به بوته فراموشی بسپارد. بخصوص که مبنای این گذشته بر اصول دین اسلام مبتنی و استوار شده باشد. اسلام در رگ و ریشه افکار عمومی مردم ترکیه رخنه و نفوذ کرده بود و با اینکه این نفوذ چندان عمیق و مستقیم نبود، معذک به اندازه‌ای واضح و روشن به نظر می‌آمد که میتوان آن را عامل مؤثری در زندگی ملت ترك به حساب آورد.

اگر وضع و حالت ترکیه جدید و مرفی و مشابه با سایر ملت‌های غرب را در نظر بگیریم نمی‌توان باور کرد که این ملت توانسته باشد در فاصله يك ربع قرن خود را تا این درجه در راه پیشرفت و تجدد و تغییر و تحول انداخته باشد. مردان و زنان ترك هنوز دوران تعصب مذهبی و جدائی از یکدیگر، اندرونی و بیرونی را در خانه، و چادر و نقاب را در کوچه و بازار فراموش نکرده بسیاری بودند که آغاز و دوران جوانی را در این مرحله گذرانیده بودند. تمام آنچه را که با دنیای خارج ارتباط داشت فراموش کردند ولی مسائلی که به روحیه دنیای درونی مربوط میشد هنوز پا برجا بوده در قلوب آنان باقی ماند و اگر هم واقعا تصمیم داشتند و اصرار می‌ورزیدند از عادات و رسوم که بنام مذهب بدانان تحمیل شده و یا خود بدان عادت و خو کرده بودند، دست بردارند و آثار گذشته به اندازه‌ای مؤثر و عمیق بود که باین زودیها نمی‌توانست تصمیم و اصرار آنان را به مرحله عمل درآورد، بخصوص که ۹۸ درصد مردم ترکیه را مسلمانان تشکیل میدادند.

پیشرفت و ترقی فکری ترکان مسلمان

ترکان عثمانی از راه دنیای ایران و در زیر نفوذ فکر ایرانی دین اسلام را پذیرفتند. بنابراین باید گفت که نوع فکر و سبک روحی ایران در فکر و روح مردم ترکیه اثرات عمیق و مؤثری بر جای گذاشته است. از طرف دیگر قرآن مجید و رابطه غیر قابل اجتناب با دنیای عرب و تسلط بر امپراطوری بیزانس و سیله‌ای شده که ترکان عثمانی با روحیه و فکر عرب و یونانی، که در حال انحطاط سر می‌کرد، آشنا و نزدیک شوند.

مسلمانان قبل از ترکان به مطالعه و تحقیق در فلسفه یونانی بخصوص افلاطون و ارسطو پرداخته بودند. بنابراین نمی‌توان گفت که روح ترك از جهان و اصول و فلسفه عاری و برکنار مانده است ولی با اقتباس و تماس با سبک و روش عرب و ایرانی نتوانست خود را از مرحله الهیات و یا علوم اجتماعی خارج نگاهدارد. بنابراین خواه و ناخواه به قدرت نیروی مافوق الطبیعه پی برد و به عمق آن راه یافت و برای علوم عقلی اهمیت قائل شده از پیروی به احکام دینی و بعضی قوانین خشک آن سر باز زد و احکام علوم الهی را از راه و جنبه صوفیگری جستجو کرد. در آغاز زمانی که ترکان به دین اسلام گرویده بودند بزرگان و مقدسین و صوفیان عالیقدری در ترکیه بوجود آمدند.

مولانا جلال الدین دانشمند و صوفی بزرگ و عالیقدر ایرانی که مسکن و مأوای خود را در قونیه انتخاب کرد، اثر و نفوذ خارق العاده‌ای در روحیه ترك گذاشت. مکتب مولانا دسته جدید مذهبی در دین اسلام در سراسر آناتولی بوجود آورد. مذهب سنت در تمام طبقات مختلف اجتماعی رسوخ یافت و رائج شد. بعضی طریقه‌های دیگر مانند مذهب بکتاشیه (پیروان امیر بکتاش) بوجود آمد ولی در راه و روشی متفاوت از مذهب سنت.

احترام به قدرت و عقیده مذهبی و ارزش فوق‌العاده قرآن مجید بدون شك اصلی است که میتوان آنرا روحیه شرقی نامید. بطوری که دیدیم در قلمرو تاریخ تا چه اندازه يك قدرت مذهبی و آباء واجدادی با پذیرش فنون و اصول جدید که بیشتر جنبه انقلابی و شاید سرسختانه داشت، مخالفت می‌ورزید.

در حالی که غرب با ظهور طریقه پروتستان و آزادی در تعبیر و بحث در اصول وقوانین دین مسیح و وجود فلسفه با آراء و افکار نو پیشرفته خود برای اولین بار قدرت حکومت مطلقه پاپ، رهبر و رئیس روحانی کاتولیک، را دچار تزلزل و تشویش نمود، شرق حاضر نشد موضوع اصول را که بکشف الهام رسیده باشد مورد بحث و تفسیر قرار دهد و روح انسانی را آزاد و فارغ از هر قیدی ببیند. ضمناً این نکته را نباید از نظر دور داشت که پس از انتشار آثار فلسفی مانند کتاب «بحث و روش»^۱ در فکر و روحیه غرب تغییرات فاحشی بوجود آمد. کارتریانسم^۲ (اصول مکتب دکارت) در يك روز اصول عقاید و تعلیمات فلسفی قرون وسطائی را از میان برد و راه را برای افکار جدید صاف و هموار نمود. بسیاری تصور کرده‌اند که تقدیری بودن و بدبینی دوائر و نتیجه اصلی فلسفه اسلامی است.

در تمدن ترك پرده‌ای از غم‌واندوه مشاهده میشود. چنین تمدنی افرادی موقر و سنگین که کمتر لب‌به‌خنده می‌گشایند و احساساتی متمایل به شعر و عالم‌رو یا که بیشتر به درون خود می‌پردازند تا به عالم خارج، به وجود آورده است. ولی نمی‌توانیم قبول کنیم که اعتقاد به خدا وسیله شده باشد که از اشخاص قدرت و تحرك و میل به زندگی سلب شده باشد و همچنین نمی‌توان قبول کرد که روحیه ترك متمایل به بدبینی باشد زیرا در بسیاری از آنان ظرافت طبع و شادی و حالت تمسخر مشاهده میشود که درست عکس تصور فوق را نتیجه میدهد. پس از انقلاب مصطفی کمال پاشا در ترکیه

کرسپهای درس فلسفه جدید به وجود آمد. سدی که از مدتها پیش برای دفاع از دین اسلام کشیده شده و ممکن بود به زیان آن تمام شود، از میان برداشته شد. و نسل جوان خود را آماده کرد که با تمدن و افکار جدید هم آهنگ شده از آن پیروی نماید. روز به روز فکر و روحیه ترك روزه ترقی و پیشرفت سیر میکند. افکار اروپائی که مدت سه قرن در سیر و تکامل بود يك باره به این سرزمین هجوم آورد. اصول و مکاتیب فلسفی دکارت، ترجمه و منتشر شد. هجوم و جهش فرهنگی بیش از سایر اصلاحات و تحولات که جنبه غیر مذهبی داشت، سریعتر و مؤثرتر بود. روحیه غیر مذهبی ترك را نباید اجباراً روحیه جدید دانسته و یا بدان جنبه روحیه غربی داد. ما به هیچوجه نمیخواهیم اصول افکار و عقاید غرب را برتری‌یافت‌تر از اصول افکار و عقاید شرق بدانیم، بلکه آنرا معجون و مخلوطی از هر دو که به تدریج در حال بوجود آوردن اصولی نو وجودی است، میدانیم.

جدائی مذهب از سیاست^۱

اصلاحات مصطفی کمال، جدائی مذهب را از غیر آن ایجاب کرده بود. در اینجا این نکته مورد توجه است که تا چه اندازه روحیه مردم ترکیه این جدائی را تحمل کرده خود را بدان تطبیق داد.

دانستن این موضوع بسیار دشوار است که بدانیم تا چه حد ترکان در مذهب معتقد و مؤمن و متعصب باقی مانده‌اند.

با در نظر گرفتن سرشماری که از طرف دولت ترکیه به عمل آمد می‌رساند که اکثریت مردم ترکیه، مذهبی غیر مذهب اسلام را قبول نکرده‌اند و به هیچوجه از اینکه بگویند ما مسلمانیم ابائی نداشته و تردیدی ندارند. ضمناً هم نمیتوان گفت که شخصی مؤمن بوده و به مراسم دینی عمل می‌کنند. در مذهب کاتولیک حضور اجباری

در روزهای یکشنبه در کلیسا بهترین وسیله برای تشخیص معتقدین به مذهب است، در حالی که در اسلام چنین اجباری نیست که هر فرد مسلمانی مجبور باشد در روزهای جمعه به مسجد برود. از طرف دیگر به موجب اعلامیه دولت و رسوم متجددین، عبادت و نمازگزاردن در معابر ممنوع گردیده است و روزه گرفتن هم که خودکار مشکلی است و همه افراد جز با شرایطی قدرت انجام دادن آن را ندارند، نمی تواند ملاکی برای اثبات موضوع باشد. رفتن به حج هم (به محکمه معظمه) به بهانه بیماریهای واگیر، که سالها پیش از طرف دولت غدغن اکید شده بود مجدداً در سال ۱۹۵۲ اجازه داده شد و تعدادی از زائرین خانه خدا به وسیله هواپیما و یا کشتی به محکمه و سایر امکانه مقدسه به عربستان رفتند. بنابراین نباید بطور قطع گفت که سیاست غیر مذهبی دولت توانسته باشد خلل و تزلزلی در ارکان عقاید مذهبی مردم ترکیه وارد آورده باشد. با این تفصیل در محیط اجتماعات روشنفکر و در شهرهای بزرگ تمایلی به تجدد خواهی در امور مذهبی پیدا شد که اسلام برای آنان يك نوع فرهنگ و روش فکر کردن و اصلی در زندگی بشمار آمد. به عکس در دهات و قصبات عقیده مذهبی به همان قدرت و وحدت سابق باقی ماند و تغییراتی را که سیاست مذهبی دولت ترکیه انتظار داشت، بوجود نیامد.

تجددخواهی^۱

اصول تجددخواهی را در ترکیه باید مانند بی طرفی در مذهب در جریان عمل قضاوت نمود. دو چرخه سوار شدن و کلاه اروپائی به سر گذاشتن و گفتن (O.K.) و یا گفتن مرسی، علامت و نشانه تجددخواهی نبود. بلکه میتوان از این اعمال تمایل یا میل به تجدد خواهی را استنباط کرد.

ترکیه پس از گذراندن يك دوران اقتباس از روش زندگی فرانسوی يك باره

تغییر روش داده به سبک امریکائی در آمد. کشورهای متحده امریکا سرمشق خوبی برای مردم ترکیه شده است که با طیب خاطر از آن پیروی می نمایند. با این ترتیب نفوذ امریکا و بطور کلی نفوذ اروپا، درسراسر کشور ترکیه بطور وضوح مشاهده میشود.

در شهرهای بزرگ ترکیه زندگی اجتماعی بطور محسوسی شباهت کامل با نحوه زندگی اجتماعی اروپائی دارد.

در ترکیه مراکز بازی و قمار (کازینو) و رقص خانه ها و مراکز تفریح شبانه به سبک مغرب زمین، فراوان دیده میشود، استخرهای شنا و پلاژهای معروف در طول کناره های ترکیه، که مردوزن بالباس شنا به استحمام می پردازند، وجود دارد، تعداد میدانهای ورزش حتی برای مسابقات بین المللی که در آن جوانان از دختر و پسر با مربیان خود با لباسهای کوتاه به انواع ورزشهای بدنی ورژه رفتن اشتغال دارند، دیده میشود. اسب دوایی و ورزشهای زمستانی مخصوصاً اسکی که در کوههای پربرف این کشور به عمل می آید، مورد توجه شدید مردم مرفه و ثروتمند است. اتومبیل به تعداد زیاد در جاده ها در حال عبور و مرور هستند.

قطارهای راه آهن و اتوبوس های مسافربری و بخصوص هوانوردی که حتی زنان جوان بدان علاقمندند، نقاط مختلفه ترکیه و خارج از آن را به یکدیگر مرتبط میسازد. با این ترتیب ملاحظه میشود که در هر يك از شهرهای بزرگ ترکیه که باشید خود را در یکی از کشور های اروپائی مشاهده میکنید. ولی در نقاط دور افتاده و بخصوص قصبات و دهات مانند بسیاری از کشورهای دیگر، وضع زندگی به همان قرار سابق باقی مانده و تقریباً اثری از تجدد دیده نمی شود و اگر هم باشد بسیار ضعیف بوده پیشرفته نیست. تساوی مرد و زن که طبقات روشن فکر و دولت بدان اهمیت بسزائی میدهند، هنوز به معنای حقیقی خود دیده نمی شود. برق و الکتریسیته

که یکی از علائم بارز تمدن جدید است به بعضی از نقاط کشور راه نیافته است و بسیاری از شهرهای کوچک فاقد خطوط راه آهن و حتی جاده های شوسه میباشند . بنابراین ترکیه به اصلاحات اساسی و عمیق احتیاج دارد و به همین دلیل است که حکومت جوان ترکیه پس از برافتادن نظام قدیم با سعی و کوشش فراوان مصمم است در تمام شئون اجتماعی اعم از مادی و معنوی دست به اصلاحات عمیق و اساسی بزند . موضوعی که تاکنون اثرات آن به وضوح مشاهده میشود .

در باره کشورهای مشرق زمین پیوسته از وجود دسته های مرتجع و مخالف اصلاحات و تجددخواهی صحبت میشود شاید هم این موضوع صحت داشته باشد ولی به نظر می آید که در حال حاضر در ترکیه چنین افرادی وجود نداشته باشند که بخواهند مانع و رادعی برای اصلاحاتی که دولت مصمم است به عمل آورد ، بشوند . بلکه به عکس اکثریت ملت ترك با طیب خاطر و فعالیت شدید و اراده قوی خود را آماده هر گونه پیشرفت و ترقی کرده است .

سوسیالیسم

احکام و اصول سوسیالیسم بوسیله عده ای از مردان متفکر و روشنفکر در ترکیه مورد بحث قرار گرفته رواج یافت . ولی با وجود تشکیل يك حزب سوسیالیست تا این زمان از نهضت مارکسیست یا سوسیالیست آزاد که از کمونیسم سرچشمه گرفته باشد ، آثاری دیده نمی شود .

بدون تردید انقلاب کمالیست در اوضاع اجتماعی ترکیه اثرات بسزائی بخشید ولی نگذاشت راه برای نشر عقاید کمونیستی صاف و هموار شود . در ممالک آسیائی مانند سایر کشورهای جهان ، در اصلاحات اجتماعی بیش از هر چیز آثار نفوذ نهضت های توده ای دیده میشود . ترکیه به نظر می آید از حقیقت اجتماعی که مرام کمونیستی

بدان متکی باشد، برکنار مانده است ولی در آخر جنگ رقبای امریکا درصدد برآمدند از آن برای پشتیبانی خود استفاده نمایند.

کمک و مساعدتی که انقلاب روسیه به انقلاب مصطفی کمال کرد تا مدت زمانی اروپائیان را بر این عقیده آورد که کمونیسم در ترکیه نفوذ کرده و مستقر شده است، بخصوص که در آن موقع مردم ترکیه بستگی و علاقه شدیدی به مردم روسیه که مانند آنها در زیر فشار ظلم و تعدی بوده اند، نشان میدادند. بطوری که اولین رشته معاهدات و قراردادهائی که میان دولت آنکارا (قبل از اعلام جمهوریت و معاهده فرانس و ترکیه اولین قرارداد با يك دولت اروپائی) در سال ۱۹۲۰ با دولت اتحاد جماهیر شوروی قفقاز و در سال ۱۹۲۲ با جمهوری اوکراین به امضاء رسید، مؤید این دلبستگی و علاقه میان دولت شد.

ولی با وجود مناسبات نزدیک و علائق شدید میان دولت ترکیه و روسیه در زمان انقلاب به نظر نمی آمد که نهضت کمونیسم در این کشور رسوخ کرده باشد. مارکسیسم ناشناخته بود و دولت ترکیه با تمام نیرو از نفوذ آن جلوگیری به عمل آورد. حزب کمونیست غیر قانونی اعلام شد و هیچیک از داوطلبان کمونیست حق شرکت در انتخابات را نداشت و جای تردید است اگر بگوئیم تعداد کسانی که به نفع حزب کمونیسم رأی داده اند، زیاد باشد. از زمانی که حزب دموکرات زمام امور را در دست گرفت احتیاطات لازم به عمل آمد که احدی نتواند سیاست موافق با اتحاد جماهیر شوروی را در ترکیه مورد استفاده قرار دهد. بنابراین باید نتیجه گرفت که در زمان حاضر احکام سوسیالیستی نقش عمده و مؤثری را در ترکیه به عهده ندارد و مسئله کمونیسم به هیچوجه در این کشور مطرح نیست.

ناسیونالیسم

احساسات ملی بیش از هر احساسات دیگری در ترکیه رواج دارد چنانکه در

فرمای روز آغاز جنگ بین الملل سال ۱۹۱۴، در نتیجه بروز احساسات ملی، دولت جدید ترکیه در روی خرابه‌های امپراطوری بوجود آمد. نهضت انقلابی تنها با ابتکار مصطفی کمال پاشا بوجود نیامد بلکه عامل مؤثر احساسات ملی ملت ترکیه بود که مسبب بروز چنین انقلابی گردید. ترکیه قدیم جز احکام اسلام به چیز دیگری آشنائی نداشت امپراطوری عثمانی خود را نمایندۀ تام الاختیار و مطلق العنان امپراطوری اسلام می‌پنداشت. ولی پس از سقوط آن دیگر اثری از این اختیارات باقی نماند. بخصوص که امپراطوری اسلام هم دیگر وجود خارجی نداشت چنانکه قدرت خلیفه اسلامی به اندازه‌ای ضعیف و ناتوان شده بود که حتی نتوانست از کمک مسلمانان به متفقین در جنگ بین الملل ممانعت به عمل آورد. در همین زمان بود که دولت امپراطوری عثمانی که مقام خلافت هم با او بود تمام اسنادی را که حاکی از «ترك» بودن ملت ترك بود از میان برد و به جای آن کلمه «مسلمان» گذاشت. پس از چندین قرن که امپراطوری ترك دوام یافت شهرت آن نه بواسطه فتوحات یا وجود پادشاهان و بزرگانش بود بلکه آنچه که آن را بر سر پا قائم نگاهداشت و به اهمیت رسانید، همانا استواری و پابرجائی توده طبقات پائین آن بود.

امر قابل ملاحظه اینکه در آغاز، عثمانیان و نویسندگان ترك از تذکر به این موضوع تردید نکردند: «افسوس اجبار آید نوشته‌های خود را به ترکی بنویسیم. زیرا توده مردم به زبان ترکی تکلم میکنند. زبان ترکی نه تنها زیبا نیست بلکه خشن هم هست». این طرز تفکر غیر قابل تصور از طرف ملتی که خود را به این حقوق قضاوت میکند در تمام دوران تسلط عثمانیان در مغرب و فکر طبقات عالی و پیشرفته رخنه و نفوذ کرده بود. زمانی کلمه «ترك» به این معانی اطلاق میشد: «بدوی چسبیده به زمین که کاری جز استفاده از زمین را ندارد و حاضر نیست از هنرهای زیبای ایرانیان و فلسفه یونان و عرب بهره‌بردارد، معتقد به مذهب نیست و به زیبایی و عظمت

اسلام نیز توجه چندانی ندارد». این وضع ادامه داشت تا در سال ۱۸۹۷ که محمد امین شاعر ترك باغورر، از نژاد فاتح با این مضمون یاد میکند:

«بن بیر تور کوم، دینیم، سن سیم اولدور»

«من ترك هستم مذهب و نژاد ما الا و عالیقدر است»

این سخن صدسال پس از گذشت انقلاب کبیر فرانسه و ده ها سال بیداری سایر ملل امپراطوری مانند یونانیان و صربها و بلغاریها، بر زبان رانده شد.

از این پس سخنان و مکتب محمد امین سر مشق عموم و مورد توجه قرار گرفت و مردم در سراسر ترکیه به فکر افتادند معنای کلمه ترك را درک نمایند و باروح خستگی ناپذیری عظمت نژادی و بدبختیهای ملت و زیبائیهای آناتولی دوست داشتنی را به خاطر بیاورند و آن را زنده کنند. با همین فکر و روحیه بود که انقلاب در ایالات آناتولی سرچشمه گرفت و بنیانش ریخته شد. انقلاب برای تأمین و رفاه زندگی ملت بد مبارزه برخاست. ملت ترك يك صدا چنین گفت «حتی يك وجب از سرزمینهای مسکونی از ملت ترك نباید در اختیار و زیر تسلط دیگران باشد.»

انقلاب ترکیه سه اصل را منظور نظر قرارداد که یکی از آنها را انتخاب کند:

پان اسلامیسیم، ناسیونالیسم و یاکمونیسیم.

پان اسلامیسیم که از طرف رهبران جمهوری مسبب انحطاط و عقب افتادگی ترکیه قلمداد شده بود به محض استقرار جمهوری، جای خود را به احساسات ملی داد. این موضوع مورد توجه قرار گرفت که آیا ترکیه جمهوری و ملی تاچه اندازه در صدد بر خواهد آمد عقیده خود را در میان سایر ملل مسلمان رواج دهد. یاینکه آن را بدروش سیاست جدید خویش به شکل مستعمره و یاروش ائتلافی، معتقد خواهد نمود.

ترکیه در این زمان خود را کشوری کاملاً مخالف سیاست مستعمراتی نشان داده

بود. زیرا خود پس از جنگ جهانی ۱۹۱۴ مورد تهدید قرار گرفته بود و هر زمان آزادی و استقلالش را مورد خطر می دید و میدانست در صورتیکه از قیدرقیت رهایی یابد با وجود ضعف اقتصادی میتواند به اتکاء استقلال خویش و بدون کمک و مساعدت بیگانگان در راه ترقی و تعالی گام بردارد.

ملت خواهی ترکها مانند اعراب، جنبه تنفر از بیگانگان را نداشت. اصول مساوات و برابری دسته ها و اقوام غیر ترک با نژاد ترک دقیقاً مراعات میشد. یک مرد ترک با طیب خاطر بایک زن اروپائی ازدواج میکرد ولی حاضر نبود دختر خود را به زناشویی به غیر مسلمان بدهد. از نظر مذهبی و نژادی ملت ترک با سایر ملل تفاوت زیاد داشت چون پس از جنگ استقلال قادر نبود از جهات نژادی به خارج از مرز های خود حکومت کند و چنین هدف و منظوری هم نداشت، ناچار با هر گونه ائتلافی که وی را از حدود اختیارات و قدرت خویش محروم سازد، جداً مخالفت میورزید.

پان تور کیسم

یکی از مفاهیم قابل ملاحظه ملت خواهی ترک را باید در سیاست انبساط سیاست پان تور کیسم او جستجو نمائیم.

بطوری که سابقاً گذشت مردم ترکیه از شاخه غربی خانواده بزرگ ترک می باشند و نیز مشخص کردیم که سایر دسته ها و اقوام ترک از کدام شاخه و کدام قبیله بوده اند.

پان تور کیسم (تورک چولوک)^۱ معرف و مشخص اتحادیه ای از تمام ترکانی میباشد که در قلمرو سرزمین وسیعی خواه به شکل یک حکومت ائتلافی و خواه به صورت یک امپراطوری و خواه در چهارچوب اتحادیه ای فرهنگی و سیاسی برای دفاع از منافع عمومی بوجود آمده است.

فکر پان تورکیسم از قدیم الایام به منصه ظهور رسیده است و کسانی که مبتکر این فکر بوده اند مقصود و هدفشان را باید در تمدنهای قدیمی آسیای مرکزی جستجو نمود. به نظر می آید که اقوام توروک یا اوغور از ابتدای امر به موضوع اجتماعی خانوادگی خود پی برده بودند. در زمانهای اخیر از سال ۱۹۰۵ در روسیه اولین نطاهر فکر پان تورکیسم دیده میشود. در سال ۱۹۰۸ مجلس عمومی ترك در شهر استانبول به منظور مطالعه به وضع و فعالیت های تمام ملل ترك نژاد، تشکیل گردید. تأسیس «تورك او جاقلری» (کانون ترکان) در ماه مه ۱۹۱۲ به نهضت پان تورکیسم صورت جدی داده آن را کانون فرهنگی حقیقی ترك معرفی نمود. ضیا گوک آلی^۱ نویسنده مشهور در حدود سال ۱۹۱۰ اولین فرضیه های ادبی نهضت ترك نژادی را با این عبارت بیان کرد: «فرزندان اوغوزخان هیچگاه سرزمینی را که بنام توران معروف است فراموش نخواهند نمود. وطن و سرزمین اصلی ترکان، ترکیه و ترکستان نیست بلکه وطن اصلی آنان سرزمین پهناور و بزرگ توران است.»

به این ترتیب پان تورکیسم با پان تورانیسم درهم آمیخت، منتهی با این تفاوت که اصطلاح پان تورانیسم به معنای وسیعتر بوده و تمام ملل تورانی نژاد را به یکدیگر نزدیک و مرتبط می ساخت. چنانکه در هنگر^۲ در سال ۱۸۳۹ روزنامه «تورانیس گز لشفات» چنین نوشت: «ملت هایی که با ما خویشاوندی دارند». منظور از ملتهای خویشاوند برای هنگرها مردمان فنلاند و ترکیه بودند.

کلمه توران که در قاموس ایرانی به معنای «سرزمینهای شمال ایران» است، تا اندازه ای مبهم به نظر میرسد، روش و سبک تورانی در ادبیات و در مطبوعات و مجامع به طریقه های مختلف جلوه گر شده است. زمانی صورت عملی به خود گرفت که انور پاشا فرمانده کل قوای عثمانی در سال ۱۹۱۸ به فکر افتاد در آسیای مرکزی امپراطوری

بزرگی تشکیل دهد ولی با کشته شدن اودریکی از جنگها، این فکر بدست فراموشی سپرده شد تا در سال ۱۹۲۶ در اولین مجمع ترك شناسی شهر بادکوبه که با شرکت ۱۳۱ نماینده که دوفرازان از آنان از جمهوری ترکیه بودند، تشکیل گردید، نقشه و فکر سردار عثمانی مورد بحث کنکره قرار گرفت.

انقلاب مصطفی کمال با جدوجهد هر چه تمامتر گذشته های باستانی ترکان را مورد توجه قرارداد. برای رسیدن به مقصود درصدد برآمد که اصول و ریشه های گذشته های تاریخی را از میان ملتها و اقوامی که امروزه در آسیای صغیر زندگی میکنند جستجو نماید و ضمناً کاری کرد که عظمت گذشته آنان را تجدید کرده از راه امکانات معنوی نهضتی برای اتحاد ملتهای ترك نژاد بوجود آورد.

نقشه و فکر تشکیل اتحادیه به اشکالات و موانع زیادی برخورد کرد. کافی است که يك نظر به نقشه جغرافیائی آسیا انداخته شود. ترکان در سرزمینهای بسیار پهناوری آمیخته و مخلوط با ملتهای غیر ترك مانند ایرانیان و اسلاوها و مغولان، زندگی میکنند و دولتهای ایشان جدا از یکدیگر می باشند. مثلاً دولت ترکیه ناسیونالیست بواسطه حکومتهای قفقاز و گرجستان و ارمنستان و دولت ایران بوسیله دریای خزر از اتحاد جماهیر شوروی جدا مانده اند از طرف دیگر از نظر سیاسی نیز بایکدیگر اختلاف فاحش دارند. ترکیه در اتحاد و در جرگه کشورهای اروپائی و جمهوری های ترك شوروی وابسته به دولت اتحاد جماهیر شوروی می باشد مسائل سیاسی را باید به موانع و مشکلات نژادی و جغرافیائی افزود. از همان آغاز کار موضوع ترك با مسائل سیاسی بی شماری در ارتباط با دو کشور همسایه مواجه گردید. رقابت میان ترکیه و روسیه می توانست عامل مؤثری در به عهده گرفتن نقش پان تورکیسم در یکی از این دو جبهه بشود.

پان اسلامیسم

با وجود اینکه در برابر افکار پان اسلامیسم هیچگونه مخالفتی وجود نداشت ولی ترکان (و شاید سایر ملل مسلمان) به هیچوجه تمایلی برای تشکیل اتحادیه‌ای از ملل مسلمان نشان ندادند. موقع و وضع جغرافیائی و فرهنگی ترکیه آن را بطور قطع و مسلم با سایر ملل مسلمان از یک طرف و بادولتهای مسیحی از جانب دیگر، در تماس و ارتباط داخل کرده بود. از جانب مشرق ترکیه بلافاصله با سرزمینهای مسلمان و از طرف مغرب با کشورهای بالکان هم مرز و همسایه است. بنابراین بنظر رسید که دولت ترکیه باید با همسایگان خود در ارتباط و مناسبات سیاسی و اقتصادی داخل شود. پس اگر افکار عامه ترك متمایل و راغب بود که با هم کیشان خود در راه دوستی سیر کنند قاعدتاً باید امری طبیعی باشد ولی به نظر نمی‌رسد که این احساسات نقش عمده‌ای را در زندگی مردم ترکیه بازی کرده باشد.

از سالهای پیش ترکیه موفق شد در میان جامعه ملل مشرق زمین مقام ارجمندی را احراز نماید و در تمام مجامع و تظاهرات بین‌المللی اسلامی شرکت کند. در کنفرانسهای کراچی و پان اسلامیسم مانند یکی از پیشوایان جهان اسلامی حضور به هم رسانید و عقاید خود را اظهار داشت. ولی نقش آن به اندازه‌ای مهم و مؤثر بود که محیط چنین مجامعی نمی‌توانست اثرات آن را به منصه ظهور برساند. ترکیه شاهد مثالی برای جهان مسلمان شد و نشان داد در حالی که در جاده تجدد خواهی سیر میکند و به عقیده دینی خود نیز معتقد بوده با حرارت بدان عمل می‌نماید و همچنین نشان داد که متمایل شدن به تمدن غرب مانع از این نیست که کشوری مسلمان است و به عقاید مسلمانی خود پای بند و علاقمند نیست. فعالیت‌ها و روشهای آن اغلب سرمشتقی برای کشورهای عرب شد. چنانکه در سالهای اخیر در مصر انقلابی که بوسیله آن محمد نجیب روی کار آمد و بکار خانواده سلطنتی

فاروق خاتمه داد ، به پیروی کامل از انقلاب مصطفی کمال بود . انقلاب مصر در بسیاری از اصول مانند الغاء عناوین اشرافی و تبدیل کلاه مصری ، فینه^۱ به کلاه اروپائی کاملاً شبیه اصول انقلابی کمال آتاتورك بود .

از این زمان است که اسلامیسم ترك نقش عمده و مهم خود را به عهده گرفت .

فصل دوم

ادبیات و موسیقی

زبان ترکی

زبان ترکی سومین زبان کلاسیک دنیای مسلمان است. از نظر اهمیت فرهنگی و ادبی بلافاصله پس از زبانهای فارسی و عربی قرار می گیرد.

زبان عربی از دسته سامی و زبان فارسی از خانواده هند و اروپائی و زبان ترکی به شاخه آلتائی و زبانهای قدیمی ارتباط دارد که آن را بنام او رالو آلتائیک^۱ می نامند. گروه زبان آلتائیک شامل مغول، مانچو و ترک - تاتار است. امر قابل ملاحظه اینکه سه زبان اسلامی با وجود اینکه از هر حیث با یکدیگر اختلاف فاحش دارند و با وجود اثرات و نفوذی که یکی بر روی دیگری گذاشته، معذک نتوانسته است کوچکترین تغییری در وضع و اصول آنها پدید آورد. زبان ترکی مانند سایر زبانهای آلتائی، زبانی است که استخوان بندی آن ترکیبی است از حروفی که از یک ریشه بوده، منتهی بدانها تعداد زیادی پسوند افزوده میشود (پسوندهای اشتقاق و پسوندهای معرب). زبان ترکی زبانی است بسیار قدیمی و به زمان پیش از میلاد مسیح میرسد. قدیمترین آثاری که از زبان ترکی بدست آمده در حدود قرن ششم می باشد.

وسعت قلمرو زبان ترکی و تنوع سیاستها، سبب شد که تعداد بسیار زیادی لهجه‌ها و زبان محلی بوجود آید. زبانهای ترکی را میتوان به دو دسته اصلی تقسیم کرد: زبانهای که کلمات آن با حرف «ر» (R) و «ل» (L) و زبانهای که کلمات آن با حرف ز (Z) و «ش» (SH) شروع میشود. بعضی از زبانها مانند یا کوت دارای مشخصاتی کاملاً همراه کننده و بعضی به عکس نزدیک به یکدیگر می‌باشند. از نظر جغرافیائی نیز میتوان زبانهای ترکی را به چهار دسته تقسیم کرد: زبانهای ترکی شرقی، زبانهای ترکی غربی، زبانهای آسیای مرکزی و لهجه‌های جنوبی.

زبانهای محلی شرقی با لهجه‌های غربی با یکدیگر از حیث ترکیب و صورت، اختلاف بسیار جزئی دارند. ترکی عثمانی و خلف مستقیم آن ترکی جمهوری، به زبانهای محلی جنوبی تعلق دارند (که میتوان آن را از زبانهای غربی دانست). زبانهای ترکی کمنی و آذری و زبانهای محلی قفقاز و کریمه نزدیکترین زبانها به زبان ترکی آناتولی می‌باشند.

زبانهای عثمانی و ترکیه جدید (اوزتورکچه) از زبانهای بسیار پیشرفته و زبان رسمی ترکیه جدید و قدیم وزبانی است که اکثریت مردم ترکیه بدان تکلم می‌کنند. تا زمان انقلاب، زبان ترکی عثمانی با الفبای عربی نوشته میشد ولی پس از انقلاب، خط لاتین متداول گردید. در ترکی عثمانی هشت حرف مصوته و بیست حرف غیر مصوته وجود دارد. هم‌آهنگی مربوط به حروف مصوته در زبان ترکی نقش مهمی را به عهده دارد. در اصل یک کلمه به تنهایی نمی‌تواند دارای حرف مصوته‌ای غیر از حروف مصوته‌ای از همان طبقه خواه حروف مصوته مقدم و خواه حروف مصوته مؤخر باشد.

در زبان ترکی دو گروه وجود دارد ولی اختلافی میان مذکر و مؤنث نیست. هرگاه

تعیین جنسیت لازم بشود به كمك كلمات مذكر و مؤنث یا بوسیله كلمه دیگری آن را مشخص می کنند .

اسم از سه عنصر تشکیل میشود: ریشه با يك یا چند پسوند به اضافه يك یا چند حرف که در آخر كلمه گذاشته میشود . حروفی که در آخر كلمات قرار دارند یا علامت جمع هستند، مالکیت، یا علامت اتفاقی^۱ بودن تنهایك علامت تعریف غیر فعلی است که شامل شش مورد میشود. صفت و قید تغییر ناپذیرند.

فعل شش پسوند می پذیرد که باشش نوع مطابقت میکند : افعال مطاوعت ، افعال متقابل ، افعال علتی ، افعال مجهول ، افعال منفی و افعال ناممکن . فعل سوم علامت پسوند ندارد . فعل «بودن» به عنوان فعل معین بکار میرود و بعضی از اشکال آن به عنوان حروف آخر كلمه در فعل بکار میروند.

در زبان ترکی هشت وجه فعلی و يك امر موجود است . هر يك از این وجوه چهار شکل دارد (به استثنای وجه ششم و وجه هشتم که بیش از سه شکل ندارند). این اشکال عبارتند از : مرکب ماضی، فرضی و احتمالی و شکل ساده . هر زمانی دو عدد و شش شخص دارد. بیش از يك نوع صرف فعل نیست. از نظر نحوی در زبان ترکی دو نوع جمله هست: جمله های اسمی و جمله های فعلی. جمله های اسمی از اسامی و از صورت های اسمی فعل ترکیب میشوند .

صورت های اسمی فعل ممکن است صورت اسمی داشته باشند (مصدر ، اسامی عمل و علائمی که به شکل «ديك» و «يچيك» باشد) یا صورت صفتی (اسم یا صفت مشتق از فعل ، اسم مفعول) و یا صورت قیدی.

در زبان ترکی بر اثر تماس با تمدن های ایران و عرب ، تعداد زیادی اسامی و لغات خارجی داخل شده است .

باوجود اصلاحات زبانی مصطفی کمال که تا حد امکان موفق شد اسامی و لغات خارجی را از زبان ترکی خارج و یا آنها را در زبان مستحیل نماید، معذالك تعداد زیادی کلمات شرقی در ترکی وجود دارد. تصفیۀ ترکی عثمانی و بکار بردن لغات قدیمی ترکی و متروک گذاشتن ترکیات کهنه و قدیمی، زبان ترکیۀ جمهوری را در وضعی بکلی متفاوت از وضع سابق در آورده بدان حیات جدیدی بخشید. زبان ترکی تحت تأثیر نفوذ تمدنهای مختلف و اجبار به داشتن زندگانی جدید روز بروز حالت قابل انعطاف بودن را که تا این زمان فاقد آن بود، به خود گرفت.

تصفیۀ زبان عثمانی و داخل شدن لغات قدیمی ترک و کنار گذاشتن روشهای کهنه، وسیله شد که زبان ترکی جمهوری زندگی جدیدی را آغاز کرده اختلاف فاحشی با زبان قدیمی دوران امپراطوری پیدا کند. زبان ترکی تحت تأثیر زبانهای مختلف و الزامات زندگی جدید حالت نرمشی که تا این زمان فاقد آن بود، به خود گرفت.

زبان ترکی موزون و ملایم است.

ادبیات باستانی

اولین متون زبان ترکی را میتوان در کتیبههای آسیای مرکزی بدست آورد. تعداد کتیبههای نواحی اورخون^۱ و ینی سئی^۲ بسیار زیاد و متن آنها خوانا میباشد و به همین مناسبت میتوان مانند زبانهای کنونی مشخصات آنها را بطور کامل مورد دقت قرار داد. کتیبههای مزبور در حدود قرون ۷ و ۶ میلادی منقور شده و حاوی بسیاری از عادات و رسوم است که میرساند تا حدی به سوی تکامل می رفته است.

مهمترین کتیبهها عبارتند از کتیبه تونی یوقوق^۳ و کول تگین^۴ و بیلز خاقان^۵.

Kül-Tegin - ۴

Tonyuquq - ۳

Yenissei - ۲

Orkhon - ۱

Bilge kagan - ۵

نوشته های طولانی و خط آنها از الفبای ایرانی اشکانی^۱ مشتق میشود. مضمون آنها شامل ادوار درخشان تاریخ تورک ها و مدح و افتخارات قهرمانان است. سبک نوشته ها خشن و گویا و تا اندازه ای مقرون به حقیقت است. مسائل و موضوعهای افسانه ای یا حقیقی بدون پرده و باشهامت تذکر داده شده است. مجموعه کتیبه ها حاکی از نوعی ادبیات رزمی و تاریخی است که ترجمه قسمتی از آن را در زیر متذکر می شویم: «انسان در میان آسمان در بالا و زمین در پایین، قدم به عرصه وجود گذاشت. اجداد من بومین خاقان^۲ و ایستمی خاقان^۳ به انسانها حکومت می کردند ... در چهار گوشه جهان همه دشمن بودند. به زور اسلحه و جنگ موفق شدند تمام ملتھائی را که در چهار گوشه جهان بودند مطیع و منقاد کرده برای همیشه سرکوب نمایند...»

اویغورها اولین قومی بودند که از خود نسخه های خطی برجای گذاشتند. در زمان تسلط این قوم که دارای تمدنی بالنسبه قوی بودند، آسیای مرکزی، دوران بسط و توسعه ادبی و کتیبه های منقور و یا نسخه های خطی که تماماً حاکی از منابع بسیار مفید و ارزنده بود، به خود دید.

مهمترین متون اویغوری متون مذهبی مانوی یا بودائی است که از جمله باید «اعتراف به گناهان مانوی»^۴ (هو آستو آنیف)^۵ یا متن ترکی «تاریخ شاهزادگان کالیانام کارا و پاپام کارا»^۶ که اصلاً بودائی است و متون چینی و تبتی را، نام می برد. بر روی پایه های مستحکم اویغور کلاسیک، اساس زبان ادبی ترک آسیای مرکزی اسلامی ریخته شد. در قرن دهم میلادی دو کتاب اساسی به زبان ترک منتشر شد. این دو کتاب عبارتند از: «کو تادغو بیلگک» (علم خوشبختی) و «لغت ترک» کاشغری.

Istemi Kagan - ۳

Bumin Kagan - ۲

Arsacide - ۱

Huastuanift - ۵

Confession Manickéene des péchés - ۴

Histoire des princes kalyanamkara et Ppamkara - ۶

کتاب اول که به نظم است اثر شخصی بنام یوسف حاجب میباشد. کتاب دوم لغت نامه بسیار جامع و مطمئنی است که اطلاعات سرشاری از لغات ترکی می دهد. از این پس ادبیات ترک آسیای مرکزی با موفقیت ادامه یافته و به تکامل رفت. در قرن دوازدهم ادیب احمد و «احمد یسوی» در عالم ادبیات ترک چون ستاره ای درخشیدند. در قرن چهاردهم «قطب» به تقلید از خسرو شیرین نظامی، اشعاری سرود. پس از انتشار این کتاب و در تمام ادوار بعدی به خوبی روشن و آشکار شد که تا چه اندازه دنیای آسیای مرکزی اسلامی زیر نفوذ ایران قرار گرفته است.

در حدود قرون چهاردهم و پانزدهم میلادی زبانهای مختلف ادبی ترک که تا آن زمان یک نواخت بود، از یکدیگر مجزا شده هر یک برای خود راه و رسمی را انتخاب کردند. مهمترین این زبانها که از حیث تناسب و باروری غنی تر است، زبان عثمانی و زبان جغتائی می باشد.

ادبیات جغتائی

زبان جغتائی در سراسر امپراطوری تیمور گورکانی یعنی در ترکستان، رواج یافت و رونق گرفت. اصولاً ریشه جغتائی از زبان اویغوری و لهجه های ترک محل ناحیه سکونت اویغورهاست. این زبان به محل و منطقه معینی اختصاص ندارد و از لهجه های محلی سرچشمه میگیرد. کاشغر، مغرب ترکستان مرکزی و قسمت سفلی رود سیردریا^۱ (سیحون) شعاع عمل و مرکز و محل رشد و نمو این زبان است. اولین متنی که به زبان جغتائی منتشر شد به وسیله شیخ البر چینلیقی بود که متن آن برای اولین بار به سه زبان جغتائی و عربی و فارسی تنظیم شد و زبان ترکی را در ردیف زبانهای مزبور قرار داد (در حدود سال ۱۲۷۳ میلادی).

با اینکه ادبیات جغتائی پیوسته پیرو ادبیات فارسی بود معذک عناصری کاملاً

خالص ترکی، مانند معانی احساسات حقیقی و عاری بودن جملات از تعقید و بروز احساسات و افکار بدون پرده، بدان افزوده شد.

«محبث نامه» خوارزمی که در سال ۱۳۵۳ میلادی برشته تحریر درآمد، نفوذ تأثیر فوق العاده‌ای در ادبیات قرن چهاردهم ترکستان کرد. «سیدی احمد» شاهزاده تیموری در آغاز قرن پانزدهم میلادی (۱۴۳۵) «تعشق نامه» را آمیخته به تخیلات و افکار خود نوشت. در قرن پانزدهم تمام شعرا به مداحی از پادشاهان و بزرگان پرداختند که از آن جمله «سکابی»^۱، «لطفی» و «میر حیدر» را باید نام برد. مشهورترین شاعر قرن پانزدهم که به زبان جغتائی و بخصوص زبان ترکی اشعار خود را می‌سروده است «امیر علیشیر نوائی» (۱۵۰۱ - ۱۴۴۰ میلادی) است. امیر علیشیر که در ضمن سمت وزارت سلطان حسین بایقرا، که‌وی نیز شاعر بوده است، داشت از شعرائی است که در آثار خود هیچگاه ادبیات فارسی را فراموش نکرده بلکه پیوسته از آن الهام گرفته است.

بابر^۲ پادشاه مغول هندوستان وفاتح آن (متوفی در سال ۱۵۳۰ میلادی) یکی از بزرگترین شعرای زبان جغتائی است که دیوان او افتخار ادبیات آن زبان است. این پادشاه علاوه بر فنون نظامی در شعر و شاعری سرآمد بوده است. «خاطرات» او «بابر نامه» یکی از شاهکارهای ادبی می‌باشد.

تاریخ نیز مورد توجه بوده است. ابوالقاضی بهادرخان اولین نویسنده‌ای است که کتاب تاریخ خود را با سبکی روان و ساده به زبان جغتائی نوشت. تصوف در اوایل قرن هجدهم با وجود الله‌یار که در فلسفه و حکمت الهی و تصوف دست داشت، روبه پیشرفت و ترقی گذاشت.

از این زمان به بعد زبان ترکی در برابر قدرت فرهنگی ایران نتوانست مقاومت

نماید و عقب‌نشینی اختیار کرد. با این تفصیل در قرن نوزدهم آثار و کتابهایی به زبان ترکی در کاشغر و خوقند و خیوه تدوین و نوشته و منتشر گردید.

ادبیات عثمانی

در آسیای صغیر از قرن سیزدهم میلادی کتابها و آثاری به زبان ترکی منتشر گردید. سلجوقیان روم به تقلید از ایرانیان تمام آثار و کتابهای خود را به زبان فارسی، زبان فرهنگی و سیاسی خود، می‌نوشتند ولی زمانی که ناچار شدند با مردم هم نژاد خود در تماس دائم باشند زبان ترکی را رواج داده کوشش کردند از آن به نام زبان ملی خود دفاع نمایند. اولین متون زبان ترکی در نهایت بی‌سلیقه‌گی منتشر شد. ادبیات عثمانی باستانی بزودی رو به فراموشی گذاشت و مدتها به طول انجامید تا توانست حیات تازه‌ای در دنیای ترك، به خود بگیرد. احتمالاً یکی از فرمانروایان کارامانی «قرامانی» تصمیم گرفت زبان ترکی را برای اولین بار در قونیه به عنوان زبان اداری متداول سازد (در حدود ۱۲۷۷) و از همین راه توانست پایه اساسی و محکمی را برای آینده زبان ترکی در سرزمین ترکیه بنانهد و باینکه بسیاری از نویسندگان نوشته‌های قرن سیزدهم بر ماه‌جهول است ولی قدر مسلم این است که یک قرن بعد از این تاریخ زبان ترکی متداول و رواج کلی یافته بود. قدیمترین کتاب با ارزش این دوره «دانشمندنامه» است که به زبان ترکی در حدود سال ۱۲۴۵ میلادی نوشته شده. اخیراً به وجود نویسندگانی به نام «سید حمزه» که در آن زمان می‌زیسته است، پی بردند. سید حمزه اشعار خود را که جنبه تصوف و رزمی داشت به انضمام حکایات مذهبی، در کتاب «یوسف و زلیخا» که از آثار معتبر اوست، به زبان ترکی سروده است.

«احمد فقیه» و «جهانی»^۲ دو شاعر این زمانند که اشعار خود را به زبان ترکی سروده‌اند. احمد فقیه که اصلاً اهل قونیه بود کتاب مثنوی در تصوف به تقلید و سر مشق از

ایران در ترکی بر رشته تحریر درآورد. خواجه جهانی اولین شاعری است در ترکیه که از عقاید مذهبی پیروی نکرد و اشعار خود را فارغ از عقاید مذهبی سرود. مشهورترین و بزرگترین نویسنده قرن سیزدهم ترکیه که ما از آثار و نوشته‌های آنان اطلاع کامل داریم بدون تردید «سلطان ولد» و «یونس امر» می‌باشند.

سلطان ولد فرزند شاعر بزرگ و عالیقدر مولانا جلال‌الدین رومی، موجد فرقه مولویه و صاحب دیوان مشهور مثنوی، نتوانست به پایه والای پدر و قدرت معنوی او برسد. از سلطان ولد جز تعداد بسیار کمی اشعار به زبان ترکی که آنها را نیز با اشعار فارسی خود مخلوط کرده بود، اثری به ترکی دیده نشده است.

آثاریونس امر تماماً به زبان ترکی است. این شاعر توانست شعر آمیخته به تصوف را به حد اعلای خود برساند و در ضمن به نظر آمد که توانست تا اندازه‌ای این مکتب را از مکتب ایرانی جدا کند. اشعار او در وزن هجائی و زبان عامیانه سروده شده است. یونس امر تا اوایل قرن چهاردهم می‌زیسته و اشعار او آمیخته به افکار فلسفی و اشعارش خوش آهنگ و دلنشین بود.

«کسی که کلمه حق و عدالت گفت در نزد خدا راستگوست.

کسی که امروز دروغ گفت فردا غرق در شر مساری است.

کسی که تمام مخلوقات را بیک چشم ننگریست اگر چه مقدس هم باشد در پیشگاه حقیقت کافر و مرتدست».

در جای دیگر از عشق خدائی که خود در آن مستهلک است چنین می‌گوید:

«می‌روم و در آتش می‌سوزم.

عشق تمام وجود حتی خونم را رنگین کرده.

عاقلم یا دیوانه؟

بیا ببین که عشق چه‌ها کرده بامن.

.....

من یونس بیچاره و مسکینم .

از سر تا پا مجروحم .

دوست من ! من قلندری در کوی توأم .

بیا و بین که عشق چه ها کرده با من «

اشعار و آثار یونس امرات فوق العاده ای در جهان ادب ترکیه بخشید . عاشق پاشا

یکی از مشهورترین شعرای ترکیه شاگرد او بوده است و بسیاری دیگر مانند سعید امر، کائی

قوزوز عبدل^۱ و ناظمی^۲ (نیمه دوم قرن چهاردهم) کوشش کردند پیر و مکتب او باشند .

تمام آثار و نوشته هایی که نتوانستند رهرو پیر و مکتب یونس امر باشند در

نتیجه جز اینکه موجودیت زبان ترکی را محرز و تثبیت گردانند ، کار دیگری انجام

ندادند و شعر از زیر نفوذ و قدرت ادبیات ایران باقی ماندند و اگر درس اسر آسیای

صغیر به زبان ترکی اثری از خود بر جای گذاشتند ولی افکارشان از فکر و روح

ایرانی سرچشمه میگرفت .

بسیاری از نویسندگان فقط موفق شدند آثار گرانهای گویندگان ایرانی

مانند سعدی و عطار را ترجمه نمایند منتهی در این راه به موفقیت های شایانی نائل

نیامدند . ورود عثمانیان به آسیای صغیر سبب شد که نفوذ ایرانی روزافزون گردید .

قاموس ترکی سراسر مملو از لغات خارجی شد . سرودن اشعار که تا این زمان از

روی قواعد و قوانین صحیح شعر فارسی انجام نمی گرفت ، از این پس صورت واقعی

به خود گرفته نظم و ترتیبی در آن به عمل آمد ولی در مقابل زبان ترکی در تلفظ حروف

مصوتة که در زبان عربی سهل و آسان بود ، دچار اشکال گردید . در این زبان کلاسیک

آثار قابل توجه و با ارزشی در دست نیست . نویسندگان این دوره عبارتند از : «مصطفی

شیخ اوغلو» صاحب کتاب داستانی به شعر و «احمدی» مؤلف اسکندرنامه به شعر. سلاطین عثمانی که به ادبیات و هنرهای زیبا علاقه زیادی نشان می دادند تعدادی از شعرا را به دربار خود جلب نمودند. در زمان سلطنت مراد دوم و مخصوصاً محمد چهارم (فاتح) زبان کلاسیک ترکی به حد اعلای ترقی خود رسید. «فضولی» و «باکی» از شعرای بزرگ و مشهور دربار عثمانی در این دوره پا به عرصه وجود گذاشتند.

باکی در سال ۱۵۲۶ میلادی در شهر قسطنطنیه متولد شد و در سال ۱۵۹۹ بدرود زندگی گفت. این شاعر با این که بسیار کوشش کرد خود را از نفوذ ایران برکنار نگاهدارد ولی شعرای ایرانی، بخصوص حافظ شاعر بلندقدر، آن چنان در او تأثیر کردند که ناچار در برابر آنان سر تسلیم فرود آورد و پیرو افکار ایرانی شد. باکی از غزلسرایان بزرگ ترکیه است و بدون تردید باید او را در ردیف مشهورترین شعرای جهان قرار داد.

فضولی که اصلاً کُرد بود، در بغداد متولد شد و در سال ۱۵۵۵ به بیماری طاعون درگذشت. اشعار او به لهجه آذری و سبک مخصوصی خارج از رسوم اشعار ایرانی بود. فضولی با اینکه شاعری بلند پایه و نویسنده ای زبردست بود در زمان حیات شهرت چندانی پیدا نکرد لیکن بعداً در زمان «تنظیمات» ارج و منزلت او آشکار گردید. ترکیه در قرن شانزدهم و هفدهم میلادی با طلوع دو شاعر بزرگ دیگر در جهان ادب شناخته شد.

«نفعی» متولد در سال ۱۵۸۲ در نزدیکی ارزروم، بزرگترین شاعر بذله گو و هجو سرای عثمانی است و در روی همین کار هم سر خود را به باد داد. سلطان مراد چهارم چون یکی از اشعار او را برخلاف نزاکت و توهین به مقام سلطنت دید دستور داد تا او را به قتل برسانند. در حقیقت «نفعی» به هیچ وجه تابع اخلاق نبود و بی پروا همه چیز

و همه کس را به بادفحش و ناسزا میگرفت. کتاب او بنام «تیر تقدیر» معروف است. «نابی»^۱ متولد در اورفا^۲ در حدود سال ۱۶۸۲ و متوفی در سی سالگی در سال ۱۷۱۲، دیوانی از خود بجا گذاشت که فوق العاده طرف توجه عامه قرار گرفت. از این شاعر کتابی به نثر بنام «سفر در امکنه مقدسه» و کتابهایی در تاریخ بصورت یادداشت و نامه در دست است.

تاریخ به صورت وقایع نگاری از آغاز قرن پانزدهم (و شاید پیش از آن) در ترکیه به وجود آمد ولی شغل رسمی تاریخ نگاری بجای شغل شعرای تاریخ نگار، که متداول قرون اولیه بود، در اواخر قرن هفدهم بوجود آمد. از این زمان تنها اشعار تاریخی سروده نمی شد بلکه بیشتر توجه به طرف حوادث و وقایع خلفا و سلاطین عثمانی معطوف شد. مشهورترین مورخان قرن هفدهم «ابراهیم پچوی»^۳ (۱۶۵۰-۱۵۷۴ میلادی) و «اولیا چلبی» (متوفی در سال ۱۶۷۸) صاحب کتاب سفر نامه در ترکیه که به زبان و قلمی محکم و ادبی و شیرین نوشته شده است.

در قرن هجدهم زندگی پر جاه و جلال در دربار و پایتخت امپراطوری عثمانی آغاز شد. شکوه و جلال و خوشگذرانی بانوعی رنسانس فرهنگی آمیخته گردید. بازار شعر و شاعری رواج گرفت. شعرای چندی مانند رقیب پاشا (۱۷۶۲-۱۶۹۸) عثمان زاده طیب (در سال ۱۷۲۳) سنبل زاده طیب (متوفی در سال ۱۸۰۱) اندرونی فاضل (متوفی در سال ۱۸۱۰) نحیفی (متوفی در سال ۱۷۳۸) نسیم (متوفی در سال ۱۷۳۰) کچه جی زاده عزت ملا (۱۷۸۶-۱۸۲۹) و غالب دده^۴ (۱۷۹۹-۱۷۵۷) صاحب رساله «حسن و عشق» بوجود آمدند که همگی آنان مقلد و مترجم آثار کلاسیک اسلامی بودند.

در اواسط قرن نوزدهم ادبیات فرانسه در ترکیه نفوذ کرد که مقارن با دوره

سیاسی «تنظیمات» بود در این دوره نهضت ادبی در صدد برآمد خود را از زیر سلطه و نفوذ فرهنگ و ادب عرب و ایران خارج سازد. پیشقدم این نهضت «نموك كمال» (۱۸۸۸ - ۱۸۴۰) بود که برای تجدید حیات و اصلاح زبان ترکی کوشش فراوان مبذول داشت. مترجمان به ترجمه کتب انگلیسی، آلمانی، روسی و بخصوص فرانسوی پرداخته بر اثر ترجمه آثار و کتابهای اروپائی، به تدریج فرهنگ اروپائی در ترکیه رخنه کرد. تأثر و کتابهای داستانی (رمان) قدم به عرصه وجود گذاشت. اولین لغت نامه جدید ترکی منتشر گردید. در میان تعداد کثیر نویسندگان، افکار جدید به ظهور رسیده راهی دیگر گشوده شد. از جمله نویسندگانی که در این راه قدم گذاشتند، «عبدالحق حمید»^۱ (۱۹۳۷-۱۸۵۱) بود که يك قسمت از تحصیلاتش را در پاریس به پایان رسانید و بیشتر زندگانی خود را در ممالک اروپائی به عنوان دیپلمات گذراند. از آثار او کتابی است بنام «مقبره» که به نظم می باشد.

در اواخر این قرن مجله ای منتشر شد که انتشار آن اثرات به سزائی بخشید. این مجله که بنام «ثروت فنون» موسوم بود در خدمت افکار و عقاید مکتبهای فرانسوی درآمد و از همین راه است که معلوم شد تغییرات و تحولات بزرگی در ادبیات ترکیه بوجود آمده است. در جهان «ادبیات جدید» ادبا و فضایی زیادی پیدا شدند مانند «توفیق فکرت» (۱۹۱۵-۱۸۶۷) که در رأس و پیشوای نهضت شعری جدید قرار گرفت. توفیق فکرت روحی اندوهناك داشت و احساساتش نسبت به زیبایی به اندازه ای بود که او را «آلفرد دو موسه»^۲ ترك گفتند. مهمترین آثار او «نی شکسته» نام دارد. دیگر از این شعرا «خالدضیا» ست که به وی نام پدر داستان دادند «آبی و سیاه» اثر معروف اوست. پس از این دو نفر «احمد راسم» (۱۹۳۲ - ۱۸۶۷) می باشد که باموفقیت تمام

۱ - Abd ul Hakk Hamid

۲ - Alfred de Musset شاعر معروف فرانسوی

همه گونه آثاری از خود باقی گذارد سپس «احمد هاشم» (۱۹۳۳-۱۸۸۶) است که کم نوشت ولی خوب نوشت. «یحیی کمال» و «حسین رحیم» که روزنامه نویس و داستان سرا (۶۰ داستان دارد) و نقاش بود. از همه مشهورتر «محمد امین» رهبر ملیون است که در اثر معروف خود «ترك سزی» عظمت ترك و زندگی مردم آناتولی را بطور خستگی ناپذیری بیان میکند و چنین می گوید:

«این سرزمینها کانون و مهد اجداد من

خانه ام، دهی که در آن بوجود آمده ام، هر گوشه ای از این سرزمین

اینست میهن من...»

سبك و روش نویسندگی و افکار و عقایدی که محمد امین در نوشته ها و آثار خود بکاربرد بطور تحقیق به ادبیات عثمانی خاتمه داد و دوران جدیدی را در ادبیات ملی بوجود آورد.

ادبیات عامیانه

باید بطور کلی قبول کرد که ادبیات عثمانی و ادبیات ترك چندان مورد توجه نبوده است و در خارج از ترکیه بخصوص در اروپا کمتر کسی از آنها اطلاع دارد و نیز این نکته را باید پذیرفت که خود ترکان تاحدی مسئول این امر بوده اند زیرا که در دوران نظام قدیم تعصب و تمایل به پیروی از مکتب ایرانی، شدید بود و آنچه را که به ترکی بود پست تر و پائین تر از آن می دانستند.

ادبیات ترك با اینکه از جهت مقایسه با ادبیات زبانهای بزرگ اسلامی نمی توان آن را برابر کرد ولی در حد خود از نظر هماهنگی و ترکیبات مناسب دارای ارزش زیادی است. البته در ترکیه شعرای نامداری مانند حافظ و سعدی و خیام و دانشمندان عالی قدری مثل غزالی و ابوعلی سینا بوجود نیامدند و این سرزمین هیچگاه نتوانست از نظر شعر و فلسفه و علم از ایران و عرب جلو بیفتد.

امر قابل ملاحظه برای عقب افتادگی زبان و ادبیات ترك این بود که تقریباً عموم نویسندگان و ادبای ترك به زبان و ادبیات فارسی و عربی آشنائی داشتند و زبان و ادبیات خود را از آنها پست تر می دانستند و نیز قدرت آن را نداشتند که برای خود دنیای تازه ای در ادبیات خلق و ایجاد کنند. تنها راه چاره برای آنها این بود که خود را از زیر نفوذ ایران و عرب خارج نمایند. اگر بعضی از شعرای ترك را که بطور قطع و یقین پیرو و دنباله رو زبان و ادبیات ایران و عرب بودند و شهرت و اهمیت خود را در این راه می دانستند استثنا نمائیم، بهترین آنان کسانی بودند که در راه ادبیات عامیانه قدم گذاشتند. مشهورترین و بزرگترین شاعر و ادیب ترك یعنی «یونس امر» به این جهت معروفیت خاص پیدا کرد که آثارش جنبه عامیانه داشت. رباعیات (هانی ها) یونس امر در عین حالیکه ساده و بی پیرایه است، عمیق و دارای روح شاعرانه نیز می باشد.

رباعیات یونس از حیث قافیه بسیار غنی هستند و لسی فقط سه مصرع آنها یعنی ۲۰ و ۴ با یکدیگر می خوانند و مصرع سوم تناسبی با دیگران ندارد. در بعضی اوقات مصرع اول هر رباعی معرف و متذکر دومصرع بعدی هستند و در بسیاری موارد تناسبی بابت و مصرع بعدی ندارند و در حقیقت از حیث معنی مستقل و مجزای باشند. تمام رباعیات یونس امر جنبه عاشقانه داشته فوق العاده روان و برای بیان شرح حال بسیار مناسب اند. نمونه ای از رباعیات وی را بطور نمونه در زیر متذکر می شویم:

كبك من در حال پرواز می آید
از موطنش فرار میکند و می آید
اگر دلی شیدای دلی دیگر بود
کوهها را می شکافت و بر می گشت
باد می وزد، شاخه ها در جنبش اند

نی باسوزدل در آواز است
 یارودلبر من چه بسیار حسود است
 اگر به گلی نگاه کنم قهر میکند و خشمگین میشود.
 شترها به ردیف در حرر کنند
 در حرر کنند در حالیکه سر در سر یکدیگر دارند
 آیا هیچ معشوقه‌ای چنین است؟
 می‌رود و مرا هرامی‌کند.

اشعار هزل و شوخی‌های «ملانصرالدین» که در قرن سیزدهم در آناتولی می‌زیسته و باینکه از حیث اصول با اشعار معمول متفاوت است، بسیار دلنشین و زیباست. اشعار وی داستانهای کوتاه، حاکی از روحیات عامیانه و معرف اخلاق شوخ و شکار مردم ترکیه می‌باشد. هزلیات ملانصرالدین فوق‌العاده طرف توجه عامه قرار گرفت و موفقیت زیادی بدست آورد. سراسر کشورهای بالکان و شرق نزدیک عرب و حتی تا افریقای شمالی با اشعار و هزلیات وی آشنائی داشتند. هزلیات ملانصرالدین از زندگانی ترک و مسلمانان حکایت می‌کند و آنها را مانند تابلوی نقاشی در معرض دید افکار می‌گذارد. از اوحکایت می‌کنند که روزی نوک و پاهای غازی را به عنوان این که نوک و پای او بلند است برید و خطاب به غاز چنین گفت «اکنون تو مانند سایر پرندگان شدی». حکایت دیگر: روزی همسایه‌ای خر خواجه را از وی به امانت خواست خواجه در جواب گفت: من خر ندارم. بر حسب اتفاق الاغ خواجه از طویله شروع به عرعر کرد همسایه به وی اعتراض کرد «چرا تو دروغ می‌گویی. من صدای عرعرش را می‌شنوم» خواجه با تأسف سری تکان داد و به همسایه گفت: «چه مردابلهی حرف من را با این ریش سفید قبول نداری ولی حرف الاغی را باور می‌کنی». زمانی دیگر به ملا گفتند «زنت مرد» او شانه خود را بالا انداخت و گفت «اگر هم نمی‌مرد او را طلاق می‌دادم» (ایرانی‌ها ملانصرالدین

را منتسب بخود و او را ایرانی الاصل و زندگیش را در ایران میدانند، تمام این حکایات در ایران زبانتزد خاص و عام است).

زبانهای تازه در آسیای مرکزی

علاوه بر زبان جغتائی و سایر زبانهای محلی متداول در آسیای مرکزی و در روسیه، ترکان اتحاد جماهیر شوروی در صد دبر آمدند زبانهای متشکل و مخصوصی برای خود فراهم آوردند چنانکه به این مقصود هم نائل آمده مدارس و روزنامه‌ها و مجلاتی با این زبانها و خط بوجود آوردند. این زبانها به تدریج دارای ادبیات مخصوص بخود شد. در اوایل قرن ۲۰ «میرزا کاسپینسکی»^۱ در صد دبر آمد در شبه جزیره کریمه زبان ادبی به سبک پان تورکیسم که بنای آن بر روی زبان عثمانی ساده و نزدیک به لهجه متداول در کریمه جنوبی باشد، بوجود آورد و آن را بوسیله انتشار روزنامه‌های بنام «ترکمن» در میان سایر ملل ترک زبان رواج دهد. کوشش‌های وی قبل از انقلاب روسیه به نتایج مثبتی رسید بطوری که روزنامه ترکمن از مرزهای روسیه گذشته تا کاشغر رسید و رواج یافت. زبان قزاقها^۲ غنی‌ترین زبانهای آسیای مرکزی و از حدود نفوذ و تسلط عرب خارج بود. ادبیات قزاق با اینکه دارای گذشته و سابقه طولانی نبود ولی آینده‌اش نویدبخش به نظر می‌رسید.

زبان‌غازان^۳ تا این اواخر ناشناس و برکنار از سایر زبانها بود و تنها باشکیر^۴

ها و مردمان حاجی طرخان بدان تکلم می‌کردند.

اقوام چوواش^۵ و یاکوت^۶ و تاتارهای آلتائی وینی سئی که تا این زمان از خود زبان ادبی نداشتند به تدریج به فکر افتادند آنان نیز در این مرحله قدم بگذارند.

ادبیات ترک ناسیو نالیست

انقلاب جوان ترک را در سال ۱۹۰۸ می‌توان آغاز ادبیات جدید ترکیه محسوب

Kazan - ۳

Kazak - ۲

Mirza Gaspinski - ۱

Yakoutes - ۶

Tchouvache - ۵

Bashkirs - ۴

داشت. نویسندگان و ادبای جوان با استفاده از ادبیات جدید یک باره خود را از زیر نفوذ و سلطه گذشته‌ها رها ساخته در افکار و تخیلات خویش آزادانه به پیش رفتند. در اشعار آنان قافیه مانند سابق مراعات نشد، اشعار بطور کلی هجائی و بدون رعایت وزن و قافیه سروده میشد. در نثر نویسی نیز تحولات زیادی روی داده داستانها و نشریات بطوری نوشته میشد که قابل درک و فهم برای همه ملل باشد.

زبان و ادبیات فرانسه در نظم و نثر ترکیه رسوخ کلی یافت. نویسندگان و ادبا و شعرای مشهوری در این دوره بوجود آمدند که آثار و اشعار آنان تمام با سبک نظم و نثر جدید وفق میداد باین قرار:

«رشأت نوری» متولد در سال ۱۸۹۲ را باید اولین داستان نویس دوران جدید دانست. با الهام از زبان و ادبیات فرانسه در نوشته‌هایش قدرت خلاقه‌ای مشاهده میشود که خواننده را تحت تأثیر قرار میدهد. قهرمانان داستانهای وی از جمله دختر جوان معلمی در شاهکار ادبی خود بنام «چالی قوشو» همگی حاکی از قدرت فکری این نویسنده است.

«یعقوب قدری» متولد در سال ۱۸۸۷ بعد از رشأت نوری طرف توجه عامه قرار داشت. یعقوب که پیر و مکتب نویسندگان فرانسوی مانند گی دوموپاسان^۱ و گوستاو فلوبر^۲ بود، موضوع تمام داستانهای خود را از زندگی طبقات پائین اقتباس میکرد و با قدرت قلمی که داشت سعی میکرد عقاید سخیف و تعصبات بیپوده را مردود شناخته با آنها مبارزه نماید. از شاهکارهای او باید دو کتاب «نور بابا» و «بیابان» را نام برد. «عمر سیف الدین» (۱۸۸۲ - ۱۹۲۰) چون نتوانست مانند نویسندگان دیگر قدرت قلم و بیان خود را در زبان ترکی نشان دهد در اواخر عمر از طرف عامه دچار فراموشی شد. سبک نوشته‌های وی از افکار ملی سرچشمه میگرفت. کتاب «بومبا» از آثار اومی باشد.

«رفیق خالد» از مشهورترین داستان نویسان این عصر توانست با تلفیق شعر و فانتزی و بذله گوئی در داستانهای کتاب خود بنام «تانیدیک لاریم» (مردمان آشنای من) خود را معروف و مشهور سازد.

«فالح رفقی» سردبیر روزنامه معروف «حاکمیت ملی» داستان نویسی زبردست و توانا بود. در کتاب خود بنام «زیتین داغی» (کوه درختان زیتون) با مهارت و بدون پروا با احساساتی که در آن حقیقت نمایان است سرانجام امپراطوری را تشریح کرده است. «خالد ادیب» را باید داستان نویسی از طبقه بین المللی دانست. «آشتین گملک» (بیراهن آتش) اثر او دارای خاصیت روانی است که پیوسته در جستجوی رنج و درد است.

نویسندگان دیگر ترك عبارت بودند از: «ضیا گوک آلی» یکی از پیشوایان مکتب ناسیونالیسم و پیر و مکتب فلسفی دور کهپایم،^۱ «برهان فلک» و «ارجمنداکرم» که همگی دانشمند و خطیب بودند. مشهورترین ترك شناس تركیه «فوآد کوپرولو» وزیر امور خارجه (آن زمان) است که از میان آثارش «ترکیه تاریخی» (تاریخ ترکیه) است.

افتخار ترکیه در جهان ادبیات به شعر بود و برای اولین بار ترکان موفق شدند بر اثر وجود شعرای خود، مکتب بزرگ ادبی بوجود آورند. ژان کوکتو^۲ شاعر معروف فرانسوی در این خصوص چنین نوشت: «من در جستجوی شعر، سراسر جهان را گشتم و آن را در ترکیه یافتم».

در شعر ترکی جدید کمتر آثار قدیمی شرق و غرب مشاهده میشود. برای فهم آن قدری احتیاج به توضیح است. در شعر ترکی آزادی و عشق میهن پرستی و زیبایی طبیعت وجود دارد. سریع التأثیر و آمیخته بدانش و فرهنگ است. روح استقلال و

بشر دوستی و حقیقت خواهی انسانی در آن واضح و روشن است. شعر و شاعری در میان افراد تمام طبقات اجتماعی از دیپلمات و سیاستمدار و استاد و معلم گرفته تا طبقات دیگر رواج دارد. اگر بخواهیم از يك يك آنان صحبت کنیم کتابی جداگانه لازم است بنابراین به ذکر مهمترین این شعرای می پردازیم:

نامدارترین شعرای عصر حاضر «ناظم حکمت است» که مدتها بواسطه افکار مارکسیستی در زندان بسر می برد ولی اشعارش در میان ملت ترکیه، حتی آنانی که کمونیست نبودند، دست بدست می گشت. دیگر از شعرای معروف «ارهان ولی» (۱۹۵۰-۱۹۱۴) که در جوانی بدرود زندگی گفت، اشعارش طنز آمیز و تحریک کننده و عامه پسند است. «ا کتای رفعت» و «فاضل حسنو» «داغلار جا» و «جاهد کولبی» با اینکه به پای ارهان ولی نمی رسند ولی میتوان آنان را جزء شعرای خوب محسوب داشت. شعرای دیگری مانند: رضا توفیق، فاروق نافذ، احمد کوتسی، نصیب فاضل، احمد محب، قائد صدقی به ظهور رسیدند که با وجود آنان شعر در ترکیه مقام اول را در ادبیات آن کشور حائز شد.

تأثر

تمدن و فرهنگ ترکیه سرانجام موفق نشد در قسمت تأثر به مقام تأثرهای یونانی و تأثر کلاسیک غربی ویاچینی برسد. درحقیقت باید گفت که تأثر در ترکیه هیچگاه از محیط تظاهر هنری عامه تجاوز نکرد. با این تفصیل باید اذعان کرد که ترکان به تأثر و صحنه های هنری علاقه مفراطی به خرج داده محیط مناسب و مخصوصی برای پیشرفت این مقصود برای خویش فراهم آوردند. ولی این ذوق و تمایل به هیچوجه جنبه اشرافی و فرهنگی نداشت. هدف آن ترضیه خاطر و وسیله تفریح توده مردم بود زیرا آنان از تأثر جز این کار توقعی نداشتند.

می‌دانیم که چگونه هنر دراماتیک بوجود آمد. هنر دراماتیک بوسیله تعزیه و مراسم مذهبی معرفی شد. در میان ترکان بت پرست آسیای مرکزی «شامانیسم» یعنی اصول معالجهٔ امراض از راه سحر و جادوگری به وسیله لباس‌های مخصوص و نقابها و آلات و ابزار قدیمی و بدوی، به نمایش گذاشته میشد. در حقیقت باید گفت که شامان تجربیات جادوگری خود را به طریقی به معرض نمایش می‌گذاشت که به فن و حرفهٔ خود جنبهٔ حقیقی و طبیعی میداد و از این راه موفق میشد که استقبال و شادی مردم متعصب را جلب نماید. بطوری که از تواریخ و نوشته‌های قدیمی مستفاد میشود مردم پایتخت عثمانی و ایالات این کشور به تأثر علاقمند بوده‌اند به خصوص که مردم ترکیه برای دارا بودن تأثر بزرگ و اجد تمام شرایط مانند سابقهٔ تاریخی و ذوق زیاد و همسایگی با مردم یونان و شرایط جغرافیائی و فرهنگی و تأثیر فلسفهٔ یونان در تمدن اسلامی، بودند. اما با این تفصیل هیچگاه در ترکیه قدیم نمایشنامهٔ مهم و قابل ملاحظه‌ای دیده نشده است. اظهار چنین نظری مستلزم آن نیست که بگوئیم تظاهرات دراماتیک عامیانه دارای ارزش نیست، بلکه بعکس با مطالعهٔ دوران امپراطوری عثمانی میتوانیم سه دورهٔ بسیار مشخص و کاملاً غنی در قسمت تأثر قائل شویم:

«قره‌گز» که در حقیقت باید گفت مبنای اصلی سینما بوده است و از نظر فنی شباهت کاملی به چیزی که ما آن را سایهٔ چینی می‌گوئیم (تأثر خیالی خیمه‌شب‌بازی) دارد. بازیگران متوائی به رنگهای مختلف بد شکل عروسک‌هایی که از پشت پردهٔ نورانی ظاهر میشوند، به معرض نمایش گذاشته میشود. با اینکه این گونه نمایشها جنبهٔ دراماتیک دارند ولی سراسر آن موضوعهای قهرمانی و فانتزی و گاهی صحنه‌های زننده است. باید متذکر شد که خیمه‌شب‌بازی در سراسر دنیای مسلمان بخصوص در اندونزی

مشهور و مورد علاقه بوده است.

«بازیهای جنگی» که تنها عملیات نظامی نبوده بلکه صحنه‌های حقیقی جنگ‌های دریائی و تصرف شهرها را به معرض نمایش می‌گذاشت. اینگونه صحنه‌ها مورد علاقه کامل شاهزادگان و اعیان و طبقات مردم بوده است. صحنه‌های نبرد و جنگ‌های تن بدن ممکن بود يك شب تمام بطول انجامد.

اورتا او یون^۱ (سابقاً بدان کول او یون می‌گفتند) از دوره‌های دیگر قابل ملاحظه‌تر بود به این معنی که نمایشنامه‌های آن از حوادث و اتفاقات پرسر و صدای شهرها و یا محلات، گاهی آمیخته با شوخی‌ها و یا افسانه‌ها، اقتباس میشد. این نمایشنامه‌ها هیچگاه قبلاً تدوین و تنظیم نمی‌شد و بازیگران بدلخواه خود هر چه را که می‌خواستند در موقع بازی می‌گفتند. بازیگران ترك عضو دسته‌های منظم و مشخصی بودند که حرفه آنها فقط تأثر بود و از میان افراد تربیت شده برای این کار انتخاب میشدند. در اواسط قرن نوزدهم برخی از نویسندگان ترك دست بکار ترجمه نمایشنامه‌های اروپائی زده آنها را در کشور خود به معرض نمایش گذاشتند. ترجمه‌های مزبور قبلاً از نمایشنامه‌های فرانسه اقتباس و تقلید میشد که در قسطنطنیه طرف توجه بود ولی بعداً از شکسپیر و نمایشنامه‌های روسی ترجمه‌هایی شد که با استحکام ترجمه‌های اولیه فرانسوی نبود.

در زمانی که داستان نویسی بد پیشرفتهای شایانی نائل آمده و علوم مغرب زمینی استحکام بخشیده بود، فن تأثر هنوز مراحل اولیه را سیر میکرد تا اینکه در دوران جمهوری اولین آثار تأثر ملی پا به عرصه وجود گذاشت. تأثرهای ملی اصولاً جنبه محلی داشت و به هیچوجه تقلید و یا اقتباس از تأثرهای اروپائی نبود. «عبدالحق حمید» با انتشار نمایشنامه‌هایی مانند: تزر، اشبر، تاریک، اولین

نویسندۀ نمایشنامه‌های تراژدی میشود و پس از او باید از «احمد قدسی تچر» و «رشادت نوری» نام برد.

موسیقی

موسیقی ترك را باید بطور کلی عامیانه و شرقی دانست. آهنگها و مقامات آن کاملاً شبیه آهنگهای عربی است. آنچه را از شرق گرفته است اوج دائمی صدا و تحریرهای يك نواخت است.

موسیقی ترك از معنی و مفهوم حقیقی آهنگ موزون برخوردار است و زمانی که با آواز همراه باشد با ارتعاشات و گوشه‌های آن هم آهنگی میکند. دردستگاههایی که با نی نواخته میشود آهنگها و گوشه‌های دستگاهها به خوبی نمایان و روشن است. بنابراین در موسیقی ترك مانند سایر موسیقی‌های شرقی، نوعی ساختمان آهنگی وجود دارد که در آن معنای زیبایی و تنوع که از منبعی قدیمی سرچشمه میگردد، وجود دارد. در موسیقی ترك هم آهنگی وجود ندارد و این دلیل ضعف آنست. در موسیقی ترك نمی‌توان آهنگها و دستگاههای مختلف آن را به‌وضعی درآورد که از آن يك سمفونی ایجاد کرد، بهمین مناسبت با موسیقی اروپائی تفاوت فاحش داشته و از آن یگانه مانده است.

با این تفصیل به نظر می‌آید که موسیقی ترك از بعضی از موسیقی‌های شرقی پیشرفته‌تر باشد و علت آن بواسطه تأثیر و نفوذی است که فرقه مذهبی مولانا جلال الدین رومی در آن بر جای گذاشته است.

موسیقی مخصوص ترك را می‌توان به سه دسته تقسیم نمود: موسیقی مذهبی و عرفانی، موسیقی افسانه‌های عامیانه، موسیقی اماکن عمومی شبانه (کاباره).

دسته اول باروحیه موسیقی ترك تناسب کامل داشته و بیشتر جنبه تجرد و ماوراء الطبیعه دارد. بعضی از دستگاههای آن مانند پیش درآمد مولوی، شاهکاری

سرشار از زیبایی و ملاحات است .

دسته دوم اغلب رزمی و پرهیجان و نشاط آور است . آهنگ و قدرت آن ارزش حقیقی به موسیقی افسانه‌های عامیانه داده است.

دسته موسیقی کاباره مبتذل ولی در عین حال مشهور است بطوریکه در تمام قهوه‌خانه‌های ترکیه نواختن آن متداول است. به نظر یک نفر اروپائی، موسیقی ترک خسته کننده و یک نواخت و پرسر و صدا می آید و تنها از راه عادت و شنیدن مستمر است که شخص می تواند خود را بدان تطبیق دهد.

آلات موسیقی ترک عبارتند از : ساز: عود، چومبوش (نوعی ماندولین کوچکتر از عود است که با چرم و فلز ساخته میشود) ویلون، قانون (شبه هارپ) تمبک، نی و زرنه که یک نوع قره نی است و منشأ آن از کولیه است . اگر موسیقی ترک را با موسیقی اروپائی مقایسه کنیم در این صورت ضعف و سستی آن بخوبی مشاهده میشود بطوری که خود ترکان به این امر اذعان دارند . مردم ترکیه از مدتها پیش به موسیقی کلاسیک آشنائی داشته آن را دوست دارند .

در قرن هجدهم^۱ ترکیه درهای خود را بروی بعضی از موسیقی دانهای مشهور اروپا باز کرد . از جمله بوفاردین^۲ نی زن معروف که همراه شارل دوم پادشاه سوئد به قسطنطنیه آمد و ژاکوب باخ ، برادر ژان سباستیئن . ولی اولین تماس قطعی بین موسیقی دانان ترک و خارجی در حقیقت در قرن نوزدهم اتفاق افتاد و آن در زمانی بود که ژرف دونی زنی در زمان سلطان محمود دوم (۱۸۳۱) به قسطنطنیه آمده و گارد مخصوص وی را به سبک اروپائی تشکیل داد و کمی بعد با ورود فردینان دیوید^۴ و لیست^۵ و وبوتام^۶ به پایتخت

La Turquie . col . Monde et Voyage . p . 141 - ۱

F David - ۴ . Do . Misgetti - ۳ Buffardin - ۲

Vieutemp - ۶ lisgt - ۵

امپراطوری، موسیقی ترك باسبك موسیقی اروپائی آشنا گردید. باینکه در آن دوره ترکیه دارای آموزشگاههای موسیقی و کنسرواتوآر نبود معذلك آثار موسیقی به سبك اروپائی مشاهده شد که کنسرتو و سونات و اپرا و اشعار سمفونيك در آنها راه یافت و با وجود این که موسیقی قدیمی بشدت با نفوذ موسیقی غربی به مبارزه برخاست ولی نتوانست راه را بر آن سد کند. رعایت و حفظ آهنگها و اصول موسیقی عثمانی و یا موسیقی که از اصول ادبیات ملی الهام گرفته است دو موضوعی است که میتوان آنها را در آغاز قرن بیستم در روش دانشجویان قدیمی ترك در کشورهای غربی، که تصور میکردند با درهم آمیختن این دو طریق به تجدید نظر و اصلاحاتی در موسیقی کشور بنمایند، مشاهده نمود.

از پیشقدمان سبك مزبور باید نام «اسمعیل زوهودو» (متولد سال ۱۹۰۴) را متذکر شد. اسمعیل تحصیلات خود را در پاریس و در ژنوبه پایان رسانید و سپس با سه شغل آهنگ ساز و استاد و رهبر ارکستر و رئیس کنسرتوآر استانبول، شروع بکار کرد. اولین اثر او شعر سمفونيك ندا (آپل)^۱ بود که خود رهبری ارکستر را به عهده گرفت. مجموعه آثار او شامل اپراها و اپرتها و سمفونیها و موسیقی ملایم است که در آنها بخوبی هنرمندی او را ثابت میکند. دیگر «عدنان سیگون» متولد در سال ۱۹۰۷ است که وی نیز تحصیلات خود را در فرانسه با تمام رسانید و در سال ۱۹۳۴ موفق شد رهبری ارکستر جمهوریت را به عهده بگیرد و اکنون هم ریاست کنسرتوآر آنکارا بر عهده اوست. عدنان با اثر موزیکال خود بنام «یونس امر» شهرت جهانی پیدا کرد ولی اهمیت وی در نزد هموطنانش بواسطه اپرای «کرم» است که جنبه ملی دارد.

«اولوی جمال ارکین» متولد در سال ۱۹۱۱ نفر سوم از موسیقی دانان معروف معاصر ترکیه است که تحصیلات موسیقی خود را مانند همکاران دیگرش در پاریس گذراند و

بوسیله اثر معروف خود «بیرام» شهرت جهانی پیدا کرد.

علاوه بر سه استاد هنرمند سابق الذکر در ترکیه در دوران معاصر دهها موسیقی‌دان دیگر وجود دارد که موجودیت آنان باعث پیشرفت و تعالی کنسرواتوارهای ملی شده است. در سال ۱۹۲۳ کنسرواتوار استانبول و در سال ۱۹۳۶ کنسرواتوار آنکارا تأسیس گردیدند. از این تاریخ فعالیت موسیقی ترکیه بشدت روبه‌تزايد گذاشت.

در ترکیه، مانند سایر نقاط دنیا، آهنگ سازان بیشتر متمایل به کلاسیسم جدید (از پیروان آن فرید توزون است) و ترکیبات بسیار پیشرفته (ایلخان عثمان‌بک و ایلخان براون و نوید کادالی) و تفهیم (ایلخان میمر اوغلو)، شدند.

باسرعتی که ترکیه در راه پیشرفت موسیقی در حرکت است بزودی آنرا در ردیف کشورهای بزرگ غربی قرار خواهد داد.

فصل سوم

هنر

ترکیه سرزمینی است با تمدن باستانی هنری، کشوری که در آن هنر به سهولت به وجود آمد و شکوفا گردید. تمام ملتها و نژادهائی که در این سرزمین قدم گذاشتند و در آن سکونت اختیار کردند این کشور را ترك نگفتند مگر اینکه آثاری از هنر و ذوق و نبوغ خود بر جای گذاشته باشند. آسیای صغیر با وجود تهاجمات پی در پی و جنگهای خانمانسوزی که در آن اتفاق افتاد، کشوری است که دانشمندان و جهانگردان میتوانند بواسطه وجود آثار باستانی و هنری فراوان، استفاده کامل برده به آسانی به زیبایی و تاریخ آن پی ببرند.

آثار تمدن باستانی کشور ترکیه که زمان آنها به شش یا هفت هزار سال قبل میرسد، با وجود حفریاتی که در آن به عمل آمده در دل خاک نهفته و اسرار خود را فاش نساخته اند. شهرهای مشهور و یا پایتختهای قدیمی در خاک ترکیه فراوان دیده میشود. تروآ شهر هومر واقع در مدخل بغاز دارد انا، مورد توجه کامل باستان شناسان قرار دارد و در اطراف آن بحث و مطالعه میشود. خرابه های شهرها و آثار باستانی در این قسمت از ساحل به تعداد زیاد مشاهده میشود که شرح آنها از حوصله این کتاب خارج است بخصوص که دسترسی بدانها یا مشکل است و یا برای مطالعه باید

به‌موزه‌ها مراجعه کرد. بنابراین فقط بطور اجمال به ذکر اولین تمدنهای آسیای صغیر تا دوران هنر بیزانس (که ابنیه و آثار این دوره دست نخورده و به‌تعداد زیاد هنوز وجود دارد) و سپس به آثار هنری ترکی‌ای ادوار مختلف (سلجوقیان، وارتوقیدها) و دوره کلاسیک (یعنی عثمانی) و دوره معاصر می‌پردازیم.

اولین تمدنهای هنری آناتولی

میان سالهای ۲۰۰۰ و ۱۲۰۰ قبل از میلاد مردمی که ظاهراً از نژادهند و اروپائی بودند در سرزمین سخت و بی‌حاصل و کوهستانی آناتولی سکونت اختیار کردند. این دسته از مردم که بنام هیتیت^۱ ها موسوم بودند، تا سالهای اخیر پس از یک سلسله حفريات بوسیله آلمانها و فرانسویها و انگلیسها و امریکائیکها که از زندگی و آثار هنری آنان اطلاعاتی بدست داد، در گمنامی بودند. هیتیتها مردمانی بودند جنگجو و اسلحه‌آنان از سنگهای بازالت که به‌هیچوجه جنبه صنعتی و هنری نداشت، ساخته شده بود. آثاری که از هیتیتها بدست آمده اغلب به‌صورت ناتمام و ناشیانه و ابتدائی دیده میشود ولی با این تفصیل در بعضی از آثار هنری، زیبایی و مهارتی مشاهده میشود که نمی‌توان آن آثار را در تاریخ عمومی هنر نادیده انگاشت. کتیبه‌هایی که از هیتیتها در موزه‌های ترکیه موجود است بهترین معرف و شاهد بارزی از ابتکار هنری این اقوام است. آسوریها جانشینان هیتیتها تحت نفوذ آنان قرار گرفتند و تمدن خود را بر روی آثار تمدنی هیتیتها بنیان نهادند.

آسیای صغیر بوسیله اقوام هیتیت، نماینده هنری آسیای غربی قدیم شد و بعدها دیای یونان و روم به این تمدن سر و صورت داد و آنرا به‌وجهی درخشانتر و با دوامتر درآوردند.

هنر کرت در جزیره‌ای واقع در مدیترانه بوجود آمد و سپس در حدود سال ۲۰۰۰

قبل از میلاد به یونان و میسن^۱ سرایت کرد و از طریق آسیای صغیر در راه بسط و توسعه افتاد. ولی تنها هنر خاص یونانی بود که در سرزمین کنونی ترکیه به پیروزی شایانی نائل آمد. در نواحی لیدی و کاری^۲ و لیس^۳ یعنی در تمام مناطق آناتولی غربی، شهرهای بزرگ و قابل توجهی مانند: آسوس^۴ و پرگام و ماگنزیس و افز^۵ و میله^۶ و هالیکارناس و کزانتوس و بسیاری دیگر، بوجود آمدند. با اینکه بسیاری از آثار حجاریهای یونانی آسیای صغیر در موزه های خارجی (از جمله حجاریهای آرامگاه هالیکارناس که در بریتیش میوزیوم مضبوط است) نگاهداری میشود. معذک تعداد زیادی تری هنوز بر سر جای خود باقی مانده که معرف و مشخص آثار باستانی ترکیه است. خرابه های پرگام و افز از وسیعترین آثار هنری یونانی، از آن جمله میباشد. در پرگام صحنه نمایش و معبد زئوس و در افز و در آسین دوس^۷ و در پیرن^۸ صحنه های نمایش از شاهکارهای آثار باستانی بشمار می آیند.

پس از مدتی هنر رومی جانشین هنر یونانی در آسیای صغیر گردید ولی دارای اهمیت چندانی نشد. معبد اکوست در آنکارا و میدان عمومی شهر میله نسبت به سایر بناهای رومی دنیای مدیترانه، مشهورتر و دارای ارزش زیادی است.

هنر یونان

در ترکیه، استانبول بزرگترین شهرهای این کشور و مهمترین مرکز هنر یونان است. با این تفصیل هنر یونان علاوه بر قسطنطنیه که بدون تردید بزرگترین کانون این مکتب میباشد، در سایر نقاط مانند مصر و سوریه و کشورهای بالکان و بخصوص در اطراف آدریاتیک و ایتالیا، نفوذ کرده آثار گرانبهایی از خود بجا گذاشته است. هنر یونان اصولاً مانند هنری غیر متحرک و نسبتاً ساده بوده و با اینکه در

Assos - ۴	Lycie - ۳	Carie - ۲	Mycènes - ۱
Pirène - ۸	Aspendos - ۷	Milet - ۶	Ephèse - ۵

قرون متمادی رواج و نفوذ داشته است، متحدالشکل و يك نواخت است.

آثار هنری بیزانس بیشتر جنبه مذهبی (مسیحیت) دارد و به همین مناسبت اثری از فانتزی و آزادی الهام در آن مشاهده نمی شود و هر چه هست برای امور مذهبی و جستجوی ماوراء الطبیعه و ذات خداوندی است. برخلاف هنر مسیحی مغرب زمین مانند هر گونه هنر مذهبی که هدفش خدمت به خدا و تبلیغ عقاید دینی و مجذوب کردن است، هنر بیزانس جنبه آموزشی داشته از احساسات و معنی برکنار است. وجود دربارهای باشکوه و پادشاهان نیرومند به هنر بیزانس اهمیت خاص داده به عظمت و جلال آن می افزاید. آثار و ابنیه بیزانس و یا مکتب هایی که از آن مشتق میشود و بدان وابستگی دارند برآستی شایان توجه و دارای عظمت و جلال است.

موضوع دیگری که در هنر بیزانس از نظر هر پژوهنده ای پوشیده نمی ماند بی اعتنائی به شکل ساختمان و ذوق بکار بردن رنگ ها در آنها، میباشد. خطوط هندسی و تزیینات درهم و پیچیده به جای تصاویر انسانی بکار برده شده ولی اگر حجاریها ضعیف و بی ارزش است در مقابل کاشیکاریها از حیث رنگ آمیزی فوق العاده زیبا و به ساختمانها جلوه و شکوه خاص بخشیده است. ارتقاء هنر بیزانس را به سه مرحله اصلی میتوان تقسیم کرد:

دوران تکوین و دوره اوج و کلاسیک :

دوران تکوین هنر بیزانس را میتوان در فاصله آغاز سلطنت کونستانتین (۳۰۶ میلادی) (مخصوصاً گرویدن او به دین مسیح در سال ۳۲۳) و سلطنت ژوستینی (۵۲۷) دانست. در زمان سلطنت این امپراطور اولین دوره کلاسیک و اولین دوران طلایی آغاز می گردد. کلیسای سنت صوفی نتیجه هنری این دوره است. در قرن هفتم میلادی مکتب اشکال و صور مذهبی در هنر بیزانس به حال وقفه افتاد و جای خود را به نفوذ هنری بغداد پایتخت خلفای عباسی داد. دوره دوم کلاسیک دومین دوران طلایی بازمعداری

سلسله‌های مقدونی و کومن^۱ آغاز گردید و ادامه یافت. از این پس دوران انحطاط و سقوط، بخصوص در ایالات امپراطوری شروع شد ولی در خارج از امپراطوری بخصوص در روسیه هنوز در حال فعالیت و پیشرفت بود. برخی از دانشمندان تصور کرده‌اند که هنر ییزانس در قرن چهاردهم دوباره در صحنه داخل شده اصلاحاتی در آن به عمل آمد اگر هم چنین باشد جنبه ملی نداشته در زیر نفوذ رنسانس مغرب زمین قرار گرفته است. هنگامی که ترکان، قسطنطنیه را به تصرف در آوردند هنر ییزانس درخشندگی و عظمت و اهمیت خود را از دست داد.

ترکان عثمانی بموقع توانستند جبران مافات را کرده به پایتخت باستانی حیات هنری تازه و نوینی ببخشند.

معماری ییزانس، مهمترین رشته هنری مشرق زمین، اصولاً مبنای ساختمانی آن بر آجر است که در ساختمانها بکار میرود. گنبد که در روی چهارستون که هر يك بوسیله طاق قوسی به یکدیگر مربوط میشود، از اختصاصات بناهای ییزانس است. علاوه بر کاشیکاری و نقاشیهای روی دیوارها، عاج و پارچه و طلا و نقره وسیله تزئین بناها میباشد.

برای نشان دادن سبک و نوع و تزئینات آثار و ساختمانهای دوره ییزانس چند نمونه آنرا که در زمان حاضر در استانبول هنوز موجود و بر سر پا ایستاده‌اند متذکر میشویم:

ایاصوفیه (سنت صوفی): این بنا در سال ۳۴۷ بوسیله امپراطور کنستانتین ساخته شد ولی بر اثر آتش سوزی تقریباً تمام آن از بین رفت تا اینکه امپراطور ژوستینیان در فاصله سالهای ۵۳۲-۵۳۷ بوسیله معمار مشهوری بنام آتمیوس دوترالس آنرا تجدید

بناکرد. پس از اینکه ترکان قسطنطنیه، پایتخت امپراطوری روم شرقی را به تصرف درآوردند کلیسا را به مسجد تبدیل نمودند و بدان نام ایاصوفیه دادند.

در اطراف محوطه گنبد چهل پنجره تعبیه شده و تعداد ستونهای که وزنه ساختمان را تحمل میکنند ۱۰۷ عدد است.

تزیینات داخل کلیسا از حیث زیبایی و ظرافت و رنگ آمیزی و نقاشی هایی که با کاشی و رنگ در داخله گنبد و دیوارهای آن بدست هنرمندان ماهر بوجود آمده، از شاهکارهای هنر است.

سن سرژو باکوس (مسجد کوچک ایاصوفیه). بنام دومقدس مذکور و بنا به فرمان ژوستینیان ششم ساخته شد و آنرا ایاصوفیه کوچک گفتند.

کلیسای هورا (مسجد کاریه) که در زمان بایزید دوم تبدیل به مسجد گردید، از نظر معماری یکی از شاهکارهای هنر دوره بیزانس است.

ستون آردادیوس در سال ۴۰۳ بوسیله آردادیوس به یادگار فتوحات ثئودوز کبیر در جنگ با گوتها و ویزیگوتها، ساخته شده است.

چمبرلی تاش که در زمان امپراطور کنستانتین صحنه بازیها و نمایشهای عمومی بوده است (فوروم). در وسط ستونی قرار دارد که امپراطور آنرا از رم به قسطنطنیه آورد و در بالای آن مجسمه آپولون را نصب کرد. «بین بیدیرک» که مخازن آب بوده است.

تکفورسرای که از آخرین آثار ساختمانی دوره بیزانس است. دیوارها که با وجود قدمت آنها به استثنای قسمتی از آنها که در هنگام تصرف قسطنطنیه بوسیله ترکان ویا به مرور زمان، خراب شد، مابقی هنوز بهمان عظمت سابق پابرجا هستند.

آب رو» بوزدوغان» که آب را از خارج بداخل شهر می آورد و هم اکنون تقریباً با همان وضع باقی مانده است.

در شهرهای دیگر ترکیه مانند آنکارا و طرابزون و افزونگی بسیاری دیگر آثار زیادی از دوره بیزانس وجود دارد که از ذکر آن خودداری می شود.

مشخصات هنر اسلامی

رسم بر این است که هنر ترکیه را از جنبه های عمومی هنرهای اسلام مورد مطالعه و آزمایش قرار میدهند. ولی باید دانست که مکتب های هنری آناتولی و یا استانبول بطور کلی تناسبی با هنرهای اسلامی نداشته و جزئی از تمدن شرقی است و آنطوری که دین اسلام مقرر داشته است، نمی باشد. بهر صورت هنر ترك در میان مجموعه هنرهای اسلامی دارای شخصیت و مقام بارز و مهمی است. هنر ترك هنری است ملی و با سایر هنرهای مشابه از گروه مذهبی و فرهنگی، تفاوت دارد.

هنر اسلامی با اینکه تحت تأثیر هنرهای دیگر قرار گرفته، معذک هنری است که قویاً دارای شخصیت مخصوص بخود می باشد. آراء و عقاید عمومی در این باره اغلب بد اشتباه رفته است. در نظر اول هنر اسلامی با ملاحظه آثار و خصوصیات فنی آن به هیچ وجه يك نواخت نیست، زمان و فضا در آن بخوبی مشاهده میشود. با مقایسه با سایر مکتب های هنری، تمایز آن معلوم و آشکار است. مطالعه يك بشقاب اسپانیائی مسلمان و پوشش ظروف چینی هندی و يك مینیاتور ایرانی و یا يك قطعه چوب حکاکی مصری، بخوبی میتوان تعلق این آثار را به مردم سرزمینهای مزبور، پی برد.

برای اثبات این مدعا پنج مناره مسجد را فقط از جنبه و صورت معماری آنها (به استثنای مصالح و تزئینات) مورد مطالعه قرار میدهم.

مناره مسجد متوکل در سامره (قرن نهم میلادی) به شکل مخروطی مقطعی

است که انتهای آن را پاگردی دایره‌وار احاطه کرده است.

مناره مسجد الحکیم در قاهره (قرن دهم) مکعب شکل که بالای آن محفظه‌ای هشت ضلعی با پنج هواکش ساخته شده است.

مناره مسجد کبیر قیروان برج مکعب شکلی است که در انتهای آن دو قسمت کوچک مکعب با گنبدی که در بالای آن تعبیه شده است (قرن نهم) قرار دارد. مناره‌های مشهور تاج محل در شهر آگرا (هندوستان) به شکل استوانه‌ای است که به هر اندازه به طرف بالامی رود باریکتر می‌شود و محفظه‌ای در انتهای آن قرار دارد (قرن هفدهم).

مناره‌های عثمانی به قراری که در مساجد بزرگ استانبول مشاهده می‌شود، مانند تیر بلند و کشیده و نازک و محصور در راهروهایی است که در اطراف آنها احداث شده، (قرن شانزدهم).

با قبول اینکه در هنر اسلامی تنوع وجود دارد باید عوامل اساسی و اصولی را که بدان وحدت می‌دهد در نظر گرفت. هنر اسلامی هنری است مذهبی و باید با سنت‌های مذهبی اسلام متناسب بوده و اصول زندگی اجتماعی و اخلاقی و روحی معتقدین آن را ارضاء نماید. از طرف دیگر باید آن را هنری مربوط به امپراطوری دانست. زیرا اسلام اغلب تحت يك لوا فرمانروائی می‌کرد و پایتخت آن دستور العمل داده می‌رفت و ارتقاء ذوقهای مختلف را رهبری و هدایت می‌کرد و به همین مناسبت بود که در زمان وحدت، تنوع کمتر از زمانی می‌شد که امپراطوری به حال تجزیه می‌افتاد. هنر اسلامی هنری متعلق به سرزمین گرم و خشک و درخشان بود. آب در سراسر آن جنبه تفننی داشت. شدت حرارت آفتاب ایجاب می‌کرد که خانه‌ها دارای حیاط بوده و محفظه و پنجره‌ای به طرف کوچک نداشته باشد.

بناهای مذهبی یعنی مساجد و مدارس و مقابر مانند دنیای مسیحیت، مهمترین

و باشکوهترین میراث هنری مسلمانها بود. مدارس که ساختمان آنها جدید تر از مساجد بود، بر حسب احتیاج مدرسین ساخته میشد.

مسجد بهترین محل برای عبادت از يك شبستان برای نماز و يك محوطه با حوضی در وسط آن برای وضو و يك (یادو) مناره و يك کتابخانه و گاهی اطاقی برای تلاوت قرآن و چندین ساختمان ضمیمه، ترکیب میشود. شبستان به طرف مکه که در آن محرابی وجود دارد، قرار دارد. ائانه آن عبارت است از: منبر، يك مقصوره (نرده‌ای که يك قسمت از شبستان را از قسمت دیگر مجزا میکند) چندین رحل برای قراردادن قرآن، و فرش و چراغ.

بناهای غیر مذهبی کاخهایی است که به پادشاهان و شاهزادگان تعلق داشته. ولی از این کاخهای قدیمی کمتر آثاری بر جای مانده است. در اطراف کاخها تعداد زیادی بازار و کاروانسرا ساخته شده بود.

معماری به معنای خاص کلمه تنها هنر اساسی و اصلی اسلام بوده است. حجاری در برآمدگیهای اطراف ساختمانها اصلا متروک شده بود و فقط برای تزئین معماری بکار برده میشد. در ساختمانهای اسلامی نقوش انسان و حیوان بصورت نقاشی زنده اصلا دیده نمی شود زیرا قرآن تجسم صورتهای زنده را منع کرده است ولی در مینیاتور هاو کاشی کاریها و منبت کاریها با اقتباس از مکتبهای مختلف، صورتهای انسان و حیوان بسیار مشاهده میشود. با اینکه موضوع منع قرآن صحت دارد ولی میتوان گفت که خودداری هنرمندان و صنعتگران از تجسم موجودات زنده، اثری است که از ذوق و سلیقه اعراب بر جای مانده است. هنر اسلامی علاقه زیادی به زیبایی و تزئینات دارد و آن هم تزئیناتی که جنبه تجرد داشته باشد. بطور کلی باید گفت که هنر اسلامی از تقلید سایر هنرها و اقتباس از نمونههای طبیعت خود را برکنار داشته است. دقایق و ظرافت هنر اسلامی را باید در اشیاء هنری جستجو کرد. نقاشی از

حدود مینیاتور خارج نمی‌شود ولی در این قسمت درجه اول اهمیت را حائز است .
 دردنیای اسلام کاشی‌کاری و سرامیک و قالی‌بافی و پارچه بافی و ساختن ظروف
 مسی و برنزی و اسلحه و عاج‌کاری اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد.

هنر سلجوقی

تمدنی که بوسیله سلجوقیان وارد آناتولی شد، مدت ۱۷۰ سال طول کشید تا
 توانست بخود سر و صورت دهد . این تمدن در زمان قدرت مغولان ادامه یافت. هنر
 سلجوقیان آسیای غربی ، رشته‌ای از مکتب هنری سلجوقیان ایران است . منتهی
 زیر نفوذ اوضاع تاریخی و جغرافیائی محلی قرار گرفته تغییراتی در آن حاصل
 گردید.

در ایران و در سوره ترکان جانشین سلسله‌های مسلمان در کشورهای مسلمان
 شده عمیقاً تحت تأثیر رسوم و سنتهای مسلمانان قرار گرفتند . بعکس در آناتولی
 که ترکان این سرزمین را از دست بیزانتن‌ها بطور قطع خارج کردند ، زیر نفوذ
 سنتهای مخصوص واقع شدند . بنابراین فرهنگ و تمدن اسلامی در آناتولی از صفر
 شروع گردید.

ترکان از آسیای مرکزی سنتها و رسوم همراه خود آوردند . با آنکه ناهمواریها
 و ناموزونی‌ها در آنها بنظر میرسید معذک این رسوم در آینده فرهنگ و تمدن آنان
 اثراتی از خود بر جای گذاشت.

وضع جغرافیائی آناتولی سبب شد که به هنر معماری قوانین و قواعد جدید و
 مخصوص تحمیل نماید . این موضوع نه تنها درباره هنر سلجوقی صدق کرد، بلکه در
 تمام رشته‌های هنری عثمانی نیز اثراتی بر جای گذاشت .

وضع جغرافیائی ترکیه با سایر کشورهای اسلامی تفاوت زیادی دارد . در آن
 بیابانهای شنی که از هندوستان گرفته تا مراکش ادامه مییابد و از اختصاصات کشور

های شرقی است، وجود ندارد. کشوری است پوشیده از مناطق علفزار و کوهستانی با آب و هوایی از نوع آب و هوای بری، زمستانها در آن سردوزنده است و بامقایسه با کشورهای عرب کشوری است سرد.

بنابر این ساجو قیان مجبور شدند در نوع ساختمانهای کلاسیک اسلامی تغییراتی بدهند.

عدم وجود مساجد و مدارس مذهبی، فاتحین جدید را وادار کرد که در ایجاد و تأسیس آنها اقدام فوری به عمل آورند. در آغاز امر ساختمانهای مساجد ایرانی را سرمشق خود قرار دادند و صنعتگران شرقی به همان سبک اولین مسجد را بنا نهادند (مسجد ملطیه)^۱. سپس به ساختن مساجد کاملاً پوشیده بدون محوطه و از حیث تزئینات فوق العاده ساده با سقف مسطح و یا محدب پرداختند مانند مسجد بزرگ سیواس و مسجد بزرگ افیون قره حصار. در آخر کار نوبت به ایجاد و ساختمان مدارس رسید که عبارت بود از یک تالار بزرگ با سقف گنبدی و چندین ساختمان ضمیمه که بعدها سرمشق ساختمانهای دیگری از این نوع گردید. تزئینات مساجد و مدارس به هیچوجه بایکدیگر شباهت نداشت.

رسوم محلی در آنها تأثیر فوق العاده بخشید ولی طولی نکشید که اثرات مکتبهای شرقی در تزئینات مساجد ظاهر و آشکار گردید. سنگ و آجر و چوب، مصالح اولیه ساختمانها را تشکیل میداد. بکار بردن چوب یادگاری بود که ترکان از آسیای مرکزی با خود آورده بودند.

عدم تجانس و تشابه در ساختمان بیشتر در ترکیب و شکل گنبدها که روی پایه های مدور و یا شش گوش ساخته میشد دیده میشود. در روی آجرهای جدارها، به سبک ایران، کاشی بر نگهای سیاه و آبی و سفید بکار میرفت. شیشه پنجره ها از ساختمانهای خارجی اقتباس

میشد و خطوط کتیبه‌ها کوفی بود ولی بطور عموم نسخ خط متداول مسلمانان بود. حجاری سلجوقی غنی‌ترین حجاریهای جهان اسلام است. برای حجاری، سنگهای مرغوب و خوب انتخاب میشد و حجاریها عموماً در بالا و اطراف درها که اغلب تنها قسمت زینت شده میباشد، قرار گرفته است. زنجیره‌های ظریف و گل‌برگهای نقوش برجسته زینت حجاریهای اطراف درها را تشکیل میدهد.

با در نظر گرفتن سبک حجاریها و ساختمانها به نظر میرسد که در هنر سلجوقی تمایلات جدید و تازه‌ای بکار برده شده است و این همان ذوق مخصوص ترکان است که به هنر عثمانی پیوسته آزادی و قدرت خلاقه بخشیده است. سلجوقیان در آثار هنری خود حرکات آزاد و در ضمن خشونت آمیز و اغلب غیر منطقی و با عظمت و گاهی بی تناسب و خارج از قاعده را، دوست داشتند. بسیاری از محققان سعی کردند میان هنر سلجوقی آسیای مرکزی و هنر کونیک مغرب زمین، تشابهی پیدا کنند. با اینکه این عقیده از حقیقت بدور است ولی می‌توان تا اندازه‌ای تطابق روحی در آنها قائل شد. گفته اند که هنر سلجوقی در نهایت بی ذوقی و بدسلیقگی است. این راست است که ترکان در این دوران هنوز در حال فرسودگی سیر میکردند ولی لااقل توانسته بودند، هنری بوجود آورند که از جهات تازگی و قدرت و ارزش زیاد، برای اولین بار در اسلام هنری که جنبه ملی داشته باشد، داخل نمایند.

معروفترین بناهای دوره سلجوقی که جنبه معماری هنری دارند از این قرار

است:

در ملطیه: مسجد بزرگ (در حدود ۱۲۵۰)

سیواس: مسجد بزرگ.

گوک مدرسه (مدرسه کبود).

بیمارستان کیکاوس (۱۲۷۱).

قیصریه : مسجد بزرگ (۱۲۳۷).

افیون قره حصار : مسجد بزرگ.

دیوریک : بیمارستان (۱۲۸۸)

قوئیه : اینجه منارلی مدرسه (۱۲۵۲)

مدرسه کارانی^۱.

مسجد علاءالدین.

درسیواس : مدرسه شفا ئیه که در سال ۱۲۷۷ ساخته شده، کاشیهای خراب آن هم اکنون در دست مرمت است.

جفت مناره در مقابل مدرسه بنا شده و امروز فقط خرابه های آنها با سر در سنگی، که از حیث حجاری یکی از شاهکارهای سنگتراشی است، باقی مانده است. در قیصریه: مسجد کولوک از آثار قرن دوازدهم است که محراب آن کاشی کاری است.

در افیون : اولو جامع (مسجد بزرگ) که در سال ۱۲۷۲ بوسیله نصرالدین حسن بیگ، پسر صاحب عطا فخرالدین علی، بنا شد. این مسجد از حیث سادگی یکی از نمونه های بارز مسجدهای چوبی زمان سلجوقیان بوده است.

در قوئیه: کاخ علاءالدین که از قدیمترین آثار قوئیه است بوسیله قلیچ ارسلان ساخته شد و امروز جز خرابه هایی چیزی از آن باقی نمانده است. در عقب این کاخ مسجد علاءالدین واقع شده که بواسطه ستونهای سنگی و محراب و گنبد و بخصوص منبر آن که از چوب آبنوس ساخته شده و از شاهکارهای هنری دنیاست، از معروفترین آثار هنری آن دوره است.

هنر اورتوقی^۱

در کردستان در حوالی دیار بکر، ترکان از خانواده آرتق^۲، هنری بوجود آوردند که از جهات مختلف دارای مشخصاتی مخصوص به خود بود. آثاری که از این خانواده بر جای مانده با اینکه جنبه هنری و لاتینی دارد با اشکال و صورتهای برجسته و حیوانات افسانه‌ای و حیوانات و انسان در روی دیوارها و کتیبه‌های سر درها، نظر متخصصین را به خود جلب کرده مکتب مخصوصی را بوجود آورده است.

از نظر معماری هنر اورتوقیه بسیار پیشرفته است. در بناها سنگ‌های مرغوب تراشیده و آجر بکار رفته است. گنبد آجری مسجد «دونایسیر» یا مسجد بزرگ خرپوط که پی‌های آن با سنگ و دیوارها با آجر و سنگ ساخته شده از جمله آثار هنری اورتوقیه می‌باشد. نقشه‌های بناها بطوری است که حس کنجکاو بینندگان را برمی‌انگیزاند زیرا با نمونه‌های مشابه آنها تطابق نداشته و ارتباطی بایکدیگر ندارند.

مهمترین آثاری که بوسیله اورتوقی‌ها ساخته شده به‌قرار زیر است :

سیلوان : مسجد بزرگ (سال ۱۲۰۰ میلادی که در سال ۱۹۱۳ تعمیر شد).

ماردین : مدرسه سلطان عیسی (۱۳۸۵)

مسجد عبداللطیف (۱۳۷۱ که به سال ۱۸۴۵ تعمیر شد)

دونایسیر : مسجد بزرگ (۱۲۰۴)

خرپوط : مسجد بزرگ (۱۱۶۵)

هنر عثمانی :

هنر عثمانی بطوری که انتظار می‌رود در بادی امر اقتباس و ادامه هنر سلجوقی بود. اولین پادشاهان خاندان عثمان در آغاز دارای قدرت زیادی نبودند، قلمرو

حکومت آنان محدود و عوائد ایشان بسیار ضعیف و ناچیز بود. پس از تصرف بسیاری از اراضی امپراطوری بیزانس که هنوز زیر نفوذ اسلام نیامده بود، موضوع ارتباط میان اجتماعات مختلف بومی و تشکیلات ترکان، مورد مطالعه قرار گرفت. برای ترکان اولین مرحله لازم و ضروری ایجاد مساجد در شهرهای جدید متصرفی و تابعه شد. پس از تصرف قسطنطنیه (۱۴۵۳) و ثانیه قرن ۱۸ میلادی، هنر ترك آغاز و شکوفا گردید و به تدریج برای خود شخصیت بارزی احرار نمود. هنر کلاسیک عثمانی با اینکه از روش مکتب هنر اسلامی منحرف شد، معذک یکى از بارزترین مظاهر آن به شمار میرود. سلاطین عثمانی در این زمان مالک امپراطوری وسیع و منابع مالی سرشار بودند. پایتخت باستانی مهد تمدن بیزانس با وجود عثمانیان نه تنها از اهمیت نیفتاد بلکه به شکوه و زیبایی آن افزوده گردید. دربار پر جاه و جلال و سلاطین سخاوتمند، تمام هنرمندان و صنعتگران را از مصر و سوریه (با رسوم اسلامی خود) و یونان (معتاد عظمت امپراطوری بیزانس) به خود جلب کردند. از مردم آناتولی که از نژاد ترك بودند تعداد بیشمارى هنرمند فعال و با ذوق سرشار و نابغه بوجود آمدند. در تمام دوران عظمت امپراطوری عثمانی شهر استانبول معروفترین و مهمترین مهد و کانون فرهنگی و هنری دنیا گردید.

از سال ۱۷۵۰ میلادی دوران انحطاط آغاز شد. جنگهای پیایى توأم باشکست و مشکلات بازرگانی خارجی و تمام علل و اسباب ضعف و سستی که در تاریخ کشوری ممکن است بوجود آید، در هنر عثمانی اثرات بسزائی بخشید. قدرت خلاقه عثمانی و مسلمان بطور قابل ملاحظه ای نکت یافت. نفوذ هنری اروپائی بخصوص فرانسوی بتدریج در میان ترکان احساس شد. در اواخر قرن هجدهم سبك کهنه تركى با صدفکاری و منبتکاری ایتالیائی آمیخته شد و سبکی ترك و ایتالیائی بوجود آمد. این سبك هنری بسا اینکه نزد برخی از هنرمندان مبتذل به نظر آمد ولی نباید

منکر شد که در آن زیبایی و لطافت خاصی وجود دارد. کاخها و خانه‌ها و مساجد به سبکی ساخته شده که در محیط اسلام خالی از اعجاب و شگفتی نبود و به همین مناسبت مورد ملامت و سرزنش قرار گرفت که چرا از سنن و رسوم اسلامی برکنار مانده است. چنین سبکی که مخلوطی از هنر غربی و هنر شرقی بود مکتب هنری مخصوصی بوجود آورد. در اسباب و ائانه و طرز تزئین خانه‌ها در ترکیه، تحت تأثیر تمدن اروپائی، تغییرات زیادی بوجود آمد. مسلمانان، چنانکه امروزه مشاهده میشود علاقمندند سادگی داخلی خانه خود را حفظ نمایند و از زیادی و تنوع ائانه امتناع می‌ورزند و به اشکال حاضر میشوند تابلو و یا یک قطعه چوب مثبت و برجسته را در داخل خانه خود آویزان نمایند و عموماً با ایجاد شاه نشین‌ها و قفسه‌ها در داخل جدار دیواره اطاق‌های خود ائانه و اسباب‌خانه را جای میدهند و بایر ده‌ای آنها را از دید پنهان می‌کنند. اسباب و ائانه شرقی که عموماً از چوب مشبك به رنگ تیره و یا مثبت کاری با عاج است در حقیقت شاهکار ذوق یک نفر مسلمان نیست آن هم اثری است که از فرانسه در شرق به جای مانده. اصولاً باید گفت که هنر مبیل سازی در میان هنرمندان مسلمان متداول و معمول نبوده است.

در دوران قرون ۱۸ و ۱۹ در استانبول کاخهای بزرگ و باشکوهی ساخته شد که به شهر شکل و ترکیب فعلی را داده است. مهمترین آنها عبارتند از: بیکلریسکی، دلمه باغچه و ییلدیزکیوسک.

معماری کلاسیک

مساجد عثمانیها به سه شکل مختلف به این قرار ساخته شده است:

۱. مساجد بزرگ شهرها (به اصطلاح ترکیها اولو جامی) که اغلب دارای چندین گنبد بوده و فاقد صحن می‌باشند به علاوه محوطه بدون تزئین و از حیث ساختمان

عظیم و باسبك معماری خشن می باشد . مسجد بزرگ شهر بورسۀ نمونه ای از این سبك معماری است.

۲ - مسجد که مرکب است از يك طالار مربع شکل پوشیده از يك گنبد که در انتهای آن دریچه ای تعبیه شده است . این نوع مسجد از نوع مسجدهای روستاهای زمان سلجوقی میباشد .

مسجد «سبزیزنیک» بهترین نمونه بارز سبك مذکور است . این نمونه به اندازه ای مورد توجه قرار گرفت که پس از فتح قسطنطنیه باز به همان سبك مساجد زیادی ساخته شد . در شهر استانبول در سال ۱۴۹۱ هنرمندان و معماران ترك یكی از بهترین و زیباترین مساجد را به این سبك ساختند.

۳ - متداول ترین انواع مساجدی که در دوران امپراطوری عثمانی ساخته شد از نوع مساجد ایرانی بود که بجای صحن مرکزی طالاری می ساختند که در روی چهارپایه قطور آن که به طرف داخل متمایل میشد، گنبد میزدند و درپهلوی آن محوطه بزرگی رو به قبله برای نمازگزاردن می ساختند. قبل از شبستان معمولاً دالانهای پوشیده از گنبد قرار دارند . این نوع ساختمان فوق العاده عملی و با وجود ملحقات و منضعات ، آن را از صورت يك فواختی خارج می کند . نمونه این دسته از مساجد در شهر بروس (بروسه) اولین پایتخت عثمانیها موجود است.

ساختمان مدارس عثمانی از نظر اهمیت از سبك مدارس دوره سلجوقی پائین تر است معذلك بعضی اوقات پاره ای از آنها به طریقی ساخته شده اند که خالی از زیبایی نیستند. در هر گنبد کوچکی يك پنجره گذاشته شده در وسط هر يك از آنها هواکش بلندی به چشم می خورد.

تمام بناهایی که از دوران عثمانی بجای مانده دارای منظره خوبی نبوده و تزئینات آنها خشن می باشد و چون در هر بنائی لازم بود گنبدی داشته باشد دیوارهای

آن ضخیم و نامتناسب ساخته شده است. دیوارها از طبقات سنگ و آجر و بطور مطابق بنا شده و همین امر بدان حالت تزئینی داده است. پس از دوران سلجوقیان حجاری روبه انحطاط رفت ولی کاشی کاری جای حجاری را گرفت و روز به روز پیشرفت کرد. مسجد سبز بروس و مسجد محمد اول را در همین شهر میتوان از شاهکارهای هنری اسلامی دانست. رنگ سبز بیش از هر رنگ دیگری در کاشی کاری جدار دیوارها و پنجره های کاشی آن بکار رفته است. زمانی که استانبول پایتخت امپراطوری عثمانی انتخاب شد، سلاطین عثمانی خود را رئیس و رهبر عالی اسلام معرفی نمودند و بلافاصله دست بکار ساختمانهای عظیم و ایجاد پلها و کاروانسراها و راههای شوسه شدند بطریقی که دنیای اسلام تا آن زمان چنین آثار و بناهایی به خود ندیده بود. سپس در صدد برآمدند پایتخت خود را از هر حیث زیبا کرده بدان ابهت و شکوه بدهند. هنر ترك پیوسته کوشش میکرد به معماری خود سر و صورتی داده آن را هر چه بیشتر لطیف و زیبا و خوش منظره نماید. سلجوقیان از مدتها پیش همین فکر را تعقیب و بدان عمل می کردند، مثلاً اگر پلی روی رودخانه ای بنام میکردند به لزوم آن کار نداشتند بلکه سعی داشتند با احداث قوسها و طاق نماها آن را خوش منظره جلوه گر سازند. معماران و سلاطین و بزرگان ترك بواسطه علاقه مفرضی که به سبزه و گل داشتند در غرس اشجار و گل کاری و احداث چمنزارها در اطراف ساختمانها و ابنیه خود کوشش فراوان مبذول میداشتند. کاخهای آنان همیشه به طریقی ساخته میشد که دارای مناظر طبیعی باشد. در استانبول تمام کاخها و مساجد در روی تپه ها و بلندیهای مشرف به جلگه های سرسبز و یا در کنار دریا بنا شده اند. مثلاً در کنار دریای مرمره هنگامی که مسافری وارد بندر بزرگ آن میشود از دور منظره دلکش و زیبایی از گنبد ها و مناره ها که در دل آسمان سر بر افراشته اند، مشاهده میکند.

مساجد ترك و بنای عظیم آنها وسیله شده اند که هنر عثمانی را به اوج شهرت

برسانند. ترکان باتقلید و اقتباس و تجدید این مکتب هنری، موفق شدند مکتبی بوجود آورند که به زودی در سراسر امپراطوری عثمانی رواج یافته مورد استفاده قرار بگیرد. تحولی که در هنر ترك بوجود آمد مرهون مهندس نابغه‌ای (شاید: کمال‌الدین) می‌باشد. این شخص هر که باشد راه را برای مهندسين و هنرمندان آینده از جمله سینان^۱ که سرآمد آنان بود، بازو هموار کرد. سینان که در سال ۱۴۸۹ در شهر قیصریه متولد شد، در آغاز به شغل مهندسی نظامی برای ساختن پل و راه‌مشغول بود و چون مهارت او مورد توجه سلطان عثمانی قرار گرفت، وارد خدمت دربار شده به کار ساختن کاخهای سلطنتی پرداخت و در اندک مدتی وجود او در میان شاهزادگان و اعیان و اشراف مغتنم بشمرده شد. بر سر او کار به نزاع کشید. از این معمار و مهندس عالیقدر در حدود سیصد و پنجاه ساختمان مختلف از هر نوع پل و مسجد و چشمه و آب نما، باقی مانده است.

در حدود سال ۱۵۰۰ کمال‌الدین یا شخص دیگری به فکر افتاد که کلیسای سنت صوفی را به مسجد تبدیل نماید. این فکر با وجود تمام اشکالات و موانع و اختلاف سبک معماری و ساختمان بین کلیسا و مسجد، به مرحله عمل درآمد و کلیسای سنت صوفی به مسجد ایا صوفیه تبدیل گردید.

سبک معماری و هنری مساجد ترك را که در حقیقت یکی از افتخارات ملت ترك است، برخلاف عقیده بسیاری نباید تقلید و اقتباس از سبک معماری ییزانس دانست. مساجد ترك دارای همان خواص زیبایی فوق العاده و منطقی معماران نابغه یونانی می‌باشند.

برای نمونه به ذکر چند بنای تاریخی از شهر استانبول می‌پردازیم.

استانبول:

مسجد ایوب سلطان اولین مسجدی است که در استانبول در سال ۱۴۵۸ در کنار قبر حضرت خالد که خود به عنوان پرچمدار در هنگام تصرف قسطنطنیه حاضر بوده است، ساخته شد. این مسجد و آرامگاه زیارتگاه مسلمانان ترکیه شده است.

مسجد فاتح که در سالهای ۷۱-۱۴۶۳ بوسیله سینان معمار معروف و بنا بفرمان سلطان محمد فاتح ساخته شد.

مسجد بایزید در سال ۱۵۰۱ بدستور سلطان بایزید دوم و بوسیله کمال الدین معمار بنا گردید.

مسجد سلیمانیه در فاصله سالهای ۵۷ - ۱۵۵۰ به امر سلطان سلیمان قانونی و بدست سینان احداث شد.

مسجد جامع (یا مسجد نو) در سال ۱۵۹۷ بدستور سلطان صفیه شروع شد و در سال ۱۶۶۳ بوسیله سلطان تورخان خاتمه یافت.

مسجد سلطان احمد یا مسجد سبز، بفرمان سلطان احمد اول در فاصله سالهای ۱۶ - ۱۶۱۰ و بدست محمد آقا معمار ساخته شد، تنها مسجدی که دارای شش مناره است، آرامگاه سلطان احمد در گوشه‌ای از باغ مسجد قرار دارد.

مسجد ولیده که در سال ۱۸۷۱ بوسیله مونتانی مهندس ایتالیائی بدستور سلطان عبدالعزیز برای مادرش ولیده سلطان، بنا گردید.

توپ قاپوسرای، سلطان محمد فاتح در سالهای ۱۴۷۸ - ۱۴۶۵ به احداث این کاخ فرمان داد و سلاطین بعد از او تا قرن نوزدهم آنرا به تدریج توسعه دادند و فعلاً بزرگترین موزه‌های ترکیه را تشکیل میدهد که در آن نفیس‌ترین مجموعه‌ها و آثار تاریخی و هنری نگهداری میشود.

کاخ بیگلربیگی در سال ۱۸۶۵ در ساحل آسیائی بوسفور به امر عبدالعزیز ساخته شد.

کاخ دلمه باغچه در سال ۱۸۵۴ بوسیله سلطان عبدالمجید بنا گردید .
چشمه احمد سوم (۱۷۲۸) یکی از زیباترین بناهای استانبول است .

سرامیک

مشهور است که قابل توجه‌ترین سرامیکها به ملل مسلمان تعلق دارد . زیرا هیچیک از سرامیک‌های ملل دیگر از حیث جنس و شکل و نقش و نگار و زیبایی و خوش آب و رنگی و موزونی و طرف توجه بودن طی اعصار و قرون به پایۀ سرامیکهای ملل مسلمان نمی‌رسد . تنها از این میان ظروف چینی و سرامیک‌های چین است که می‌تواند با سرامیکهای اسلامی رقابت نماید . سرزمین اصلی سرامیک بدون تردید ایران است . در ترکیه نیز سرامیک و صنعت چینی سازی مکتب مخصوصی دارد .

در قرن پانزدهم ، ترکیه هنوز زیر نفوذ ایران قرار داشت . ولی تزئین دیوارهای مساجد از همان آغاز فتح شهر بروسه سبب شده که سرامیک‌سازان ماهر در این سرزمین به ظهور برسند . کاشی کاری ترکیه با بکار بردن رنگهای آبی و سبزر و به ترقی و پیشرفت گذاشته مکتب بخصوصی برای خود ایجاد نمود . علاوه بر سبک تزئین دیوارها ، متداول در آن زمان ، مکتب‌های کاشی سازی جزیره رودس و کوتاهیه آثاری بر جای گذاشت که از هر حیث شایان اهمیت بود .

در قرون ۱۶ و ۱۷ میلادی سرامیک ترکیه به سرعت روبه توسعه رفت و حتی تا امروز این صنعت رواج کامل داشته طرف توجه صنعتگران و هنرمندان است . سرامیک‌های کوتاهیه که نسبت به سایر سرامیکها ظاهر خشنی دارند در حال حاضر نیز بدست هنرمندان این فن ساخته و پرداخته میشود .

بطور کلی خاکی که برای سرامیکها در ترکیه بکار میرود با اینکه سفید و نرم است معذک از حیث مرغوب بودن به پای خاکهای ایران نمی‌رسد . نقش و نگار

ظروف بسیار عالی است ولی در آنها اثری از صورت انسان مشاهده نمیشود. بشقاب، کوزه، کاسه و چراغ و شمعدان با اشکال و صور بسیار ساده و زیبا ساخته میشود. باید به این نکته توجه کرد که منشأ سرامیک دمشق اصلاً از ترکیه و محل اصلی تهیه آن شهرهای ایسنيك^۱ و استانبول میباشد.

هنرهای ظریفه

تکنیک و ذوق ایرانی علاوه بر هنر سرامیک بطور کلی بر روی هنرهای پلاستیک و صنعتی ترکیه نیز اثر گذاشت. مینیاتور که تحت تأثیر و نفوذ مکتب تبریز و مکتب ایتالیائی با نقاش و نیزی به نام ژانیتل بلینی^۲ که سلاطین عثمانی وی را به پایتخت خود آورده بودند، قرار گرفت. «والی جان» از مینیاتور سازان معروف اواخر قرن ۱۶ است که علاوه بر مینیاتور، نقاشی از روی تصاویر زنان را متداول ساخت. تصاویر سلاطین عثمانی از شاهکارهای مینیاتور ترکیه می باشد. بطوری که ملاحظه میشود نقاشی از روی صورت انسان در مینیاتور معمول بوده است.

اسلحه سازی ترکیه بواسطه مرغوبیت نوع و ظرافت کار معروف و مشهور بوده است. مخصوصاً کلاه خود، چون ترکان عموماً در جنگها عمامه خود را حفظ میکردند اهمیت فوق العاده داشته است.

در بسیاری از قسمت های صنعتی مانند قالی، ظروف مسی و پارچه، ترکان مهارتی بسزا داشته از مکتبها و روشهای دوران امپراطوری الهام می گرفتند. در قسمت قالی بافی مخصوصاً آنهایی که برای صادرات بود بیشتر سبك قالی بافی شمال افریقا رعایت میشد چنانکه هم اکنون نیز این روش ادامه دارد.

وضع کنونی هنر در ترکیه

هنر قدیمی ترکیه به استثنای معماری، در حقیقت هنری صنعتی است که گرچه

باتأنی وکندی پیشرفت کرده ولی در آن دقت کافی به عمل آمده است. آثار هنری در این کشور مانند سرامیک، ظروف مسی و قالی بیشتر جنبه بازرگانی داشتند که یا در محل و یا به صورت صادرات به خارج از کشور فروخته میشد و از این راه عایدی مهمی نصیب خزانه می گردید. از اواسط قرن گذشته بواسطه صنعتی شدن کشور به سبک اروپائی، صنایع داخلی روبه نكس و انحطاط رفت. اگر در سابق فقط توپ و اتومبیل وارد کشور میشد امروزه تمام مایحتاج زندگی بوسیله ماشین، در داخل ساخته میشود. محصولات صنعتی غرب سیل وارسوی ترکیه روان است و عدم توانائی زمامداران گذشته نتوانست از ورود محصولات خارجی جلوگیری به عمل آورد و همین امر سبب شد که صنایع داخلی و ملی قدیمی روبه انحطاط و زوال برود. دولت جمهوری چون بروی کار آمد خود را در برابر مسائل هنری، مانند سایر مسائل داخلی دید و درصدد برآمد به این موضوع سر و صورتی بدهد.

آیا لازم بود به هر قیمتی که ممکن است شکل و روش قدیمی را حفظ نمایند یا آنکه راه را برای صنایع غربی باز نگاهدارند؟ وضع و روحیه اجتماعی با اقتباس و تقلید از غرب موافق بود بنابراین دولت ترکیه مصمم شد هنرهای اساسی اروپائی را که تا آن زمان از آنها بی اطلاع بود مانند: نقاشی بارنگ روغن و حجاری جدا از معماری را، تشویق کرده رواج دهد.

اتخاذ چنین سیاستی مستلزم وجود هنرمندان و صنعتگران لایق و قابل بود تا بتوانند هنرهای اروپائی را در کشور رائج سازند. بنابراین دولت درصدد برآمد چندین استاد از اروپا استخدام کرده تعدادی کارآموز به هنرستانها و کارگاههای هنرمندان اروپائی، مخصوصاً فرانسوی، بفرستد ولی آنقدر تحمل نکرد تا عناصر داخلی در امور هنری بصیرت کافی بیابند، مقرر داشت تا بیگانگان امور هنری را به عهده بگیرند و برای آن کار بکنند.

مصطفی کمال پاشا از نظر هنری دو مقصود و هدف داشت: یکی زینت دادن میدان‌ها با مجسمه‌ها و دیگری احداث شهرهای جدید. لازمه انجام یافتن قسمت اول در معرض نمایش گذاشتن مجسمه انسان بود که در ضمن جنبه رسمی و تظاهر دربرداشته باشد. امری که با عقاید و رسوم قدیمی مابینت کامل داشت. رهبر ترکیه در قدم اول با ایراد سخنرانی و خطابه و سپس بزور، منظور خود را عملی ساخت. در سال ۱۹۲۶ در شهر استانبول مجسمه خود را که بوسیله یک نفر مجسمه‌ساز ونیزی ساخته شده بود، افتتاح کرد و بلافاصله دو مجسمه دیگر از خود، اثر مجسمه‌سازان ایتالیائی، در شهر آنکارا برپا ساخت. از این پس شهرهای دیگر به تقلید از او هر یک مجسمه هائی از پیشوای خود برپا ساختند. مردم ترکیه تنها به مجسمه آتاتورك اکتفا نکرده به ساختن و ایجاد ابنیه یادگاری پرداختند. مجسمه‌ها و مجموعه بناهای یادگاری که به ترکیه قیافه و چهره غربی داد به هیچوجه ارتباطی با هنر ترك نداشت، بلکه تظاهری بود از روحیه هنری و سیاسی و اجتماعی آن. ارزش این آثار هنری یکسان نبود ولی در میان آنها آثاری بوجود آمد که میتوان جزء شاهکارهای هنری جدید به حساب آورد. از آن جمله است مجسمه آتاتورك که به یادگار پیاده شدن او در سامسون ساخته شده و دیگری بنای عظیم «امنیت»^۱ آتاتورك در آنکارا.

معماری رسمی و معماری شهرها به تدریج جنبه بین‌المللی پیدا کرد به طریقی که نظایر آن مثلاً در محله‌های جدید پاریس و در مراکش و یا در پایتخت‌های امریکای جنوبی مشاهده میشود. آرامگاه آتاتورك که نقشه آن میان مشهورترین مهندسين اروپائی به‌مسابقه گذاشته شد از مهمترین بناها و آثار رژیم جدید ترکیه است. دولت جدید ترکیه چندین ساختمان از این نوع بوجود آورد. در این بناها عظمت و شکوه وجود ندارد ولی مبانی بهداشتی و آسایش در آنها به‌وجه احسن مراعات شده است. بولوار آتاتورك و یامیدان قیزیلاي^۲ در آنکارا و بولوار ساحل دریا در ازمیر

بهترین مثال برای موفقیت دولت در طرح ریزی شهر های ترکیه جدید می باشند. انتخاب بناها و ساختمانهای جدید کاردشواری است زیرا تعداد این بناها به اندازه ای زیاد است که نمیتوان بهترین آنها را انتخاب نمود. از آن جمله است: ساختمان دانشکده ادبیات و تاریخ و جغرافیا و اپرا (در کنار دریاچه) و کاخ ریاست جمهوری و انستیتوی دختران جوان عصمت پاشا و سد چوبوك^۲ و غیره. در ترکیه تعداد زیادی نقاش جوان هنرمند و قابل تربیت شده اند. روش و مکتب های هنر جدید اروپائی به اندازه ای در ترکیه رخنه کرده که تقریباً می توان گفت تمام هنرمندان شرقی را زیر نفوذ خود قرار داده است. هنر آبستره و هنر تزئینی وسیله شدند که به هنرمندان جوان ترکیه و خاورمیانه معنای حقیقی هنر غرب را بیاموزند.

جای تأسف است که ترکان تاکنون به هیچ وجه در صدد بر نیامده اند رسوم هنری قدیمی کشور خود، یعنی هنر اسلامی را زنده و تجدید نمایند و مکتبی جدید باهم آمیختن مکتب های اروپائی و شرقی که جنبه شخصی و ملی و جهانی داشته باشد، بوجود آورند. مدت زمانی نیست معماری و حجاری و نقاشی ترکیه پیرو و مقلد مکتب غرب شده است و این نکته نیز محرز است که نبوغ ترك با استعدادی که در قسمت تمدن هنری از خود بروز داده است بزودی موفق خواهد شد حقوقی را که از آن انتظار می رود کسب کرده در کشف زیباییها در جهان شریك و دمساز شود.

موزه های ترکیه

قسمت اعظم آثار هنری ترکیه تاکنون از آناتولی خارج شده زینت بخش موزه های مغرب زمین گردیده است. به طوریکه بسیاری از آثار تمدنی و هنری ترکان آسیای مرکزی در موزه های اروپا جمع آوری و به معرض نمایش گذاشته شده است: عدم توجه دولت امپراطوری به وجود موزه سبب شد که در حال حاضر ترکیه فاقد نمایشگاههای نقاشی باشد. با این تفصیل در کاخ دلمه باغچه مجموعه ای از تابلوهای نقاشی مهم

دولا کرو آ^۱ نقاش معروف فرانسوی موجود است.

پس از تشکیل حکومت جمهوری ، موزه‌ها یکی پس از دیگری تأسیس شد و به تدریج اهمیت و قدر هنر روبه‌تزايد گذاشت . سرزمین ترکیه مملو از آثار هنری قدیم است و این خود ذخیره سرشاری برای موزه‌های این کشور می‌باشد. در حال حاضر سی و نه موزه با قسمتهای مختلف وجود دارد که بیش از ۸۰۰۰۰ قطعه آثار قدیمی و هنری در آن‌ها نگهداری میشود . در حدود هشتادگروه باستان‌شناسی از طرف دولت مشغول حفاریات می‌باشند.

کلیسای سنت صوفی که به مسجد ایاصوفیه تبدیل شد موزه هنر بیژانس است. درهای تمام کاخهای امپراطوری به عنوان موزه بروی مردم گشوده شد . موزه توپقاپی و موزه آثار باستانی استانبول و ایاصوفیه و دلمه‌باغچه از بزرگترین و مهمترین موزه‌های شهر باستانی قسطنطنیه می‌باشند.

موزه‌های مهم دیگر ترکیه عبارتند از :

- | | |
|---------------------------------------|-------------|
| موزه باستان‌شناسی. | در آنکارا : |
| موزه مردم‌شناسی . | |
| موزه نقاشی نوین . | |
| موزه باستان‌شناسی . | در ازمیر : |
| موزه آسوری ، هیتیت و کلاسیک. | در ادنه : |
| موزه هنر کلاسیک و عثمانی. | در ادرنه : |
| موزه درویشهای دوره گرد ^۲ . | در قونیه : |
| موزه عتیقه‌ها . | |

منابع مورد استفاده

مترجم

1- Second five years development plan 1968 - 1972. Published by the Central Bank of the Republic of Turkey. S. P. O. 752 Ankara 1969 .

2- Planning in Turkey. Published by the State Planning Organization. Number S. P. O: 549. May 1968

3- The Annual Program 1970. A Summary. December, 1969. Ankara Pub. No: S. P. O: 842.

4 - The Turkish Press, by Prof. Hasan Refik Ertug (Press institute, University of Istanbul). June. 1969 Ankara.

5- Turkey Col. Ministry of Tourism and Information. No 1-7.

6- La Turquie. Col. Monde et Voyage, Larousse.

7- La Revue Française Présente la Turquie.

8- Journal of the Regional Cultural Institute (Iran. Pakistan. Turkey. Tehran Vol 5. No 1-1972.

۹- بمناسبت مسافرت رسمی شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانوی ایران به کشور ترکیه. از انتشارات وزارت اطلاعات .

۱۰- ایران، پاکستان و ترکیه در راه يك همكاری ثمر بخش. تهران، مرداد ۱۳۴۶.

۱۱- ترکیه امروز. نگارش دکتر عباس نرسی . تهران ۱۳۲۰.

انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب

مجموعه معارف عمومی

ترجمه	اثر	نام
دکتر حسین پیرنیا	پل ساموئلسن	۱- اقتصاد جلد اول
ر. داوری	س. جیمس جینس	۲- جهان اسرار آمیز
دکتر صدیقی و نصر اصفهانی	الن ولزوالپول	۳- پرشش و پاسخهای علمی
سعید شاملو	کارن هورنی	۴- روشهای نو در روانکاوی
دکتر محمود بهزاد	برنارد گلمسر	۵- اسرار بدن
مهین حصیبی	نفیو وچستر	۶- سفر به کره ماه
وحید مازندرانی	تلخیص و تنظیم ا.ج. اوانس	۷- تاریخ هرودوت
انور شکی	ایزاک آسیموف	۸- رود زندگی
پرویز مرزبان	اریک نیوتن	۹- معنی زیبایی
دکتر غلامرضا کیا نپور	ویلیام مگکھی	۱۰- تربیت نیروی انسانی
دکتر محمود بهزاد	ایزاک آسیموف	۱۱- زندگی ما به چه موادی وابسته است
مهندس حسین پیروزی و ک. پرکار	س. آر. هارلر	۱۲- کشت و بازاریابی چای
فرید جواهر کلام	چارلز برتر	۱۳- مقدمات روانکاوی
دکتر محمود بهزاد	ایزاک آسیموف	۱۴- تن آدمی
دکتر محمود بهزاد	شارلوت اوبرباخ	۱۵- علم وراثت
محمود مصاحب	مارتین گاردنر	۱۶- نسبت برای همگان
اسماعیل سعادت	دکتر گلیفورد آلن	۱۷- کشفیات نوین در روانپزشکی
غلامرضا کیا نپور	مورای. دی. بریس	۱۸- توسعه صنعتی
مهدی قائمی	ویلیام جیمز	۱۹- دین و روان
چند مترجم	-	۲۰- فلسفه نظری جلد اول
خسرو اسدی	رابرت ج. الکساندر	۲۱- الفبای رشد اقتصادی
مجید مسعودی	لورن آیسلی	۲۲- سفر بیکران
محمود مصاحب	ایرام. فریمن	۲۳- اتم چیست
ابوالقاسم طاهری	چند نویسنده	۲۴- نظام صنعتی
فریدون بدره‌ای	ساموئیل. ک. ادی	۲۵- آئین شهر یاری
چند مترجم	-	۲۶- فلسفه نظری جلد دوم
دکتر محمود بهزاد	مارگرت شی گلیبرت	۲۷- بیوگرافی پیش از تولد
دکتر حسین فرهودی	ای.ف.ک. ارگانسکی	۲۸- سیاست جهان
مهندس علیقلی بیانی	جی. ایچ. جینز	۲۹- فیزیک و فلسفه
مسعود رجب‌نیا	ریچارد. ن. فرای	۳۰- میراث باستانی ایران
ابراهیم علی‌کنی	م. مک‌آیور	۳۱- جامعه و حکومت
دکتر حسین پیرنیا	پل ساموئلسن	۳۲- اقتصاد (جلد دوم)
چند مترجم	چند نویسنده	۳۳- فلسفه اجتماعی
دکتر محمود بهزاد	ایزاک آسیموف	۳۴- اسرار مغز آدمی
دکتر محمود بهزاد	ایزاک آسیموف	۳۵- رمز تکوین

۳۶- معماری اسلامی

۳۷- داروهای نوین

۳۸- کودك عادى

۳۹- تغذيه و بهداشت

۴۰- دنیای زیر آقیانوسها

۴۱- بزرگان فلسفه

۴۲- اقتصاد روزمره

۴۳- مشکلات روحی جوانان

۴۴- حیات و انرژی

۴۵- الکترونیک برای جوانان

۴۶- فقط يك تریلیون

۴۷- شناخت نور

۴۸- مثلثها

۴۹- روانشناسی فیزیولوژیک

۵۰- نجوم

۵۱- آموزش و پرورش کهن و نوین

۵۲- فیزیولوژی انسانی

۵۳- استانبول

۵۴- جهان از چه ساخته شده است

۵۵- حیات در آسمانها

۵۶- اصول علم آمار

۵۷- فلورانس در عصر دانته

۵۸- تندرستی برای زندگی بهتر

۵۹- هنر آموزش

۶۰- سفر نامه مارکو پولو

۶۱- تاریخ فلسفه تربیتی ج ۱

۶۲- « « ج ۲

۶۳- قهرمان در تاریخ

۶۴- تاریخ اروپا

۶۵- مسکو و ریشه های فرهنگ روسی

۶۶- هزار و يك پاسخ به

۶۷- روانشناسی و اخلاق

۶۸- قمر مصنوعی

۶۹- طب تجربی

۷۰- زیست شیمی و رفتار ج ۱

۷۱- زیست شیمی و رفتار ج ۲

۷۲- داستان هنر نقاشی

۷۳- خانواده و جامعه

۷۴- مریخ کره اسرار آمیز

دونالدین ویلبر

دونالدن . ك . كرلی

س . والتاین

آدل دیویس

تی . اف . گاسکل

هنری توماس

گرتروود ویلیامز

روزنگلدگر وهربرت هادیس

اینك آسیموف

جین بندیک

اینك آسیموف

بوله تانن هادوم ومیرا استیلمن

هنری . م . نیلی

کلیفورد . تی مورگان

کامیل فلاماریون

ای . بی . کاسکل

کنت واکر

برنارد لوئیس

اینك آسیموف

ریچارد . اس . یانک

آندره و سرو

پل . ج . راکیرز

نویسندگان خارجی

کیلبرت هایت

جان ماسفیلد

فردریک مایر

فردریک مایر

سیدنی هوک

هنری و . لیتل فیلد

آرتور ویس

زان . ل . ریوآر

ژ . آ . هدفیلد

هاتسك . کایزر

کلود برنارد

چندتن از نویسندگان

« «

ه . و . جانسون

ویلیام جی . گود

پیرو سو

دکتر عبدالله فریار

دکتر باهر فرقانی

حبیب الله صحیحی

ناهید فخرایی

مهندس محمود پوزشی

فریدون بدره ای

شکرالله بزرگزار

ناهید فخرایی

دکتر محمود بهزاد

محمد حیدری ملایری

دکتر محمود بهزاد

محمد حیدری ملایری

ابوالقاسم قربانی

دکتر محمود بهزاد

م . ا . ا . تهرانی

مهین میلانی

حبیب الله صحیحی

ماه ملك بهار

دکتر محمود بهزاد

دکتر محمود بهزاد، حمید غروی

سعید نحوی

منوچهر صفا

دکتر باهر فرقانی

ناهید فخرایی

حبیب الله صحیحی

علی اصغر فیاض

علی اصغر فیاض

ا . آزاد

فریده قرچه داغی

دکتر اسماعیل دولتشاهی

یدالله همایونفر

دکتر علی پریور

منصور محمودی

دکتر علی فخرائی

دکتر بهزاد و دکتر امانت

« «

فرح خواجه نوری

ویدا ناصحی (بهنام)

سعید نحوی

Copyright, by B. T. N. K. 1974

Printed in Bahman Press.

Tehran, Iran.

General Knowledge Series

No 76

LA

TURQUIE

**Géographie- Économie - Histoire-Civilisation
et Culture**

Par

JEAN - PAUL ROUX

Traduit en Persan

Par

Dr. Khan-Baba Bayani



B.T.N.K.

Téhéran , 1974